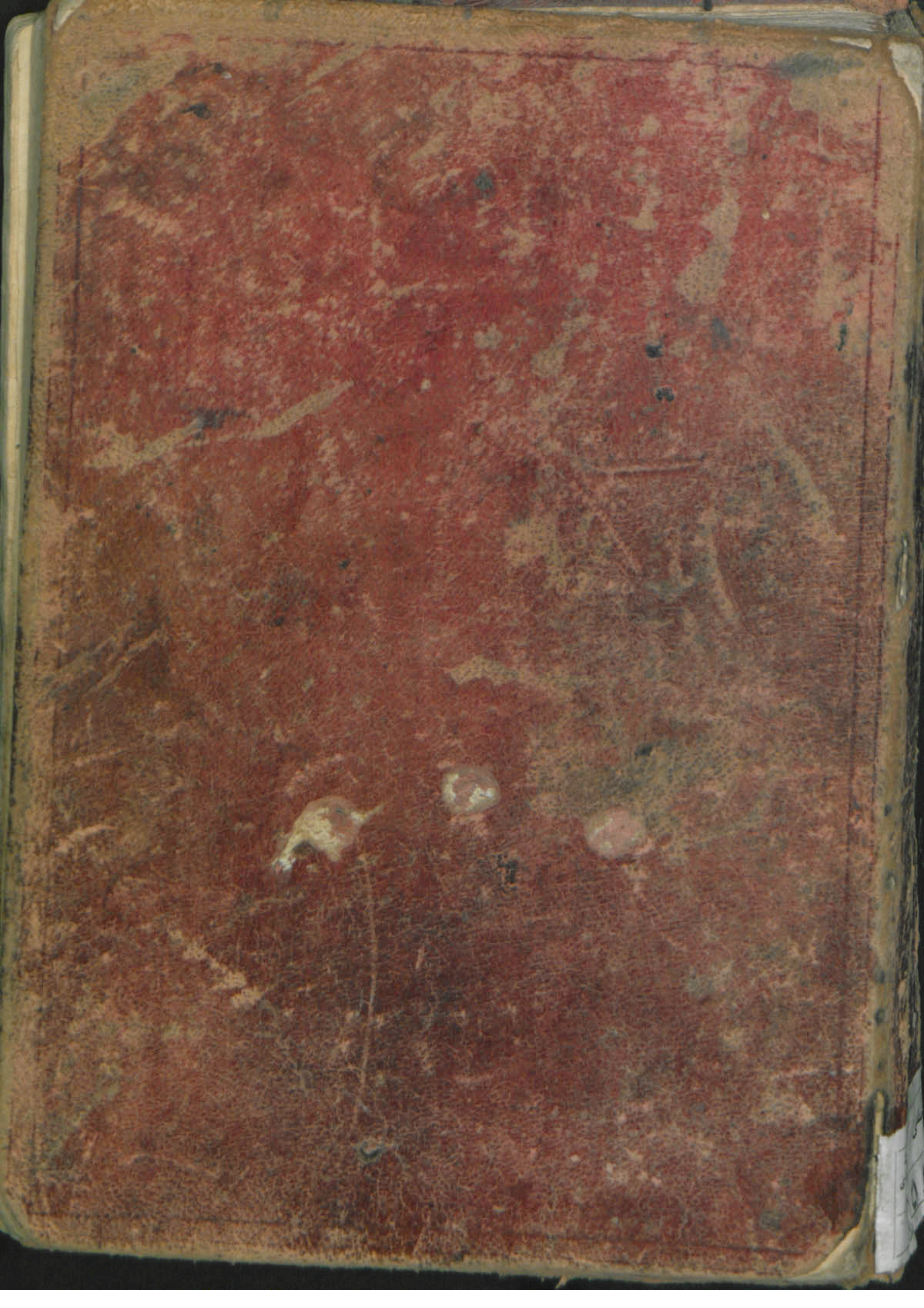
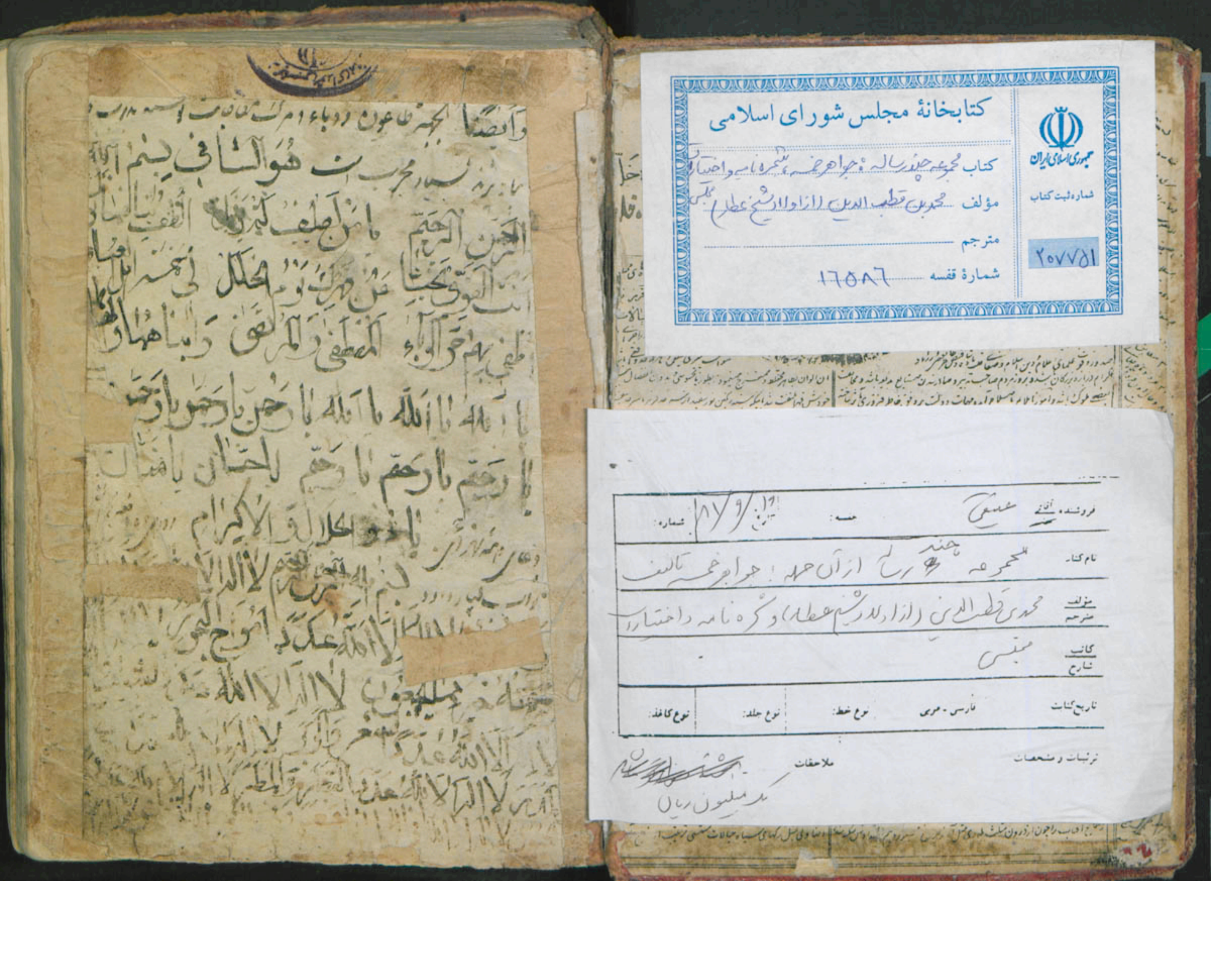




کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شمارهٔ ثبت کتاب
۲۰۷۷۵۱
کتاب مجموعه چند رساله: جواهر خمسه، شجره نامه و اختیارات
مؤلف محمد بن قطب الدین (از اولاد شیخ عطار)
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۶۵۸۶
فروشنده آقای [illegible]
شماره
نام کتاب مجموعه چند رساله از آن جمله: جواهر خمسه تالیف
مؤلف / مترجم محمد بن قطب الدین (از اولاد شیخ عطار) و شجره نامه و اختیارات
کاتب / شارح
تاریخ کتابت
فارسی - عربی
نوع خط
نوع جلد
نوع کاغذ
ترتیبات و صفحات
ملحقات



کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب مجموعه چند رساله: جواهر خمسه، تبصره نامه و اختیارات
مؤلف محمد بن قطب الدین (از اولاد شیخ عطار) عکسی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۶۵۸۶
شمارهٔ ثبت کتاب
۲۰۷۷۵۱



کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شمارهٔ ثبت کتاب
۲۰۷۷۵۱
کتاب مجموعه چند رساله: جواهر خمسه، شجره نامه و اختیارات
مؤلف محمد بن قطب الدین (از اولاد شیخ عطار)
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۶۵۸۶


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۲۰۷۷۵۱
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۶۵۸۶

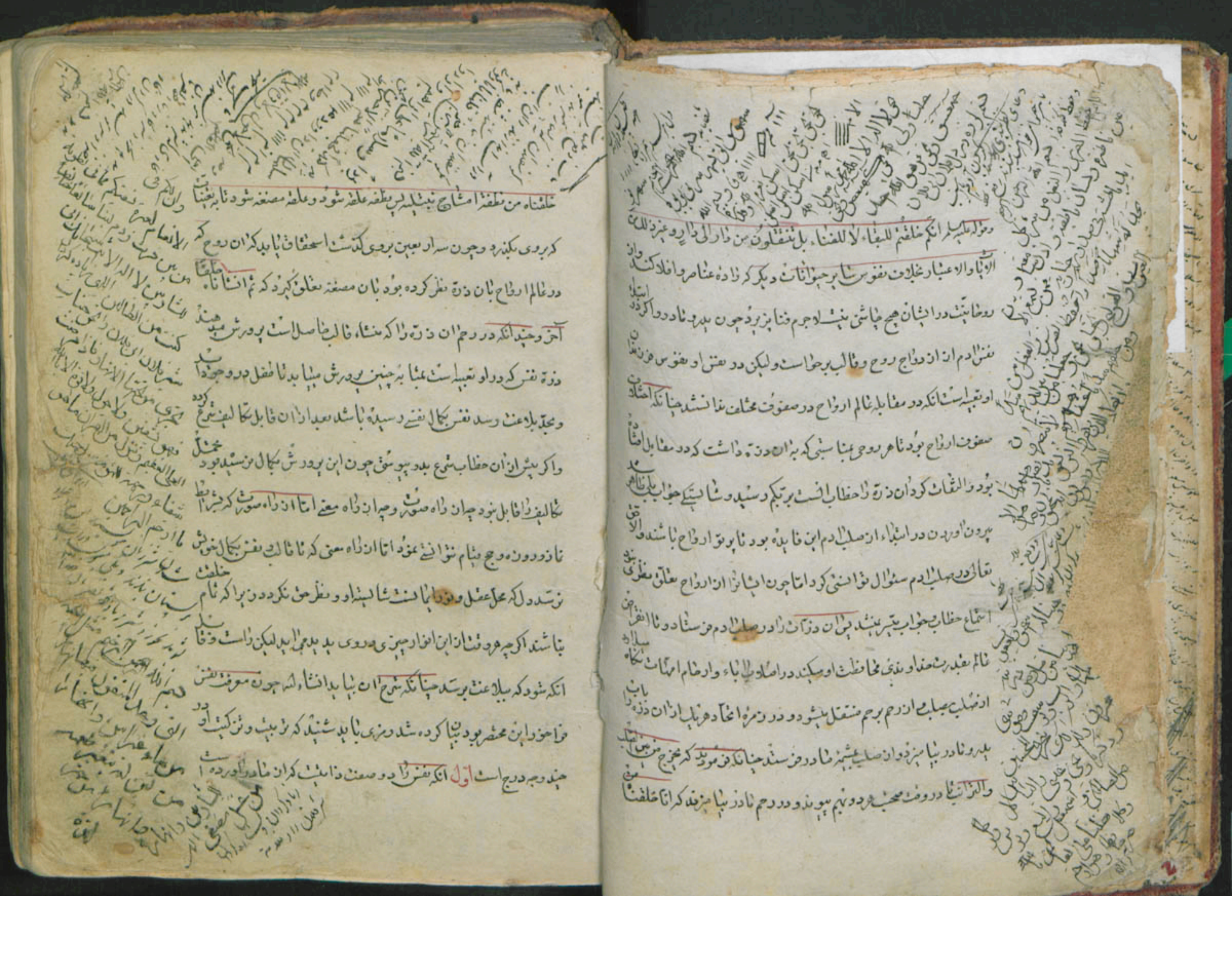

قال امير المؤمنين
على عليه السلام الصوفي
مشتق من الصاد والواو والفاء
الصاد يدل على الصدق والصبر و
والواو يدل على الود والورع و
الفاء يدل على الفرح والفقر والفنا



بسم الله الرحمن الرحیم

در بیان تهذیب نفس و معرفت آن قال الله تعالی و نفس و ما سویها فالهمها فجورها
و تقویها قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها قال النبی صلی الله علیه و آله اعدا
عدوک نفسک التی بین جنبیک بدانکه نفس دشمن دوست نما است و حیله او را
نهایت نیست و دفع شر او کردن و مقهور کردانیدن اصعب و اهم امور است زیرا که او
دشمن تو بین دشمنا است در شیاطین و کفار و ما من مؤمن الا و له او بعد
و از این جهاد دشمنی او زیاده از همه است پس ترتیب و اصلاح آن از صفت اما
بمقام مطمئنگی در آوردن لازم است از بهر آنکه از شناخت او شناخت حق
آید که من عرف نفسه فقد عرف ربه بدانکه نفس باصطلاح ارباب طریقت عبارت
از بخاری است لطیف که منشأ آن صورت دل است و اطبا آن را روح حیوانی گویند و او با

باعث جمله صفات ذمیمه است چنانکه فرموده ان النفس لامارة بالسوء اما موضع
در قالب بدانکه نفس بر جملگی اجزاء و اعضاء قالب محیط است چنانکه روغن در
کل اجزاء کنجد تعبیه است و آنچه جناب مقدس نبوی صلی الله علیه و آله و سلم فرموده
بین جنبیک یعنی میان دو پهلوی تست اشاره بآنست که بیشتر از صفات او از میان
دو پهلوی ظاهر میشود چون شره اکل و شرب و شهوت و فرج و غضب و نفس دیگر
حیوانات در تن ایشان همین نسبت دارد از راه صورت لیکن نفس انسان از
دیگر است که در نفوس حیوانات نیست وجود نفس از ازدواج روح و قالب
بهم رسید مثال زنی و مردی با هم جفت شوند از ایشان دو فرزند پیدا شود
یکی نر که به پدر ماند و دیگری ماده که بمادر ماند همچنین از ازدواج روح و قالب
دو فرزند دل و نفس پدید آمد اما دل پسریست که به پدر روح شباهت دارد و نفس
دختری که بمادر خاکی میماند در دل همه صفات حمیده علوی روحانی بود و در نفس
همه صفات ذمیمه خاکی سفلی و لیکن چون نفس زاده روح و قالب است بعضی از صفات
حمیده که تعلق بروحانیت دارد هم دارد است و از این جهت نفس انسانی بقا یافت
قال الله تعالی و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

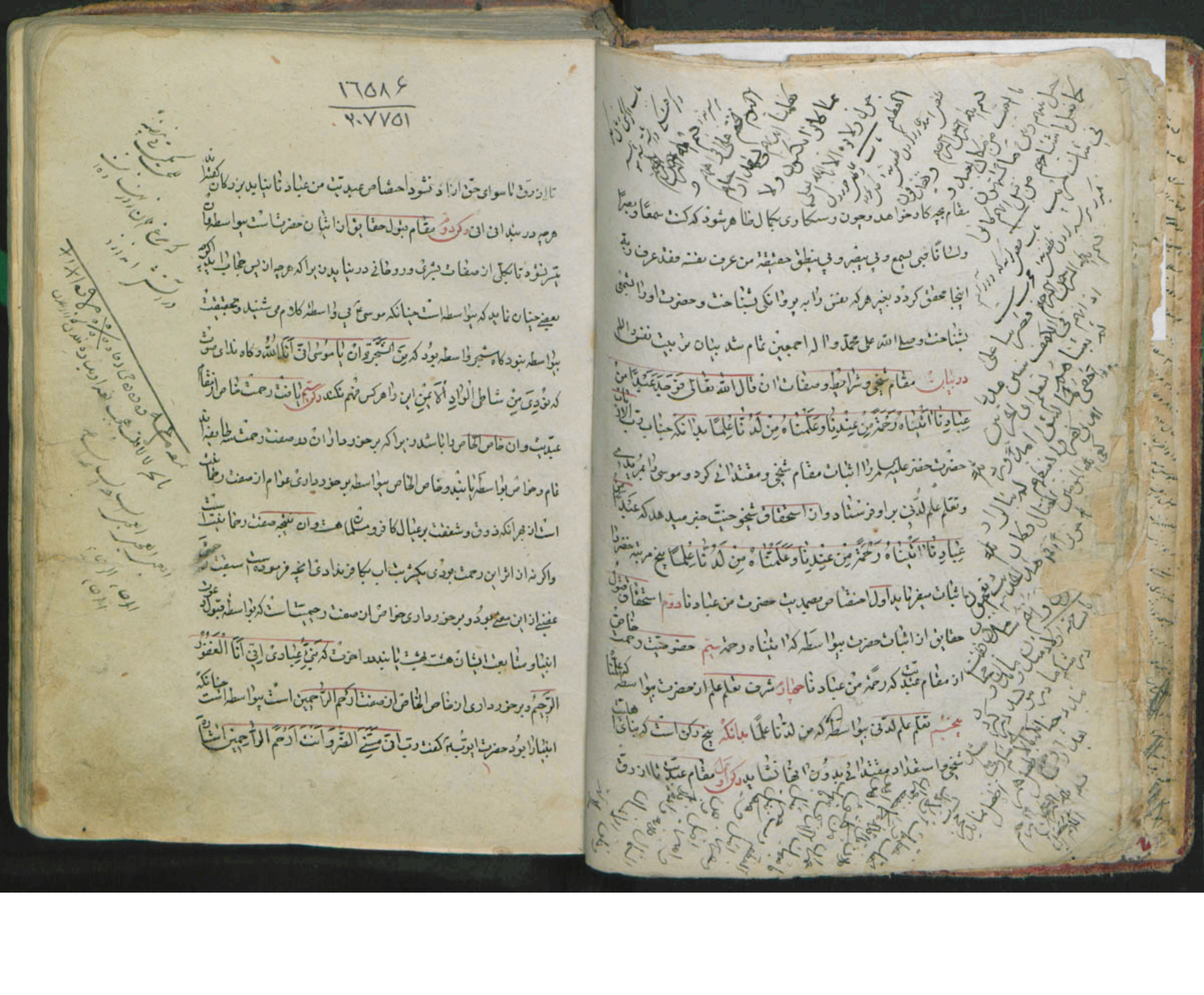


وقوله عليه السلم انكم خلقتم للبقاء لا للفناء بل تنتقلون من دار الى دار و عزد للك
الاٰباء والاعتبار بخلاف نفوس سایر حیوانات دیگر که زاده عناصر و افلاك اند و از
روحانیت در ایشان هیچ چاشنی نیست او جرم فنا پذیرد چون بدیر نماند در اکرد اسلاء
نفس ادم از ارواح روح و قالب برخاست ولیکن در نفس او نفوس هر زمان
او تعبیه است انکه در مقابله عالم ارواح در صفوف مختلف ندا نشنید چنانکه احتاد
صفوف ارواح بود تا هر روحی مناسبتی که بدان درّه داشت که در مقابل افتاد
بود و التفات کرد آن ذره را خطاب الست بربکم دشنید و شایسته جواب بلی ظاهر
بیرون اوردن در ابتداء از صلب آدم این فایده بود تا پرتو ارواح باشند و الاحق
تعالی در صلب آدم سؤال نتوانستی کرد اما چون ایشان را از ارواح تعلق نظری بود
استماع خطاب و جواب میسر نشد پس آن ذرات را در صلب آدم فرستاد و تا انقراض
عالم بقدرت خداوندی محافظت او میکند در اصلاب آباء و ارحام امهات سلاله
از صلب بصلب از رحم برحم منتقل میشود و در زمره اتحاد هر یک از آن ذره با باب
پدر و مادر بیامیزد و از صلب و ترائب مادر فرستد چنانکه فرمود که یخرج من بین الصلب
والترائب در وقت صحبت هر دو بهم پیوندد و در رحم مادر بیامیزد که انا خلقنا

خلقناه من نطفة امشاج نبتلیه پس نطفه علقه شود و علقه مضغه شود تا به تعبیه
که روی بکند و چون سر او تعین بروی گذشت استحقاق یابد که آن روح که
در عالم ارواح بآن ذره نظر کرده بود بآن مضغه تعلق گیرد که ثم انشأناه خلقا
آخر و چند انکه در رحم آن ذره را که منشاء قالب حاصل است پرورش میدهند
ذره نفس که در او تعبیه است هم با بر چنین پرورش میباید تا طفل در وجود آ
و بحد بلاغت رسد نفس بکمال نفسی رسیده باشد بعد از آن قابل تکالیف شرع
و اگر پیش از آن خطاب شرع بدو پیوستی چون این پرورش بکمال نرسیده بود
تکالیف را قابل نبود چنان راه صورت و چه از راه معنی اما از راه صورت که هنوز بط
تا در درون رحم تمام نتوانستی عمود اما از راه معنی که تا قالب نفس بکمال خویش
نرسد دل که محل عقل و نور ایمانست شایسته او و نظر حق نکردد بر اکر تمام
نباشند اگرچه هر دو قنا از این انواع چیزی در روی بدید آید لیکن داشت و فا
انکه شود که بیلاغت برسد چنانکه شرح آن بیاید انشاءالله چون معرفت نفس
و اخوذ این مختصر بود بنا کرده شد و نری بیاید شنید که ترتیب و ترکیب او
چند وجه درج است اول آنکه نفس را دو صفت ذاتیست که آن مادر او رده

و باقی صفات ذمیمه که او صفات تعلیه است از این دو اصل تولد می‌کند
این دو صفت که ذات اوست این غضب است و هوا و این هر دو در خاصیت مناسب
اربعه است که مادهٔ نفس هر هوا را میل و قصد باشد بسوی اعلی و قصد باشد بسوی
اسفل و این از خاصیت آب خاک است و غضب را ترفع و تکبر خاصیت هوا و آتش
بر این دو صفت از نار دوزخ است و چنین تا هر دو دوزخ این دو صفت دیگر دوزخ
دوزخ از آن متولد است و این دو صفت هوا و غضب بالضرورة در نفس باید باشد
تا بوقت هوا امتنان منافع کند و بوقت غضب دفع مضار تا در عالم کون و فساد وجود
او باقی ماند و پرورش یابد اما این دو صفت را بحد اعتدال نگاه باید داشت
که نقصان این دو صفت سبب نقصان عقل و ایمان تربیت و تزکیه نفس اعتدال
و نشانهٔ این صفت هوا و غضب است تا هم نفس و هم بدن هر دو سالم
مانند و هم عقل و ایمان در ترقی باشد و هم در مواضع خویش هر یک را بفرمان شرع
استعمال کند و در آن حق تقوی را مرعی دارد و در طلب حقیقت بکوشد چه ورع
تقوی است بدانکه جملگی صفات را بر حد اعتدال نگاه میدارد تا بعضی غالب
نشوند و بعضی مغلوب که این صفت بهائم است و سباع زیرا که بر بهائم صفت

وصول آن حضرت و بیش از این دو عالم ارواح این دولت نداشت همچون ملائکه
بمقام خویش راضی بوده و از شمع جمال احدیت مشاهده نوری و صوفی قانع
گشته و ما منا الا وله مقام معلوم و زهرهٔ آن نداشت که قدم از آن مقام
فراپیش نهد چنانکه جبرئیل میگفت لو دنوت انملة لاحترقت و لیکن چون
بعناصر جفتی کرد از ازدواج ایشان دو فرزند هوا و غضب پدید آمد هوا
جهول بود و غضب ظلوم تا روی نفس در اسفل بود این دو ظلوم و جهول او را
در این مطالب محو انداخت چون در روح اسیر ایشان بود جمله هلاک شدند
تو ضیق و ضنک گشته و بکمند جذبه ارجعی الی ربک نفس توسن صفت را بمقام
علو و حضرت خواندند روح که بمراد غافل چون بمقام معلوم خود رسید
خواست که جبرئیل وار عنان بازکشد نفس توسن صفت چون پروانه بر وی
بظلومی و جهولی که هوا و غضب باشد خود را بشمع احدیت زد و ترک وجود
مجازی و دست در کردن شمع کرد تا شمع وجود مجازی پروانگی او را بنور وجود
شمعی حقیقی مبدل کرد آنگه تا نفس در این مقام باعانت ظلومی و جهولی خویش بنگاه
نرسد و این دولت شناخت که او چیست و او را از بهر چه آفریده‌اند و در کدام



مقام بچه کاد خواهد معون و سکاری بکمال ظاهر شود که کنت سمعاً و بصراً

و لساناً فبی یسمع و بی یبصر و بی ینطق حقیقة من عرف نفسه فقد عرف ربه

اینجا محقق کردد بغیر هر که نفس را به پوراند که شناخت و حضرت او را شنیعی

شناخت و صلی الله علی محمد و آله اجمعین تمام شد بیان ترتیب نفس و الله

در بیان مقام تجلی و شرائط و صفات ان قال الله تعالی فوجدا عبداً من

عبادنا آتیناه رحمة من عندنا و علمناه من لدنا علماً بدانکه جناب رب الارباب

حضرت خضر علیه السلام را اثبات مقام تجلی و مقتدائی کرد و موسی را بر مدا

و تعلم علم لدنی بر او فرستاد و از استحقاق تجلی حضرت خبر مید هد که عبداً

عبادنا آتیناه رحمة من عندنا و علمناه من لدنا علماً پنج مرتبه حضرت را

ثبوت را اثبات میفرماید اول اختصاص عبدیت حضرت من عبادنا دوم استحقاق

خطابی از اثبات حضرت بی واسطه که آتیناه رحمة سیم حضوریت رحمت خاص

از مقام عبدیت که رحمة من عبادنا چهارم شرف تعلم علم از حضرت بی واسطه

پنجم تعلم علم لدنی بی واسطه که من لدنا علماً بدانکه پنج رکن است که بنای

تجلی و استعداد مقتدائی بدون آنها نشاید دکر اول مقام عبدیت تا از دوئی

١٦٥٨٦
٢٠٧٧٥١

تا از دوئی ناسوای حق آزاد نشود اختصاص عبدیت من عبادنا نیابد بزرگان گفته‌اند

هر چه در بند آنی بنده آنی دکر دوم مقام قبول خطاب بی آن اثبات حضرت است بی واسطه

میسر نشود تا تجلی از صفات بشری و روحانی در نیابد بر آنکه هر چه از پس حجاب آید

یعنی چنان نماید که بی واسطه است چنانکه موسی بی واسطه کلام می‌شنید و حقیقت

بی واسطه نبود که شجر واسطه بود که من الشجرة ان یا موسی انی انا الله و که ندای صوت

که نودی من شاطئ الواد الایمن این را هر کس فهم نکند دکر سیم یافت رحمت خاص از مقام

عبدیت و آن خاص الخاص را باشد و هر که برخوردار از دو صفت رحمت طایفه‌اند

عام و خاص بی واسطه باشند و خاص الخاص بی واسطه برخوردار عوام از صفت رحمانیت

است از بهر آنکه ذوق و شفقت بر عیال کافر و مسلمان هست و آن نتیجه صفت رحمانیت

و اگر نه از اثر این رحمت بودی بکثرت اب بکا فرندادی آنچه فرموده است سبقت

غضبی از این معنی بود و برخوردار خواص از صفت رحیمیت است که بی واسطه قبول کرد

انبیا و متابع ایشان هست نبینی با بندها امر آمد که نبئ عبادی انی انا الغفور

الرحیم و برخوردار از خاص الخاص از صفت ارحم الراحمین است بی واسطه است چنانکه

انبیا را بود حضرت ایوب کفت رب انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین
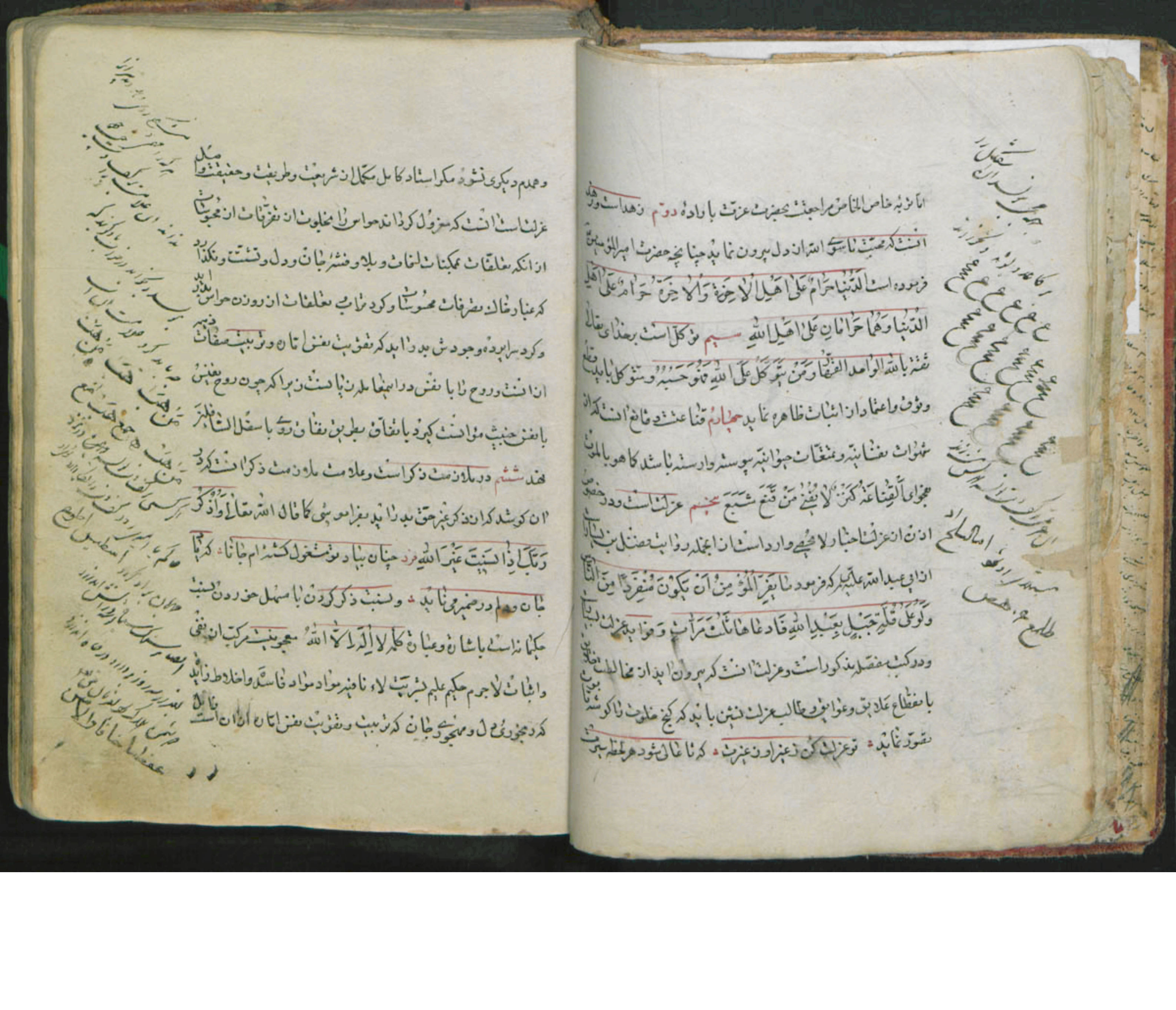


برحمت بواسطه استاد مقام عبدیت که در حق من عندنا وآن از نتیجه صفات الوهیت
و محو آثار بشریت و تخلق باخلاق ربوبیت دیگر چهارم تعلم علم از حضرت بواسطه وافق
باشد که لوح دل را از نقوش علوم رسمیها و عقل و سهو و حتی پاک کند تا این انواع
دل ثابت و از استعداد قبول علوم از حضرت بواسطه دیگر پنجم تعلم علم لدنی بی‌واسطه باشد
چنانکه در حضرت داود و علمناه صنعة لبوس و علم صنعت زره از علوم لدنی بی‌واسطه باشد
اگرچه از حق بود و علم لدنی تعلق بمعرفت ذات و صفات حق دارد که بواسطه
تعلیم حق حاصل آید چنانچه از حضرت نبوی صلی الله مأثور است عرفت ربی بربی
و یافت این علم بدان حاصل شود که مرد از وجود خویش برآید تا در این بی‌ودن
از لدن خویش بر لدن خاصی برسد آنجا تلقی علم باید چنانکه حضرت پیغمبر
وانک لتلقی القرآن من لدن حکیم علیم و مقام شیخی و دعوی حصر باید اما باید
ارکان که مذکور شد بیت صفت در او موجود باشد اول آنکه دست‌به طالب
ضروری از علم شریعت با خبر باشد دوم اعتقاد خوب و اعتقاد اهل سنت
باشد سیم باید که با عقل دینی معاش و نبوی بکمال دارد چهارم سخاوت
تا بما یحتاج مرید بوسع قیام تواند پنجم شجاعت از ملامت خلق نترسد

نترسد ششم عفت است باید مجتنب و از ملاهی التفات نکند هفتم
علو همت است باید که بدنیا و اهل دنیا التفات نکند الا بقدر ضرورت هشتم
شفقت است در حق مرید نهم حلم است که حلیم و بارکش باشد دهم عفو است
اگر از مرید حرکتی ناپسندیده آید عفو کند یازدهم خلق است باید خوش‌خو باشد
دوازدهم ایثار است باید در وی ایثار باشد با مرید سیزدهم کرم است باید
در وی کرم و ولایت باشد تا مرید بخشش و لایت فواید دهد چهاردهم توکل است پانزدهم
تسلیم است شانزدهم رضا بقضای حق است هفدهم وفا است و حرمت با مریدان
نگاه کند هجدهم سکونت است که در کارها تعجیل نکند نوزدهم ثبات است
در کارها ثابت قدم باشد بیستم هیبت باید که مرید هیبتی از او و شوکت و عظمتی
در دل بود تا در غیبت حضور شود تا باشد این است مقام مرشدی
در بیان شرایط و صفات مریدان اول اگر کسی خواهد که به پرورش خود شغل علم
و عقل خویش دهد علم و عقل از این صفات عاجز و هرگز بمراد نرسد و خطرات باشد
که در ورطه هلاک و وادی سفك افتد باید بخدمت شیخ برسد و چون بخدمت شیخ برسد
مریدی صفت که از شرایط آداب مریدیست باید موصوف و مخصوص گردد تا سلوک را بکمال



وجود و برخیزد و حق را ندا نماید و مناجات کند و عبادت حق نه از جهت بهشت و دوزخ
یا از بهر کمال و نقصان و هرچه حضرت عزت برو راند بدان راضی باشد والسلم
در بیان معنی تصوف قد سئل عن علی بن ابی طالب علیه السلام عن معنی التصوف فقال
مشتق من التصوف و هو ثلثه احرف صاد و واو و فاء الصاد صبر و صدق
و صفاء والواو ود و ورد و وفاء والفاء فقر و فرد و فناء در بیان کیفیت سلوک
و رفتار سالکین الی الله که عرفای کاملین اخذ از صاحب ولایت کلیه نموده اند
و بسبب این سلوک ذره و قطره از مرتبه ولایت دریافته اند و فراخور استعداد
خود بقرب معنوی جناب صاحب الاعظم و نور الله الاکرم مکرم و سرور انبیاء و فقد
جمیع ما سوی باشد فایز گردیده اند تا اینکه بسبب آن فیض عظیم و عطای کریم آن
عرفای کاملین و حکمای متالهین سعدود شده بوصف ممتحن گردیده اند و از خود
خود محل اسرار ائمه اطهار گردیده اند خواه صوفی باشد و اطلاق نشود بآن نیز
ده اصل قرار داده نموده اند اول توبه و توبه ندامت است از معصیت
که اگر یاد شود بر مثل آن میل نکند این توبه عام است و توبه خاص آنست
که تا بیرون آید از لذت صورت ظاهره و در آید در خلوتخانه باطن اما

او زاد دست دهد دوم مقام توبه نصوح کند از جمله اموری که مخالف شرع شریف
میباشد سیم زهد است که باید از دنیا بکلی اعراض نماید خواه جاهی و مالی
تجرید است که مجرد شود پنجم عقیدت است باید که در اعتقاد اهل بدع و ضلالت
نباشد ششم تقوی است باید که پرهیزکار و درستکار باشد هفتم صبر است
باشد هشتم مجاهده با نفس است نهم شجاعت است که با نفس و شیطان مقاومت
نماید دهم سخاوت است یازدهم فتوت که جوانمردی باشد دوازدهم صدق است
علم است که حاصل نماید آنچه فرایض خود بداند چهاردهم بنا است باید هیچ وقت
بنا از دست ندهد پانزدهم عبادت که کارها خیر باشد باید لا ابالی وار در
در اندازد شانزدهم ملامت است باید که صفت و قلندر شهرت باشد نه آنکه ارتکاب
شرع کند و بنیاد که ملامت است بان معنی که مدح و ذم و رد و قبول خلق برابر
باشد هفدهم عقل است که حرکات او مضبوط باشد هیجدهم ادب باید که خود
اخلاق باشد نوزدهم حسن خلق است باید که بخوشی کشاده طبع و خوش خو باشد بیستم
تسلیم است باید بظاهر و باطن تسلیم ولایت شیخ خود بود و متصرفات خود را از
محو کند بیست یکم نفی نفس است باید که چون مرید قدم در راه طلب نهاد بکلی



اما توبهٔ خاص الخاص مراجعت بحضرت عزت با رادهٔ دوم زهد است و زهد
آنست که محبت ماسوی الله از دل بیرون نماید چنانچه حضرت امیر المؤمنین
فرموده است الدنیا حرام علی اهل الآخرة والآخرة حرام علی اهل
الدنیا وهما حرامان علی اهل الله سیم توکل است بخدای تعالی
ثقة بالله الواحد القهار ومن یتوکل علی الله فهو حسبه و متوکل باید
وثوق و اعتماد از اسباب ظاهره نماید چهارم قناعت و قانع آنست که از
شهوات نفسانیه و متنعمات حیوانیه پوشیده باشد کما هو بالمؤمن
بمحواء القناعة کنز لا یفنی من قنع شبع پنجم عزلت است و در خصوص
اذن از عزلت اخبار لا یحصی وارد است از آنجمله روایت حنبل بن اسحاق
از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود ما یضر المؤمن ان یکون منفردا من الناس
ولو علی قلة جبل بعبد الله فادعاها ثلث مرات و هوا پیه عزلت لبیان
و در کتب مفصله مذکور است و عزلت آنست که بیرون آید از مخالطت خلق
با نقطاع علایق و عوایق و طالب عزلت نشین باید که کنج خلوت را کوشه بیرون
مقصود نماید تو عزلت کن ز غیر او ز عزت که تا عالی شود هر لحظه عزت

و همدم دیگری نشود مگر استاد کامل مکمل از شریعت و طریقت و حقیقت و ملک
عزلت است آنست که معزول کرداند حواس را مخلوق از تفرقات از محسوسات
از آنکه متعلقات ممکنات لغات و بلاد و فشرجات و دل و تشتت و نکد اورد
که عبارت خالت تصرفات محسوسات و کدورات متعلقات از روزن حواس بدید آید
و کدورت را بردهٔ وجودش بدرد باید که تقویت عقل تمام و ترتیب صفات ذمیمه
از انسان و روح را با نفس در اجتماع ملازمت باشد زیرا که چون روح مقتضی
با نفس خبیث موانست کیرد با تفاق بطریق تقاضای ذوق باسفل السافلین
تهد ششم در ملازمت ذکر است و علامت ملازمت ذکر آنست که در دل
آن کوشد که از ذکر غیر حق بدر آید بفراموشی کما قال الله تعالی واذکر
ربک اذا نسیت غیر الله فرد چنان بیاد تو مشغول کشته ام جانا که هم
جان و هم دو ضمیر مینماید و نسبت ذکر کردن با مسهل خوردن نسبت
حکمانه است باشاره و عبارت کلمه لا اله الا الله معجونیست مرکب از نفی
و اثبات لاجرم حکیم علیم شربت لا نافیه مواد فاسده و اخلاط زاید
که در مجوف دل و مجوف جان که ترتیب و تقویت نفس اماره از آن است زایل

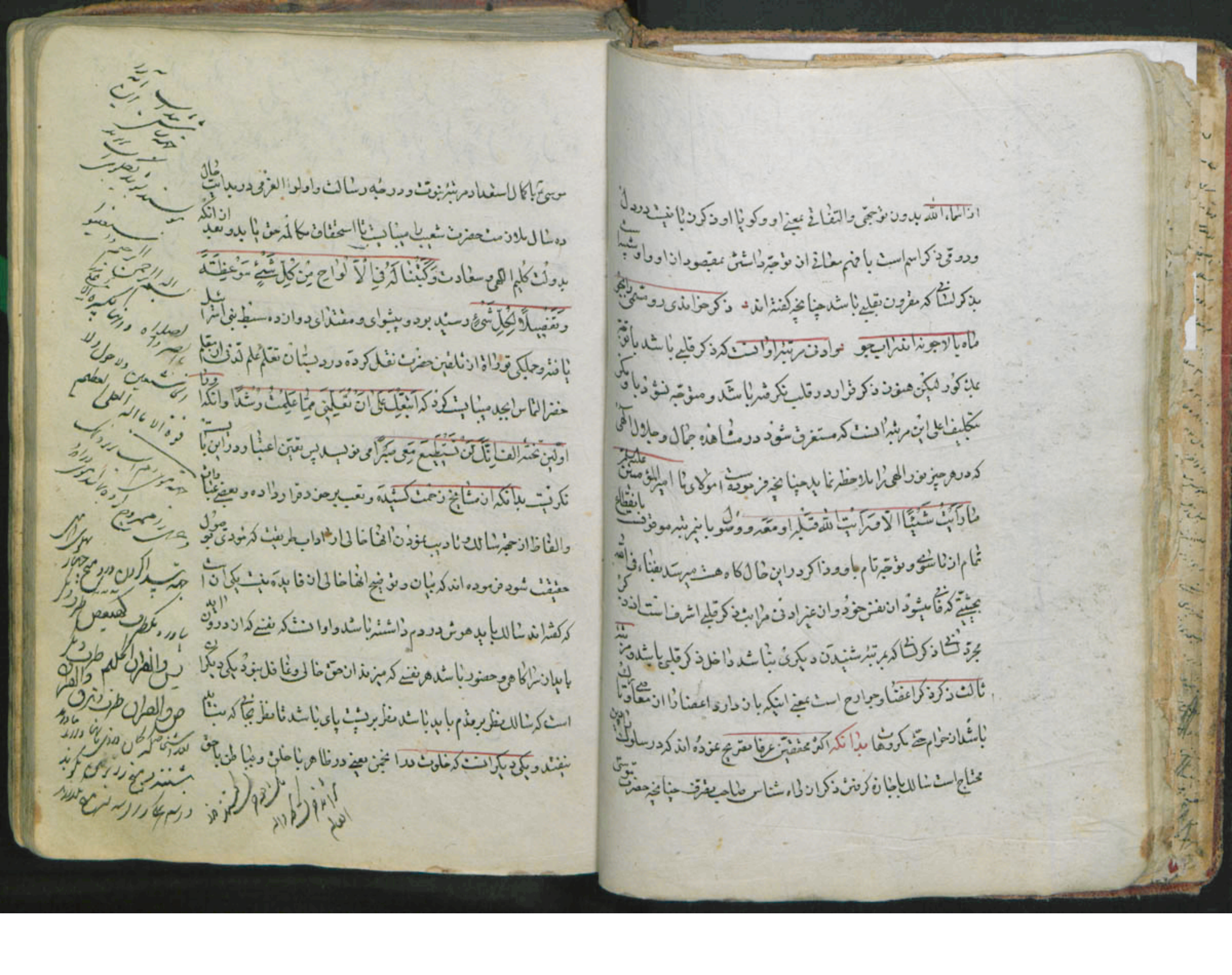
میکرداند و علامات خستگی دل و بستگی روح با خلاف ذهم بصفا شهوات
شهوات نیز چون انبیه و تعلقات کونیه است **فرد** کو زانکه ذکر خفی شربتی نوش کنی
این جمله خستگی فراموش کنی و در باب که اثبات الا الله صحت و سلامت
دل و جان می افزاید و سدهٔ شهوت و عقدهٔ شبهت از روی اخلاق و سلامت
سلامت می گشاید تا مزاج محتاج بعلاج با غذاء الاصلح که کل شیء یرجع الی اصله
باز آید در فهم سلاسل ذکری که مبتدی را جانب و تلقین سید هند ذکر شریف
است لکن بعضی الحی و بعضی یا الله و بعضی دیگر یا هو لا هو الا هو اجابات
سید هند عارف محدث در شرح من لا یحضره الفقیه فرموده است ذکری که قوم او
از سجه مخصوص منوطات و بر مثبات تجربه نموده اند یا حی یا قیوم یا من لا اله الا
انت است من هم یعنی مصنف میگوید بجز این ذکر را عوده ام لیکن اکثر اوقات
ذکر یا الله بود با احتیاج ناسوی از قلب بعضی میانند ذکر خفی و جلی جمع می نمایند
و بعضی محض میانند بدانکه خفی که ذکر قلبی بود اما منع از ذکر جلی نکرده اند
و بعضی دیگر جلی را منع مینمایند و او را بدعت میدانند چرا که از شارع صلی
الله و سلام برای روش دور نشستن و حلقه زدن و ذکر نمودن نرسیده

مگر حلقه نشین از جهة اخذ احادیث و این هم حقیقت ذکر است اگر کسی بگوید
بسیار چیزهای متعارف حال از ملبوس و ماکول از جناب شرع نرسیده اما باید
اینها ممنوع و بدعت باشد و حال آنکه منع از اینها نکرده اند ذکر جلی هم از آن قبیل
است جواب میگوئیم که امورات عادیه حال که معمول شود از ماکول و ملبوس
که دخل بعبادت ندارد و موجب بدعت نشود اما عبادت باین وجه نمودن
خالی از خدشه و سوء ادب نیست بدانکه جمیع صفات الهی که معلوم است نزد خلق
با صفات جلال و با صفات جمال است اما او کیش با آنکه نه جسم است و نه جوهر
و نه عرض و نه مکان است و نه حال است و نه محل و این بعینه مثل اینست که کسی
مخاطب کند سلطان را با آنکه یعنی کور و نه کور و نه کنک و نه شل و این کلام بسبب داده
میشود و سوء ادب و مستوجب میشود به زجر و تادیب و اما صفات اکرام مثل آنکه
بگویند الله تعالی خالق خلایق و رازق عباد است و این نیز خالی از سوء
ادب نیست بدو وجه **اول** آنکه کمال صانع از این اجل و اعلی است از آنکه
وصف کرده میشود بعقل و صفت حق در خصوص هیچ صانعی که خبر محض باشد
و در آنچه از شر و نقص در او نباشد **دوم** اینست که شخصی که هرگاه شروع نماید



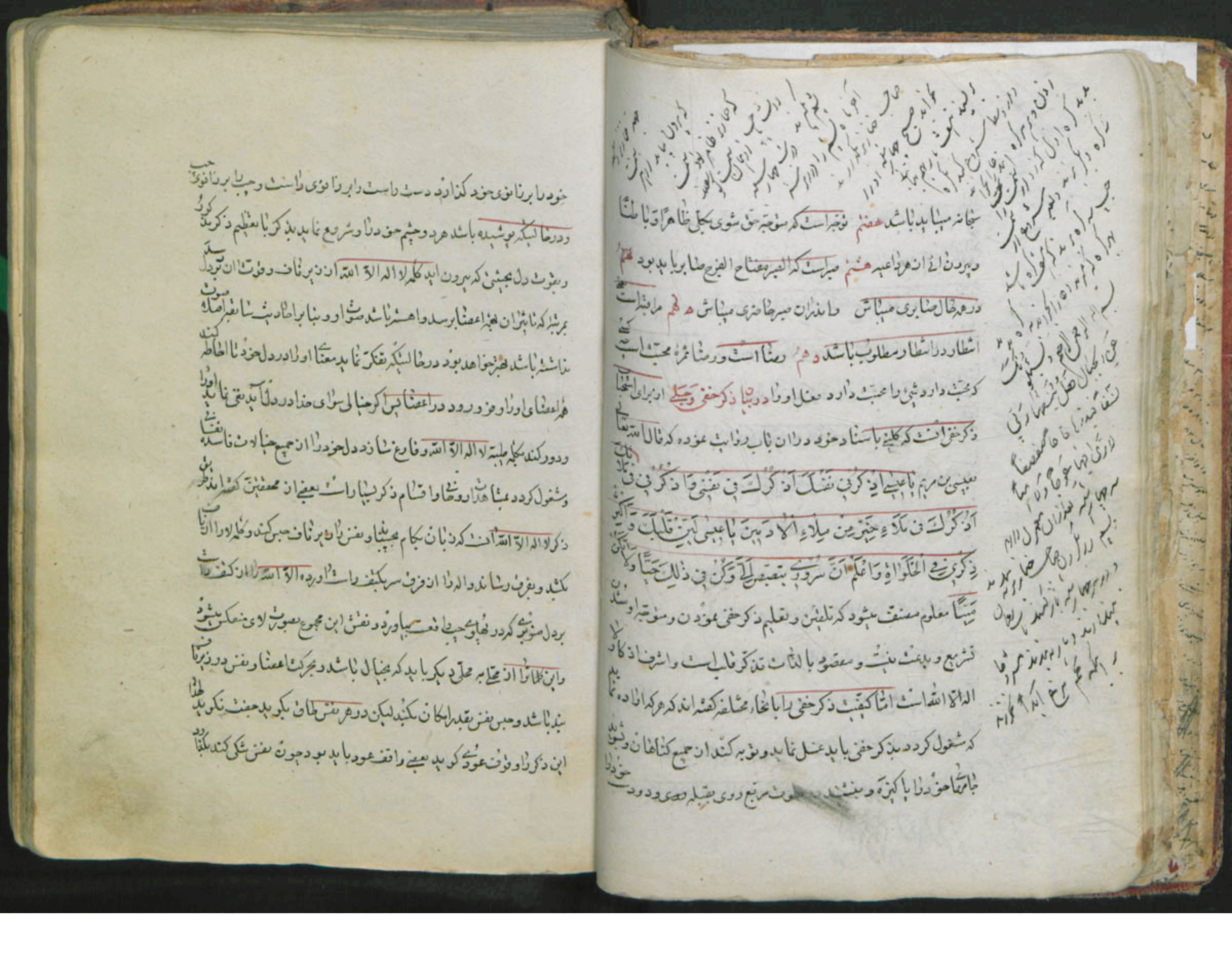
تا هر در مدح سلطانی که تا الله باشد جمیع ادمی برو بحر را با اینکه بگوید عطا نمودن
فلان مضر را فقره آن آب مقطعه از نان الشیراز موجب سقط و زجر میشود
است اینکه نسبت جمیع مخلوقات از عرش تا فرش نسبت با تخیه دو حرا بن الهی بین
ملک است آن نسبت قطعه از نان و قطره از آب بجمیع خزاین دنیا چه او نسبت متناهی
بغیر متناهی است علاوه انحا هر گاه در این سو ادیب باشد در او و طریق
سو ادب خواهد بود و تفاوت که هست اینست که در اینجا سببی هست که باعث
این مداح کردیده و او اینست که نفس انسانی مستغرق شده است در عالم حیوان
و هر گاه خواسته باشد که حبیب نماید او را بعبثه احد سوء متاصید با اینکه
کنند او را بر کمال حضرت معلمه و بیت داعی بمعرفت کمال الله و جمال او ملک
و از این جهت است که جناب قدس الهی امر و وصیت فرموده است بندگان خود را
بر بسیاری ذکر چنانچه فرموده است واذکروا الله ذکرا کثیرا لعلکم تفلحون
تا اینکه باز ندارد ایشان را چیزی از تجارت و نه بیع و نه اکل و نه شرب از معرفت
بندگان و بندگی او تعالی و نبود همت ایشان معروف از ترقی کوی عالم قدس
در طلب اغراض حیوانیه چه رستگاری ایشان در خلاصی از این نشاه فانیه و رستگاری

در رستگاری ایشان متوسط یاد تقاء نشاه غالبه است و بهتر رستگی ببینند که متعاد
برند که نشر و مکرر نمودن او علی الاستمرار باعث محبت و قرب با و میشود چنانچه
فرموده اند علامت محبت ذکر نمودن محبوب است و من احب شیئا اکثر ذکره
و آن آنست که صاحبان بصیرت مستنیره متنوع معرفت فرموده اند که ذکر را اقسام
روحیه و قلبیه و نفسیه و بدنیه است و لیکن از برای او مراتبی است بعضی از آنها
قشر است و بعضی لب و لب لب و آن برای هر ذکری نتیجه است و نتیجه ذکر نمودن
عبد خدا را ذکر نمودن خداست مر او را چنانچه فرموده است فاذکرونی اذکرکم
آیه شریفه متضمن شرط و جزء است و قیاس استثنائی اثبات مقدم مستلزم
اثبات تالی میباشد و بعضی گفته اند که در عبادت تقدیم و تاخیر هست مثل
قوله تعالی یحبهم و یحبونه و قوله و رضی الله عنهم و رضوا عنه چه محبت
ایشان مر او را راضی بودن ایشان از او نتیجه محبت و خوشنودی خداست
از ایشان و حرف فاء ماده کرونی که از برای تعقیب است اشعاری باین
دارد و مراتب ذکر یکی ذکر لسانی است مطلقا و اوپس ترین مراتب او است
دوم ذکر قلبی است و از برای او نیز مراتب است یکی بمجرد توجه قلب است با معنی



از اسماء الله بدون توجهی و التفاتی بمعنی او و گویا او و ذکر دنیا نیست در دل
و در وقتی ذکر اسم است با فهم معانی آن توجه داشتن بمقصود از او و او و شنیدن
به ذکر لسانی که مقرون بقلبی باشد چنانچه گفته اند ذکر جزا مذی دو مثنی را نجو
ماه یاد جو ندانند ایجو دوم ذکر مرتبه اوست که ذکر قلبی باشد باوجود
عمل کردن لیکن هنوز ذکر قرار در قلب نگرفته باشد و متوجه نشود بی
تکلیف اعلی این مرتبه است که مستغرق شود در مشاهده جمال و جلال الهی
که در هر چیز نور الهی را ملاحظه نماید چنانچه فرموده است مولای ما امیر المؤمنین علیه السلام
ما رأیت شیئاً الا و رأیت الله قبله او معه و وصول باین مرتبه موقوف بانقطاع
تمام از ماسوی و توجه تام با و و ذاکر در این حال گاه هست میرسد بفناء فی الله
بحیثیتی که فانی میشود از نفس خود و از غیر او در مراتب ذکر قلبی اشرف است از
مجرد لسانی ذکر لسانی که مرتبه شنیدن دیگری نباشد داخل ذکر قلبی باشد و مرتبه
ثالث ذکر اعضا و جوارح است یعنی اینکه باز دارد اعضا را از معاصی تا
باشد از حرام حتی مکروهها بدانکه اکثر محققین عرفا تصریح نموده اند که در سلوک راه دین
محتاج است سالک باجازه گرفتن ذکر از دانا شناس صاحب معرفت چنانچه حضرت موسی

موسی با کمال الاستعداد مرتبه نبوت و درجه رسالت و اولوا العزمی در بدایت حال
ده سال ملازمت حضرت شعیب بمبانیت تا استحقاق مکالمه حق پیدا نمود بعد از آنکه
بدولت کلیم الهی سعادت و کتبنا له فی الالواح من کل شیء موعظة
و تفصیلا لکل شیء رسید بود و پیشوای و مقتدای دوازده سبط بنی اسرائیل
باشد و جلیل قومی از تلقین حضرت نقل کرده در دبستان تعلم علم لدنی از معلم
خضر التماس ابجد مبانیت کرد که اتبعک علی ان تعلمن مما علمت رشدا و انکار
او بلفظ انک لن تستطیع معی صبرا می نویسد پس تعین اعتبار در این باب
نکردنیست بدانکه از مشایخ زحمت کشیده و تعب برخود قرار داده و بعضی عبارات
و الفاظ از جهت سالک نادیده بنمودن انفعالی از آداب طریقت که نمودی بوصول
حقیقت شود فرموده اند که بیان و توضیح انفعالی از فایده نیست یکی آنست
که گفته اند سالک باید هوش در دم داشته باشد و آن است که نفسی که از درون
بیرون آید آگاه و حضور باشد هر نفسی که میزند از حق خالی و غافل نبود یکی دیگر
است که سالک نظر بر قدم باید باشد نظر بر پشت پای باشد تا نظر بجای که نباید
نیفکند و یکی دیگر آنست که خلوت در انجمن یعنی در ظاهر با خلق و بباطن با حق
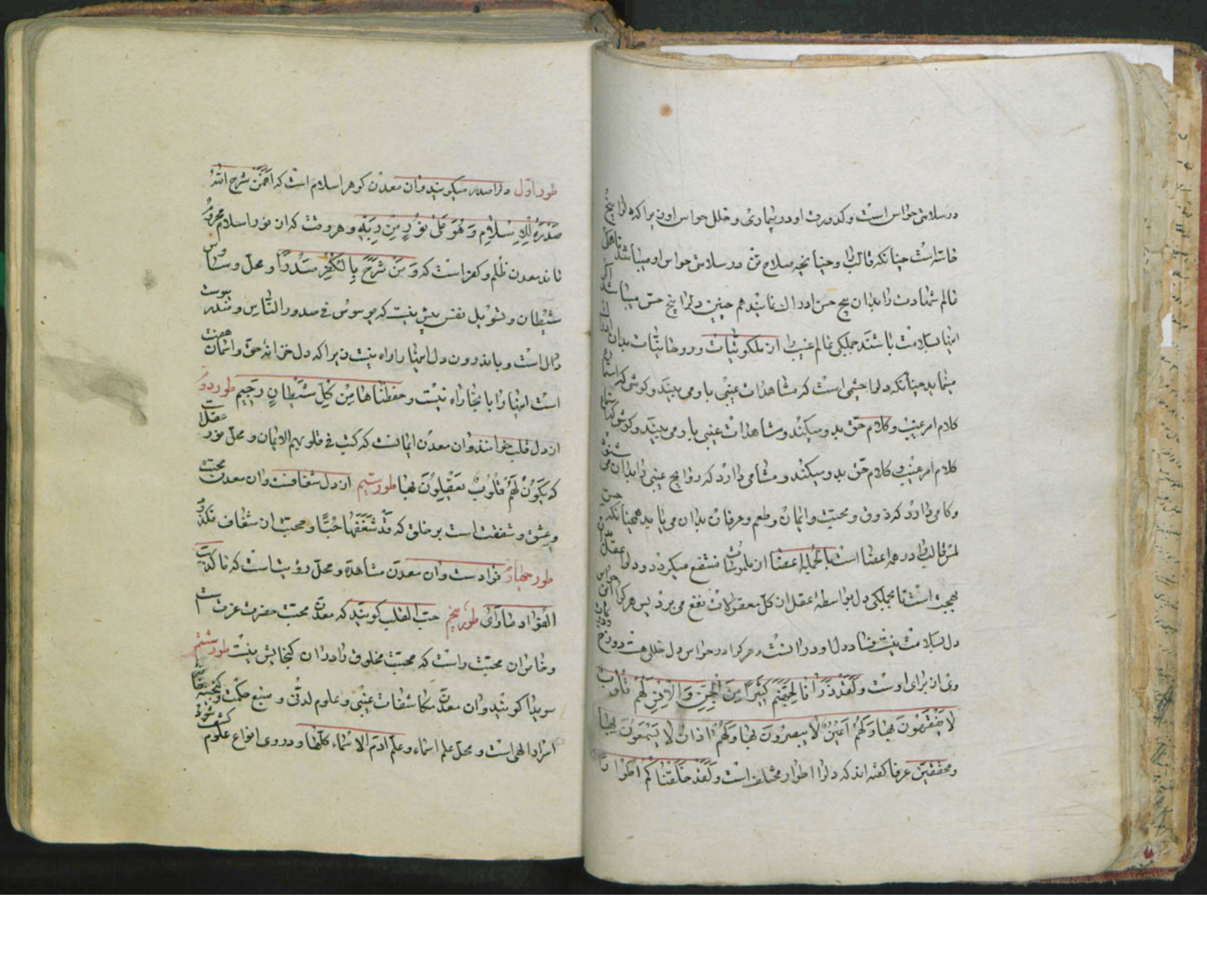


خود را بر زانوی خود گذارد دست راست را بر زانوی راست و چپ را بر زانوی چپ
و در حالتیکه پوشیده باشد هر دو چشم خود را و شروع نماید که با تعظیم ذکر کند و کورد
و بقوت دل بجنبش که بیرون اید کلمهٔ لا اله الا الله از زیر ناف و قوت آن تا دل رسد
بر سبیلی که تا ثیر آن بجمیع اعضا برسد و اهسته باشد صوت او و بنا بر احادیث سابقه اصلا صوت
نداشته باشد بهتر خواهد بود در حالتیکه تفکر نماید معنا او را و در دل خود تا الخاطر کند
هم اعضای او را و فرو رود در اعضای او که جمیع ما سوای خدا در دل آید نفی نماید او را
و دور کند بکلمهٔ طیبه لا اله الا الله و فارغ سازد دل خود را از جمیع خیالات فاسده نفسانی
و مشغول گردد بمشاهده روح او اقسام ذکر بسیار است بعضی از محققین گفته اند طریق
ذکر لا اله الا الله آنست که زبان بکام بچسباند و نفس را در زیر ناف حبس کند و کلمه لا را از ناف
بکشد و بطرف راست برساند و اله را از طرف سر بکتف راست آورده الا الله را از کتف راست
بر دل متوجه گرداند تا اثر حب و نفی بیاورد و نقش این مجموع بصورت لای منعکس میشود
و این کلمات را از محلی به محلی دیگر باید که بخیال باشد و بحرکت اعضا و نفس و در ذکر نفس
بند باشد و حبس نفس بقدر امکان بکنند لیکن در هر نفس طاق بگوید جفت نگوید
این ذکر را وقوف عددی گویند یعنی واقف عدد باید بود و چون نفس تنگی کند

سجاده میباید باشد **هفتم** توجه است که متوجه حق شوی بکلی ظاهراً و باطناً
و بیرون آئی از هر داعیه **هشتم** صبر است که الصبر مفتاح الفرج صابر باید بود **نهم**
در همه حال صابری مباش و ماندن ان صبر حاضری مباش **دهم** مراقبت است
انتظار در انتظار مطلوب باشد **دهم** رضا است و رضا ثمرهٔ محبت است
که محبت دارد شیء را محبت دارد فعل او را **در بیان ذکر خفی و جلی** از برای اصحاب
ذکر خفی آنست که کلینی باسناد خود در آن باب روایت نموده که قال الله تعالی
لعیسی بن مریم یا عیسی اذکرنی فی نفسک اذکرک فی نفسی و اذکرنی فی ملائک
اذکرک فی ملاء خیر من ملاء الآدمیین یا عیسی لین قلبک و اکثر
ذکری فی الخلوات و اعلم ان سروری بتبصبص الیّ و کن فی ذلک حیّاً و لا تکن
میتاً معلوم مصنف میشود که تلقین و تعلیم ذکر خفی نمودن و متوجه او شدن
تشریع و بدعت نیست و مقصود بالذات تذکر قلب است و اشرف اذکار لا
اله الا الله است اما کیفیت ذکر خفی را با اختلاف مخالفه گفته اند که هر که اراده نماید
که مشغول گردد بذکر خفی باید غسل نماید و توبه کند از جمیع گناهان و بشوید
جامهای خود را باکیزه و بنشیند [illegible] مربع روی بقبله و دو دست خود را
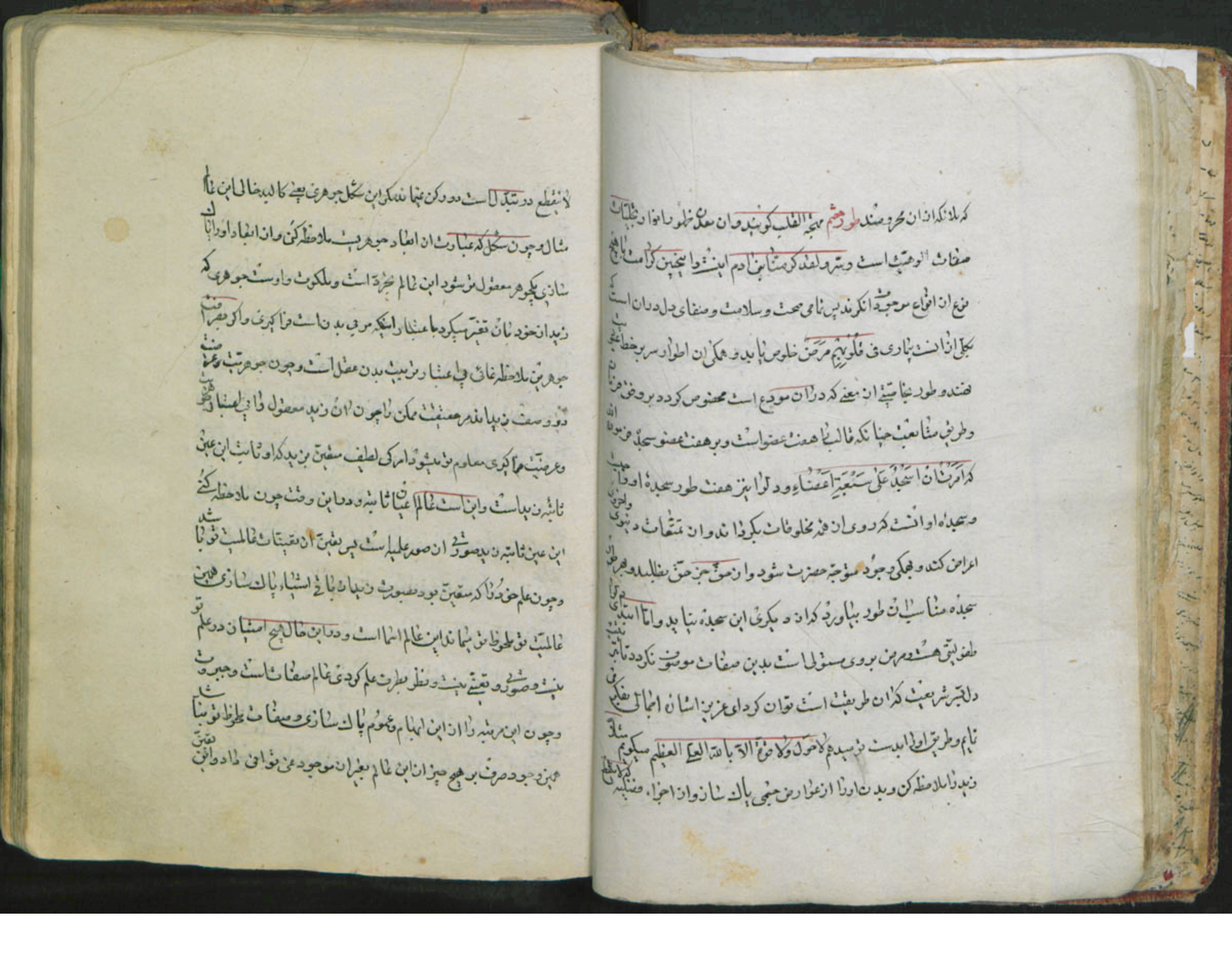


سبدا ذان معنی نفی این کلمه را چنان تصور کند که نیست هیچ مقصودی جز ذات باری
باز حبس نفس کند و بر سنت سابق ذکر کند و دیگر بگوید ثم کذا ثم کذا و طریقه ذکر
مختلف است در بیان شرایط ذکر بی رعایت آداب و شرایط مثمر ثمری نباشد
معتد به نباشد اول آنکه مرید در آداب صادق بود دوم آنکه در ارادت و طلب
راه طالب باشد سیم آنکه از خلق مستوحش شود چهارم آنکه چون برد که
خواهد بود توبه نصوح کند از جمله معاصی پنجم آنکه اهتمام تمام داشته باشد که غافل
از ذکر نباشد ششم دائم الوضو باشد هفتم جامه پاک پوشد هشتم بیشتر روی
نشیند نهم اغلب اوقات مربع نشیند در بیان تفکر است قال الله تعالی اولم یتفکروا
فی انفسهم ما خلق الله السموات والارض وما بینهما الا بالحق هرچند در معنی
تفکر وجوه بسیار است که گفته اند ملاحظه وجوه آنست که تفکر سیر انسانست
مبادی مقاصد و در اصطلاح علما هیچکس از رتبه نقصان بمرتبه کمال نرسد بی
جهت گفته اند اول واجبات تفکر و نظر است و در هر جا از قرآن مجید و احادیث
بحر بصوم ترغیب در تفکر بیش از آنست که بتوان شمردن ان فی ذلک لآیات لقوم
یتفکرون و بر باید دانست که مبادی سیر کار از انجا سبب چه کنت در انفس و آفاق

است چنانچه فرموده است سنریهم آیاتنا فی الآفاق وفی انفسهم حتی یتبین
لهم انه الحق اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید یعنی کرده باشد که مکحل نمایم
چشم بصیرت ایشان را بنور توفیق و هدایت خود تا آنکه مشاهده نمایند آیات
ما را در مظاهر آفاق و انفس مشاهده عیان تا آنکه مبین شود از برای ایشان آنکه
نیست در آفاق و انفس مشاهده عیان تا آنکه مبین شود از برای ایشان آنکه
در آفاق و انفس بکرین و صفات و افعال و آثار و این سیر و سفر انسان را دادند
از جهت قوت جامعیت مظهریت کل اسماء و صفات منزه انسان پس معرفت انسان
باعث معرفت همه اشیاء بلکه موجب معرفت رب میشود چنانچه فرموده من عرف نفسه
فقد عرف ربه پس بر سالک است که کمال اهتمام در شناختن خود نماید و او بالبته بشود
که بدو که حقا مستغنی باید بر قانون طریقت اما آنکه دل حیثیت و نوبت و
او حیثیت و کمال او در حیثیت بدانکه دل را صورتیست و آن آنست که مضغه خوانند
گوشت پاره ایست صنوبری در جانب پهلوی چپ از سینه که جمله حیوانات را هست
و او را جانیست روحانی که عقل متحیر آن است و آن مخصوص انسان است و دل را
صلاحی و فسادی هست صلاح او در صفای اوست و فساد در کدورت و صفای دل



در سلامتی حواس است و کدورت او در بیماری و خلل حواس او زیرا که دل پنج حاسه است چنانکه قالب را و چنانچه سلامت تن در سلامتی حواس او میباشد همچنین دل را پنج حس میباشد که او ادراک عالم شهادت را بدان پنج حس ادراک نماید هم چنین دل را پنج حس میباشد که اینها سلامت باشند جمله‌ی عالم غیب از ملکوتیات و روحانیات بدان ادراک کند مثال آن معانی چنانکه دل را چشمی است که مشاهدات غیبی با وی می‌بیند و گوشی که استماع کلام امر غیبی و کلام حق بدو میکند و مشاهدات غیبی با دمی می‌بیند و گوشی که استماع کلام امر غیبی کلام حق بدو میکند و مشامی دارد که روایح غیبی را بدان می شنود و کامی دارد که ذوق و محبت و ایمان و طعم و عرفان بدان می‌یابد همچنانکه حس لمس قالب را در همه اعضا است با جمله اعضا از ملموسات منتفع میگردد دل را عقل همچنین است تا جملگی دل بواسطه‌ی عقل از کل معقولات نفع می‌برد پس هر که را این حواس دل سلامت یافت و از علت‌ها دور بود ادراک عالم غیب چنانچه دل را دوران حواس دل خلل است دور نماند و از برای اوست و لقد ذرانا لجهنم کثیرا من الجن و الانس لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم آذان لا یسمعون بها و محققین عرفا گفته اند که دل را اطوار مختلف است و لقد خلقناکم اطوارا

طور اول در اسلام مینویسند و آن معدن گوهر اسلام است که افمن شرح الله صدره للاسلام و هو علی نور من ربه و هر وقت که آن نور اسلام محروم ماند معدن ظلمت و کفر است که و من شرح بالکفر صدرا و محل وسواس شیطان و نفس است که یوسوس فی صدور الناس و منشاء ثبوت دال است و بالعکس و این دل را هیچ راه نیست زیرا که دل حرم انبیا حق و اشمام همت است انبیا را با نجا راه نیست و حفظناها من کل شیطان رجیم طور دوم از دل قلب خوانند و آن معدن ایمان است که کتب فی قلوبهم الایمان و محل نور عقل است که یکون لهم قلوب یعقلون بها طور سیم از دل شغاف خوانند و آن معدن محبت و عشق و شفقت است بر خلق که قد شغفها حبا و محبت از شغاف تکلند طور چهارم فؤاد است و آن معدن مشاهده و محل رؤیت است که ما کذب الفؤاد ما رای طور پنجم حبة القلب گویند که معدن محبت حضرت عزت است و خاص آن محبت را است که محبت مخلوق را در آن گنجایش نیست طور ششم سویدا گویند و آن معدن مکاشفات غیبی و علوم لدنی و منبع حکمت و گنجینه اسرار الهی است و محل علم اسما و علم آدم الاسماء کلها و در وی انواع علوم کشف شود



اولا است و وجود عام و چون اعتباری وجود عام نکنی از علم تو غایب میشود و
این مرتبه غیبت هویت است و چون این غیبت بغیبت تو مبدل کرده یعنی از این
ادراک و علم ادراک غافل شوی که فنا عبارت از این است در این حال غیب
الغیب است و کان الله ولم یکن معه شیء و تجلی ذاتی و سعادت و اتمام دایره وجود رجوع
باصل هم این است اکنون همین دستور عالم محسوس را که تو بگیری از این پایان کرده
این مراتب را که از تو علمیت در محض عالم همه را تو وجود و از همه را بالفعل در ضمن
وجود این عالم متحقق بدان و این عالم همین دستور که سیر کرده مرتبه مرتبه پایان اسما
مرتبه بالا داد و این وجود به بین تا اینجا باصل وجود عالم میرسی و دانو ثبت
خود دید که عالم محسوس اوست که محسوس و این اشیاء همه نمونه وجود اوست در
عقل و اعتبار و در اینجا ال که او محسوس اعاظم با معقولات چون محسوسیت بجای و
معقولیت است والله اعلم بحقایق الامور بدانکه همه مشایخ از همه سلاسل اینجا
متفق اند لازم میدانند که دل خویش را بسوی سینه با دل شیخ میدارد تا باین وسیله
قلب او مورد نسیم نفحات الهی گردد زیرا که مرید در اول وهله حجب بسیار دارد و در
توجه حضرت جل شانه عنوان شد چو او چو کرده عالم شهادت با غیبت و صورت

و صورت شیخ از عالم شهادت پس بصورت او اعانت می جوید نه بود که صورت
از این جهت نیز مجالست و مصاحبت با صلحا و اتقیا عجیب ظاهر تاثیر در انسان
می نماید و بطاعت و عبادت و استمداد و هم چنین است معاشرت با لهو بلکه تاثیر
آن بیشتر از اوست خوتند آیه شریفه واصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغداة
والعشی چه توجه مقدس جناب نبوی از جهة افاضه و افاده است و از مریدین از جهة
استفاضه و استفاده است و آیه شریفه یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا
مع الصادقین و کلام حضرت عیسی که در جواب حواریین فرموده اند که مجالست
نمائید با اشخاصی که دیدن ایشان باعث تذکر شما میشود جناب اقدس الهی را
که از اشتغال باعث صفا ذات و صفا صفات او کرده بلکه دوری از اشخاص و معاشرت
با آنها باعث اشتغال باموراخروی ولوازم از ستر اعال دنیویه میگردد با اینکه مقصود
حقیقی از سلوک معرفت [illegible] مباشد چنانچه سید او مبنا علیه و علی
اولاده الاف التحیة و الثناء در حدیث جندب اشاره فرموده است که با سلمان
و با جندب کمال المؤمن ایمانه حتی تعرفنی بالنورانیة واذا عرفنی بالنورانیة عرفنی
بذلک فهو مؤمن ممتحن امتحن الله قلبه للایمان وشرح صدره للاسلام و صار عارفا

مستبصرا ومن قصر عن ذلک فهو شاک مرتاب یا سلمان و یا جندب ان
معرفتی بالنورانیة معرفة الله و معرفة الله معرفتی و هو الدین الخالص
و نور جناب مقدس نبوی و اولاد امجاد او صلوات الله علیهم اجمعین مظهر
با خاذ بیا شد ابتدا خلقت موجودات و مادة المواد هیکل انها میباشد و نور ایشان
در قلب مومن متقی ظاهر و هویدا است چنانچه در حجت کتاب کافی روایت
نموده است ابی خالد الکابلی قال سئلت ابا جعفر عن قول الله عز و جل فامنوا
بالله و رسوله و النور الذی انزلنا فقال یا ابا خالد النور و الله الائمة من آل محمد
الی یوم القیمة و هم و الله نور الله الذی فی السموات و الارض و الله یا ابا خالد
لنور الامام فی قلوب المؤمنین انور من الشمس المضیئة بالنهار و هم و الله ینورون
قلوب المؤمنین و یحجب الله عز و جل نورهم عمن یشاء فتظلم قلوبهم پس معشوق
اصلی از توجه بصاحبان آنست که بلکه بتوسط او بتدریج نور امام را در قلب
ملاحظه نماید و اینکه بعضی جهال اجبال نموده اند که اهل سلوک از صورت و ابر
بینا اند محض جهالت است چه هیچ ذی شعوری صورت مصنوعی خود را از او
پرستش نمیداند و نمیکند و ظاهر شدن انوار در قلب اهل سلوک بالکل قطعا

و بجربت روایات ابی ابراهیم هم شاهد است و محقق مجلسی رحمه الله هم مصرح نموده
است و در فقرات ادعیه ماثوره از اهل بیت عصمت هم وارد است چنانچه
در مناجات شعبانیه که ان آنصار قلوبنا بنظرها الیک و در مناجات محبین ان
مناجات خمسه عشر مذکور است یا من انوار قدسه لا بصار محبیه رائقة
و سبحات وجهه لقلوب عارفیه شائقة و هم چنین در مناجات عارفین
و در دعای عرفه سید الشهدا بس مراد استدعا و ابتهال است و رفع حجاب
باطنی در بدو سلوک که نور مشهود میشود کالا مضطرب قلق مجمه ان شخص
بهم میرسد بلکه هر گاه ظهور او در سر حد کمال باشد شده است که باعث موت
و هلاک بعضی از اشخاص شده است تا بتدریج نفس معتاد میشود و چون معشوق
عرفا که معنی باشد جزو مقاصد از راه زنان از حجب و ان بسیار مند پی مدد
بغیر میرسد عین کرامت و بدانکه هر یک از علما و مشایخ گویند که طریقه
ما حق است و اختلاف میان ایشان بسیار است و طالب بیچاره در میان سرگردان
بی لازم است طالب را که بخدمت علمای طریقت برسد و با ایشان صحبت بدارد
و ملاحظه نماید که نزد کدام یک از ان اکابر یقین او در تزاید و با قلب او روشن میشود

و یاد خدا میکند و با معرفت او محبت بیشتر میشود هرگاه یکی از این علامات با مجموعها
در نزد هر یکی از اکابر ملاحظه نماید دست بدامان آن بزرگ زند که او مرشد
اوست و هر فرد مرشد کامل است خلاصه این که فرق بسیار است تا بمرشد کل
مولانا علی علیه السلام برسد یعنی از پیغمبر که گویند مرشد و چنانکه باشد چه احتیاج
است صورت مرشد را در نظر گرفتن جوابش اینست که این مرشد ظاهر عکس مرشد
کل است و نور دعوی ضعیف را عکس میدهد تا بواسطه مرشد ظاهر روح سالک
قوی شود آن وقت میتوان که از مرشد کل بقدر استعداد فیض ببرد فصل
در ذکر خرقه منسوبه محقق شیخنا علی بن ابراهیم بن ابی جمهور الاحسائی روایت
کرده است در کتاب خود که مسمی است بمجلی از جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله اینکه فرموده
چون که بر گردانیدند مرا بسوی آسمان داخل شدم بهشت را دیدم در وسط او قصری را
از یاقوت سرخ پس گشود در او را از برای من جبرئیل پس داخل شدم قصری دیدم از یاقوت
سرخ و دیدم در آن خوانی از در سفید پس داخل آن خوانه شدم دیدم در وسط او
صندوقچه را پس گفتم ای جبرئیل چه چیز است این صندوق و چه چیز است در او پس گفت
جبرئیل ای حبیب خدا در او سری هست که عطا میکند خدا او را از برای کسیکه

دوست میدارد او را پس گفتم بگشا از برای من در را پس گفت من بنده مامورم
تا امر نشود مقدور من نیست سؤال کن پروردگار خود را تا اذن بمن بفتحش
فرماید پس از جانب مقدس الهی سؤال کردم پس ناگاه ندائی آمد از جانب حق
بجبرئیل که بگشا از برای حبیب من در او را پس دیدم در او فقر و مرقعی را
پس مناجات کردم و عرض نمودم که ای سید و مولای چه چیز است این فقر و مرقع
پس ندا کرده شدم که ای محمد اختیار کردم این دو تا را از برای تو و امت تو
از وقتی که خلق کرده ام این دو تا را مگر از برای کسیکه دوست میدارم او را
و خلق نکردم شئی را که عزیزتر باشد از این دو از این پس فرمود پیغمبر پس که اختیار خدا
کرده است فقر و مرقع را از برای من و این دو تا عزیزترین چیزی نزد خدا میباشد
پس پوشیدم این خرقه را باذن خدا و چونکه رجوع کردم از معراج پوشانیدم
او را یعنی علی علیه السلام باذن خدا و پوشانید او را جناب علی به پسر خود حسن پوشانید
حسین علیه السلام پس اولاد حسین بودند که پوشانیدند یعنی از ایشان یعنی
تا اینکه رسید بجناب مهدی صلوات الله علیه و الحال نزد او است باذن خدا و ذو الفقار
و دراعه تنی و شمشیر و عصای او و دلدل او و خاتم حضرت سلیمان و عصای آدم

وموسی و طشت و تابوت و حجر جامعه و مصحف حضرت فاطمه علیهما السلام که چنانچه
مصحفی که طولا و عرضا هفتاد ذرع است در اوست هرچه جاری شود تا روز قیامت
عطف علی علیه السلام و اولاد نبی صلی الله علیه و آله و سلم پس آن امام علیه السلام امروز قطب زمان
و امام وقت و خلیفه عصر است و زود باشد که ظاهر شود و پر کند زمین را از عدل
چنانچه پر شده است از جور و ظلم چنانچه نطق کرده است با و اخبار و روایات
کرده است از علمای ابرار بدانکه مراد باین خرقه خرقه ظاهری نیست بعینها بلکه
مراد شرایط اوست بر وجهی که پوشیده است جناب مقدس نبوی صلی الله علیه و آله
از دست جبرئیل علیه السلام و این خرقه معنویه و عبارتست از اخذ کردن بعضی از صاحب
مقام بقدر استعداد و اتصاف بصفات و تخلق با خلاق او از اینجهه سکوت کنند مشایخ
از موقته و تستر و صحبت و پوشیدن او راجع است صبوری و تقوی و تعبیر کرده شده است
از معنویت بفقر و از صوری بخرقه و فقر آن چیزیست که تعبیر کرده است پیغمبر از آن
وجه یکی قوله الفقر فخری و به افتخر علی سایر الانبیاء و المرسلین دوم
قوله صلی الله علیه و آله الفقر سواد الوجه فی الدارین سیم قوله صلی الله علیه و آله
کاد الفقر ان یکون کفرا این وجوه هرچند متغایرند بحسب لفظ لکن در حقیقت

شیء واحد است از جهة آنکه مراد بفقر عدم تملک است و تملک مطلقا و قیام بغنا بالله
و جمیع سیدم اصطلاح است و از این جهة گفته شده است اذا تم الفقر فهو الله و الفقر
محتاج الی الله و الی غیره چه علت احتیاج وجود است پس هرگاه فانی شد از وجود خود
باقی نماندن برای او احتیاجی بغیر پس او و بنزدیکی به غیر او و قول ایشان که فقر است
الفقر بدء ابتداء الاستغناء و صحیح است چه فنای فی الله ابتدای غناست که او بقای است
بالله پس مناط اعتبار در خرقه معنویه است که اوست اتصاف کمال و تخلق باخلاق
او چنانچه فرموده است تخلقوا باخلاق الله و نیست از برای خرقه صوریه بدون معنویه
فایده بلکه او اصل ناس و تلبیس است و احمق ایشان است پس معنی الفقر فخری بایست
که معنی آن باید هرگاه فانی شدم در او و باقی شدم باو و گردیدم باو غنی بعد از آن چنانچه
و با غنا بعد از فنا فخر تمام بسبب این بر جمیع انبیاء و رسل چه نبود در میان ایشان کسی که
افقر از او باشد بحسب صورت و معنی و افتخار او بود از جهة تفرد او بفقر از انبیا دیگر
بلکه بود افتخار او از جهة قوه استعداد و علو جمیع انبیاء بود و نیست مراد بفقر فقر صوری
که او عبارت است از عدم اسباب معیشت از اکل و شرب چه او نیست شیء که فخر کنند بان
جناب سید انبیاء بود و حال آنکه احتمال داده کرده آن وقت هزار ملکه متجاوز فقر

نقران دی عیب صفت دو سه بیشتر مشر وجود داشته العقر سواد الوجه فی الدارین اشاره است بدین انکه وجه شیء ذات وحقیقت اوست و سواد او عبادت است از فنای او در دو

دار و ظاهر و باطن از جهت اینکه هر فنا و عدمی که فرض شود او ظلمت و سواد است و بقا و وجود نور و ضیاست چنانچه فرموده است خلق الله الخلق فی ظلمة ثم رش علیهم

من نوره ظلمت اشان است سبلیم و نور بوجود پس سواد وجه عبادت است از فنای بکلی

در حق تا بمرتبه که باقی نماند از برای او وجود و او فنای در نور حقیقت و اما کاد العقر ان یکون

کفرا معنا او این است که چون امر فقر اقتضای کند بذات الوهیت و دعوی ربوبیت را

پس نا چار در سیاق فنا و بیان آن کفر هر گاه نبوده باشد فقیر کامل جامع بین ظاهر و مظهر و عبد و حق

زد هر مرتبه ان وجود حقی دارد ٭ که حفظ مراتب نکنی زندیقی ٭ و هر کس که قابل شد

از وجود وجود و عالم و رجوع عود بعدم اضمحلال بطریقی که معلوم است در فقر بالمره

سبب شکی شبهه که برسد بمقام بقا بعد فنا که تعبیر شده است از او بوصول و لقاء چنانچه

فرموده عز و جل فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعبادة ربه احدا پس کسیکه

خواهش مند و آرزومند و مشتاق باشد باید عمل او ذکر و فکری باشد که موصل باشد بجمع

این دوام بتعینات بشریه که وجود آنها باعث شرک است چنانکه فرموده افمن اتخذ

اللهم هواه ٭ وجود تو همه خار است و خاشاک ٭ برون انداز از خود جمله را پاک

برو تو خانه دل را فرو روب ٭ مهیا کن مقام وجای محبوب ٭ چه تو بیرون شدی او

اندر آید ٭ بتو بی تو جمال خود نماید ٭ و بعد از وصول باین مقام سیکو دی حق دارین حضرت لسان الغیب می نماید ٭ هر کو نمرد انکه دلش زنده شد بعشق ٭ ثبت است

بر جریده عالم دوام ما ٭ و گفته شده است بالعربیه ٭ اقتلونی یا ثقاتی ٭ ان فی

قتلی حیاتی ٭ و مماتی فی حیاتی ٭ وحیاتی فی مماتی ٭ پس ظاهر شد که مرام

بخرقه و فقر چه چیز است اکمال مناسبت کرد ذکر خرقه تصوف نبوی او و اولاد

علیهم السلام نمایم بدانکه صاحب مجلی رحمه الله گفته است اینکه سید علامه رحمه الله صاحب

کشف حقیقی حکایت کرده است اینکه شیخ جنید پوشیده است از خال خود شیخ

سری سقطی و او پوشیده است از شیخ معروف کرخی و او پوشیده است از امام

علی بن موسی الرضا علیهما السلام پس گفته است از برای این مقام در امر تصوف دو طریق

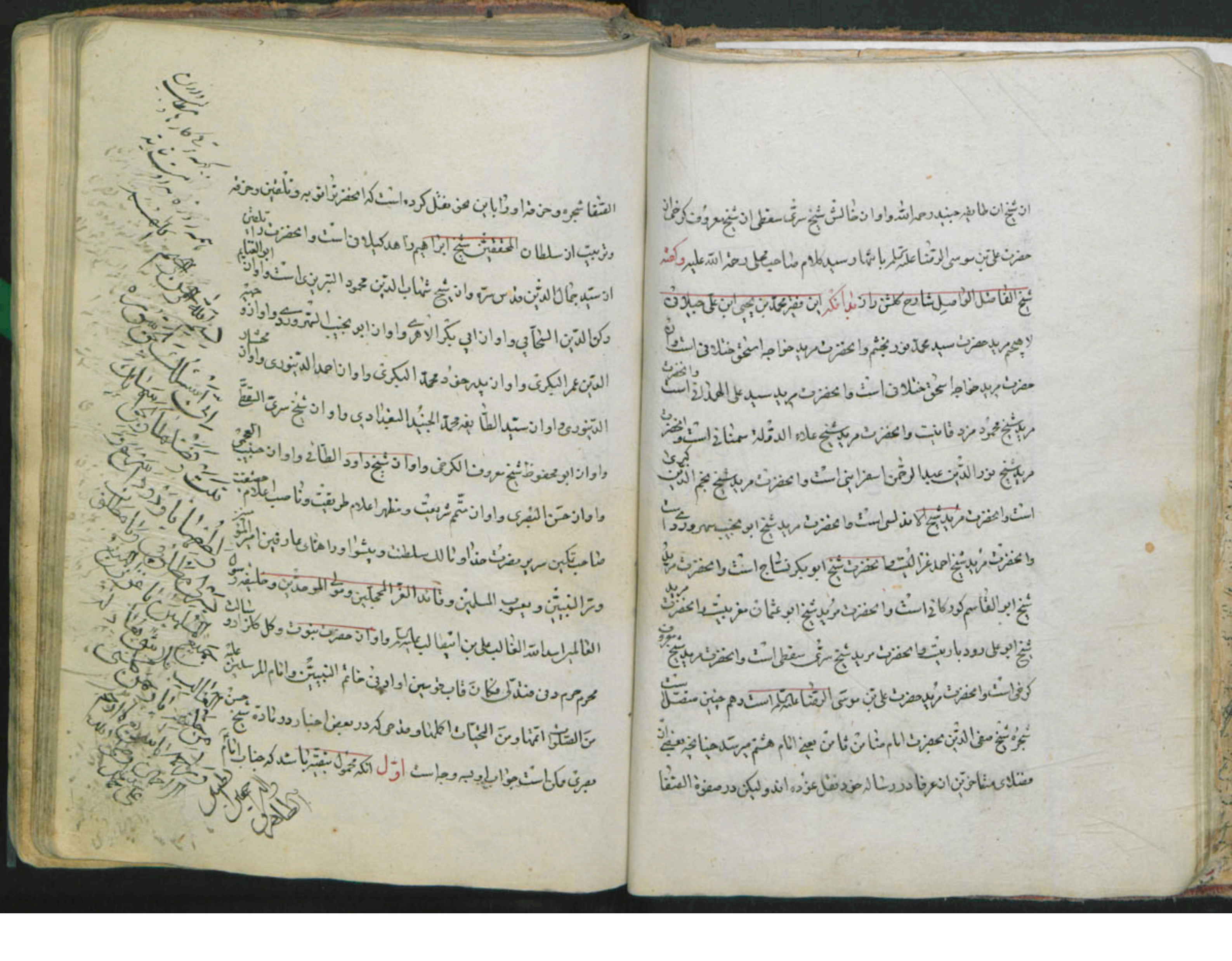
یکی نسبت خرقه و دیگر نسبت صحبت پس از شیخ و سید بن شیخ اسلام محمد بن حمویه

و صحبت او با حضرت و اما نسبت خرقه پس بدرستیکه پوشاننده بود او را رکن الاسلام

ابی علی قادمدی و او از قطب وقت ابی علی کرکانی و او از استاد ابی عثمان

واو از شیخ سری ابی عمرو زجاجی واو از سید الطایفه ابی القاسم جنید واو از شیخ
سری سقطی واو از ابی محفوظ شیخ معروف کرخی واختلاف کرده اند در نسبت خرقه
او و بعضی است اکثر اهل مذهب بآنکه اخذ کرده است این طریقه را و پوشیده است
از سید و مولای خود و عالمیان علی بن موسی الرضا و بعضی است بعضی از مشایخ
بآنکه معروف پوشیده است از داود طائی و اخذ کرده است این طریقه را او از حبیب
عجمی واو از حسن بصری واو از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام کرم الله وجهه و این کهنه است شیخ اعظم
شیخ الشیوخ شهاب الدین سهروردی قدس سره بعضی معلوم است خال او از قوت انا
انا بعد پس بدرستیکه پوشانید شیخ صالح مقری محدث معمر نجم الدین ابی الولید اسماعیل
پسر امین الدین و ابراهیم پسر ابی بکر الثعلبی خرقه تصوف را بمن در بلد محروسه ممتاز است
نزد او پسر یحیی بن عبد الرحمن پسر شیخ علی بن محمود جعفری و پوشانیده است از شیخ قطب
جمال الدین ابو حامد پسر شیخ ابی الحسن علی پسر جمال الدین و او از ابی الفتح محمود پسر محمود
پسر منابو سلامی و در منزل خود و گفت پوشانید مرا مشایخ ثلاثه پسر ابی بکر معروفه
او الشیخ الشیوخ محیی الدین ابو عبد الله محمد بن ابراهیم پسر احمد الحمیر الفارسی و او پوشیده
است از شیخ الشیوخ ابو الفتح احمد پسر خلیفه بیضاوی و او از ابی اسحق ابراهیم پسر

پسر شهریار کازرونی و او از شیخ ابی عبد الله محمد بن الخفیف و او از امام جعفر
الحذاء و او از امام عمرو الاصطخری و او از امام ابی تراب النخشبی و او از امام
شقیق البلخی و او از امام ابی عمر موسی پسر زید القرانی و او از شیخ اویس قرنی
رحمه الله و او از امیر المؤمنین علی علیه السلام و بطریق دیگر از شیخ ابی عبد الله
محمد الخفیف اخذ کرده است از شیخ الطایفه ابی القاسم محمد بن الجنید قدس سره
طریقه ثانی شیخ صدر الدین ابو الحسن محمد بن عمر پسر علی پسر محمد حمویه الجوینی گفت
پوشانید خرقه را بمن شیخ عماد الدین ابو الفتح ابو حفص عمر پسر علی پسر شیخ الشیوخ
ابی عبد الله بن حمویه و او از کسانیست که مصاحبت کرده است شیخ ابی علی فضل
الفارمذی و او مصاحبت کرده است شیخ و فتش را شیخ عبد الله پسر علی پسر عبد الله
الطوسی و او صحبت داشته است با عثمان سعد پسر اسلام المغربی و او مصاحبت
با غانم پسر ابراهیم الزجاجی البناء و او صحبت داشته است شیخ الطایفه محمد الجنید
و طریق ثالث شیخ ربانی شهاب الدین ابو حفص و ابو عبد الله عمر پسر عبد الله پسر محمد
البکری السهروردی گفت پوشانید مرا عم شیخ وجیه الدین عمر پسر محمد معروف گفت پوشانید
مرا و شیخ بکی پدرم محمد پسر عمویه از شیخ احمد الاسود الدینوری از ممشاد الدینوری



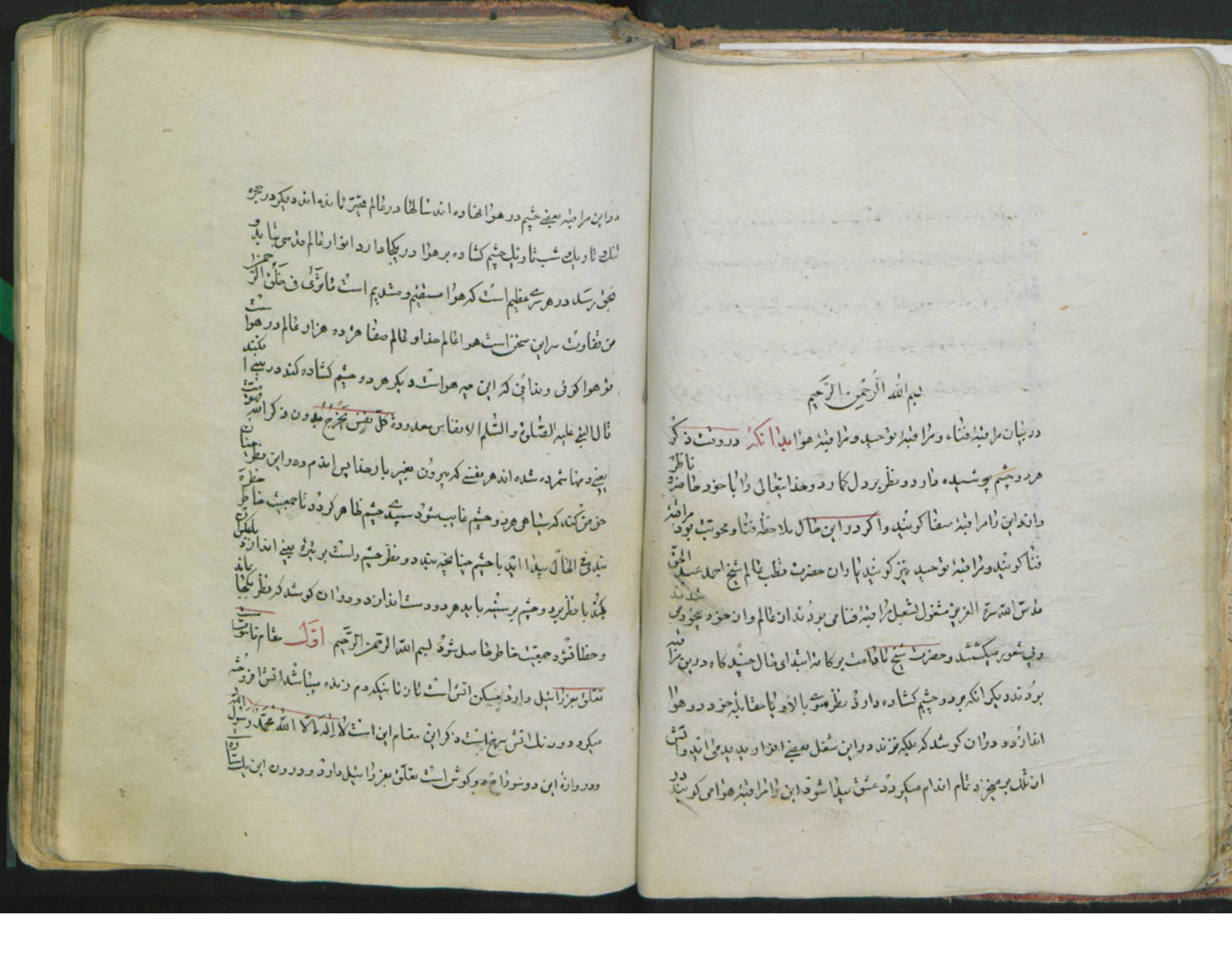
از شیخ الطایفه جنید رحمه الله و او از خالش شیخ سری سقطی از شیخ معروف کرخی و او از
حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام باشد و سید کلام صاحب محلی رحمة الله علیه و که
شیخ الفاضل الواصل شارح گلشن راز [illegible] ابن مقبره محمد بن یحیی ابن علی جیلانی
لاهیجی مرید حضرت سید محمد نوربخش و آنحضرت مرید خواجه اسحق ختلانی است و او
حضرت مرید خواجه اسحق ختلانی است و آنحضرت مرید سید علی همدانی است و آنحضرت
مرید شیخ محمود مزدقانی و آنحضرت مرید شیخ علاء الدوله سمنانی است و آنحضرت
مرید شیخ نور الدین عبد الرحمن اسفراینی است و آنحضرت مرید شیخ نجم الدین کبری
است و آنحضرت مرید شیخ الاندلسی است و آنحضرت مرید شیخ ابو نجیب سهروردی است
و آنحضرت مرید شیخ احمد غزالی است و آنحضرت مرید شیخ ابو بکر نساج است و آنحضرت مرید
شیخ ابو القاسم گرگانی است و آنحضرت مرید شیخ ابو عثمان مغربی است و آنحضرت مرید
شیخ ابو علی رودباری است و آنحضرت مرید شیخ سری سقطی است و آنحضرت مرید شیخ معروف
کرخی است و آنحضرت مرید حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است و هم چنین متصل است
شجره شیخ صفی الدین بحضرت امام ثامن یعنی امام هشتم مرتضی چنانچه بعضی از
فضلای متاخرین از عرفا در رساله خود نقل نموده اند ولیکن در صفوة الصفا

شجره و خرقه او را بابن نحو نقل کرده است که آنحضرت تا او ببر و تلقین و خرقه
و تربیت از سلطان المحققین شیخ ابراهیم زاهد گیلانی است و آنحضرت تلقین دارد
از سید جمال الدین قدس سره و از شیخ شهاب الدین محمود التبریزی است و او از ابو الغنایم
رکن الدین السجاسی و او از ابی بکر الابهری و او از ابو نجیب السهروردی و او از وجیه
الدین عمر البکری و او از پدر خود محمد البکری و او از احمد الدینوری و او از محشاد
الدینوری و او از سید الطایفه محمد الجنید البغدادی و او از شیخ سری السقطی
و او از ابو محفوظ شیخ معروف الکرخی و او از شیخ داود الطائی و او از حبیب العجمی
و او از حسن البصری و او از متمم شریعت و مظهر اعلام طریقت و ناصب اعلام حقیقت
صاحب تمکین سریر مملکت حضرت خداوند سلطنت و پیشوا و راهنمای عارفین امیر المؤمنین
وتر النبیین و یعسوب المسلمین و قائد الغر المحجلین و مولی الموحدین و خلیفه رسول
العالمین اسد الله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام و او از حضرت نبوت و کل کمالات رسالت
محرم حرم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی خاتم النبیین و امام المرسلین علیه
من الصلوات اتمها و من التحیات اکملها و مذهبی که در بعض اخبار وارد شده شیخ
صفی مکان است جواب او چه وجه است اول آنکه محمول بنفس باشد که جناب امام

از جهت مشتبه شدن احوال او بر عامه و محفوظ بودن مال و عرض و جان او مدت
فرموده باشد تا آنکه از شر ایشان محفوظ ماند دوم محافظت نگاه داشتن ایمان ضعفای
شیعه باشد سیم آنکه مذبح او مفتخر بر شجره نسبت چهار از مشایخ شده که شیخ
معروف کرخی او را تمام مرید شیخ داود طائی بوده لیکن بعد که بخدمت جناب امام ثامن
ضامن رسید افتاد و بولایت او عود خود را از جمله مریدهای باخلاص و قرار
داد و در صدد ستایش باعلاء مدارج عالیه ترقی نموده و بایشان از حضرت مشغول
تربیت طلاب کردید چون مقام مناسب بود لهذا ذکر شجره خود را نقل نموده
ابن حضرت محمد جعفر الملقب مجذوب علی از جمله مریدهای حضرت حسینعلی شاه اصفهانی
و آنحضرت مرید جناب نور علیشاه اصفهانی و آنحضرت مرید جناب معصوم علیشاه دکنی
و آنحضرت مرید شاه علی رضا دکنی و آنحضرت مرید جناب مولانا شمس الدین و آنحضرت
مرید مولانا سید محمود الدکنی و آنحضرت مرید جناب میرشاه شمس الدین محمد بن الحسینی
الثالث و آنحضرت مرید میرشاه کمال الدین عطیه الحسینی الثانی و آنحضرت مرید
میرشاه شمس الدین محمد الحسینی الثانی و آنحضرت جناب میرشاه حبیب الدین محب الله
الحسینی الثانی و آنحضرت مرید میرشاه شمس الدین محمد الحسینی و آنحضرت مرید جناب میرشاه

میرشاه شمس الدین محمد الحسینی و آنحضرت مرید جناب میرشاه برهان الدین خلیل الله
و آنحضرت مرید میرشاه کمال الدین عطیه الله و آنحضرت مرید جناب میرشاه
حبیب الدین محب الله و آنحضرت مرید میرشاه برهان الدین خلیل الله
و آنحضرت مرید سید نور الدین شاه نعمت الله ولی و آنحضرت مرید شیخ
عبدالله یافعی و آنحضرت مرید جناب شیخ ابی صالح بربری و آنحضرت مرید شیخ
نجم الدین کمال کوفی و آنحضرت مرید شیخ ابوالفتح الشهید السعید و آنحضرت
مرید شیخ ابی المسعود الاندلسی و آنحضرت مرید شیخ ابی البرکات و آنحضرت مرید شیخ
ابی الفضل البغدادی و آنحضرت مرید شیخ احمد الغزالی الطوسی و آنحضرت مرید
شیخ ابی بکر نساج و آنحضرت مرید شیخ ابوالقاسم الکورکانی و آنحضرت مرید
شیخ ابوعلی الکاتب و آنحضرت مرید شیخ ابوعلی الرودباری و آنحضرت مرید
شیخ جنید البغدادی و آنحضرت مرید شیخ سری سقطی و آنحضرت مرید شیخ معروف
الکرخی و آنحضرت مرید جناب امام ثامن ضامن علیه التحیة و الثناء ثبت

شجره نامه بعون الله تمام



بسم الله الرحمن الرحيم

در بیان مراقبهٔ فنا و مراقبهٔ توحید و مراقبهٔ هوا ابتدا آنکه در وقت ذکر
هر دو چشم پوشیده دارد و نظر بر دل کارد و خدا تعالی را با خود حاضر و ناظر
داند این را مراقبهٔ صفا گویند و اگر در این حال ملاحظهٔ فنا و محویت بود مراقبهٔ
فنا گویند و مراقبهٔ توحید نیز گویند یاران حضرت قطب عالم شیخ احمد عبد الحق
قدس الله سره العزیز مشغول شغل مراقبهٔ فنا می بودند از عالم و از خود بیخود می شدند
و بی شعور میگشتند و حضرت شیخ تا قامت برکات ابتدای حال چند گاه در این مراقبه
بودند دیگر آنکه هر دو چشم کشاده دارد نظر سوی بالا دو با مقابله خود در هوا
اندازد و در آن کوشد که پلک نزند در این شغل بعضی اعزا دید بدید می آید و آتش
ان تلک بر مغز در تمام اندام میگردد عشق پیدا شود این را مراقبهٔ هوا می گویند در

در این مراقبه بعضی چشم در هوا نهاده اند تا اطلا در عالم مجرد تا ننه اند دیگر در جو
فلک تا دیدن شب تا دیگر چشم کشاده بر هوا در یکجا دارد انوار عالم قدسی پیدا و
جو رسد در هر شی عظیم است که هوا مستقیم و مستدیم است ما تری فی خلق الرحمن
من تفاوت سر این سخن است هوا عالم خدا و عالم صفا هژده هزار عالم در هوا
تو هوا گوئی و ندانی که این چه هواست دیگر هر دو چشم کشاده کند در بینی [illegible] مکنند
قال النبی علیه الصلوة والسلام الانفاس معدودة کل نفس یخرج بدون ذکر الله میت
یعنی دم‌ها شمرده شده اند هر نفسی که بیرون می‌آید بار دیگر پس اندر [illegible] و در این نظر
حرمت کند که سیاهی هر دو چشم غایب شود سپیده چشم ظاهر گردد تا جمعیت خاطر
شود حال پیدا آید با چشم چنانچه شد و نظر چشم راست بر بینی اندازد
[illegible] با نظر بر دو چشم بر سینه باید هر دو دست اندازد و در آن کوشد که نظر یکجا باشد
و حضور جمعیت خاطر حاصل شود بسم الله الرحمن الرحیم اول مقام ناسوت است
تعلق بعزرائیل دارد مسکن آتش است تا زمانیکه دم زنده می باشد آتش افروخته
میگردد و ورد نکند آتش سرد است ذکر این مقام این است لا اله الا الله محمد رسول الله
و دروازه این دو سوراخ گوش است تعلق بعزرائیل دارد و ورد این [illegible]

اگر آن ستاره را مشاهده کند بر تبیر برسد و ظن کرا این انس سرد میشود از دار فنا

بیاد دیدار رحلت می نماید **دوم** مقام ملکوت است میر اسرافیل دارد مسکن باد است

و رنگ باد سبز است تعلق اسرافیل دارد و ذکر این مقام اینست لا اله الا الله و

دروازه این دو سوراخ بینی است و اسمان آفتاب میگویند و چنان آفتاب میگویند

شاغل الله را می باید که مدام در نفی و اثبات در خیال باشد که دم بیرون میشود لا اله بگوید

و این مقام خلوت گاه روح است **سیم** مقام جبروت است تعلق میر میکائیل دارد

مسکن آب است تعلق میر میکائیل دارد و دروازه این دو سوراخ چشم است و رنگ آن

سفید است و ذکر این مقام اینست فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی این مقام پایگاه

نادل سر است و آرام گاه روح است و این مقام را سلطانا نصیرا قال الله تعالی الرحمن

علی العرش استوی این تفکر صغر صغر در باطن صغر صغر هویت تصور کند و در دل

تصور کند و در بیان سر الایمان برف تصور کند شوال البصر یا انا اب همچو گل صدبرگ

تصور کند تا مرتبه برسد هذا شغل عظیم فوق الماء لمی علی الدماغ در اینجا هر دو دام

پیوند شود تا مرتبه اعلی برسد مقصود حاصل گردد **چهارم** مقام لاهوت است ذکر هو

هو است تعلق میر جبرئیل علیه السلام و صاحب این مقام حضرت امیر المؤمنین علی

علی بن ابی طالب داود و دروازه این دهان است تعلق خاک است و رنگ خاک زرد است

حدیث قدسی است ان فی جسد ابن آدم مضغة و فی المضغة قلب و فی القلب فؤاد و فی

الفؤاد روح و فی الروح سر و فی السر خفی و فی الخفی انا شاغل الله مدام در ذکر و فکر

مشغول میباشد و در مشاهده و مراقبه میکوشد تا آینه دل صفا گردد و روی جانان

نماید قال النبی علیه السلام تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة و چون خواهد که شاغل

صورت مرشد را مشاهده کند درون دل صورت او به بیند با فنا فی الشیخ گردد بعد

فنا فی النبی علیه السلام بعد از آن فنا فی الله شود تا مقصود در حقیقت حاصل گردد دیگر شغل چون خواهد

که شاغل لفظ الله را مشاهده کند خواه زرد خواه رنگ کافوری تصور کند تا همت مقصود

برسد مرتبه اعلی کردد قال الله لا یسعنی ارضی و لا سمائی و لا عرشی و لا کرسی الا قلب المؤمنین

و قلب المؤمنین عرش الله تعالی و مقام محمود هم میگویند درون دل کواکب وسعت

چون شاغل زان نظر کند بروح رسد و روی جانان جانانه نماید و ظاهر و باطن

مکشوف گردد حدیث و انجا است خلق الانسان من طین و خلق الجن من المارج و خلق

الماء من النار و خلق النار من الریح و خلق الریح من الروح و خلق الروح

من بین کاف و النون هر دو که خدای تعالی در جسم آدمی آفریده است ده چیز

از هفتاست اول روح دوم دم سیم عقل چهارم نفس پنجم نطق ششم سمع هفتم بصر هشتم
سوزن نهم بو شنیدن دهم ذوق و بعضه هشت چیز از مادر و پدر است و چهار چیز از مادر است
اول پوست دوم گوشت سیم خون چهارم موی اندام و چهار چیز از پدر است اول
مغز دوم رگ سیم استخوان چهارم معنی قال الله تعالی ونحن اقرب الیه من حبل الورید
وهو معکم اینما کنتم والله بما تعملون بصیر حدیث قدسی است کنت کنزا مخفیا
فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف اول ما خلق الله نوری حدیث
من عرف نفسه فقد عرف ربه حدیث من عرف ربه فقد کل لسانه قوله تعالی
الله نور السموات والارض والله بکل شیء علیم حدیث دیگر لولاک لما خلقت
الافلاک حدیث دیگر لولاک لما اظهرت الربوبیة حدیث دیگر خلق ادم علی صورته
الرحمن قوله تعالی واذ قال ربک للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفة قول حضرت
ذات و صفات و علم و ارادت و قدرت و سمع و نطق و تعینات هشت مراتب سر خداست
ظاهر و باطن جمله بوهشت سمیع و بصیر و علیم و مرید و متکلم و حی و قیوم و قادر است
من کان فی هذه اعمی فهو فی الاخرة اعمی واضل سبیلا حدیث وان کنت ادم علی
صورة قلبی معناه شاهد ابا بوق الف ناسوت لام ملکوت لام دیگر جبروت میم لاهوت

هاهوت است ذکر ناسوت لا اله الا الله ذکر ملکوت الا الله ذکر جبروت
هاذکر هاهوت انا انا معنی درون هما لفظ الله شاب امرد را می بینند و مرتبه بادی
درون نکهدارد اول جلوه کی دوم جمال الذات عظیم است که جای سعید محض صفات است ایا
جلوه ای از جمالی بیرون شده آنها غیب هویت باید این مظهر شناس با اقبال را نهاد
سپاس اول آب زلال بالا آب تو لسم چون برنم کاه اند بالا درد السبعا
درون مروارید جز دل درون او یک حضرات بالا و تخت شهنشاه هم چون حفظ
سلیمانی بر تخت احسن صورت شاب امرد را می بینند بالا حضرت رسالت پناه استنا دند
اگر یک کسی را این نصیب شود مجرد هما الذات عظیم است و دوم است یکی دو حامی
دوم روح میان مشترک تا قرار گیرد اگر خواهد ولت دو جهانی را حاصل کند
اول باید که علایق تنها بد عوت حسنه قطع کند وجود همه را این قطع کند اگر نتواند
باید که وجود خود را منع لباس بالا دارد و جا را یکبار عشان خود جدا نکند یعنی
از تقصیر خویش کاد کنند همت دل و جان مشغل اعظم را ملاحظه نماید که درون دل
مظهر بر جبین مرشد لفظ الله را ببیند تا که نظر بر وی قرار گیرد وقتی که نظر قرار
گرفت پس الف را طرح سازند لله را ماند بعده لله را بر جبین مذکور مصور کند تا که

نظر کامل کرده چون بر الله نظر کامل کشته ادم او را طرح سازد و لرزاند پس او را چنان بلا
کرد و نظر بالله است کرد اکر بر او نظر مستقیم شد ادم ثانی را طرح دهد ماند بعد از (این)
کوشش بدل و جان تصور کند چنانچه کربه برای موش استاده و فانا بدین هیچ نحو (کشد)
کرده چنان تصور کامل کشت کر با کربة البید و فی الماء مسلم شد عبد با بوت عزو بند
تا بقدرت خدای تعالی پدید شود باز بدین چنان نظر کند بلند تر تغیر شود بلکه عشق
اکر نظر بر او مسلم شد پس بقدرت باری تعالی خاک بدو شمس کرده الحال باید که جا
فنا ساخته و لرانکه احشر و با عظمت پرداخته و دست بهم و امید بباد داده نظر بر آن
شمس عز فی شان دنا کرد کامل بدیه کرده و روشنائی آن بدیه هر دو عالم بر بند و چنان
بر بدیه نظر کند بلند تر تا کرد آن شمس دو سوراخ پدید آید بلکه سوراخ نشیب علوی
فلا بلکه سوراخ نشیب سفلی تا تحت الثری پس چون هر دو سوراخ منظور کشت پس
شد دولت دو جهان دست آورد اکر سوراخ بالا نظر طبقه افلاک و انچه قدرت
خدای تعالی بود باشد هم را به بیند اکر سوراخ سفلی نظر کند تا تحت الثری در نظر
آید اکر این چنین دولت روی داد پس به بین خدا کجا است و خفا اکر کوشد هوز خفا
تصرف نماند کرده عطای خدای تعالی در این ملاحظه عزو دیا و او الها دانا کشند

الحال و در این دنیا مرشد من بود این عمل کرده قطب العالم کشت آنکه در وی بوده با (عم)
و این شغل بداند مقصود در دو جهان حاصل کرده چنانکه خدای تعالی در قرآن مجید
فرموده است مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ برزخ و ذات و (صفات)
رشد و بد و بحث و جوف میانه پرده طالبان را کل نفس و ذوق و شوق خدای تعالی
روح و عقل و عشق بر طبع عناصر آفریده است باد تعلق بروح دارد و آب تعلق
بعقل دارد آتش تعلق بر عشق دارد خاک تعلق بر نفس دارد و ارواح نیز چهار
عنصر تعلق دارد چنانچه نفس اماره تعلق با آتش دارد و نفس لوامه تعلق بر باد دارد
و نفس ملهمه تعلق بر آب دارد و نفس مطمئنه تعلق بخاک دارد قوله تعالی سَنُرِيهِمْ
آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ قال النبي ع ان الارواح
ثلثة روح الجاری و روح المقیم و روح الامین روح الجاری ینفصل عند النوم
والروح المقیم ینفصل عند النزع والروح الامین معهم فی القبر اول منزلنا (سوم)
در بیاد کر نفس لا اله الا الله در دل فکر کند یعنی اراده لا موجود الا الله لا (مقصود)
الا الله لا مطلوب الا الله لا محبوب الا الله لا سمیع الا الله لا بصیر الا الله
لا علیم الا الله قال النبی ع رایت ربی فی لیلة المعراج علی صورة شاب امرد دیکر

وآیت ربی فی لیلة المعراج علی صورة ناسوت ملکوت جبروت لاهوت و مقام محمود
سلطانا نصیرا دو گاه ناسوت ملکوت جبروت لاهوت مقام محمود اسلطانا نصیرا
دو دوگاه صورت پیر تصور کند اگر صورت پیر را تصور کند به بیند اگر صورت پیر جانب
راست با برابر سر ناست است و اگر صورت پیر جانب چپ آید وسواس شیطانی است
توبه و استغفار کند و بدل حضور پیر را مشاهده کند پیر روی بروی خود نظر آید تمام
کم کند بر سر خود مرشد شود پیر ما حاصل آید معشوق دو جهان حاصل کرده قال النبی
من رآنی فقد رأی الحق واحد احد بلا میم فرق است تمام عالم در آن بلا میم غرق است
مراحمد گوید حضرت خدا کرا مد محمد مصور حذا عرش و کرسی لوح و قلم هفت ستان در
بو وجود الناس است اول ستان دو چشم است دوم ستان دو گوش است سیم ستان
دو سوراخ بینی چهارم ستان دهن است تن لطیف وجود روح است و تن کثیف وجود
محمدی است تن فنا بنا پر آدم است تن بقا وجود باری تعالی است نفس باد در و فناد
واهی بود و راهی کبود بدانکه در وجود الناس بیان هفت زمین است اول
زمین موی اندام دوم زمین پوست سیم زمین گوشت [illegible] زمین رگ است پنجم
زمین خون است ششم زمین استخوان هفتم زمین مغز است و در وجود آدمی هفت

آسمان است هشتم آسمان دل صنوبری نهم آسمان سینه دهم آسمان قاب قوسین
یازدهم آسمان باره زبان است دوازدهم آسمان بر نام نور است سیزدهم آسمان بالا سر
چهاردهم آسمان بالاه پرده مغز است یازدهم در وجود آدمی هفت دریا است اول
دریا علم دوم دریا حلم سیم دریای عقل چهارم دریا فکر پنجم دریا ادم ششم دریا
تم هفتم دریا مغز است بدانکه در وجود آدمی دوازده بروج است اول حمل سر است
دوم ثور گردن است سیم جوزای دو سینه است چهارم سرطان بازو پنجم اسد
سینه ششم سنبله معده است هفتم میزان ناف است هشتم عقرب جگر است
نهم قوس ران است دهم جدی شکم یازدهم دلو زانو است دوازدهم حوت کف پای
در وجود آدمی چهار عنصر آفریده است اول عناصر آب مقام حسن نل عنبد
موکل آب میکائیل ذبر چشم است بارگاه دل عرشی یعنی دو چشم معتقد در گال دوم
عناصر یعنی آتش و نل سرخ موج سینا موکل آتش عزرائیل مکان دل صنوبری است
ملو نگاه روح مهر گوشه زنانه بارگاه بینی است کنه گاه روح در گوش است تخت
گاه روح بالا مغز است سیوم باد مقام دل نیلوفری است یعنی ناف و نل سبز است
موکل اسرافیل یعنی خاک زرد است موکل جبرئیل مکان دل مدور یعنی بارگاه

شغل ابراهیم علیه السلم در مقام ناف و نفس است بوقت مصقه کنند تا سند چراغ در سینه

بدانکه روح چهار است ناطقی صنابتی جسمی نامی بدانکه دل چهار است دل نیکو

دل کبری دل صنوبری دل مدوره بدانکه نفس چهار است نفس اماره نفس لوامه

ملهمه نفس مطمئنه یعنی محمدی نظر کند شمع دل عبری بر بینی نظر کند همچون الف نفس

دل صنوبری نظر الله کند همچون نون دل مدور یعنی سر بدانکه اربع عناصر چهار طبع

حرارت یعنی آتش گرم برودت باد یعنی سرد رطوبت آب یبوست خاک یعنی خشک

احمد ذات و محمد صفات محمد احدیت ممکنات کثرت عالم یعنی آدم احمد عاشق یعنی آدم

یعنی محمدی معشوق بدانکه هفت مکان است ناسوت ملکوت جبروت لاهوت هاهوت

یاهوت باسوت بدانکه عشق در لاهوت عاشق در لاهوت معشوق در لاهوت عارف

جبروت واصف در ملکوت واقف در ناسوت حقیقت جلالیت و جمالیت در وصف

یکی در محو آید دوم صحو یعنی شاه عاشق گاه در سکر می آید گاه صحو فنی کرد در سکر

رود در ان غایب خود بخود در ناید و فتی که در صحو می آید اسرار در غایب نگوید

انشا ظاهر می آرد ملفوظ صحو ستوره صحو د بطون نتیجه سکر قال النبی صلی الله علیه وسلم

من عرف نفسه فقد کل لسانه بدانکه در شریعت طریقت حقیقت معرفت عشق عاشق معشوق

معشوق مهتر جبرئیل مهتر میکائیل مهتر اسرافیل مهتر عزرائیل بدانکه تمام بهشتها تمام اعضا

اول مقدم عرش است و ان مقام سر است دوم کرسی است ان دوم دوش است و در

کرسی سیم مقام است و این جا تخت گاه است بعد از ان مقام قاب قوسین است

و در دنیا کرسی چهار فرشته است اول جبرئیل دوم میکائیل سیم اسرافیل چهارم عزرائیل

بدین تفصیل مقام جبرئیل دهان است که جان دارد و مقام میکائیل چشم دارد که

می باد و مقام اسرافیل بینی است که صور می دمد دم بدم و مقام عزرائیل گوش است که

و تجسس شهر است بعد از ان مقام محمود او سلطان ناصر اهین است مقام محمود اول

بدانکه مقام حضرت رسالت پناه است و مقام سلطان نصیر مقام روح است ان لطا

لاهوت فنا است جنان مغز تا دل بناشد مدد او سلطان نصیر مقام چشم است و مقام

محمود سعیدی چشم است و شیبا مقام ابلیس است و مرد ملکه هست که تخت گاه لاهوت

دست راست و دست چپ مقام کراما کاتبین است و مقام نهشت حضرت پاک بود

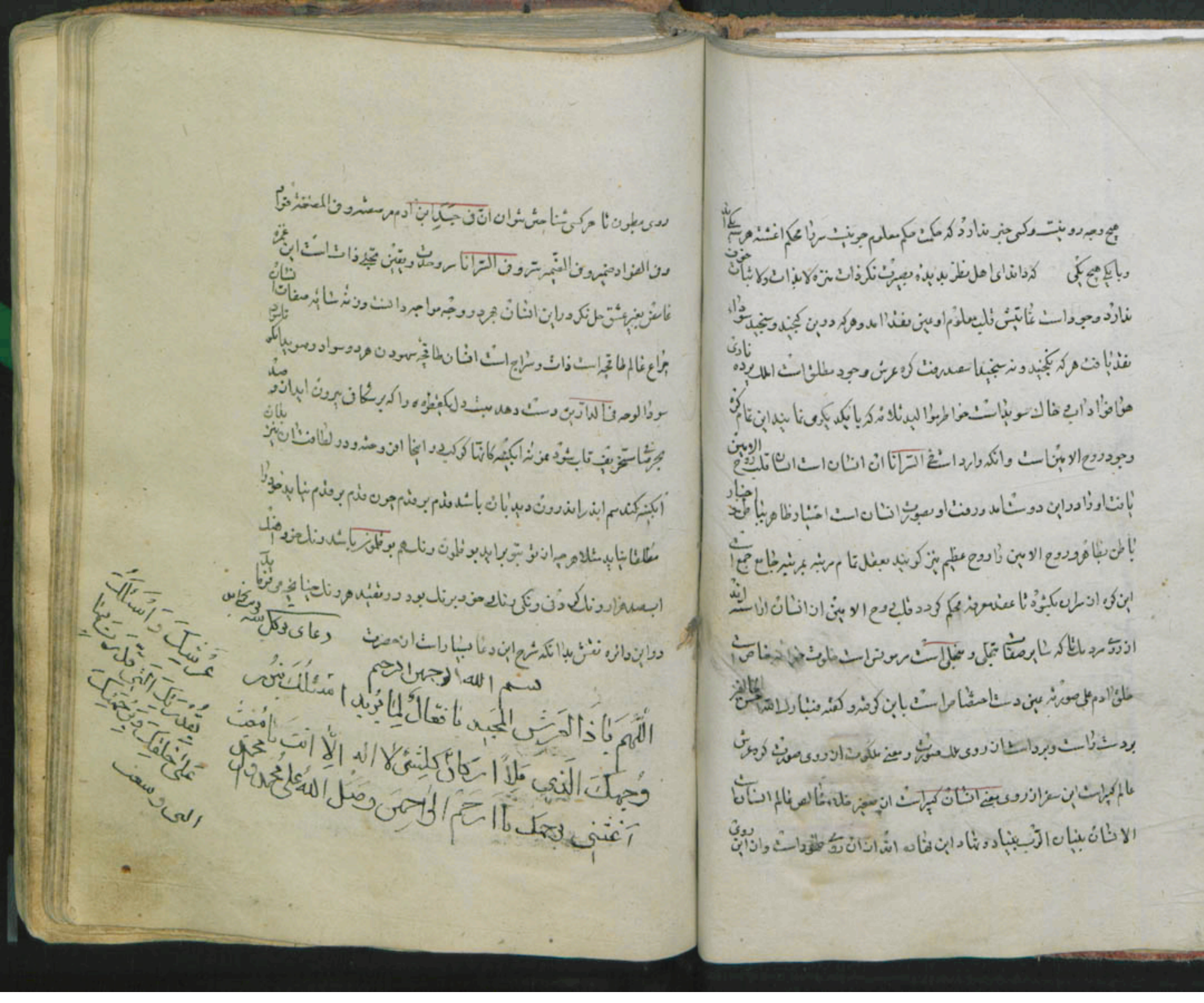
دانش و پاک بودن و پاک ناشدن است حمله پاکیها مقام محمود است ان مقام نهشت

و مقام دوزخ مصیبت زمین است بر او صفا نفس است بدان فان زنان که بنا

مخفی بروند مقام دوزخ است بدانکه از ناف تا سر هفت طبقه آسمان است و از ناف

تا پای هفت طبقهٔ زمین است پس طالب را باید که دانسته باشد و دریافت کند تا تمام ذات
باری تعالی حاصل شود و بمطالعه برسد بدانکه در وجود الناس کدام کس کلام میکند و کدام
کس می بیند و کدام کس میشنود و کدام بوی میگیرد جواب بگو که در وجود آدمی جبرئیل
کار میکند و میکائیل می بیند و اسرافیل بو میکند و عزرائیل می شنود جبرئیل
خاکی است و میکائیل آبی و اسرافیل بادی و عزرائیل آتشی دیگر اصل جبرئیل روح الامین
پدر نفس وجود آدم است و پدر روح محمد است اما در وجود چشم بر ظاهر آدم است یعنی
بود مثل بیخ روح محمد است دیگر قدم در وجود است دم سواد است قدم بنیاده اعلی
برزخ ذکر لاهوت یعنی اسم ذاتی الوقت متصور کند اسم ذاتی بزبان دل درون
بعده قاب قوسین کان است بزدم جمله کشش ذکر است بعام هم ذکر است [illegible] درمیان
چشم مرد مثل صورت مرد مثل تصور کند اگر حاضر شود و آن صورت محمدی است بذات
و مشاهده صورت سرور مراقبه صورت مرشد است بدانکه چهار برزخ است اول برزخ
صغرا دوم برزخ کبری سیم برزخ محبوب چهارم برزخ محمود اصل دو برزخ است
صغری و کبری برزخ صغری صفات است برزخ کبری ذات است و در حدیث آمده است
اذا تکلم شیخ تفسیر الروح مرکبات الروح حدیث ذکر الروح مشتاق من الروح

ده در هر یکی دو قبل دو قبل بنا باید کو با کان پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده است
مثل کلمة طیبة کشجرة طیبة اصلها ثابت وفرعها فی السماء کلمه طیبه
در هر دو عالم هیچ چیزی کسی که مراد حدیث دیگر من عرف نفسه بالعبودیة
فقد عرف ربه بالعز من عرف نفسه فهو حق من عرف نفسه فهو مشرک
من عرف نفسه فهو کافر بدانکه همین مشرب است ابرار اخیار و شطار ابرار اولیا
یعنی نیکو کار است یعنی نماز و روزه و با وضو باشد اخیار کردن این کار و ها
یعنی از جانب عبادت محکم باشد مثل ابرار جبرئیل اخیار میکائیل شطار اسرافیل سوار
عزرائیل   مثل محمد رسول الله صلی الله علیه و آله   بسم الله الرحمن الرحیم
شکل دوم ای طالب صادق چون شاه [illegible] فعل واثق [illegible] تا را معرفه [illegible]
جهان حاصل کرده دانسته المواد هر طور دلایلان تا انکه عارف بالله و معشوق بذات
بود محقق شود و باصل واصل کرده در عرفان عارف بالله دین است ان الدین عند
الله الاسلام عرفان [illegible] است من عرف نفسه فقد عرف ربه عرفان ذات
عرفان تمام است اینما تولوا فثم وجه الله اشارت غامض و عبادت موجب کر بعضی
نعیم هیچ اشاره [illegible] در خلوت [illegible] بی نشان و نشان دادن مکن [illegible] و بی عیب



بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس بی‌قیاس پادشاهی را که هیچ عقل را قوت اطلاع بر حقیقت ثنای او نیست و هیچ وهم را
وسع احاطت بکنه معرفت او نه هر عبارت که در نعت او ایراد کنند جز بیان کرده صفت
او بر زبان را نشاید کی اگر ثبوتی باشد انشاید تشبیه تواند مقصود نماید و اگر غیر ثبوتی
باشد انتفا به تعطیل مترادف در وهم نفکند و از این جهت پیشوای اصفیا و مقتدای اولیا
خاتم انبیا محمد مصطفی علیه السلام گفت لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک
و فوق ما یقول القائلون هزاران درود و صلوات وافر و تحیات بر روح
مقدس او و ارواح پاکان دودمان و گزیدگان یاران او باد و بعد چنین گوید محرر
این رساله و مفرد این مقاله محمد بن محمد الطوسی رحمه الله که بعد از تحریر کتابی
که موسوم است باخلاق ناصری و مشتمل بر بیان اخلاق کریمه و سیاسات مرضیه بر طریق

بر طریق حکما اندیشه می‌بود که مختصری در بیان سیر اولیا و روش اهل بینش بر قاعده
سالکان طریقت و طالبان حقیقت مبنی بر قواعد عقلیه و سمعیه و منبی از دقایق
نظری و عملی که بمنزلت لب آن صناعت و خلاصه آن فن باشد مرتب کرده آید و اشتغال
بان مهم بسبب کثرت شواغل و انداده و موانع بیفایده میسر نمیشد و احراج ...
در حیز بود از وقت مشغل دست نمیداد تا در این وقت که اشارت نافذه مخدوم
صاحب اعظم نظام و دستور عالم والی السیف والقلم مقتدی اکابر العرب والعجم
شمس الحق والدین بهاء الاسلام والمسلمین ملک الوزرا فی العالمین صاحب دیوان
الممالک فخر الاشراف والاعیان مظهر العدل والاحسان افضل و اکمل جهان
ملجا و مرجع ایران محمد بن الصاحب السعید بهاء الدین محمد الجوینی اعز الله انصاره
و ضاعف اقتداره با تمام این اندیشه نفاذ یافت بر نوعی که دست داد و وقت
و حال اقتضا کرد با وجود عوایق و وفور علایق انجح خاطر با یراد آن مسارعت
نمود و موانع در تعویق آن مسامحت کرد تا از جهت انقیاد امر نزدیک او و امتثال
فرمان مطاع او مشتمل بر شرح آن مقامات و ذکر آن دقایق در این مختصر وضع کرده و در
هر باب آیتی از تنزیل مجید که لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه باستشهاد آورده

بود ایراد کرده و اشارت مقصود مصرح راه نهایت بر آنچه بیان نزد یک خود اعتقاد
کرده ما او را مناقب الاشراف نام نهاد اگر پسندیده مطلع اشرف آید مقصود حاصل
شد والا چون تمهید معذرت تقدیم یافت امید است که خادم اخلاق و شیم ذات شریف
او اثر عفوت را بذیل مغفرت پوشیده گردانند بدانکه ایزد سبحانه و تعالی هر کرا
در عالم مجازی او را منزلت سروری و فرمان دهی مخصوص گردانیده است در عالم
حقیقی بیافت تیز دانی و دولت جاودانی نوید و موعود گردانند انه هو اللطیف
المجیب اکنون سخن در ذکر ابواب این مختصر مشتمل بر آن خواهد بیت که هر کس در حوزه
احوال خود نگرد خویشتن را بغیر خویش محتاج داند و محتاج بغیر ناقص باشد و خود
و چون از نقصان خود خبردار شود در باطن او شوق بکمال که باعث او باشد بر طلب کمال
پدید آید محتاج شود بحرکت در طلب و اهل طریق این حرکت را سلوک خوانند و کسی را
که این حرکت کند سالک و سائر چون در این حرکت سیر او شود اول بدایت حرکت و آنچه از آن ناگزیر
نباشد تا حرکت میسر نباشد بمنزله زاد و راحله در سفرهای مکانی دوم آفات و عوائق و موانع
که او را از حرکت و سلوک باز دارند سیم در سیر و سلوک در طلب کمال و احوال سالک
حرکت که بواسطه آن از مبدء بمقصود رسد چهارم در ذکر حالها که در اثناء سیر

[illegible]

و سلوک اهل وصول را سانح شود ششم نهایت حرکت و عدم و انقطاع سلوک که آن را
در این موضع فنا و در توحید خوانند و هر یکی از این معانی مشتمل بود بر چند امر لا بد اینها
حرکت که در آن معتد به بود و ما این شش معنی را در شش باب ایراد کنیم هر بابی مشتمل بر شش
فصل الا باب آخر که آن قابل تکثر نباشد و باید دانست که چنانکه در حرکت حصول
هر جزوی مسبوق باشد بجزوی و مستعقب جزوی دیگر الا جزو دیگر آخر هر حال از این
احوال واسطه باشد میان مقدمات سابق و مفارقت لاحق تا در حال مقدمات سابق
آن حال مطلوب باشد و در حال مفارقت لاحق مهروب عنه شود پس حصول هر حالی بیقین
با آنچه پیش از آن باشد کمالی بود و مقام بر آن حال در وقتی که توجه بحالی بعد از آن
مطلوب باشد نقصان و بر این موجب گفته اند حسنات الابرار سیئات المقربین و این معنی
در فصول این مختصر روشن گردد و چون این مقدمه روشن شد شروع در ابواب
این مختصر کرده آید بتوفیق الله باب اول در سیر و حرکت و آنچه از آن ناگزیر نباشد تا حرکت
میسر شود و آن شش چیز است و ما در هر یکی فصلی ایراد کنیم باین تفصیل فصل اول
در ایمان فصل دوم در ثبات فصل سیم در نیت فصل چهارم در صدق فصل پنجم در انابت
فصل ششم در اخلاص فصل اول در ایمان قال الله تعالی الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم

يطلع اولئك لهم الامن وهم مهتدون ايمان در لغت تصديق باشد يعني باور داشتن
و در عرف اهل سنت تصديق خاص باشد وان تصديق بود بانچه علم قطعي حاصل است
كه پيغمبر عليه السلام فرموده است ومعرفت پيغمبر عليه السلام متعلق بنا باشد از معرفت كردگاري
حق تعالى وعالم باقي سميع بصير گويد متكلم كه پيغمبران را فرستاده است وهر آن محمد مصطفى
فرستاده واحكام فرايض وسنن وحلال وحرام بر وجهي كه هذه امت را بران اجماع ثابت شده
بيان فرموده پس ايمان مشتمل بر اين امور باشد واعتقاد قابل زيادت ونقصان نباشد
چرا كه اگر كمتر از اين باشد ايمان نباشد واگر زيادت از اين باشد آن زيادت كمال
ايمان بود مقارن ايمان ونشان باور داشتن اين باشد كه انچه دانسته وگفته وكرده شده
باشد بيلاند وبگويد وبكند وانچه از ان احتراز بايد كرد احتراز كند واين حاصل از انا
عمل صالح باشد وقابل زيادت ونقصان ولازم تصديق بود باشد وان اين جهت
ذكر ايمان با ذكر عمل صالح فرموده اند در همه مواضع الذين امنوا وعملوا الصالحات
وببايد دانست كه ايمان مراتب است انهم لكن بيانست يا ايها الذين امنوا وعملوا
عبارت از انست وقالت الاعراب امنا قل لم تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا ولما يدخل
الايمان في قلوبكم يعني اشارت بيان دبالا اين تصديق است وان تصديق لازم

جازم باشد بانچه تصديق بايد كرد انان والش ممكن بود چون تصديق جازم حاصل
باشد هر اينه ان تصديق مستلزم عمل صالح باشد انما المؤمنون الذين امنوا بالله
ورسوله ثم لم يرتابوا وان از بهر ايمان بغيب است يؤمنون بالغيب ايمان مقارن بصارت
باشد از يا من مقتضي ثبوت تصديق ايماني كامن ووفا حجاب از حجة معروف بغيب باشد
وان ان كامل انجا كه در حق ايمان فرموده است انما المؤمنون الذين اذا ذكر الله وجلت
قلوبهم واذا تليت عليهم اياته زادتهم ايمانا تا آنجا كه اولئك هم المؤمنون حقا وانهي
ايمان كمال است ومتصل باشد با ايمان يعني كه شرح ان سبحان اين كفتر اميد وان منتهي
مراتب ايمان باشد وانچه در سلوك كمتر از ان نشايد ايمان بتقليد است وايمان بغيب
چه ايمان بزبان شايد بحقيقت نه ايمان بود وما يؤمن اكثرهم بالله الا وهم مشركون اشارت
بانكه كامل مطلق يعني اوز بيد كاري هست باسكون نفس سلوك ممكن باشد وحصول ايمان بالغيب
ايمان بود باندك سعي حاصل شود ان شاء الله تعالى فصل دوم در ثبات قال الله تعالى يثبت
الله الذين امنوا بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الاخرة ثبات حالتست كه تا بالا
مقارن نشود طمانيت نفس كه طلب كاست وطمانيت ايمان معتبر نكردد وجه هر كس در معتقد
متزلزل باشد طالب كمال نتواند بود وايمان وثبات ايمان عبارت از حصول

بانکه کاملی و کمالی هست و تا این حزم نباشد طلب کمال صورت نه بندد و حزم طلب کمال
و ثبات عزم تا حاصل نشود ممکن نباشد و صاحب عزم بی ثبات کالذی استهوته
الشیاطین فی الارض حیران باشد بل بحقیقت او را عزم نباشد چه تا باطل حجت نشود حرکت و سکون
از او واقع نشود و اگر حرکت کند اضطرابی و تردّدی حاصل باشد که اثر فایده و ثمره
نباشد و علت ثبات بصیرت باطن بود بحقیقت معتقد خویش و رسیدن لذت اعمال
و ملکه شدن ان حالات باطن را بر وجهی که زوال پذیر بود و باین سبب صدور اعمال صالح
از صاحبان ثبات دایم و مزوری باشد **فصل پنجم** در نیت قال الله تعالی ان صلواتی
و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین نیت نا معنی قصد است و قصد واسطه است میان
علم و عمل چه اول تا نداند که کاری کردنی است دو شق ثانی قصد کردن انکار نکند و تا
قصد نکند انکار ازو حاصل نشود و مبدء سیر و سلوک قصد است او در سیر و سلوک از انک
که قصد مقصدی معین باشد و چون مقصد حصول کمال باشد از کامل مطلق پس نیت باید
که شامل باشد بر طالب قرب بحق تعالی که او است کامل مطلق و چون چنین باشد
نیت بهتر از عمل شما هی باشد نیة المؤمن خیر من عمله چون نیت بمثابت جان است
و عمل بمثابت تن و الاعمال بالنیات یعنی زندگی تن بجان است و لکل امرء ما نوی فمن

کانت هجرته الی الله و رسوله فهجرته الی الله و رسوله و من کانت هجرته الی دنیا
یصیبها او امرءة یتزوجها فهجرته الی ما هاجر الیه و عمل خیر که مقارن نیت تقرب و طلب
قربت باشد هر اینه مقتضی حصول کمالی باشد چنانکه قال الله تعالی لا خیر فی کثیر من
نجویهم الا من امر بصدقة او معروف او اصلاح بین الناس و من یفعل ذلک ابتغاء
مرضات الله فسوف نؤتیه اجرا عظیما **فصل ششم** در صدق قال الله تعالی یا ایها الذین
امنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین صدق در لغت راست گفتن و راست
کردن است و عده باشد و در این موضع مراد از صدق راستی است هم در گفتن و هم
در کردن و هم در نیت و عزم و هم در وفا باخبر زبان داده باشد و وعده کرده
و هم در تمامی حالها که او را پیش آید و صدیق کسی بود که در این همه او را راستی ملکه
باشد و السنه خالق آنچه باشد و هر باب از این نتوان یافت نه بعینی و نه با تمنا
و علما گفته اند که هر کس که چنین باشد خوابهای او همه راست باشد و ثابت اید
و رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه در باب ایشان آمده است و صدیقان را با انبیاء
و شهدا در یک سلک آورده اند اولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین
و الشهداء و پیغام بران بزرگ مانند ابراهیم و ادریس را صدیق صفت کرده اند

اثر کان صدیقا نبیا و دیگر آنکه گفته اند و جعلنا لهم لسان صدق علیا و چون راه با
نزدیکتر راهی باشد مقصود و وصول بمقصد از کسیکه بر طریق مستقیم سلوک کند آسانتر
تر باشد فصل پنجم در انابت قال الله تعالی و انیبوا الی ربکم و اسلموا انابت با خدا
گشتن است و بر او اقبال کردن بود و آن به چیز بود یکی بیان همه توجه بجانب حق
تعالی باشد و در افکار و عزائم طلب قربت او کند و جای تقلب منیب و دیگر بقول
مداومت اوقات بذکر او و نعم او و کسانیکه بحضرت او نزدیکتر باشند مشغول باشند
و مانند آن الا من یشبه بتم باعمال ظاهر که همیشه منیب قربت سوا طلب کند مانند ملازمت
فرایض و نوافل و فوت عمر وقف بزرگان دین و بذل صدقات و احسان با خلق خدا
بر سانیدن اسباب نفع با ایشان و باز داشتن ضرر از ایشان و راستی نگاه داشتن
در معاملات و انصاف از خود و اهل حق دادن و بر جمله التزام احکام شرع نمودن تقربا
لا الله تعالی و طلبا لمرضاته چنانکه فرمود و ازلفت الجنة للمتقین غیر بعید هذا ما توعدون لکل
اواب حفیظ من خشی الرحمن بالغیب و جاء بقلب منیب ادخلوها بسلام ذلک یوم الخلود
و لهم ما یشاؤن فیها و لدینا مزید فصل ششم در اخلاص قال الله تعالی و ما امروا الا لیعبدوا
الله مخلصین له الدین اخلاص تنزیه کردن باشد یعنی پاک کردن از چیزی که غیر او باشد

او باشد و در او آویخته باشد و ایمان با اخلاص آن بود که در آنچه گوید طلب تقرب را
بخدای تعالی خاص و خالص بجز او کند و هیچ غرض دیگر نزد نباشد و مزاحمت بران در دنیا مزید
الا لله الدین الخالص و مقابل اخلاص آن بود که غرضی دیگر با آن غرض در آمیزد مانند
تبعیت یا طلب نام نیک یا طمع ثواب آخرت یا از بهر نجات و رستگاری از عذاب دوزخ
و این چنان باب شرک باشد و شرک دو نوع بود جلی و خفی شرک جلی بت پرستی باشد
با نه همه شرک خفی باشد بسبب الشرک فی امتی اخفی من دبیب النملة السوداء علی الصخرة
الصماء فی اللیلة الظلماء و طالب کمال که از شرک تبا هری ما نفی باشد از سلوک و من
کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعبادة ربه احدا و چون مانع
شرک خفی مرتفع شود سلوک و وصول با سلک در دست دهد من اخلص لله اربعین صباحا
ظهرت ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه و الله ولی التوفیق باب دوم در ازالت عوائق
و قطع موانع از سیر و سلوک و آن مشتمل است بر شش فصل اول در توبه دوم در زهد
سیم در فقر چهارم در ریاضت پنجم در مراقبت و نجات ششم در تقوی
فصل اول در توبه قال الله تعالی و توبوا الی الله جمیعا ایها المؤمنون لعلکم تفلحون
یعنی توبه رجوع از گناه باشد و اول بباید دانست که گناه چه باشد و همچنین باید دانست

که افعال بندگان بر پنج قسم باشد اول فعلی که باید کرد و نشاید که نکنند دوم فعلی که
نباید کرد و نشاید که کنند سیم فعلی که کردن آن و ناکردن او یکسان باشد و گناه ناکردن
از کردن هم چهارم فعلی که کردن و ناکردن او یکسان باشد و گناه ناکردن فعلی باشد
که از قسم اول باشد و کردن فعلی که از قسم دوم بود و از آن همه غافلان را توبه واجب باشد
و اجتناب از افعال نه افعال جوارح تنها بجوارح بلکه جمله ارکان و افعال بجوارح که تابع قدرت
و ارادت هر غافل باشد و اما ناکردن فعلی که تابع قدرت و ارادت که از قسم
همی که از قسم سیم باشد و کردن فعلی که از قسم چهارم باشد ترک اولی باشد و از
ترک اولی ناپسندیده باشد و توبه ایشان از ترک اولی باشد و اهل سلوک را التفات
بغیر حق تعالی که مقصد ایشان است گناه باشد و انبیا را از آن توبه باید کردن
سه نوع باشد توبه عام همه بندگان را و توبه خاص معصومان را و توبه اخص اهل الله را
و توبه عصاة است از قسم اول است و توبه آدم ع و دیگر انبیا از قسم آدم و سیم
که گفت انه لیغان علی قلبی و انی لاستغفر الله فی الیوم سبعین مرة از قسم سیم اما توبه عام
موقوف بود و شرط باشد شرط اول علم باقسام افعال و آنکه کدام فعل رساننده بکمال
و کمال سبب انتفاع سعادت باشد بعضی را نجات از عذاب بود و بعضی را حصول ثواب

و بعضی را درجات از مزید کار و تعالی و قربت باو و کدام فعل رساننده است بشقاوت
و اتهم باوفا کمال متعدد بود با استحقاق عقاب باشد با حرمان از ثواب یا تحط
از مزید کار و بعد آن و که لعنت عبارت از آنست شرط دوم موقوف بر قابلیت
کمال و رستگاری حق تعالی پس هر عاقلی که این دو شرط او را حاصل باشد اگر گناه
و اگر کرده باشد و از آن به توبت تدارک کند و توبت مشتمل باشد بر سه چیز اول
بقیاس با زمان ماضی دوم بقیاس با زمان حاضر سیم بقیاس با زمان مستقبل
اما آنچه بقیاس ماضی باشد بدو قسم شود یکی پشیمان بودن از گناه کرده در زمان
ماضی از او صادر شده باشد و تاسف بر آن تا سعی هرچه تمام تر و این قسم مستلزم
دو قسم دیگر باشد و بدین سبب گفته اند که الندم توبة و قسم دوم تلافی آنچه واقع
باشد و آن بقیاس کرباشد یکی بقیاس با خدای تعالی که نافرمانی او کرده است دوم بقیاس
با غیر که نفس خود را در معرض نقصان و سخط خدای تعالی آورده است سیم بقیاس با غیر
که مضرتی قولی یا فعلی باو رسانیده است و تا آن غیر را با حق خود برساند تدارک صورت
نه بندد و در رسانیدن با حق او در قول یا معتذر بود یا با نفیا دیکافات فا
حلیه با آنچه مقتضای رضای او باشد و در فعل برد حق او با او یا باکسی که قائم مقام او باشد

و با انقیاد حکومت ورا داده و با آن کسی که از قبل او باشد و تحمل عذابی که از قبل او باشد
بر آن گناه معین کرده باشد و آن عزم اگر معقول باشد تحصیل رضای اولیای او هم
شرط باشد و تحصیل رضا او هم محال باشد لیکن چون دیگر شرایط توبه حاصل باشد
امیدوار بود که حضرت حق تعالی در قیامت او را سعی خوبی جانب او راضی گرداند و اما
حق حق تعالی و با انقیاد فرمان و تحمل عقوبتی با تادیبی که واجب باشد تلافی باید
جانب الهی بتضرع و زاری و رجوع بحضرت او بعبادت و ریاضت بعد از حصول رضای
تنبیه علیه و اداء نفس خود امید باشد که مرعی شود اما آنچه توبه بآن مشتمل باشد بقیاس
با زمان حاضر دو چیز بود یکی ترک گناهی که در حال مباشرت آن گناه باشد قوی تر الا
ندامت و دوم این که ... که آن گناه او سعی کرده بوده و تلافی نقصان که از آن
شخص بوده باشد و اما آنچه بقیاس با زمان مستقبل باشد هم دو چیز بود یکی عزم
کردن بر آنکه بآن گناه معاودت نکند و اگر مثل او را بکشند یا بسوزانند باختیار
و نه با اجبار راضی نشود بآنکه دیگر مثل آن گناه کند و دوم عزم بر ثبات در آن تا
و باشد که عازم بر خود ایمن نباشد بوثوق بمقتضی با کفاف با نوعی دیگر از
عود بآن گناه آن عزم را بر خود ثابت گرداند و تا او را مسکه متردد باشد بادر

او موده را بمجال امکان باشد آن ثبات حاصل نباشد و باید که این جمله تقرب بجناب حق
تعالی کند و آن حسب امتثال فرمان او بود آن جماعت داخل شود که التائب من الذنب
کمن لا ذنب له و این جمله شرایط توبه عامه آن معاصی و در حق این جماعت فرموده است
یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبة نصوحا عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم
و نیز فرموده است انما التوبة علی الله للذین یعملون السوء بجهالة ثم یتوبون
من قریب فاولئک یتوب الله علیهم و اما توبه خاص که از ترک اولی باشد شرایط
آن در این مقام ذکر کرده شد معلوم شود و این باب فرموده است که لقد تاب الله
علی النبی والمهاجرین والانصار الذین اتبعوه فی ساعة العسرة و اما توبه
اخص اند دو چیز بود یکی در التفات بما سوی الله بغیر مقصد و باین سبب گفته اند که
والشان مشکله دوم از عود با مرتبه که از آن مرتبه ترقی کرده باشد و التفات
مرتبه بوجه رضا با ثبات در آن مرتبه یا خود بمعنی اثبات دو مرتبه که از آن مرتبه
ترقی باید کرد و در این حال اثبات گناه باشد و باین سبب گفته اند حسنات الابرار
سیئات المقربین و اتیان آن گناه توبه و استغفار در ترک امراد و مذاهب
بر فوات گذشته و تضرع بحضرت احدیت که ادیت باید شد من تاب و امثال سره الله

ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین **فصل دوم** در زهد قال الله تعم ولا
تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجا منهم زهرة الحیوة الدنیا لنفتنهم فیه و رزق
ربک خیر و ابقی زهد ضد رغبت باشد و زاهد کسی بود که او را با چیز تعلقی نباشد
داود مانند ماکل و مشارب و ملابس و مساکن و مشتهیات و ملذات دیگر و مال و جاه
و ذکر خیر و دولت ملوک و نفاذ امر و حصول هر مطلوب که بر ترک آن او را قادر تواند شد
رغبت نبود نه از سر عجز یا از راه جهل یا از ترس و نه از جهت غرضی یا عوضی که راجع با و باشد
و هر کس که موصوف باین صفت باشد زاهد بود بر وجه مشهور اما زاهد حقیقی کسی بود که بود هر چه
مذکور طمع نجات از عقوبت دوزخ و ثواب بهشت هم ندارد ملکه صرف عقل از جهت
بو شمرد هم بعد از انکه خواهد و طلبها هر یک شد او را ملکه باشد و سوء نباشد
تا اسبک با غرض از اعراض بز دو دنیا و نه در آخرت و ملکه کرده اند این صفت
نزدیک باشد از طلب مشتهیات و ریاضت دادن با مور شاق با زاعرض و روی
در حکایت زاهد آمده است که شخصی سال سر که سفید پخته و نان لوده
هیچ کدام هیچ وقت تماشئی نکرده است از او سبب ریاضت پرسید گفت وقتی نفس من
ابن دو طعام کرد او را بمباشرت اتخاذ این دو طعام با عدم وصول بان ازدو ما

دادم تا دیگر میل بهیچ شهوتی نکند و مثل کسی که در دنیا زهد اختیار کند جهت طمع باخرت
در آخرت مثل کسی باشد که از دنائت همت در وقت احتیاج تناول طعام نکند با وجود احتیاج
تا در مهمانی نفس سوزن لیتا تواند خورد یا کسی در تجارت متاعی بدهد و متاعی بستاند
که بر آن سود کند و در سلوک راه حقیقت منفعت زهد رفع شواغل باشد تا سالک
بچیزی مشغول نشود و وصول مقصد باز ماند **فصل سیم** در فقر قال الله تعم
لیس علی الضعفاء و لا علی المرضی و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج اذا
نصحوا لله و رسوله فقیر کسی را گویند که مالش نباشد یا اگر باشد کمتر از کفاف او
باشد و در این موضع فقیر کسی را گویند که رغبت بمال و متاع دنیائی ندارد و اگر
مال در دست او آید بمحافظت آن اهتمام نکند نه از نادانی یا از عجز یا از [عجز]
یا از غفلت یا سبب طمع با سبب حصول مشتهیات یا سبب جاه و ذکر خیر و ابنا رحمان
و یا جهت خوف از عذاب دوزخ یا طلب ثواب آخرت بل از جهت ملک الثقاتی که
اقبال بر سلوک و اما حقیقت اشتغال بمراقبت جانب الهی باشد یا عرض
تماشای او نشود و حقیقت این شعبه باشد از زهد قال النبی الا اخبرکم بملوک اهل
الجنة قالوا بلی قال کل ضعیف مستضعف اغبر اشعث ذی طمرین لا یؤبه له لو اقسم علی الله

او بره و چون کنند اگر خواهی بیابی مکر را از نزد شود هم گفت لا بل اجمع یوما فاسألك

ولا اشبع یوما فاشکرك فصل چهارم در ریاضت قال الله تعالی و اما من خاف مقام ربه

ونهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی ریاضت را کوم کردن مستور باشد منع

او از انچه باز مقصد کشد از حرکات غیر مطلوبه و ملکه کردانیدن او را اطاعت

مناحب خویش در انچه او را بران دارد از مطالب خویش و در این موضع مراد از ریاضت

هم منع نفس حیوانیست از انقیاد و مطاوعت قوه شهوی و غضبی و انچه بان تعلق

و منع ناطقه از متابعت قوای حیوانیه که رذایل اخلاق و اعمال باشند حرص بر جمع مال

و اقتناء جاه و توابع ان از حیلت و مکر و خدیعت و غلبه و تعصب و حقد و حسد و فجور

و انهماک در شرور و غیر ان از ان حادث شود و ملکه کردانیدن نفس انسانی را

طاعت عقل عملی بر وجهی که پسندیده او باشد بحالی که او را ممکن باشد و نفس را که متابعت

قوت شهوی کند بهیمی خوانند و انرا که متابعت قوت غضبی کند سبعی خوانند و انرا که

رذایل اخلاق ملکه کند شیطانی و در تنزیل این جمله را نفس اماره خوانده است بقوله ان النفس لامارة

بالسوء اگر این رذایل در وی ثابت باشد اما اگر ثابت نباشد تا وقتی که میل

بخیر کند و وقتی میل بشر و چون میل بخیر کند از میل بشر پشیمان شود و خویشتن را ملامت

کند انرا نفس لوامه خوانند و نفسی را که منقاد عقل باشد و طلب خیر ابد ملکه شده

نفس مطمئنه و غرض از ریاضت سه چیز است یکی دفع موانع از وصول بحق از شواغل

ظاهر و باطن است دوم مطیع کردانیدن نفس حیوانی عقل عملی را که باعث باشد بر

طلب کمال سیم ملکه کردانیدن نفس را بثبات بر انکه متنبه باشد قبول فیض حق تعالی را

با کمالی که او را ممکن باشد برسد فصل پنجم در محاسبه و مراقبت قال الله تعالی ان تبدوا

ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله محاسبت با کسی حساب کردن باشد و مراقبت کسی را

نگاه داشتن و در این موضع مراد از محاسبه ان است که طاعت و معاصی را با خود حساب کند با نفس تا بشناسد

تا کدام بیشتر است اگر طاعت بیشتر است باز بیند با قدر فضل طاعات و بر معاصی

حق تعالی در حق او کرده است چه نسبت دارد اول وجود او و چندین نعمتها که

در اجزای بدن و اعضای او که علما تشریح چندین کتب در شرح ان ساخته که فهم ایشان بعد

ساخته اند با انکه از انچه هست از دریا قطره فهم نکرده اند و چندین فایده کرده

قوتهای بدنی و حیوانی که در او موجود است پیدا کرده و چندین دقایق صنع در نفس او

که مدرک علوم و معقولات است بذات خود و مدرک محسوسات بمدد قوی و اعضا بالات

ایجاد کرده و دون او که از ابتدا تقدیر کرده است و اسباب پرورش او از علویات

علویات و سفلیات شاهده کرد امیدوار باشد اگر مقابل طاعت او بر معاصی باین نعمتها
ودیگر نعمتها که بر شمردن نتوان شمرد چنانکه فرموده است وان تعدّوا نعمة الله لا تحصوها
توان شکر کند بر تقصیر خود و در همه احوال موافق شود و اما اگر طاعت و معصیت او
متساوی باشد بداند که بازای این نعمتها هیچ بندگی بنام نکرده است تقصیر خویش
ملاحظه باید و اگر معاصی زیاد باشد خود و یلک ثم ویل لک هرگاه که طالب کمال این حساب
با خود کرده باشد از او جز طاعت در وجود نیاید و خوف خدا با آنکه جز طاعت نکند
منتشر داند و از این سبب فرموده است که حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا و اگر حساب
خود نکند و در معصیت تمادی نماید بوقت ان کان مثقال حبة من خردل اتینا بها
وکفی بنا حاسبین حساب او کنند در عذاب ابد و خسران عظیم افتد و حینئذ لا یؤخذ
منه عدل ولا تقبل شفاعة اعاذنا الله من ذلک تا مراقبت آنکه جمیع
ظاهر و باطن خود را نگاه میدارد تا از وی چیزی در وجود نیاید که حساب آن کرده
باشد باطل کرداند یعنی ملاحظه احوال خود نماید تا بر معصیت اقدام ننماید نه
آشکار و نه در نهان و مشاغل که او را از سلوک راه حق باز میدارد ترک نماید
معنیقه و این معنی را همیشه خاطر میدارد واعلموا ان الله یعلم ما فی انفسکم

فاحذروه تا آنگاه که بمرتبه وصول مطلوب رسد والله یوفق لمن یشاء من
عباده انه هو اللطیف الخبیر فصل ششم در تقوی قال الله تعالی ان اکرمکم عند الله
اتقیکم تقوی پرهیزیدن باشد از مقامی که از بیم خشم خدای تعالی و دوری از آن
بیمار را که طلب صحت کند از تناول آنچه مضر باشد و اقدام بر آنچه مقتضی مزید بیماری
او باشد پرهیز باید که تا علاج او درست دهد و علاج بیماری او منجح باشد تا اقتضا
که طالب کمال باشد از هرچه منافی کمال باشد یا مانع از حصول کمال یا شاغل از سیر و سلوک
در طلب کمال پرهیز باید کرد آنچه مقتضی وصول باشد و او در سلوک و معتقد و شوق باشد
ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب و تحقیق تقوی بر [illegible]
از سه چیز است اول خوف دوم تحاشی از مناهی سیم طلب قرب و شرح هر یک از این
سه در این مختصر بجای خود بیان کرده اید و در تحت این اجمال اخبار ذکر تقوی و مشایخ
متقیان بیشتر از آن است که در این مختصر ایراد توان کرد و غایت همه غایات
محبت باری تعالی باشد بلی من اوفی بعهده واتقی فان الله یحب المتقین باب سیم
در سیر و سلوک در طلب کمال و احوال سالکان مشتمل است بر شش فصل فصل اول
در خلوت فصل دوم در تفکر فصل سیم در خوف و حزن فصل چهارم در رجا

فصل پنجم در صبر فصل ششم در شکر فصل اول در خلوت قال الله عز و جل و ذروا
الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا و غرتهم الحیوة الدنیا الدنیا در علوم حقیقی
مقرر شده است که هر ذات که مستعد قبول فیض الهی باشد با وجود استعداد
و عدم موانع از حصول آن فیض محروم نتواند بود و طالب فیض از کسی ممکن باشد
که او را دو چیز معلوم بود اول آنکه وجود آن فیض مفیض بی شک بجوید داند
دوم آنکه داند که وجود او فیض در هر ذات یکی باشد مقتضی کمال آن ذات بود
و این هر دو علم مقارن استعداد قبول آن فیض باشد در همه احوال و چون این مقدمه
تقریر داده شد گوییم طالب کمال را بعد از حصول استعداد ازالت موانع واجب باشد
و معظم شواغل مجازی باشد که نفس را با التفات بما سوی الله مشغول دارد و ذوات آن
و کل بر وصول مقصد حقیقی باز دارد و شواغل حواس ظاهره و یا باطنه باشد یا دیگر قوای حیوانی
یا افکار مجازی اما حواس ظاهره شاغل باشد بدین صورتها که بیننده را مشاهده آن
رغبت باشد و شنیدن صوتهای متناسب همچنین در بوها و طعمها و ملبوسات اما حواس
باطنه شاغل باشد بتخیل صورتها و مثالها بر دل که خاطر بدان ملتفت باشد یا بوهم محبتی
و متنفس یا معظم چیزی یا محتقر چیزی یا استطاعتی یا عدم استطاعتی باشد یا بندگان از خدا

از خالی کند شغل با تفکر در امور که طالب حصول آن امور باشد مانند مال
و جاه و اما قوای حیوانی شاغل بسبب حزن یا خوف یا غضبی یا شهوتی یا خجلتی یا
حجلی یا عزتی یا اشطاری لذتی یا امید و تر عدوی یا حقد دارانی ملی باشد و اما
افکار مجازی شاغل تفکر در امری غیر مهم یا عملی غیر نافع باشد و بر جمله هر چه
باشتغال بدان از مطلوب محجوب شود و خلوت عبارت است از ازالت جمله
موانع پس صاحب خلوت باید که موضعی اختیار کند که آنجا از محسوسات ظاهره و باطنه
و شاغلی نباشد و قوای حیوانی را مرتاض کرده باشد تا او را مجذوب بانچه ملایم آن قوی
باشد و دفع از آنچه ملایم آن قوی باشد و دفع از آنچه غیر ملایم باشد تحریک نکند
و از افکار مجازی بکلی اعراض کند و آن فکرهایی که بود غایت آن راجع با مصالح
معاش و معاد باشد اما مصالح معاش امور فانی باشد و اما مصالح معاد امور دینی
که غایات آن حصول لذات باقی باشد نفس طالب را و معیار زوال موانع ظاهر
و خالی کردن باطن باشتغال بما سوی الله باید که بیکی همت و جامع جمیع اقبال کند
بر ترصد سوانح غیبی در ترقب واردات حقیقی که از تفکر خواستند و در آن فصلی معزول
کرده میشود و آن اینست فصل دوم در تفکر قال الله تعالی او لم یتفکروا فی انفسهم

ما خلق الله السموات والارض وما بینهما الا بالحق هرچند در معنی تفکر وجوه بسیار
گفته اند عمده وجوه آنست که تفکر سیر باطن است از مبادی بمقاصد و بعضی از
بدین معنی گفته اند در اصطلاح علما هیچکس از مرتبه نقصان بر تبه کمال نتوان رسید الا
بسیر و باین سبب گفته اند اول واجبات تفکر و نظر است و در تحت یک حدیث تفکر
زیادت از آن است که بر توان شمرد ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون و در حدیث
آمده است تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة و باید دانست که مبادی سیر
کران انجا آغاز حرکت باید کرد آفاق و انفس است و سیر استدلال است از آیات
هر دو بعضی از حکما گفته اند که در هر ذره از ذرات هر یکی از این دو کون نامه شود و بی عظمت
و کمال مبدع هر دو تماشا هیچ انوار ابداع او در هر ذره کرده شود سنریهم آیاتنا فی
الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق و بعد از آن استشهاد از حضرت ملیک
برهم جزوی است از مبدء عالم او لم یکف بربک انه علی کل شیء شهید تا هر ذره از ذرات
تجلی ظهور او مشکوة کرده اما آیات آفاق از معرفت وجود اگر ماسوی الله باشد خالی
هستی و حکمت در وجود هر یک بقدر استطاعت انسان حاصل شود و مانند علم هیئات افلاک
و کواکب و حرکات و اوضاع هر یک و مقادیر اجرام و ابعاد و تاثیرات از هیئات عالم

از هیئات عالم سفلی و ترتیب عناصر و تفاعل ایشان بسبب صور و کیفیات و حصول امتزاج
و ترکیب مرکبات معدنی و نباتی و حیوانی و معرفت قوی و نفوس سماوی و ارضی و مبادی هر یک
و انحراف ایشان و دوام ایشان واقع باشد از مناسبات و مخالفات و جواهر و مکانها
و آنچه باین تعلق دارد از علوم اعداد و مقادیر و لواحق آن و اما آیات انفس از
معرفت ابدان و انفس باشد و آن معلوم شود بعلم تشریح اعضاء مفرده از عظام
و عضلات و اعصاب و عروق و منافع هر یکی و مرکبه چون اعضاء رئیسه و خادمه و اوردة
هر یک با جوارح و معرفت قوی و افعال آن و احوال هر یک تا سبب صحت و مرض و عروض
و کیفیت برآن و افعال و انفعالات هر دو از یکدیگر و اشیاء نقصان و کمال در هر یک
و مقتضی سعادت و شقاوت عاجل و آجل و آنچه بدان تعلق دارد و این جمله مبادی
که تفکر عبارت از آنست و اما مقاصد و آن منتهای سیر باشد باجزای فصول و ابواب
معلوم کرده و این وصول باشد بنهایت مراتب کمال فصل سیم در خوف و حزن قال
الله تعالی و خافون ان کنتم مؤمنین و علما گفته اند الحزن ما فات و الخوف تألم باطن
حزن عبارت است از تألم باطن بسبب وقوع مکروهی که دفع آن متعذر باشد
وقوع آن در زمان مستقبل که تدارک آن متعذر باشد و خوف عبارت بود از تألم باطن

بسبب توقع مکروهی که اسباب حصول آن ممکن الوقوع باشد یا توقع فوات مرغوبی که تدارک
آن متعذر بود پس اگر اسباب حصول معلوم الوقوع باشد یا مظنون بظنی غالب آن را
انتظار مکروه نیز خوانند و نام آن نادرت باشد و اگر متعذر و وقوع اسباب معلوم نباشد
و نام آن خاصه انتظار حزن خوانند که بسبب آن حزن تا مالجا باشد و خوف و حزن در باب سلوک
از فایده خالی نباشد چه حزن اگر بسبب ارتکاب معاصی باشد یا بسبب فوات مدتی که
در عطلت از عبادات یا در ترک سیر و طریق کمال منقضی شده باشد منضم بعزم توبه شود و خوف اگر
از ارتکاب گناه و نقصان و نا رسیدن بدرجه ابرار باشد موجب جهد نمودن در اکتساب خیرات
و مبادرت در سلوک طریق کمال باشد ذلك یخوف الله به عباده و کسی که در این مقام
از خوف و حزن خالی باشد از اهل قساوت باشد فویل للقاسیة قلوبهم من ذکر الله
اولئك فی ضلال مبین و هر امن که در این مقام سبب زوال این خوف باشد مقتضی هلاك
بود افامنوا مکر الله فلا یامن مکر الله الا القوم الخاسرون و اما اهل کمال از خوف
و حزن مبرا باشند الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون و هر چند بحسب لغت
خوف و خشیت بیك معنی است در عرف این طایفه میان هر دو فرق است خشیت بخاصیت است
انما یخشی الله من عباده العلماء و خشیت ایشان خاصه است ذلك لمن خشی ربه و خوف از

از ایشان نفی است لا خوف علیهم و لا هم یحزنون پس خشیت استعدادی باشد که بسبب
شعور بعظمت و هیبت حق عز و علا و وقوف بر نقصان خود و قصور از ادای حق بندگی
او با آن متحمل ترك ادب در عبودیت یا اخلال بطاعت لازم آید پس خشیت خوفی
خاص باشد و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب دلیل بر آن مرتبت نزدیك است
هدی و رحمة للذین هم لربهم یرهبون و رجاء الله چون بدرجه رجاء رسد خوف فایده آن
بدل شود اولئك لهم الامن و هم مهتدون چه او را نیز از هیچ مکروه کراهت باشد و هیچ
رغبت و این امن از سبب کمال بود و چنانکه امر مذکور از سبب نقصان باشد و صاحب این
امن از خشیت خالی نباشد تا آنگاه که بنظر و حکمت متجلی شود آنگاه از خشیت اثری باقی نماند
چه خشیت از لوازم تکبر باشد **فصل چهارم** در رجا قال الله تعالی ان الذین آمنوا و الذین
هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله اولئك یرجون رحمة الله هر گاه که مطلوبی متوقع باشد
که در زمان استقبال حاصل خواهد شد و طالب را ظن باشد بحصول اسباب آن مطلوب
فرحی که از تصور حصول آن حاصل باشد با توقع حصول در باطن او حادث شود رجا
خوانند و مشروط باشد که اسباب [illegible] است و سوقع واجب الوقوع است در مستقبل آن را
انتظار مطلوب خوانند و هر ابتر وقوع در آن صورت زیادت باشد و اگر سبب [illegible]

اسباب حصول معلوم و مظنون نباشد آنرا تمنی خوانند و اگر معلق حصول معلوم و مظنون
اسباب معلوم باشد و توقع حصول بافی رجا آن با غرور و حماقت باشد و خوف و رجا
متقابل افتند و در سکون رجا شامل بر فواید بسیار باشد نه در خوف چه رجا باعث
باشد بر توفیق مدرجات کمال و بر رغبت سیر در طریق وصول مطلوب یرجون تجارة
لن تبور لیوفیهم اجورهم و یزیدهم من فضله و بعضی رجا مقتضی حسن ظن باشد بعد وفات
بادیه ثم وسوف یرحمه اولئک یرجون رحمة الله و در حصول مطلوب او موجب آن
موقع فرموده است که انا عند ظن عبدی بی و عدم رجا این مقام یاس و قنوط باشد
انه لا ییاس من روح الله الا القوم الکافرون و ابلیس بسبب یاس هدف لعنت ابدی
شده است لا تقنطوا من رحمة الله اما چون سالک بمرتبه موحد رسد رجا و منتفی باشد
بسبب آنکه داند که هر چند با جبر است شاء الله و آنچه شاء الله بنا جبر است و با این مقصود
رجا اگر باقی باشد نماید باجهل باشد بتمامی آنچه در باب و دو بنا است باشد
از سبب اشیا جهة حرمان از مطلوب و از فضل گذشته است و این فصول معلوم شود که تا مادام
که سالک در سلوک باشد از خوف و رجا خالی نباشد یدعون ربهم خوفا و طمعا طرح آن شایع
آیات و ملد و وعید و تعریف دلایل نقصان و کمال موقع و وقوع هر یک بدل از دیگری مقصود

و مقصود آنکه اشیاء سلوک با وصول باشد مقصد باله و حصول امراد و عرفان و رجا معارض خوف
لازم آید و ترجیح یک طرف بر دیگری طرف ممکن باشد لو وزن خوف المؤمن و رجاه
لاعتدلا و در جهة اگر ترجیح رجا دهد خوف نه بجا بجاه لازم آید افامنوا مکر الله و اگر
خوف را ترجیح دهد یاس موجب هلاکت لازم آید انه لا ییاس من روح الله الا القوم
الکافرون فصل پنجم در صبر قال الله عز و جل واصبروا ان الله مع الصابرین صبر در
لغت حبس نفس است از جزع بوقت وقوع مکروه و آن منع باشد از اضطراب و باز
داشتن اعضا از حرکات غیر معتاد و صبر سه نوع است اول صبر عوام و آن حبس نفس باشد
بر سبیل تجلد و اظهار ثبات در تحمل تا ظاهر حال او نزد یک عاقلان و عموم مردم مرضی
باشد یعلمون ظاهرا من الحیوة الدنیا و هم عن الآخرة غافلون دوم صبر زهاد
و عباد و تقوی و ارباب حلم از جهة توقع ثواب آخرت کذا انما یوفی الصابرون
اجرهم بغیر حساب سیم صبر عارفان چه بعضی از ایشان التذاذ باشد بمکروه از
جهة تصور معبود جل ذکره ایشان را بان مکروه از دیگر بندگان خاص کرده است
و بنادر کی ملحوظ نظر او شده اند و بشر الصابرین الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا
انا لله و انا الیه راجعون اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئک هم المهتدون

در اثنا دادورده اند که جابر بن عبدالله الانصاری که یکی از صحابه کبار بود در اواخر عمر
ضعیف پیری و عجز مبتلا شده بود محمد بن علی بن الحسین المعروف بالباقر به عیادت
او رفت و او را از حال او سؤال کرد و گفت در حالتی ام که پیری از جوانی و بیماری
از تندرستی و مرگ از زندگانی دوست تر میدارم محمد گفت من باری چنانم که اگر
مرا پیری دارد پیری دوست تر دارم و اگر جوان دارد جوانی و اگر بیمار دارد بیماری
و اگر تندرست دارد تندرستی و اگر مرگ دهد مرگ و اگر زنده دارد زندگانی جابر
چون این سخن بشنید روی محمد را بوسه داد و گفت صدق رسول الله که مرا گفت یقین
یکی از فرزندان مرا بر بینی هم نام من که یبقر العلم بقرا کما یبقر الثور الارض و باین سبب او را
باقر علوم الاولین والاخرین خوانند و از معرفت این مراتب معلوم شود که جابر از
مرتبه اهل صبر بوده است و محمد از مرتبه اهل رضا و بعد از این شرح رضا داده شود

فصل ششم در شکر قال الله تعالی وسیجزی الله الشاکرین شکر در لغت ثنا است بر منعم بازاء
نعمت او و چون معظم نعمتها بل جمله نعمتها از حق تعالی است پس بهترین چیزی مشغول بودن
بشکر او باشد و تمام شکر به سه چیز لازم شود **اول** معرفت نعمت منعم که آفاق و انفس بیشمار است
دوم شادمانی بوصول آن نعمتها باو **سیم** جهد نمودن در تحصیل رضاء منعم معتقد را مکان

امکان و استطاعت و او محبت او باشد در باطن و ثنا او و تعظیم او بر وجهی که
لایق باشد در قول و جهد نمودن در قیام بانچه بیقین میداند منعم بدان قیام با او خشنود
از مکافات یا مدحت یا طاعت یا اعتراف بعجز قال الله تعالی لئن شکرتم لازیدنکم
و فی الاخبار الایمان نصفان نصف صبر و نصف شکر و سالک بهیچ حال از ملاقات
امری ملایم یا غیر ملایم خالی نباشد پس بر ملایم شکر باید کرد و بر غیر ملایم صبر باید کرد
و هم چنانکه بازاء صبر جزع است بازاء شکر کفران است و کفر نوعی از کفران است ولئن
کفرتم ان عذابی لشدید و از اینجا معلوم میشود که درجه شکر از درجه صبر عالی تر است
و چون شکر نتوان گذارد الا بدل و زبان و اعضاء دیگر و هر سه نعمت اوست و قدرت
بر استعمال هر یکی از آن نعمت دیگر و توفیق باعث در استعمال هر یک نعمت دیگر پس اگر خواهد
که بر هر نعمتی شکری گذارد بر این نعمتها هم شکری دیگر باید گذارد و همچنین در گذاردن
این شکر هم چنان که در اول و انتها بعجز باشد و اعتراف بعجز از شکر آخر مراتب شکر باشد
چنانکه اعتراف بعجز از ثنا بود و گفت بر ثنا است و باین سبب گفته است لا احصی ثناء علیک
انت کما اثنیت علی نفسک و فوق ما یقول القائلون و تو دیدی اهل نعیم شکر منعمی
شود چه شکر شامل است بر قیام مکافات و مجازات منعم و آنکس که در بندگی مجلی بود که در روا

که خود را هیچ محل نه بیند میگویند در مقابل کسی توانند آمد که همراه او باشد پس نهایت سلوک
تا آنجا باشد که خود را وجود ندانند و منعم را وجود. باب چهارم در ذکر احوالی که مقارن
سلوک حادث شود تا آنگاه که وصول بمقصد رسد و آن مشتمل است بر هشت فصل
فصل اول در ارادت فصل دوم در شوق فصل سیم در محبت فصل چهارم در معرفت
فصل پنجم در یقین فصل ششم در سکون فصل اول در ارادت قال الله تعالی واصبر نفسک
مع الذین یدعون ربهم بالغداة والعشی یریدون وجهه بدانکه ارادت خواهش
است و آن مشروط به دو شرط باشد اول شعور بمراد دوم شعور بکمالی که مراد را
حاصل باشد و غیبت مراد پس مراد از قبیل اموری باشد که مرید را متحصل آن ممکن
باشد چون ارادت با قدرت منضم شود هر دو موجب حصول مراد شوند و اگر از
قبیل اموری بود که حاصل و موجود باشد اما حاضر نباشد هر دو مقتضی حالی شود
و مرید که او را شوق خوانند و شوق پیش از وصول باشد و اگر وصول شد بتدریج باشد
چون از وصول اثری حاصل شود آنرا محبت خوانند و محبت را مراتب بود و مرتبه آخر
بوقت تمامی وصول و انتهاء سلوک باشد و بوجهی و اعتباری مقتضی سلوک باشد
در طلب کمال نوعی از ارادت بود و چون ارادت منقطع شود بسبب وصول با علم بامتناع

حصول سلوک نیز منقطع شود و این ارادت تا مقارن سلوک باشد با اهل
نقصان خاص بود و اما اهل کمال را ارادت عین مراد و در احادیث آمده است که در بهشت
درختی هست که از او طوبی خوانند هر کس را که آرزویی بود مراد او با او بار آرد و معنی
از آن درخت بان رسانند بی هیچ تاخیر و انتظار و نیز گفته است بعضی مردم طاعت را
که در دنیا کنند ثواب در آخرت بدهند و بعضی را عین عمل ایشان عین ثواب ایشان
باشد و این سخن نیکو آن است که بعضی را ارادت عین مراد باشد و کسی را که در سلوک
بدرجه رضا رسد او را ارادت منتفی شود یکی از بزرگان که طالب این مرتبه بوده است
گفته است لو قیل لی ما ترید اقول ارید ان لا ارید فصل دوم در شوق قال الله تعالی
ولیعلم الذین اوتوا العلم انه الحق من ربک فیؤمنوا به فتخبت له قلوبهم شوق با
لذت محبتی باشد که لازم فرط ارادت باشد امتزاج با الم مفارقت و در حال سلوک
بعد از اشتداد ارادت شوق موجود باشد که پیش از سلوک چون شعور بکمال
مطلوب حاصل شود و قدرت بر آن منضم نباشد و صبر بر مفارقت نقصان نیز بود
شوق حاصل شود و شاید چنانکه در سلوک توقف بیشتر کند شوق بیشتر شود و صبر
کمتر تا آنگاه که بمطلوب رسد بعد از آن لذت نیل کمال خالص شود از شایبه الم

شوق منتفی گردد و اما باب طریقت را باشد که مشاهده محبوب را شوق خوانند و
باعتبار آن باشد که طالب بان مرتبه هنوز نرسیده باشد فصل ستیم در محبت
قال الله عز وجل ومن الناس من یتخذ من دون الله اندادا یحبونهم کحب
الله والذین امنوا اشد حبا لله محبت ابتهاج باشد بحصول کمالی یا تخیل حصول
کمالی مظنون یا محقق که در شعور ثابت باشد و بوجهی دیگر محبت حال نفس باشد وچون
لذت ادراک ملایم است یعنی نیل کمال پس محبت از لذت یا تخیل لذت خالی نباشد
و محبت قابل شدت و ضعف است و اول مراتبش ارادت است چه محبت بی ارادت
نباشد و بعد از آن اگر معاودت شوق باشد و وصول تمام کرد ارادت و شوق منتفی
شود و محبت غالب تر شود و مادام که اثر مغایرت طالب و مطلوب متحد باشد
باعتبار مغایرت و چون اعتبار زایل شود محبت منتفی شود پس آخر نهایت عشق و محبت
اتحاد باشد و حکما گفته اند محبت یا فطری باشد یا کسبی و محبت فطری در همه
کائنات موجود است موجود باشد چه در فلک محبت مقتضی حرکت اوست و در عنصر
که طلب مکان طبیعی کند محبت مکان طبیعی دوام سکون ذاتست و هم چنین محبت در کائنات
طبیعی از وضع و مقدار و فعل و انفعال و در کتابت چنانکه در معنی المراهقین را

آهن را و در نبات زیادت بر آنچه در مرکبات باشد بسبب آنکه در طریق نمو و اغتذا و
تحصیل بذر و حفظ نوع محتاج باشد و در حیوانات زیادت بر آنچه در نبات باشد که
باشد الفت و انس مشاکل و رغبت بتزاوج و شفقت بر فرزند و برابنا نوع و اما
محبت کسبی اغلب در نوع انسانی باشد و سبب آن یکی از سه چیز بود اول لذت و آن
جسمانی باشد یا غیر جسمانی و همی باشد یا حقیقی دوم منفعت و آن هم مجازی باشد چنانکه
محبت دنیائی که نفع آن بالعرض باشد یا حقیقی که منفعت آن بالذات باشد سیم
مشاکلت جوهر و آن یا عام بود چنانکه میان دو کس که هم طبع و هم خلق باشند و مانند
و شمایل و امثال یکدیگر تشبه شوند و خاص بود میان اهل حق مانند محبت طالب کمال
کامل مطلق را و باشد که سبب محبت مرکب باشد از این اسباب مذکور و ترکیب ثنائی
یا ثلاثی و محبت مبنی بر معرفت نیز باشد چنانکه عارفان را بانکه لذت و منفعت و خیر
از همه کامل مطلق باو میرسد پس او را محبت کامل مطلق حاصل آید عبیا الغزاز دیگر
محبتها و معنی والذین امنوا اشد حبا لله اینجا روشن گردد و اهل ذوق گفته اند
که رجا و خشیت و شوق و انبساط و توکل و رضا و تسلیم جمله از لوازم محبت باشد که
چه محبت یا متصور رحمت محبوب مقتضا و ثوق و یا استقرار وصول اقتضا و انس و

وبا فرط انس اقتضاء انبساط و با ثقت بعنایت اقتضاء توکل و با استحکام
اثر کران محبوب مراد و شود اقتضاء تسلیم و بر جمله محبت حقیقی حدتی با تسلیم دارد
آنگاه که حاکم مطلق محبوب را داند و محکوم مطلق خود را و عشق حقیقی حدتی با فنا
دارد که همه معشوق را بر بیند و هیچ خود را نه بیند و کل ماسوی الله نزد یک هالک این
مرتبه محجاب باشد پس غایت سیر بان رسد که از همه اعراض کند و توجه باو کند و الیه یرجع الامر
کله **فصل چهارم** در معرفت قال الله تعالی شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة و اولو العلم
قائما بالقسط معرفت شناخت باشد و انجا مراد از معرفت مرتبه بلندترین از مراتب
خداشناسی است چه خداشناسی را مراتب بسیار است و مثل معرفت چنان است که آتش را
بعضی چنان شناسند که شنیده باشد موجود هست که هرچه باو رسد ناچیز شود و بیاثر
او در انچه محاذی او شود و باشد ظاهر کرد و چند اثر ان او بر کرد اند هیچ نقصان
در او پدید نیاید و هرچه از او جدا شود بر صفت طبع او باشد و ان موجود را آتش
خوانند و در معرفت باری تعالی کسانیکه باین مثابت باشند مقلدان خوانند
کسانیکه سخن بزرگان معتقد شده باشند در این باب و وقوف بر حقیقت ندارند و بعضی که در مرتبه
بالاتر این جماعت باشند کسانی باشند که از آتش دود باشان رسد داستند که این

کر این دو را ان چیزی می باید پس حکم کنند بوجود ان که دود اثر اوست و در معرفت
کسانی که باین مثابت باشند اهل نظر باشند که برهان قاطع دانند که صانعی هست
که آثار قدرت بر وجود او دلیل سازند و بالای این مرتبه کسانی باشند که از حرارت
آتش بحکم مجاورت اثر احساس کنند و بان منتفع شوند و در معرفت کسانی که باین مرتبه
باشند مؤمنان بغیب باشند و صانع را از ورای حجاب شناسند و بالای این مرتبه کسانی
باشند که از آتش منافع بسیار دریافته باشند مانند خبز و طبخ و انضاج و غیر ان و این جماعت
مثابه کسی باشند که در معرفت لذت معرفت دریافته باشند و بان مبتهج شده و بنا
انجا مرتبت اهل دانش باشد و بالای این مرتبه کسانی باشند که آتش مشاهده کنند و بتوسط
نور آتش چیزهای ایشان مشاهده موجودات کنند و این جماعت در معرفت مثابت اهل بینش
باشند و ایشان را عارفان خوانند و معرفت حقیقی ایشان را باشد و کسانیکه بمرتبت
دیگر باشند بالای این مرتبه هم از اصحاب عارفان باشند و ایشان را اهل یقین خوانند
بعد از این کشف شود و ایشان جماعتی باشند که معرفت ایشان از باب معارف باشد
و ایشان را اهل حق خوانند و انس و انبساط خاص ایشان باشد و نهایت معرفت انجا
باشد که عارف منتفی شود مانند کسیکه بآتش سوخته و ناچیز شود **فصل پنجم**

در یقین قال الله تعالی وبالآخرة هم یوقنون و در حدیث آمده است من اقل ما
اوتیتم الیقین ومن اوتی حظه منه لم یبال بما انتقص من صلوته وصومه یقین در
عرف اعتقادی جازم مطابق ثابت باشد که زوال آن ممکن نبود و آن بحقیقت مؤلف
بود از علم معلوم و آن علم بآنکه ضد آن علم اول محال باشد و یقین را مراتب است اول
چنانکه در تنزیل علم الیقین وعین الیقین وحق الیقین چنانکه گفته است لو تعلمون
علم الیقین لترون الجحیم ثم لترونها عین الیقین و جای دیگر گفته است وتصلیة جحیم
ان هذا لهو حق الیقین در مثل آتش که در دنیا معروفست گفته اند مشاهده هرچه در نظر
آید بتوسط نور آتش بمثابت علم الیقین است و معاینه جرم آتش که مفیض نور است
بر هرچه قابل استنارت باشد بمثابت عین الیقین و تاثیر آتش در آنچه بدو رسد تا
او محو کند آتش صرف نماید حق الیقین هرچند آتش علامت اما چون لها بت وصول
با انتفاء هویت و اصل او ثبات از او از او دوری نزدیک دخول در او که انتفا
غیر اقتضا کند باز آن این مرتبه نهاده است والله اعلم بحقائق الامور فصل ششم در سکون
قال الله تعالی الذین آمنوا وتطمئن قلوبهم بذکر الله الا بذکر الله تطمئن القلوب سکون
دو نوع بود یکی از خواص اهل نقصان و آن مقدم بر سلوک بود که صاحبش از سلوک و کمال

بی خبر باشد و آن را غفلت خوانند و دیگر بعد از سلوک که از خواص اهل کمال
باشد بوقت وصول بمطلوب و آن را اطمینان خوانند و حالی که میان این دو سکون باشد
حرکت و سیر و سلوک خوانند و حرکت از لوازم محبت باشد که قبل الوصول باشد
و سکون از لوازم معرفت که مقارن وصول باشد و باین سبب گفته اند لو تحرک
العارف هلک و لو سکن المحب هلک و از این مبالغه گفته اند و ان ابت کم انطوی
هلک و لو سکن المحب هلک این احوال سالک تا گاه که واصل شود باب پنجم
در ذکر احوالی که اهل وصول را سانح گردد و آن مشتمل بر شش فصل است فصل اول
در توکل فصل دوم در رضا فصل سیم در تسلیم فصل چهارم در توحید فصل پنجم
در اتحاد فصل ششم در وحدت فصل اول در توکل قال الله عز وجل وعلی الله فتوکلوا
ان کنتم مؤمنین توکل کار با کسی گذاشتن باشد و در این موضع مراد از توکل
بنده آنست که هرچه از او صادر شود با او در میان آید چون او را یقین بود که حق
تعالی از او داناتر و تواناتر است با او گذارد تا چنانکه مقدور او است آن کار
و بانچه او تقدیر میکند خرسند و راضی باشد ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره و خرسندی او بانچه خدای کند و سازد بان حاصل شود که تامل کند در حال

گذشته خود که اگر پی چیز او را در وجود آورد و چند ان حکمت در او بینش او
پیدا کرده که به عمر خود هزار یک او نتواند شناخت و او را پرورنده و ان الله
و بیرون او کارهائی که با ان نتوانست بودن و با وان نقصان بکمال نتوانسته رسد
با الناس او مصلحت دید او نشناخت ناید اند که انچه در مستقبل خواهد بود هم خواهد
شناخت و ان تقدیر و ارادت حق تعالی بیرون نخواهد بود بر او اعتماد کند و اضطراب
در باقی کند و او را یقین حاصل شود که انچه باید شناخت خدای تعالی سازد اگر
او اضطراب کند یا نکند جز ان اتفق لی الساعة لقاء الله کل مؤنة و یرزقه من حیث لا
یحتسب توکل ایمنان بود که دست از همه کارها باز دارد و گوید که یا حبذا الذی
بل مینان بود که بعد از ان که او را یقین شده باشد و هر چه جز خدا است ان خدا ست
و بنیاد چیزها است که در عالم بحسب وسط اسباب وقع میشود چه قدرت و ارادت
خدای تعالی بچیزی که تعلق گیرد دون چیزی دیگر از بحاله شرطی و سببی که محقق
باشد بان چیز تعلق گیرد جز بنبش ... ان جمله شروط و اسبابا شمرد که مختص ایجاد
بعضی امور باشد که او ان امور مخود بسبب شد هک باید که در ان کارها که قدرت
و ارادت او شرط سبب خود است مجدد باشد ناستر کمی که بتوسط او کاری که مخدوم

مخدوم و موحد و محبوب او خواهد تمام شود چون چنین باشد جبر و قدر متحد
متحد و مجتمع شده باشد چه ان کار را که نسبت با موحد دهد جبر در حنبال اید و اگر
نسبت با شرط و سبب دهد قدر در حنبال اید و چون نظر و است مقوتر کند نه جبر
مطلق باشد و نه قدر مطلق و ان کلمه که گفته اند که لا جبر و لا تفویض و لکن امر بین الامرین
بعینه محقق شود پس حق در اداء افعال که منسوب باو است متصرف داند متصرف که
غیر تبت متصرف الات به عین متصرف فاعل با الات و محقق ان دو اعتبار که یکی
نسبت بفاعل است و دیگر نسبت با الات متحد شود و هر ان فاعل باشد بی انکه ازالت
توکل موتسط خود کند و این مقامات دقیق باشد و جز بر یافت قوت غافلان باین
مقام نتوان رسید و هر که باین مرتبه رسید بیقین داند که مقدر همه موجودات
یکی است که هر امری را که حادث خواهد شد در وقتی خاص بشرطی و الی و سببی خاص
ایجاد میکند و تعجیل نادر طلب تا اثر و ارادت در دفع موقوف نمانند و حق در تمام از جمله شروط
و اسباب انداز د لیکن با مور عام خلاص باید با انکه و در طلب انچه باو خاص باشد
از غیر او مجید ن باشد و بحقیقت الیس الله بکاف عبده مقصود کند و انگاه اگر ان
حیلة شود کار ن باشد و این ابیات در حق او و امثال او منزل که فاذا عزمت فتوکل

على الله إن الله يحب المتوكلين **فصل دوم** در رضا قال الله عز وجل لكيلا تأسوا
على ما فاتكم ولا تفرحوا بما آتيكم رضا خوشنودی است و آن ثمره محبت است
و مقتضی عدم انکار وجه بظاهر و وجه بباطن وجه در دل و وجه در قول و وجه در عمل
و اهل ظاهر را مطلوب آن باشد که خدا از ایشان راضی باشد تا از خشم و عقاب
او ایمن و اهل حقیقت را مطلوب آن باشد که از خدای تعالی راضی باشند و ایشان را
که ایشان را هیچ حال از احوال مختلف مانند مرض و زندگانی و بقا و فنا و رنج و راحت
و سعادت و شقاوت و غنا و فقر مخالف طبع نباشد و یکی بر دیگری ترجیح ننهند و دانسته
باشند که همه از باری تعالی است و محبت او در طبایع ایشان راسخ شده باشد
پس بر اراده و مراد او هیچ مزید نطلبند و هر چه پیش آید راضی باشند از یکی
بزرگان این سیر بشیر یان گفته اند که هفتاد سال عمر یافت که مدت عمر لم یقل لشیء
کان لیته لم یکن و لا لشیء لم یکن لیته کان و از بزرگی پرسیدند که از رضا در خود چه
اثر یافته گفت از مرتبه رضا بوی بمن رسیده است مع ذلک اگر آسمان پل بود و در
پل سازند و خلایق اولین و آخرین را بر آن پل بگذرانند و به بهشت رسانند
و مرا تنها در دوزخ کشند در دل من نیاید که چرا حظ من همنا اینست خلایق حظوظ

دیگران و هر کس که احوال مختلف که یاد کرده شد در طبیعت او راسخ شود مراد او
بحقیقت آن باشد که واقع شود و از اینجا گفته اند هر کس که او را هر چه آید باید که
پس هر چه او را آید باید و چون محقق کند رضای خدای تعالی از بندگان انکار ممتنع
که رضای بنده از خدای حاصل شود رضی الله عنهم و رضوا عنه پس مادام که پیش او
اعتراض بر اراده از امور واقع که اینان که در خاطر آید تا ممکن باشد که در خاطر
او در آن مرتبه رضا بعضی باشد و صاحب مرتبه رضا همیشه در آسایش باشد چه او را
تایب و نیابت او همه نیابت باشد و رضوان من الله اکبر و دربان بهشت را رضوان
خوانده اند و گفته اند الرضا باب الله ... انما الله اله واحد و بمعنی دوم کمال حق
باشد که بعد ایقان حاصل شود و آن چنان بود که هر که موفق را یقین شود که در وجود
جز باری تعالی وصف او و نسبت و صفت او را وجود با نفراد او نیست پس نظر از کثرة بر
وحدت را یکی داند و یکی بیند پس همه را با یکی کرده باشد در سر خود و آن مرتبه وحده لا شریک
له فی الالهیة آن مرتبه هست که وحده لا شریک له فی الوجود و در این مرتبه ما سوی الله
حجاب او باشد و نظر بغیر الله شرک مطلق شمرد و بزبان حال گوید انی وجهت وجهی
للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین **فصل سیم**

در اتحاد قال الله تعالی و لا تدع مع الله الها آخر لا اله الا هو توحید یکی کردن است

و اتحاد یکی شدن آنجا که و لا تجعل مع الله الها آخر و اتحاد لا تدع مع الله الها آخر

چه در توحید شایبه تکلف هست که در اتحاد نیست پس هر گاه که بجائی مطلق در توحید منهمک

راسخ شود تا بهیچ وجه بدو التفات نماید باتحاد رسیده باشد و اتحاد نه آنست که

عامه نظران توهم کنند که مراد از اتحاد یکی شدن بنده باشد با خدای تعالی عما

یقول الظالمون علوا کبیرا بل آنست که همه او بینند کی تکامت انگه کویند چون همه جزو است

از اوست پس همه یکی است بل چنانکه چون بنود تجلی حق همه بینا شود عین او بیاید

و دید و بینش نباشد همه یکی شود و دعای حسین بن منصور حلاج که گفته است بینی و بینک

انی ینازعنی فارفع بانک انی من البین استجابت شده است انیت او از اثبات برخیزد تا

گفت انا من اهوی و من اهوی انا نحن روحان حللنا بدنا و در این مقام معلوم شود که آنکه

که گفت سبحانی ما اعظم شانی نه دعوی الهیت است بل دعوی انیت خود باثبات انیت غیر خود

کرده الله و هو المطلوب **فصل ششم** در وحدت قال الله تعالی لمن الملک الیوم لله الواحد القهار

وحدت یکانگی است و این بالای اتحاد است چه آن اتحاد که بمعنی یکی شدن است بوی کثرة

و در وحدت این شایبه نباشد و آنجا سخن و حرکت و فکر و ذکر و سیر و سلوک و طلب و طالب مطلوب

و مطلوب نقصان و کمال همه معدوم شود و اذا بلغ الکلام الی الله فامسکوا **باب ششم**

در فنا بی حرکت و عدم و انقطاع سلوک قال الله تعالی کل شیء هالک الا وجهه

در وحدت سالک سیر و مقصد و طلب و طالب و مطلوب نباشد کل شیء هالک

الا وجهه و این سخن و بیان هم نباشد و نفی این سخن و بیان هم نباشد نفی و اثبات

منقطع شوند و در فنا محو کثرت است انجا نفی و اثبات نباشد و نفی نفی و اثبات

هم نباشد و آن را فنا خوانند که معاد خلق با فنا باشد همچنانکه مبدا از عدم

بود کما بداکم تعودون و بعضی فنا احدی یا کثرت است کل من علیها فان و یبقی

وجه ربک ذو الجلال و الاکرام فنا بر این معنی هم نباشد و هر چه در نطق آید هیچ

عقل آن رسد همه منتفی باشد الیه یرجع الامر کله این است آنچه در این مختصر خواستیم

ایراد کنیم و اینجا سخن منقطع شد والسلام علی من اتبع الهدی و صلی الله علی محمد و آله

الطاهرین منتسخه

گر کسی ... حضرت رب العزه را در آخر ... [illegible]

رضیت بالله ربا و بالاسلام دینا و بمحمد صلی الله علیه و آله نبیا و بعلی ... و بالقرآن کتابا

اماما و بالحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد

وموسى بن جعفر وعلي ومحمد وعلي والحسن ومحمد الخلف القائم
الخلف الصالح عليهم السلام ائمة وسادة وقادة بهم اتولى ومن
اعدائهم اتبرا في الدنيا والآخرة — از عفران ذنوب و ستر عورت و
عيوب و كشف كروب و دفع هموم و شفاء امراض و وسعت رزق [illegible]
لا اله الا الله العزيز الحكيم لا اله الا الله رب العرش الكريم والحمد لله
رب العالمين اللهم اني اسألك موجبات رحمتك وعزائم مغفرتك
والغنيمة من كل بر والسلامة من كل اثم والفوز بالجنة والنجاة من النار
يا ارحم الراحمين اللهم لا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته
ولا سقما الا شفيته ولا عيبا الا سترته ولا رزقا الا بسطته ولا خوفا
الا امنته ولا سوءا الا صرفته ولا بلاء الا رددته ولا غائبا
الا حفظته ولا حاجة الا هي لك رضا ولي فيها صلاح الا
قضيتها آمين يا رب العالمين — از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده
[illegible] مطالب [illegible] هر صبح [illegible]
حمدا لك يا خفي منك فارج شكرا لك يا كل [illegible] وصاح

من عندك

من عندك تفتح كل باب مرتج افتح لي ابواب فتوح فتاح — روایت است
از حضرت رسول ص [illegible]
[illegible]
[illegible] ١١١ ٥٥٦ [illegible] ٨١١١٦١١٦٨١١ ١١٥١٥١٩ ١١٩١١٩ بالرحمن
٨ ٥ د ١ ١ ١١ ١١ ٨ ١١١٨ [illegible] ٨١١١٨
[illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم وكفى بالله
وليا وكفى بالله نصيرا وكفى بالله حسيبا وكفى بالله عليما وكفى بالله وكيلا
وكفى بالله شهيدا وكفى بربك هاديا ونصيرا وكفى بربك بذنوب
عباده خبيرا بصيرا وكفى الله المؤمنين القتال وكان الله قويا عزيزا
كافي المهمات الكافي اكفني [illegible] — حرزی که در کتف مبارک آنحضرت [illegible]
[illegible] ١١١ح [illegible] ١١١ب ١١١١د
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

بهسح بهسح بهسح بهسح بهسح

[illegible] از حضرت امیر المؤمنین [illegible]

[illegible]

... بعد رب الله سلام علی نوح فی العالمین سلام قولا من رب رحیم سلام

علی ابراهیم سلام علی موسی وهارون سلام علی آل یاسین سلام علیکم

طبتم فادخلوها خالدین سلام هی حتی مطلع الفجر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عع عع عع

عع عع عع یس یس یس یس یس یس طه طه طه طه طه

طه طه حم حم حم حم حم حم حم اهیا اهیا اهیا اهیا اهیا

اهیا اهیا اهیا قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس قدوس

قدوس [illegible]

[illegible] انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی

واتونی مسلمین بحق محمد وآله الطاهرین [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

والصلاة والسلام علی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم السلام علیکم یا اهل [illegible]

السلام علیکم [illegible] السلام علیک یا ارواح [illegible] وانظرونی بنظرة

اجیبونی واغیثونی والحقونی بغوثه وارحمونی برحمة وحصلونی مقصودی

دوموا علی حوائجی [illegible] الدنیا والآخرة [illegible]

یا ابدال یا اوتاد یا غوث یا قطب اغیثونی واغیثونی بحرمة محمد المصطفی

واولاده المعصومین وانظرونی علی [illegible] فانی استشفع [illegible] بجمیع

[illegible] یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد واولاده المعصومین

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] وانت یا صاحب [illegible] وانت [illegible]

وانت یا صاحب [illegible]

[illegible] وانت [illegible] الرحمن وانت [illegible]

[illegible] وانت یا مفرق [illegible]
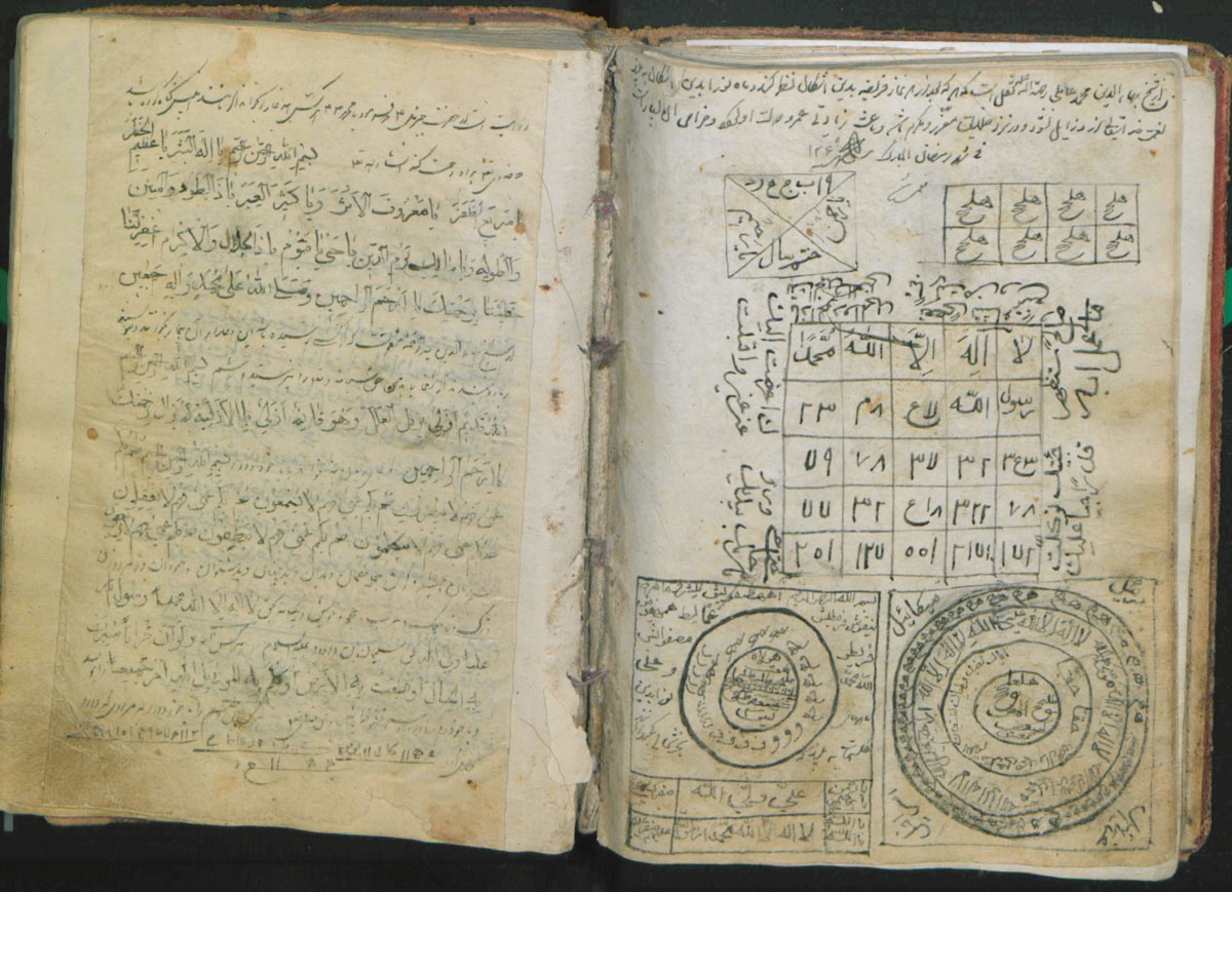
حاجتی [illegible] ابراهیم وموسی [illegible] سلیمان [illegible] داود

وطاعتنا [illegible] سمعنا واطعنا [illegible]

[illegible]

قل ان ان اتيتم من مملكت هذا الهيكل تا شراهيا مصغيا شفتيه العجل اصرعوا
صرعة صحيحا في هذه الكلمة عليك اتى به سليمان ابن داود صلى
صلى الله عليه واله فالوا يا ومنا سمعنا فانما الله شهابا الثاقب سلام عليكم
وملايكتكم لا تملكون ولا تنفون من ذكر الله لا يعقلون وكونوا في من
[illegible] مع الغائب الغائم الغائم الغائب مع الحاضر
[illegible]
[illegible] عزمت عليكم يا معشر الجن بسم الله
وبقدرة الله وبعظمت الله ورحمة الله وبعظمة الله ان كنتم مجوسا فبحق اوائهم
وبحق ابراهيم والشمس والقمر والنار والكواكب والنيران وان كنتم يهودا فبحق
بحق موسى بن عمران وبحق توراة والطور وبحق هيا شراهيا ادوناي اصباوت
ال شداي وان كنتم نصرانيا فبحق عيسى روح الله وايده بروح القدس وكلم
الناس في المهد صبيا وابرء الاكمه والابرص واحيى موتى وان كنتم مسلمين
وبحق القران العظيم والكعبة والقبلة وبحق محمد رسول الله صلى الله عليه واله
ما انتم في طاعة بحق الذي خلقكم من طين الا تعصوني واجيبوني
حيث حيث اعجلوا بعزة الله واسماءه اصرعوا صرعا صحيحا عزمت عليكم
ايها الارواح انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم ان لا تعلوا
علي وأتوني مسلمين يوم التغابن ولا تا [illegible] قبالة الذي لا اله
الا

الا هو كان عرشه على الماء وانه خالق الارض والذي انزل من مثاني
والقران العظيم بحق الذي تعالت سوره ويا الذي قال على جبل مهيا مهيا
ويا الذي قال لها وللارض ائتيا طوعا او كرها قالتا اتينا طائعين
لما اجبتم واطعتم وسمعتم اصرعوا صحيحا باذن الله وبعظمة الله وكلمة الله
العظيم الوحا الوحا بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الملك الحق المبين شهد الله
انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز
الحكيم ان الدين عند الله الاسلام [illegible] والحول والقوة والسلطان
الكبرياء يا من لا ابناء ولا اولاد مثله لا اله الا الله محمد رسول الله
عليا ولي الله



بسم الله الرحمن الرحیم یا اله البشر یا عظیم الخطر

یا سریع الظفر یا معروف الاثر یا کثیر الخیر یا ذا الطول و المن

و الطول یا دائم الملک یوم الدین یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام اغفر لنا

خطایانا برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین

لتسبیح خواجه بسم الله الرحمن الرحیم خضر اینست
بدانکه یا خضر یا الیاس دو برادرند میروید بنماز سلام
من برسانید بحضرت بی نیاز مرا دو من بنده بحرمت صبح و شام
و وقت نماز بیت یا خالق ذو الجلال و یا رب جلیل
در ماندهٔ کار خود شده ام دستم گیر هر که بگوید که لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم اگر اهل آسمانها و ز
مینها جمع شوند که وصف ثواب آن بدانند قادر نباشند
و حضرت حق جل و علا بنظر رحمت بر آن بنده نظر کند و
جمیع گناهان صغیره و کبیرهٔ وی را بیامرزد و قبر او را پر از
نور رحمت کند بفضل و کرم خود ان شاء الله تعالی نود و نه نام
رسول خدای محمد صلی الله علیه و آله اینست
بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم صل علی محمد احمد محمود حامد جاهد قاسم
عاقب غانم حاشر ماحی داعی سراج منیر بشیر نذیر هادی
مهدی نبی رسول طه یس حم مزمل مدثر



شفیع خلیل کلیم حبیب مصطفی مجتبی معلی مزکی مختار ناصر
صبر قائم حافظ شهید عادل حکیم نور حجة بیان
برهان مؤمن مطیع مذکر امین صادق سابق ناطق
صاحب مکی مدنی ابطحی عربی هاشمی قرشی عزیز
حریص غنی جواد کریم رؤف رحیم فتاح علیم طیب مطیب
طاهر مطهر خطیب فصیح سید رشید تقی بار رشاف
متوسط مقتصد حق مبین وکیل اول آخر ظاهر باطن
رحمة شفیع مشفع محلل محرم آمر ناهی حلیم شکور قریب مجیب
منیب اواب اکثرها فی القرآن و فی الانجیل میت میت
و فی التوراة طاب طاب و فی الزبور فارقلیطا و فی السماء
احمد و فی الارض محمد صلی الله علیه و آله اجمعین
الطیبین الطاهرین هر که این دعاء را هر روز ده بار
بخواند همان باشد که چهار پسر اسمعیل پیغمبر را از اسیری خلاص
کرده باشد لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له
الحمد و هو علی کل شیء قدیر پس ثواب بسیار در این دعا باشد
بعد از هر فریضه باید خواند شرح صلواتیکه در سر
مزار خوانند حضرت رسالت پناه محمدی صلعم فرموده که

هر کس که بگوید این صلوات بفرستد بر سر گور وی بیست ساله
عذاب از اهل آن گورستان برداره و اگر چهار نوبت بخواند تا
قیامت عذاب از آن گورستان برداشته شود و اگر در سر گور
مادر و پدر بخواند حقوق ایشان گذارده باشد و اگرچه
عاق شده باشد دو روی ایشان و حضرت حق تعالی هر آدمی را که
بزیارت مادر و پدر وی فرستد که استغفار کنند تا بروز
قیامت بجهة ایشان صلوات اینست بسم الله الرحمن
الرحیم اللهم صل علی محمد ما دامت الصلوة و صل
علی محمد ما دامت البرکة و ارحم علی محمد ما دامت
الرحمة اللهم صل علی محمد فی الارواح و صل علی
محمد فی القبور و صل علی تربة جسد محمد فی التراب
و صل علی صورة محمد فی الصور برحمتک یا ارحم
الراحمین بجهة برآمد مهمات بخواند روایتست از
حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ع که جهة هر
مهمی که پیش آید هفت نوبت بگوید البته بخیر و خوبی
ساخته گردد اینست اللهم یا مسبب سبب و یا مفتح
فتح و یا مفرج فرج برحمتک یا ارحم الراحمین

هذا دعاء [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم و [illegible]
بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی
بسم الله ذو الجلال و الجمال و الاکرام بحق داود یا
قهار یا مقتدر الهی بکل اسمائک لستم سرخ باد
و سفید باد و خرد باد و زلک باد و ارعش باد و کنده باد و با
دی که بد و بود و درد بی که از آن بود چون کوه دماوند بر پی
و بر استخوان و بر تن این بنده شفا یابد بحق توریة موسی
و انجیل عیسی و فرقان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
و سلم ای باد اگر سمیعی و اگر بصیری بفرمان خدای و نام
خدای حق سبحانه و جعلنا من بین ایدیهم سدا
و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و ننزل
من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین
الا خسارا برحمتک یا ارحم الراحمین ای باد برو ای
ای خویش اگر نروی عاصی شوی بدرگاه خداوند خویش خدا
بزرگ است و از آن بزرگتر نشوی بزرگی خدای که نیست
شوی و نیست شوی اللهم اشفع بشفائک و اولیا
ئک برحمتک یا ارحم الراحمین روایتست که هر که

هر که روز اینه دعا را بخواند اگر مرده باشد در زمان ظهور
صاحب الزمان زنده کرده دعا اینست بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم انت ربی وربت امامی وانت
رزقتنی ورزقت امامی فارض عنی وارض عن امامی
برحمتک یا ارحم الراحمین شرح دعاء امام حسین ع
روایتست که هر کس که این دعا را در محل غروب بخواند البته
در بهشت داخل شود دعا اینست بسم الله الرحمن
الرحیم یا من ختم النبوة بمحمد صلی الله علیه وآله
وسلم اختم لی فی یومی برحمتک یا ارحم الراحمین
دعاء علی سلیلة صغیر ابرای جواب منکر ونکیر
بسم الله الرحمن الرحیم
رضیت بالله ربا وبالاسلام دینا وبمحمد نبیا
وبالقرآن کتابا وبالکعبة قبلة وبعلی اماما
وبالحسن والحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد
وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی
بن محمد والحسن بن علی ومحمد بن الحسن صاحب
الزمان صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین

وعلی بن الحسین

یا الله یا ارحم الراحمین انی اودعتک هذه الاقرار
لی وبالنبی وبالائمة علیهم السلام وانت خیر
مستودع فرده علی وقت سؤال منکر ونکیر برحمتک
یا ارحم الراحمین اسنای دعاء سدرة المنتهی
روایتست از امیر کل امیر وسید متقیان عالم حضرت
امیر المؤمنین علی المرتضی ع که حضرت رسالت صلی الله
علیه وآله وسلم فرمود که در آن شب که مرا بمعراج بردند چون
بسدرة المنتهی رسیدم جبرئیل ع مرا این دعا بیاموخت
وگفت هدیه ایست از خدای عز وجل ترا وامتان ترا که هیچ
پیغمبری نیاورده ام یا محمد این دعا ئیست که آورده ام هر که
این دعا را بخواند اگر چند آن گناه کرده باشد که همسنگ هفت
آسمان وزمین وعرش وکرسی ولوح وقلم وهر چه در میان هفت
آسمان وزمین باشد خدای تعالی همه را ببخشد وگناهان او را
عفو کند وگوید شرم دارم یعنی بیامرزیدم آن بنده را که این
دعا خوانده باشد ویا بر کفن او نوشته باشد وخدای تعالی او را
این دعا کرامت کرده باشد واز زانی داشت پس جبرئیل ع گفت
خدای عز وجل میفرماید که این دعا را بر ساق عرش نوشته ام پیش از

آنکه این جهان را بیافریدم به پانصد هزار سال ومنکه خداوندم
خواننده این دعا را هیچ گناه نگیرم وبیامرزم یا محمد اگر
مردی وام دارد این دعا را بخواند خدای تعالی وام او را از خزانه غیب
ادا کند یا محمد اگر کسی را فهم نباشد وزبانش نگردد این دعا را
بمشک وزعفران بر جام آبگینه نویسند وبشویند وسه روز یا
هفت روز بخورد خدای تعالی قفل را از دل او بر گیرد وهر چه بشنود
یاد گیرد یا محمد اگر کسی بیمار شود این دعا را بمشک وزعفران
بر جام آبگینه نویسند وبشویند وبخورد خدای تعالی او را شفا
دهد یا محمد اگر زنی بر سر زه بماند این دعا را بر جامی نویسند
وبشویند وبدان زن دهند تا بخورد در حال بسلامت خلاصی یابد
یا محمد اگر کسی بمیرد واین دعا را بمشک وزعفران وکافور بر
کفن او نوشته باشند خدای تعالی امر کند که صد هزار نور وروشنائی
بگور او رسانند وهول منکر ونکیر نباشد وهفتاد هزار فرشته
بگور او فرو فرستند وهر فرشته طبق نور نثار او کنند واو را گویند
مترس واندوه مخور ومژده بادت باد که ما مونس تو خواهیم بود تا بقیامت
وگور آن بنده را چنان سازند که بهشت ودری از بهشت در گور او گشایند
واو را بخواب باشد چنانکه عروسان جبرئیل ع فرمود که خداوند میفرماید که

که سید ولد آدم را بگوی که این دعا را پیشتر از تو به پانصد هزار
سال آفریدم از برای تو وامتان تو هر کس این دعا را بنیت درست
در اول ماه رمضان المبارک ومیانه ماه وآخر ماه رمضان المبارک
بخواند بحق خدای تعالی لیلة القدر را بوی ارزانی دارد وهفتاد هزار
فرشته بیافریند در آسمان وهفتاد هزار در مکه وهفتاد هزار
در مدینه بر تربت رسول ع وهفتاد هزار در بیت المقدس وهفتاد
هزار در مشرق وهفتاد هزار در مغرب وهر فرشته بیست سر باشد وبر
هر سری بیست دهن ودر هر دهن بیست زبان مختلف باشد وهمه
تسبیح وتهلیل میگویند ومزد وثواب آن همه آن بنده را باشد که خواننده
این دعا باشد یا محمد هر که این دعا بخواند در میان او وخدای
تعالی حجاب نباشد وهر حاجت که از خدای تعالی بخواهد روا شود یا محمد
خدای تعالی میفرماید که هر که خواننده این دعا باشد چون سر از گور بر
دارد هزار فرشته را بفرستم نزد او بدست هر فرشته علمی از نور وهفت
هزار غلام وهر یکی چهار شتری در دست گرفته وشکم شتران از مروارید
وپشت ایشان از زمرد سبز وساقشان از یاقوت سرخ وموهای
ایشان چون گیسوی زنان باشد وبر پشت هر شتری چهار صد قبه از
نور باشد وبر هر قبه چهار صد در باشد ودر هر دری چهار صد حور

باشد از استبرق و سندس و میان هر پرده صد هزار وصیفه باشد
و هر وصیفه را صد هزار مخلف باشد و همه تسبیح و تهلیل میگویند
خدای را و ثواب آن همه از بهر آن بنده باشد که خواننده این دعا باشد و با
این وصیفان صد هزار فرشته همی آیند و هر فرشته را کاسه چهار گونه
باشد از شیر و انگبین و بر هر کاسه دستاری از نور پوشیده و مهری بر آن
نهاده و بر آن مهر نوشته که این هدیه ایست از خدای تعالی که فرستاده بنزد
فلان پسر فلان برای آنکه زبان برداشت بذکر خدای تعالی و بخواند دعای
سدرة المنتهی را در ماه رمضان المبارک در هر شب این بنده و آن بنده را
در عرصات قیامت برند چنانکه خلایق بتعجب فرومانند که این کدام
پیغمبر است که چندین خلایق با وی میروند و او را بدین اعزاز بر تختهای
نور نشانیده و یکان و دوکان در پیش وی میروند و وی را میبرند تا بزیر
عرش خدای تعالی و از حق ندا شود که ای بنده اگر خصم داری خشنود کن و
ببهشت در شو که ما را حساب دیگر نیست حضرت رسول الله گفت
یا جبرئیل اگر امتان در ماه رمضان المبارک سه بار نتوانند خواند
این دعا را جبرئیل گفت دو بار بخوانند سر ماه و آخر ماه رسول گفت
اگر دو بار نتوانند خواند جبرئیل گفت در دو ماه رمضان یکبار بخوا
نند پیغمبر گفت اگر در دو ماه رمضان یکبار نتوانند خواند که امتان من

من ضعیفانند جبرئیل گفت که در همه عمر خود یکبار بخوانند این
دعا را بهشت بر ایشان واجب کردد یا محمد هر که بیشتر خواند قدر و منز
لتش نزد خدای تعالی بیشتر باشد یا محمد هر آن بنده که دایم این دعا را
خواند خدای تعالی دو فرشته را بروی موکل کرداند تا با وی هم قرین باشند
و این فرشتگان تسبیح و تهلیل میگویند از برای آن بنده که او خواننده
این دعا باشد و او را نگاه دارند از همه بلاها و آفتها و پیغمبر
گفت بدان خدای که صد و بیست و چهار هزار پیغمبر بخلق فرستاده
که هر کس این دعا را بخواند با خلاص درست در ماه رمضان در روز اول
پس از نماز بامداد تا آخر ماه در امان خدای تعالی باشد و اگر کسی نتواند
خواند کسی را بیاورد تا از برای وی بخواند او را همان ثواب باشد و خدای
تعالی خواننده این دعا را هزار حاجت بر آرد و اگر در میان ماه بمیرد در قیامت
از همه هولها ایمن باشد و بر صراط چون برق بگذرد و با پیغمبران موافقت
بود و شفاعت محمد هر آن گناهکار را که اخلاص بود از برکت این دعا
نرسد و هر که این دعا را با خود دارد در آب غرق نشود و نسوزد و بمیرد مفا
جات نبیند و جادوی بروی کار نکند و مار وی را نکزد و هیچ دشمن بروی
ظفر نیابد و هر زنی بروی فرزند کردد و هر کس این دعا را با خویشتن دارد
پیش پادشاهان و امرا با حرمت باشد و هر حاجت که پیش ایشان رود روا

کردد و این دعا را بر کناره عرش نوشته اند و حاملان عرش بر کردن خود
نوشته اند و از بزرگی این دعا عرش را بر پای میدارند یا محمد هر که
این دعا را بخواند خدای تعالی هفتاد صف فرشته برای وی خلق کند و
درازی هر صف پانصد ساله راه باشد پس جبرئیل گفت که این دعا عظیم
تمامست و هفتاد هزار بلا را دفع کند و در بیماری که طبیبان از دفع
آن عاجز آیند و ندانند خدای تعالی بسبب این دعا بکرداند شرح این دعا
بسیار است بدین قدر اختصار کرده شد تا خواننده و نویسنده
را ملال نکیرد والله اعلم بالصواب هذا دعاء سدرة المنتهی

بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا قدیم یا حی
یا دائم یا قائما بالقسط یا فرد یا وتر یا احد یا صمد یا
الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم
یا رحیم یا لا اله الا انت یا الله یا الله یا الله یا رحمن
یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا لا اله الا انت
اللهم انی اسئلک بحق یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا
رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا الله الملک القدوس
یا الله السلام المؤمن یا الله المهیمن العزیز یا الله الجبار المتکبر

المتکبر یا الله الخالق الباری یا الله المصور الغفار یا الله
القهار الوهاب یا الله یا قیوم لا ینام یا دائم لا یفوت
یا حی لا یموت یا باقیا لا یفنی یا عالما لا یجهل یا قویا لا
یضعف یا رب البیت الحرام یا رب الشهر الحرام یا رب المشعر
الحرام یا رب النور و الظلام یا رب الرکن و المقام یا رب
التحیة و السلام یا الله هو احد بلا ضد یا الله هو فرد بلا
ند یا الله هو صمد بلا عیب یا الله هو موجود بلا مثل یا الله
هو وتر بلا کیف یا الله هو موصوف بلا شبه یا الله هو رب بلا
وزیر یا الله هو عزیز بلا ذل یا الله هو غنی بلا فقر یا الله هو
ملیک بلا عزل یا الله یا الله یا الله یا لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین سبحانک اللهم و بحمدک و تبارک
اسمک و تعالی جدک و جل ثناؤک و لا اله غیرک اغفر لی ذنوبی
و اغفر لی یا رب ذنوب جمیع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین
و المسلمات و اقض حاجاتی مع صالح المسلمین برحمتک یا
ارحم الراحمین و صلی الله علی نبینا و آله الطیبین
الطاهرین و اجعلنا من الفائزین الناجین و اجعلنا
من المطهرین و اجعلنا من الذین لا خوف علیهم و لا هم

یحزنون وصلی الله علی محمد وآله اجمعین یا رحیم یا حی
یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا خالق النور والسموات
والارض وما بینهما ورب المشارق والمغارب ورب
العرش العظیم یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا
احد یا هادی یا باری یا عالم یا صادق یا کهیعص
یا حمعسق یا رب الارباب یا سید السادات یا مالک
الملوک یا ولی الدنیا والاخرة اللهم انت اله من فی
السموات واله من فی الارض لا اله لهما غیرک وانت
ملک من فی السموات ومن فی الارض لا ملک فیهما غیرک
وانت حکیم من فی السموات والارض لا حکیم فیهما غیرک
قدرتک فی السماء کقدرتک فی الارض وسلطانک فی السماء
کسلطانک فی الارض واسئلک باسمائک الکبیر وبوجهک
المنیر انک علی کل شیء قدیر بفضلک وبرحمتک یا ارحم
الراحمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین تمت

دعاء بزرگوار اینست روایتست از حضرت رسالت پناه
صلعم که هر کسیکه از امت من بوقت نماز صبح یا شام یا بشب
این دعا را بخواند چنان باشد که هزار ختم قرآن کرده باشد وهزار

وهزار هزار دینار صدقه داده باشد وهزار حج کرده باشد در راه
خدای وهزار شب قدر را دریافته باشد وصد هزار صلوات بر
رسول صلعم فرستاده باشد جبرئیل گفت هر که هر روز یکبار این دعا
را بخواند ویا در هفته یکبار بخواند حق سبحانه وتعالی سوگند یاد
کرده است که هفت در دوزخ بر روی او بسته گرداند وهفت
در بهشت بر روی او گشاده گرداند وسؤال منکر ونکیر بروی آسان کرداند
واز صراط بگذراند واز مرگ مفاجات وآتش دوزخ وتاریکی گور
وکید دشمنان ایمن گرداند وگفت که هرکز او را محتاج مخلوق
نکردانم ودشمنان او را سرنگون کردانم وپیش بنده کان محترم کردانم
لا اله الا الله سبحان الغفور الودود لا اله الا الله سبحان
القریب المجیب لا اله الا الله سبحان الوکیل الکفیل
لا اله الا الله سبحان الصمد المعبود لا اله الا الله
سبحان الدائم القائم لا اله الا الله سبحان الرقیب الحفیظ
لا اله الا الله المحیی الممیت لا اله الا الله سبحان الحی
القیوم لا اله الا الله سبحان الواحد الاحد لا اله
الا الله سبحان ذی الجود العظیم الاعظم لا اله الا الله
سبحان المؤمن المهیمن لا اله الا الله سبحان الکبیر

المتعال لا اله الا الله سبحان الحبیب الجلیل لا اله الا
الله سبحان الاول القدیم لا اله الا الله سبحان الفا
ضی الاکبر لا اله الا الله سبحان الفتاح العلیم لا اله
الا الله سبحان الحلیم الکریم لا اله الا الله سبحان العظیم
الصوم الغفار لا اله الا الله محمد رسول الله وصلی الله
علی محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین وسلم
تسلیما کثیرا کثیرا برحمتک یا ارحم الراحمین وصیت نامه
حضرت رسول صلعم اینست بسم الله الرحمن الرحیم وبه
نستعین این کتابیست که حضرت سید کائنات وقبله وخلاصه
موجودات یعنی محمد مصطفی صلعم وصیت کرده حضرت امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب علیه السلام در کار دین ودنیا وامر ونهی که خلق را بکار
آید از مرد وزن تا آنچه رسول الله صلی الله علیه وآله امر ونهی که
کرده است بپرهیزند وبدانچه فرموده است جهد کنند تا آنچه امر خدای
عز وجل است بجای آورده باشند واین نسخه بلغت تازی بود ما بپارسی
کردیم تا بر خوانند کان آسان شود وخوانند ه را بدعا یاد آرند روایت
کند محمد بن علی النوقانی از پدر به پدر تا بحضرت امام جعفر صادق
واو روایت کند از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که فرمود رسول

خدای صلعم مرا چند وصیت کرد وآن وصیتها اینست یا علی تو مرا همچنانی
که اگر بعد از من پیغمبری بودی تو بودی اکنون من
ترا این وصیتها میکنم اگر وصیت من بکار داری زندگانی بخوشی
بکذرانی وچون از این جهان بیرون شوی شهید باشی یا علی بدانکه
بدانکه مؤمن را سه نشانست اول نماز بوقت کردن دوم روزه داشتن
سیم صدقه دادن ومنافق را سه نشانست اول آنکه در نظر خلق رکوع
وسجود تمام کند ودر خلوت بجای نیاورد دوم آنکه بستاید پیش
شاد شود سیم آنکه خود را پیش مردم نیک مرد نماید وآنچه نماید در او نباشد
یا علی بدانکه نیکبخت را سه نشانست اول روزی حلال خورد و
طلبد دوم در مجلس علماء دین حاضر شود سیم نماز بجماعت کند
یا علی بدانکه نیک کردار را سه نشانست اول آنکه رضای خدا
را مقدم دارد واز حرام بپرهیزد سیم آنکه بد از کسی ببیند بجای
او نیکی کند یا علی بدانکه بدبخت را سه نشانست اول آنکه روزیش
از حرام باشد دوم از صحبت علماء دور باشد سیم نماز را بیوقت
[illegible] بدانکه [illegible] را سه نشانست اول فراموشکار باشد
دوم مسلمانان از افعال بد وی در رنج باشند سیم اگر خواهد که
نیکی کند نتواند یا علی بدانکه صالح را سه نشانست اول آنکه

هرچه کند حق بر خود ناظر داند دوم دین خود را تعظیم کند سیم
مسلمانان را همان خواهد که بر خود خواهد یا علی بد انکه ترس کار را
سه نشانست اول انکه از قرین بد پیوسته دور باشد دوم انکه
پیوسته از کارهای بد دور باشد سیم انکه از دروغ گفتن دور
باشد یا علی بد انکه کنه کار را سه نشانست اول انکه هرچند بد
کند او را مقدار ننهند دوم فحش گفتن را دوست دارد سیم نماز
فرض نکند یا علی بد انکه نیکوکردار را سه نشانست اول انکه با
ضعیفان و یتیمان رحمت کند دوم قناعت کند سیم صبر کند
یا علی بد انکه فاسق را سه نشانست اول انکه فساد را دوست دارد
دوم خلق از او در ازار باشند سیم از کارهای خیر دور باشد
یا علی بد انکه سفله را سه نشانست اول انکه همسایه ازار باشد
دوم با دوست پیوند نکیرد بزبان دوستی کند و بدل نه سیم
از نیک کردن عار دارد یا علی بد انکه حذر را سه نشانست اول
غیبت را دوست دارد دوم سوگند بدروغ بسیار خورد سیم حاجت
خواهد از مردم نه با صواب یا علی بد انکه عابد را سه نشانست اول
انکه هوای نفس را خواهد که بشکند دوم در طاعت خدای تعالی
صبر کند سیم از بی هوا نبود یا علی بد انکه مخلص را سه نشانست اول

انکه دنیا را دشمن دارد دوم راست گوئی کند سیم متواضع
بود یا علی بد انکه سخی را سه نشانست اول انکه عفو کند کناه کار را
که مستوجب عقوبت بود دوم زکوة مال دهد سیم تنها نخورد یا علی
بد انکه بخیل را سه نشانست اول انکه از خواهنده پیوسته ترسان
باشد دوم بد دل بود سیم از خلق محترز بود باشد یا علی
بد انکه صبور را سه نشانست اول انکه در رنج صبور باشد دوم
انکه نفس را زبون خود کند سیم در طاعت کردن صابر باشد
یا علی بد انکه فاجر را سه نشانست اول انکه سوگند بدروغ
بسیار خورد دوم مردم را فریبد سیم بهانه جوی بود یا علی
بد انکه کافر را سه نشانست اول انکه در دل شک دارد دوم بندکان
خدای تعالی را دشمن دارد سیم بیشتر اوقات در غفلت کذراند یا علی
بد انکه بدکردار را سه نشانست اول انکه ذکر خدای تعالی را نکند
دوم خلق را بد اندیشد سیم خاندان رسول را بد اندیشد یا علی بد
انکه امرزیده را سه نشانست اول انکه شکر خدای تعالی بسیار کند
دوم هرچند طاعت بیشتر کند کناه خود را بیشتر بیند انکه سیم
از رسوائی روز قیامت ترسد یا علی بهترین بنده من روز
قیامت نزد حق جل و علا انست که زندکانیش دراز باشد و طاعتش

نبرده باشد و اگر کناهی از وی بدید اید در حال توبه کند یا علی
بد انکه دشمن ترین بنده نزد خدای تعالی انست که ظاهر نیک نماید و در
باطن بد فعل بود یا علی از این بدتر انکس بود که تنها خورد و تنها نشیند
یا علی بد انکه از تنها خوردن دشمنی خیزد یا علی بد انکه بدترین خلق
انکس بود که توانکر را عزیز دارد و درویش را خوار دارد یا علی بد انکه
بدترین مردمان انکس بود که قوت او از حرام باشد و در ان بمیرد یا علی
بدترین مردمان انکس بود که عمرش دراز باشد و در معصیت بسر برد
یا علی جایز دانست که چون بر کسی غالب شود از قهر خدای تعالی از سر کناه
او در گذرد و بروی جفا نکند یا علی اصل رستکاری انست که از حرام
دست بدارد یا علی راستکو انست که وقت جنگ و صلح سخن او
یکی باشد و انچه کوید یکی بود یا علی بد انکه دروغ زن را سه
نشانست اول انکه تقرب نکند مردمان را و بر قول خود وفا نکند
دوم سخن مردمان را اعتبار نکیرد سیم سخن هیچ کس را راست
نداند یا علی مرد حلیم پیدا نباشد الا بوقت خشم و مرد صبور
پیدا نباشد الا بوقت مصیبت و راستکو پیدا نباشد الا
بوقت حاجت و شجاعت پیدا نباشد الا بوقت حرب یا علی چندانکه
توانی دوست حاصل کن که مرد بیدوست هم چنانست که دست

دست راست نداشته باشد یا علی هزار دوست اندک بود و یک
دشمن بسیار یا علی هر که در دنیا دوست نکیرد در قیامت بر خلاف
ما باشد دوست مرد دنیا عشرت بود و در اخرت شفاعت یا علی هیچکس
در قیامت بفریاد نرسد مکر دوست حقیقی چنانکه خدای تعالی
میفرماید که وَلَا صَدِیقٍ حَمِیمٍ یا علی هر که را در دل ترس خدای تعالی
نباشد او را در حضرت حق تعالی دفع نباشد یا علی پنج چیز است
که دل بمیراند اول بسیار خندیدن دوم بسیار خوردن سیم
بسیار خفتن چهارم بسیار گفتن پنجم طعام بسیری یا علی
پنج چیز است که نسیان اورد اول نیم خورده موش خوردن
دوم بول کردن برابر قبله سیم بول در اب کردن چهارم بول
بر خاکستر کردن پنجم زند کانذ بهر اهل صرف کردن یا علی پنج چیز
دل را روشن کرداند اول بسیار خواندن سوره قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ
دوم کم خوردن سیم با علما نشستن چهارم دست بر سر یتیمان
مالیدن پنجم بسیار استغفار کردن و روزه داشتن یا علی پنج چیز
نور چشم زیادت کند اول نظر کردن بروی سبزه دوم نظر کردن
بروی علما سیم نظر کردن در اب روان چهارم نظر کردن در
مصحف پنجم نظر کردن در روی مادر و پدر و در اسمان نظر کردن

برای قدرت حق تعالی یا علی پنج چیز زود موی سفید کند اول
وام بسیار دوم بوی خوش بسیار و خود مالیدن سیم بسیار خوردن
چهارم نفس زنان پنجم بلغم بسیار یا علی مردم خوش بوی بر
سند بلا چند روزه داران و نماز گذاران و تفضل الکسالینکه غزا کنند
یا علی با طهارت باش که چون پیوسته با طهارت باشی ملائکه
اسمان برای تو استغفار کنند یا علی صدقه پنهان ده که خشم خدای
بنشاند و چون اشکارا دهی حجابی باشد میان تو و اتش دوزخ
و صدقه بامداد باید داد که بلاها بامداد از اسمان بزیر میاید
تا بلا بگردانند و نشستن در مسجد در پناه خدای عز و جل باشند یا علی
نیکوئی کن اگرچه با سفله باشد حضرت علی گفت یا رسول الله
سفله کدام بود رسول گفت که ان بود که وی را پند دهی نپذیرد و سر
نتشد اند و از کار بد باک ندارد و از بد گفتن خلق نیندیشد یا علی
پرهیز کن از حجامت کردن در اول ماه و میان ماه و اخر ماه
که علت زیاده کند و بیم برص بود نعوذ بالله یا علی حق تعالی هر
چیز را رونق از بلا است و زمین را روز یکشنبه از بلا است اگر
کاری کنی در این روز کن یا علی چون سفر کنی دوشنبه کن که نیک
باشد بود یا علی روز سه شنبه حجامت کن که نیک باشد که روز

که روز سه شنبه بود که حوا حایض شد و همین روز بود که قابیل
هابیل را بکشت یا علی روز چهارشنبه هیچ کار مکن مگر دارو خوردن
یا علی روز پنجشنبه حاجت خواستن روا بود که روز پنجشنبه بود
که حضرت ابراهیم را پیش نمرود بردند و حاجت وی تمام
شد یا علی روز ادینه نکاح کن که همه پیغمبران روز ادینه
نکاح کرده اند یا علی شش چیز دیوانگی اورد اول فاده دوم
خیو در دهن سیم خون از بینی امدن چهارم در حمام و در جامه
خواب عطسه زدن پنجم در مسجد غیبت کردن یا علی در اول روز و
اخر روز و اول شب و اخر شب نباید خفتن و در استانه در نباید
نشستن و استانه را بالین نباید ساختن و از پشت طبق و پر
بادبزن نان نباید خوردن و بناخن خلال نباید کردن و بکارد نان
نباید بریدن و چون نان خوری نباید اختن و در مستراح سخن
نباید گفتن و چون بول و غایط کنی سخن نباید کردن و خیو بنا
انداختن و بر کین و استنجا استنجا نباید کردن و عورت خود را
برابر افتاب و ماهتاب نباید داشتن و دست ناشسته طعام نباید
کردن و بر طعام گرم و کوزه اب نباید باد کردن و در عورت مردمان
نباید نگریستن و در ان چیز که از تو جدا شود نباید نگریستن و چون فاده

کنی دست به دهان باید نهادن و در ایستادگی نباید خوردن و انجا که
بول کردی غسل نباید کردن و اگر بکنی در ان بلا و علت نعوذ بالله
یا علی در میان اذان و اقامت دعا کن که در ان وقت دعا مستجاب
باشد یا علی بدترین دزدان باشد که از خود دزدی کند حضرت
علی گفت یا رسول الله ان چگونه باشد فرمود که هر که رکوع و سجود
تمام نکند ان بدترین دزدان باشد و از نماز خود دزدی کرده باشد
و نماز وی درست نباشد که نماز برکوع و سجود درست باشد و اگر در
کردن سنت من که رسولم تقصیر کند باری در فرایض تقصیر کند
و اگر در فریضه تقصیر کند مستوجب عقوبت گردد یا علی بغض بر
سه چیز در بهشت بود اول ببذل کردن مال دوم بر جهاد داشتن
نفس سیم بترک دنیا و نماز و روزه بسیار یا علی همسایه سخی فاسق
به از عابد بخیل یا علی سخی نزدیک باشد برحمت خدا و دور باشد
از عذاب خدای تعالی یا علی سخاوت نام درختیست در بهشت و شاخهای
ان در دنیا فرا گرفته اند هر که دست در ان شاخ زند میبرد به
بهشت یا علی شب معراج دیدم بر در بهشت بود که بهشت حرام است بر همه
بخیلان و مرائیان و دیوثان و کسانیکه مادر و پدر ازرده کرده باشند
یا علی حرام است که خدای تعالی مالک دوزخ را بیافرید گفت مرا برای

برای که افریده گفت ترا از بهر بخیلان و متکبران یا علی از دعای سخی
و قران خوانان پرهیز کن که دعاء ایشان رد نکنند که ایشان خاصان
خدا اند یا علی رضای پدر و مادر نگهدار و دوست دار اگرچه
کافر باشند یا علی هر که نیت سفر حرام کند رفیقش ابلیس باشد
یا علی هر که ابتدای صحبت با زنان نام خدای تعالی را فراموش کند هر
فرزند که اید مشارکت باشد باشد چنانکه حق تعالی جل جلاله میفر
ماید که وشارکهم فی الاموال والاولاد یا علی هر که حلال
خورد روی او سفید گردد و دعای او مستجاب شود و نظر حضرت
رب العالمین و هر که حرام خورد دل وی سیاه گردد و دین او نقصان
کند و دعای او مستجاب نشود و در گناه کردن حریص باشد یا علی
حق تعالی چون بر بنده خشم گیرد او را مالی دهد تا بدان مال ویرا مشغول
کند و از طاعت حق باز ماند و گوید حق تعالی عفو و رحمت و ان تا
تا بکی دل خود خبر ندارد تا بدین راه انگاه پشیمانی خورد و سود ندارد
یا علی حق تعالی عفو و رحمت بر همه مطیعان و گنهکاران که در هیچ
مقام حق تعالی را فراموش نکنند و در همه وقتی فرمان حق برند تا
از رحمتش باز نمانند یا علی چون حق تعالی بر بنده خود رحمت کند بفضل
خود او را دوست دارد و او را اجابت دعا تاخیر فرماید و خالقش

زود روا نکنند فرشتگان گویند یا ذا الجلال و سیدی و مولای این
بنده بحضرت تو حاجت دارد از حضرت ندا آید که من رحیم‌ترم بندگان
و عالم السر و الخفیاتم و سمیع و بصیرم اما تضرع بنده خود را دوست میدارم
یا علی هر که مسلمانی را دلالت کند بخیر چندان مزدش بود که خیر کننده را
یا علی نماز و روزه نپذیرند الا بطهارت و نیت درست و صدقه نپذیرند
الا بمال حلال یا علی تا شب را نپذیرند تا شکم از حرام پاک نکند و گوشتی
که از حرام گرفته باشد رها نکند و خود را استوار دارد یا علی هر که در
دنیا راست گو باشد نام او را در جریده صدیقان نویسند یا علی صدقه
ده از برای مردمان که حق تعالی فرشتگان را گماشته که صدقه بر مردمان میرسانند
و ایشان را بدان صدقه شاد میگردانند و چون صدقه نه دهند غمگین
شوند بدانچه در دنیا رها کردند چون صدقه دهند شاد
شوند و دعا کنند و گویند یا رب بیامرز ایشان را روشن گردان دل
ایشان را چنانکه دل ما را شاد کردند بدین صدقه یا علی مرد در دنیا
مستحق نعم میفرماید تا قومی را به بهشت برند چون برسند
در بهشت بر ایشان بسته شود و گویند باز گردانید و بدوزخ برید
که این جزای آنست که بر مردمان تشنه زده اند یا علی نباید که بر مردم
خشم گرفتن که حق تعالی دشمن دارد و ویرا در روز قیامت بر او خشم

خشم گیرد یا علی قومی را بدر بهشت برند پس ندا آید که باز گردانید
و بدوزخ برید که ایشانند که در دنیا بحرام مشغول بوده اند و بی توبه
مرده اند یا علی سلام کن بر مسلمانان که هر تو آیند که حق تعالی بعزتها
تا بیست حسنه در نامه اعمال تو نویسند یا علی چون بنده در سکرات
موت بود مفاصل وی یکدیگر را وداع و سلام کنند و گویند که
بدرود باش تا روز قیامت یا علی صدقه چندان دهی از حلال که تا
از حضرت حق قبول افتد یا علی چون ترا مدح کنند این دعا بخوان
که ترا عجب نباشد که حق تعالی متکبر را دشمن دارد و دعا اینست
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی خَیْراً مِمّا یَظُنُّونَ وَلا تُؤاخِذْنِی بِما یَقُو
لُونَ وَاغْفِرْ لِی ما لا یَعْلَمُونَ یا علی هر که از خویشان ببرد
ملعونست و فرشتگان او را ملعون خوانند یا علی تو با آنکس
پیوند که با من پیوندد و از آنکس ببر که از من ببرد یا علی در دنیا
شاد مباش که چون در دنیا شاد باشی حق تعالی ترا دوست
ندارد و هر آنکس که چیزی بخشد نشاید که باز ستاند یا علی بچوب
گل و بچوب سوخته خلال مکن و بکاه و ناخن نیز که هر یک
آفتی دارد در او لدرویشی آورد و دوم کرم در دندان افکند سیم
بوی دهان ناخوش کند یا علی سواک کن که در سواک بیست و چهار

فضیلت است هم در دین و هم در دنیا یا علی خوش خوی باش که حق تعالی مردم
خوش خوی را دوست دارد و مردم بدخوی و بدطبع را دشمن دارد یا علی
غیبت نباید کردن که هیچ کفر بی غیبت و بد علت نباشد یا علی اگر کاری
کنی از برای خدا کن تا خلاص یابید و اگر صدقه دهی چنان ده که جز
خدای تعالی کسی نداند که صدقه ریائی طاعت چنان نیست کرده اند که
آتش هیزم را نیست کرد اند یا علی از مرائی پرهیز که اند ریا و کفر
آید چنانکه ملک تعالی میفرماید که فَمَنْ یَرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ
عَمَلاً صالِحاً یا علی هر روز چون روز بر آید گوید ای آدمیان
من روز نو ام فردا بر شما گواه باشم به بین که طاعت کنی و شب
که آید همین گوید تا شب و روز چنان زندگانی کن که روز قیامت
گواه خیر تو باشد یا علی چون حق تعالی بر بنده نیکوئی خواهد
چهار خصلت او را دهد اول حدیث راست دوم امانت سیم
سخاوت چهارم شکم از حرام نگاه داشتن یا علی با مردگان
صحبت مدار حضرت علی گفت یا رسول الله مردگان کیانند
فرمود توانگرانند که دل ایشان مرده باشد با ایشان نشستن
عظیم زیان دارد یا علی پرهیز کن از بعضی جوانان که ایشان
دشمن خدا اند یا علی عالم باش یا متعلم باش یا مستمع باش که

که احمق باشد که بشنود و نیاموزد و ندانند هلاک باشد یا علی
حذر کن از دو دوستی که اگر نیکی بینند بپوشانند و اگر بدی
بینند آشکارا کنند میان خلق یا علی چون خبر طهارت خبث
که حق تعالی پاکان را دوست میدارد یا علی چون دست و روی شوی
آب بسیار مریز که آب بسیار ریختن وبال بود یا علی چون از روی
شستن فارغ شوی یکبار سوره انا انزلناه بخوان تا حق تعالی
عبادت پنجاه ساله بنویسد و چون از وضو ساختن فارغ شوی
ده بار بر من که محمدم صلوات فرست چون چنین کردی دعای تو
مستجاب باشد یا علی چون از آبدست فارغ شوی روی
سوی آسمان کن و بگوی که سُبْحانَکَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِکَ
اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحْدَکَ لا شَرِیکَ لَکَ
وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوبُ
اِلَیْکَ که حق تعالی جمله گناهان او را ببخشد و کرم خود بیابد
یا علی هر که وقت آفتاب فرو شدن ذکر خدای تعالی کند شرم دارد
که او را عذاب کند اگر چه گناه بسیار دارد یا علی چون نماز بامداد
کنی همانجا بنشین تا آفتاب برآید که چندان ثواب دهد ترا که
حج و عمره کرده باشی یا علی طاعت نگاه دار و پیوسته نماز جماعت

کذارد که حقتعالی فرماید بهر قدمی که بردارد حج و عمره بنویسد یا علی
نماز بجماعت فاضلتر است نزد خدای تعالی به بیست و هفت درجه تا تنها
کذاری زیرا که فرشتکان نماز بجماعت کذارند و ثواب جمله ایشان
ترا باشد یا علی سحر ماه رمضان المبارک چیزی بخور که برکت
او رد یا علی هر روز آدینه غسل کن که ملائکه تعالی کناهی که در
میان آن دو آدینه کرده باشی بیامرزد و ترا از وی حسنات
بیفزاید یا علی نیکوترین سجده آن باشد که سر بسجده نهد
و بکوید که رَبِّ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی ذُنُوبِی اِنَّهُ لَا
یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ یا علی شارب خمر را سلام مکن که ایشان
ملعونند یا علی هر که زکوة مال ندهد دشمن خدای تعالی باشد و در
اسمان و زمین ایشانرا لعنت کنند یا علی سلام بر رباخوارگان
مکن که ایشان با خدای تعالی حرب میکنند یا علی شب معراج فر
شتکان دیدم دستها بهوا برداشته بودند و دعا میکردند بعضی
چون دعا کنی دستها بردار و شرم مدار یا علی قران بلند
خوانند و دعا بلند مکن که نماز را فاسد بود یا علی چون
نماز کنی تعجیل مکن که شیطان راه یابد مزد مزدور زیرا مکیر که
هر که مزد مزدور را کیرد بقیامت خصم او خدای تعالی باشد یا علی

یا علی از جبرئیل عم عتاب کردم و کفتم اکر من آدمی بودمی هفت
خصلت نکاه داشتمی اول نماز بجماعت کردن دوم با علما نشستن
سیم بیماران مسلمانانرا پرسیدن چهارم بر جنازه مسلمانان
نماز کذاردن پنجم آب بمسلمانان دادن ششم صلح افکندن
میان مسلمانان هفتم یتیمانرا نیکو داشتن یا علی حریص باش
بدانچه از جبرئیل عتاب کردم یتیمانرا میازار که هر که یتیمانرا
بکریاند فرشتکان اسمان بکریند و عرش بلرزد و حق تعالی جبرئیل
را فرماید که برود در دوزخ را فراخ کن از بهر آنکس که یتیم را آزرده
کرده باشد یا علی در تن آدمی هیچ چیز بهتر از زبان نیست اکر نکاه
داری از همه بلا ایمن باشی یا علی هر ماه سه روز روزه
دار سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر که این روزها
بیض را روزه دارد در روز قیامت سفید روی باشد
و ثواب وی چندان بود که سالی روزه داشته باشد
یا علی هر که روزی بیست و پنج بار بکوید که اَسْتَغْفِرُ
اللهَ لِی وَلِجَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِینَ وَ
الْمُسْلِمَاتِ الْاَحْیَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ حق تعالی
بفرماید تا نام او در جریده صدیقان و عابدان بنویسند یا علی

هر که روزی صد بار بکوید که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ قَبْلَ كُلِّ اَحَدٍ
وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ بَعْدَ كُلِّ اَحَدٍ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ يَبْقَى
رَبُّنَا وَيَفْنَى كُلُّ شَيْءٍ اَحَدٌ در طبقات اسمان هیچ فرشته
نباشد که از برای او تسبیح و تهلیل نکند تا روز قیامت یا علی
هر که روزی بیست و یکبار بکوید که اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِی
فِی الْمَوْتِ وَفِیمَا بَعْدَ الْمَوْتِ ملک تعالی روز قیامت حساب
او را اسان کرده اند یا علی هر که در افتاب بر آمدن و افتاب
فرو شدن صد بار بکوید که اَللهُ اَکْبَرُ اَللهُ اَکْبَرُ اَللهُ
اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ اَللهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ
حق تعالی ثواب صد غازی ویرا بدهد یا علی شرمکین باش که
دین الهی با شد که شرم باشد یا علی سر طاعات خاموشی است
الا ذکر خدای تعالی کردن یا علی روزی فراخ و طاعت اندک
از خشم خداست یا علی شب نماز کن اکرچه اندک باشد اکر
که کوسفند بکشند که دو رکعت نماز که بشب کنی بهتر است از هزار
رکعت که بروز کنی یا علی توبه کن هر روز که من نیز توبه میکنم
هر روز هفتاد مرتبه یا علی هر که بوقت نعمت شکر کوید خدای
تعالی او را روز قیامت از کور برخیزد و در بهشت رود یا علی بسیار

محراب که دل را بمیراند و نیز بهای روی را ببرد یا علی چون طلب
حاجت از نیکو رویان کن و خوش اخلاقان که ایشان سفید دل
باشند یا علی از کناه پرهیز کن که کناه دل را سیاه کند و پشیمانی
آورد یا علی هر که دنیا را دشمن دارد روز قیامت بر صراط
آسان بکذرد چون برق و هر که طلب دنیا کند روز قیامت
حق تعالی از وی خشنود نباشد یا علی هر که مسلمانی را طعام دهد
خدای تعالی هزار کناه از وی عفو کند و هزار حسنه در دیوان
اعمال او ثبت کند بفضل خود یا علی هر که بر قضای خدای تعالی
راضی نباشد فردای قیامت خدای تعالی از وی خشنود نباشد
یا علی اکر مسلمانی از تو حاجت خواهد زود بر آر تا خدای
تعالی حاجت ترا بر آورد یا علی مهمانرا عزیز دار که اکر فرود آید
روزی با خود بیاورد و چون میرود کناهان اهل خانه را ببرد
و ملک تعالی بفرماید تا کناهانرا در دریا اندازند یا علی
خدای تعالی چون بر بنده خشم کند کیرد قلم ... از احوال او
باز کیرد یا علی چون دولت دنیا خواهد در جماعت نظر کن که از تو درد
و بیشتر باشند تا دلت خوش کردد یا علی خشم مکیر که چون تو
خشم کیری شیطان شاد شود یا علی از نفرین مظلومان بترس

که دعای ایشان مستجاب باشد اگرچه کافر باشند یا علی ایمان
نباشد آنرا که ورع نباشد و طاعتش درست نباشد الا بعلم یا علی
بازمین سجیل مرو و با رفیقان خشم مگیر و از حرام بپرهیز و چون چیزی
گوئی گفت اندیشه کن اگر صواب باشد بگوی و اگر نباشد مگوی که
آب روی را ببرد یا علی با همسایان خویش ظلم مکن و بالله بزرگ برادر
که حرص بود و خدای تعالی حریصان را دوست ندارد یا علی بسیار مخور که
دل سیاه شود و از بهر روزی غم مخور که سود ندارد یا علی هیچ
کاری بی مشورت مکن و چون مشورت کنی با کسی کن که مسعود
باشد یا علی آنرا که دوست نداری تکبر مکن و سخن باکس مگوی
یا علی زبان درازی مکن و بنده و زیردستان را کار باندازه فرمای
و ایشان را آزار مده یا علی با عیال از خود تکبر مکن و سائل را
ناامید مگردان یا علی در بلا صبر کن و با مؤمنان خوب صحبت
کن و درس قرآن بخوان یا علی علم بیاموز که آموختن علم فریضه
است بر همه مسلمانان یا علی بر گناهان خود گریان باش که حق تعالی
آب چشم عاصیان را دوست دارد یا علی نیکی کن با آنکس که با تو بدی
کند و امانت نگه دار یا بانچه خدای تعالی قسمت کرده است قناعت
کن یا علی جامه و تن از نجاست دور دار که تا خلق جان کند نا از آن باشد

باشد یا علی چون چیزی خوری یا جامه پوشی بگوی بِسْمِ اللّٰهِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ یا علی چون در مسجد روی بگوی بِسْمِ اللّٰهِ وَ
السَّلَامُ عَلٰی مَنِ اتَّبَعَ الْهُدٰی وَالسَّلَامُ عَلٰی رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِی اَبْوَابَ رَحْمَتِکَ وَاَبْوَابَ عَفْوِکَ یا علی هر
روز و هر شب پس بخوان که در امان خدا باشی یا علی هر شب
آدینه سورة البقره بخوان و سورة دخان بخوان خدای تعالی
گناهان اول و آخر ترا بیامرزد و هر وقت خفتن آخر سورة
الکهف و سورة والسماء والطارق بخوان ملائکه بفرمایند تا
بعدد ریگ بیابان و ستارهٔ آسمان حسنات ثبت کنند یا علی هر که
صلوات بسیار فرستد و سبحان الله بسیار گوید و قل هو الله
احد بسیار خواند ایزد تعالی بهر حرفی هزار درجه و هزار رحمت بنویسد
یا علی هر که در وقت خفتن سورة ملک و این دعا بخواند که
اَللّٰهُمَّ اعْتَصِمْنِی بِالْاِسْلَامِ وَاِیدًا وَاعْتَصِمْنِی بِالْاِسْلَامِ
قَائِمًا اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ
بِنَاصِیَتِهَا اَسْئَلُکَ بِالْخَیْرِ الَّذِی بِیَدَیْکَ کَفَی اللّٰهُ چون
این دعا خواند خدای تعالی کفایت کند او را از شر آسمانها
و زمینها هر که هر شب سورة بخواند هم چنین باشد یا علی دعا

که جبرئیل مرا آموخت همیشه بخوان که اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ
الْعَفْوَ وَالْعَافِیَةَ الْمُعَافَاتَ فِی الدِّینِ وَالدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ
مَعَ الْمَغْفِرَةِ یا علی چون ترا غمی برسد و اندوهی این دعا بخوان
که یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُکَ فَاغْفِرْ
لِی وَاَصْلِحْ شَأْنِی وَفَرِّجْ هَمِّی یا علی پیش از طعام سه لقمه نمک
بخور که هفتاد علت را شفا بود و از پس طعام نیز هم چنین کن
که عافیت باشد یا علی نماز بوقت کن که سر همه فضیلتها یا علی آدمی
نباشد که در او چهار چیز نباشد اول دیوانگی دوم پیسی سیم
نابینائی چهارم بدی را دیوانگی بلغم پاک کند و پیسی را مد
پاک کند و نابینائی را چشم پاک کند بدی نکام پاک کند
یا علی حسود را راحت نباشد و دروغ گوی را وفا نباشد و بخیل را
مو بر نباشد یا علی روزه دار را دو شادی باشد یکی شادی روزه
گشودن و یکی شادی آخرت و چون روزه گشوئی بگوی که اَللّٰهُمَّ
بِوَجْهِکَ وَحَمِدْتُ وَعَلٰی رِزْقِکَ اَفْطَرْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ
یَا غَفَّارُ اغْفِرْ لِی یَا غَفَّارُ یا علی کرامت مؤمن سه چیز است اول
خفتن موافق دوم بجماعت سیم همسایه را نیکو داشتن یا علی
مویز بخور که صفاحت زیاده کند و بلغم ببرد یا علی از توانگران

برای روزه

زکوة بگیر و اگر ندهند گرد ایشان بوزن که ایشان دشمن خدا اند یا علی
فرشتگان تسبیح کنند سوای آن خانه که در او شاهین و انگبین باشد
یا علی در چهار خانه فرشته نرود اول خانه که در او بوی خمر آید
دوم خانه که سگ باشد سیم خانه که در او صورت کافری باشد
چهارم خانه که در او مهمان نرود یا علی جادو و زنان بکش که ایشان
دشمن خدا و فتنه اند یا علی هر که مهمان را گرامی دارد هم چنان باشد
که خدای را عزیز داشته باشد یا علی چون خربزه خوری از پس آن
تا شفا یابد و خرما خوری استخوان پراکنده کن متواضع باش که خدا
تعالی متکبر را دوست ندارد یا علی چون بغزو روی سورة یس
بخوان و ده بار انا انزلناه بخوان تا حق تعالی دشمن از تو رفع
کند یا علی چون از دشمن ترسی بگوی که یَا اَللّٰهُ بِحَقِّ جَبْرَئِیلَ
وَمِیکَائِیلَ وَاِسْرَافِیلَ وَعِزْرَائِیلَ وَاِسْمٰعِیلَ وَاِسْحٰقَ وَیَعْقُوبَ
وَمُنْزِلَ التَّوْرٰیةِ وَالْاِنْجِیلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ الْعَظِیمِ
فَاکْفِنِی مِنْ شَرِّ فُلَانٍ یا علی چون سفر روی بگوی یَا اَرْضُ
آمَنْتُ بِرَبِّی وَرَبِّکِ اللّٰهِ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الَّذِی خَلَقَنِی
وَخَلَقَکِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ
اَسَدٍ وَاَسْوَدٍ وَمِنْ شَرِّ کُلِّ وَالِدٍ وَوَلَدٍ یا علی چون عروس

بخوانند بری هر دو پایش بگلاب بشوی و آن گلاب میان خانه
بریز پس هر دو دست استلیتش بگیر و بگوی که اللهم بارک
لی فی هذه النساء صحبته و بارک لنا فی ناصیتها پس عروس
باید یکهفته از سه چیز نگه دارد از سرکه و سیر و سیب ترش که
علت بدید آید یا علی عروس که زن آید حصیر کهنه بر آن روی یا علی
اول ماه با زن صحبت مکن که فرزند آید دیوانه بود یا علی چون از ماه
یکروز مانده باشد با زن صحبت مکن که اگر فرزند آید قتال باشد
یا علی شب شنبه و چهارشنبه با زن صحبت مکن که اگر فرزند آید
حرامزاده باشد یا علی از پس نماز عصر مجامعت مکن که اگر فرزند
آید احول باشد و شیطان با مردم احول شاد میشود و شب عید
رمضان صحبت مکن که اگر فرزند آید منحوس باشد یا علی چون از
صحبت فارغ شوی خود و زن خود را باید کرباس پاک کنید که
دشمنی و خصومت بود یا علی شهوت خانه زن صحبت مکن زیرا که
فرزند مخنث آید یا علی چون صحبت کنی سخن مگوی که اگر فرزند
آید گنگ باشد و در عورت زن نگاه مکن که فرزند نابینا آید
یا علی در زیر درخت میوه دار صحبت مکن که فرزند جلاد آید
و حقتعالی را ثنا از او دست بند آرد یا علی چون صحبت داری جهد کن که

که با طهارت باشی که فرزند سخی باشد و الا بخیل بود یا علی در شب نیمه
شعبان صحبت مکن که فرزند هیچ نبود یا علی در زیر ابر ماه و ستارگان
صحبت مکن که فرزند منافق آید یا علی چون سفر روی صحبت مکن
که فرزند مبذر آید و خدای تعالی مبذر را دشمن دارد قوله تعالی
إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ یا علی چون شب دوشنبه
صحبت کنی فرزند عالم بود و شیطان بوی راه نزند یا علی شب آدینه
صحبت کنی فرزند نیک بخت بود و چون بمیرد شهید بمیرد یا علی چون
ترا سختی رسد بگوی که اللهم صل علی محمد و آل محمد
لا تخیبنی یا علی چون بشهر بیگانه روی یا به شهر بیگانه روی
این دعا بخوان اللهم انی اسئلک خیرها و خیر ما فیها
و اعوذ بک من شرها و شر من فیها یا علی چون در بازار روی
بگوی که اللهم انی اسئلک خیر هذا السوق و خیر من
فیها و اعوذ بک من هذا السوق و شر ما فیها مروی هیچ
کس طپانچه بر رو مزن و بر روی هیچ چهارپای چوب مزن که جرم عظیم
است و بلغم و آب دهن بکس مینداز که جرم باشد یا علی این وصیتها
را نگه دار چنانکه من نگه داشتم از جبرئیل و جبرئیل از خدای تعالی
یا علی این پندها نگاه دار که علم اولین و آخرین در این پندهاست

و همه مسلمانان را چاره نیست از دانستن این کار که این علم را نشود دل او
سیاه گردد و با آتش دوزخ بسوزد نکند نعوذ بالله من سوء الاعتقاد

خواص یکصد و چهارده سوره کلام الله

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی خیر خلقه
محمد و آله اجمعین اما بعد بدانکه هر که سوره الحمد را هفتاد بار بخواند
جمیع کارهای بسته وی گشاده شود سوره الف لام اول
هر که چهل بار بخواند از دست ظالمان و خصمان در امان خدا
باشد سوره آل عمران هر که سیزده بار بخواند از دین
خلاص شود سوره النساء هر که چهل بار بخواند بجهة سهولة
حمل از حمل و دفع آفات یابد سوره المائدة هر که بسیار
بخواند غنی گردد از خلق سوره الانعام هر که چهل و یکبار
بخواند هر مهمی که باشد کفایت شود سوره الاعراف هر که
بسیار بخواند از عذاب آخرة نجات یابد سوره الانفال
هر که در هر روز آدینه بخواند روشنی از وی برود سوره
براءة هر که بنویسد و در عرین بپیچد و در درخت بندد
میوه بسیار بار آورد سوره یونس هر که بخواند هیچ دشمن بروی

بروی غالب نشود سوره هود هر که هر ماه یکبار بخواند هولناک شب
نخستین گور بروی آسان شود سوره یوسف هر که سیزده بار بخواند
از غضب پادشاه ایمن باشد سوره الرعد هر که سه بار بخواند
بلا حرزه از کودک دور شود و گریستن کم شود بی شک سوره ابراهیم
هر که بنویسد و یکبار بخواند جمیع پیغمبران را بخواب ببیند سوره
الحجرات هر که ده بار بخواند مهمات او زود کفایت شود سوره
النحل هر که سی بار بخواند در ماه رمضان روزه او قبول شود سوره
بنی اسرائیل هر که هفتاد بار بخواند در جمیع عمران پل صراط آسان
گذرد سوره الکهف هر که روز آدینه بخواند از فتنه دجال ایمن گردد
سوره مریم هر که چهل بار بخواند و باد بر ریشه دمد صحت
یابد سوره طه هر که عادت کند در خواندن دل او روشن
گردد سوره الانبیاء هر که بخواند در شب جمعه جنت بهشت
پناه مقر او در خواب ببیند سوره الحج هر که چهار بار بخواند
خدای تعالی او را زیارت کعبه نصیب کند سوره المؤمنون
هر که بخواندن عادت کند البته با ایمان از دنیا بیرون رود
سوره النور هر که هر روز جمعه یکبار بخواند از تاریکی گور ایمن
شود سوره الفرقان هر که پنج بار بخواند چنان بود که تمام قرآن ختم

کرده باشد سورة الشعراء هر که ده بار بخواند از مکر شیطان
ایمن شود سورة النمل هر که یکبار بخواند و باد بر خود دمد
از جمیع گزندگان ایمن باشد سورة القصص هر که صد بار بخواند
از هر آفات ایمن باشد سورة العنکبوت هر که در اول سال
بخواند از گزیدن سگ دیوانه ایمن شود سورة الروم هر که
دایم بخواند از باد و زلزله ایمن باشد سورة لقمان هر که
بخواند فواید بسیار ببیند سورة السجده هر که یکبار بخواند ایمان
همراه از بنده بود در آخر عمر سورة الاحزاب هر که بسیار
بخواند بهیچ اندوه و غم گرفتار نشود سورة السبا هر که
در وقت سنت نماز پیشین یکبار بخواند چشم وی هرگز درد نیاید
سورة الفاطر هر که ده بار بخواند از زبان بدگویان نجات یابد
سورة یس هر که هفتاد بار بخواند جمیع مرادهای وی برآید
سورة الصافات هر که ده بار بخواند به نیت دشمن البته هلاک
شود سورة ص هر که هفتاد بار بخواند از غمها بیغم گردد
سورة الزمر هر که بخواند تاریکی قبر نبیند سورة المؤمن
هر که بخواند ایمان همراه او بود در آخر عمر سورة حم هر که
یکبار بخواند و بعد از اتمام سجده کند و حاجتی که دارد از خدا بخواهد البته

البته روا شود سورة حمعسق هر که بیست و یکبار بخواند چشم
زخم بروی کار نکند سورة الزخرف هر که سه بار بخواند هرگز بگز
و بیشی گرفتار نشود سورة الدخان هر که هشت بار بخواند در بهشت
داخل شود از هر در که خواهد سورة جاثیه هر که سه بار بخواند در
روز دوشنبه غنی گردد سورة محمد هر که هر شب بخواند رسول ع
را در خواب ببیند سورة الفتح هر که چهل بار بخواند کارهای بسته
وی گشاده شود سورة الحجرات هر که هزار بار بخواند طواف خانهٔ
کعبه سرافراز شود سورة الذاریات هر که هفتاد و پنج بار بخواند تنگی
غله و قحط بروی و بر ساکنان آن دیار را دامان نماید سورة الطور
هر که شصت بار بخواند هرگز بدرد چشم گرفتار نشود سورة النجم هر که
بیست و یکبار بخواند بهمه مرادها برسد سورة القمر هر که در
سر ماه پنجاه بار بخواند از مرگ ناگهان ایمن شود سورة الرحمن
هر که هفتاد و پنج بار بخواند طاعت او مثل طاعت روزه و نماز
و حج و زکوة و صدقه مقبول شود سورة الواقعه هر که چهل و یکبار
بخواند هرگز بفاقه گرفتار نشود سورة الحدید هر که سه بار
بخواند از سال نو انکار گردد سورة المجادله هر که بخواند و بر خاک
دمد و بر روی دشمن اندازد از دشمن مندفع شود از وی سورة

حشر هر که پنج بار بخواند دل او روشن شود چنانکه
هر چه که بشنود یاد گیرد سورة الممتحنه هر که ده بار بخواند از مکر دشمن
ایمن شود سورة الصف هر که بیست و یکبار بخواند بهیچ علة گرفتار
نشود سورة جمعه هر که در روز جمعه هفتاد بار بهمهٔ مرادها برسد
سورة منافقون هر که چهل بار بخواند از وسوسه شیطان ایمن
سورة التغابن هر که چهارده بار بخواند در وقت بیرون رفتن
بسفر و بر خود دمد در آن سفر از خطر ایمن شود سورة الطلاق
هر که سه بار بخواند دشمن قوی دفع شود سورة التحریم
هر که بیست و یکبار بخواند دشمن او مهربان گردد سورة
الملک هر که ده بار بخواند بزن رام گردد سورة القلم هر که بیست
بار بخواند از شر ظالمان ایمن شود سورة الحاقه هر که سه بار
بخواند هرگز بدرد چشم گرفتار نشود سورة المعارج هر که دوازده
بار بخواند از عذاب گور ایمن شود سورة النوح هر که هزار بار
بخواند دشمن قوی او هلاک شود سورة الجن هر که هفتاد و پنج
بار بخواند به نیت دیو و پری بجا امان یابد سورة المزمل هر که سه
بار بخواند و بر خود دمد اگر در آب افتد غرق نشود و اگر
در آتش افتد نسوزد سورة المدثر هر که بخواند بهیچ مرض گرفتار

گرفتار نشود سورة القیمة هر که سه بار بخواند در شب جمعه
حساب قیامت بروی آسان شود سورة الدهر هر که ده بار
بخواند فردای قیامت روی او چون ماه شب چهارده تابان
بود سورة المرسلات هر که سه بار بخواند از بلاهای دنیا ایمن
باشد سورة النبا هر که بیست بار بخواند از همه غمها خلاص
یابد سورة النازعات هر که بیست و یکبار بخواند جهة آسانی جان دادن
و سلامتی ایمان سورة عبس هر که هفتاد بار بخواند غایب
حاضر شود سورة التکویر هر که پانزده بار بخواند از خشم پادشاه
دشاه ایمن شود سورة الانفطار هر که ده بار بخواند از برهنگی
قیامت ایمن شود سورة التطفیف هر که بخواند عادت
کند از تنگی گور ایمن شود سورة الانشقاق هر که هفتاد بار بخواند
دفع دشمنان و بدگویان شود سورة البروج هر که بیست
و یکبار بخواند وضع حمل آسان شود سورة الطارق هر که سه
بار بخواند جهة دیو و پری خلاصی یابد سورة الاعلی
هر که بسیار بخواند بخانهٔ خود رود بسلامت سورة غاشیه
هر که بیست و یکبار بخواند جهة دفع سرخ باد برطرف شود سورة
الفجر هر که پنجاه بار بخواند درویشی و دست تنگی

از وی برود سورة البلد هر که ده بار بخواند بجهت دفع پریشانی
خلاص شود سورة اللیل هر که صد و شصت بار بخواند بجهت
نگاه داشتن ایمان و مال در امان باشد سورة الضحی هر که
سی بار بخواند بجهت دفع وبا البته دفع شود سورة الانشراح
هر که ده بار بخواند صفای دل و روشنائی باطن یابد سورة
التین هر که پنجاه بار بخواند کشادگی حاصل شود سورة
العلق هر که سه بار بخواند تا نشین مقرب شود سورة
القدر هر که ده بار بخواند زبان خصمان بروی بسته
شود سورة البینة هر که بجهت یکبار بخواند طاعتهای وی
قبول شود سورة الزلزلة هر که هزار بار بخواند بجهت دفع دشمن
ایمن گردد سورة العادیات هر که سه بار بخواند از چشم زخم
خلاصی یابد سورة القارعة هر که صد و هشت بار بخواند بجهت
ساز کارهای مهمات نیک باشد سورة التکاثر هر که صد بار بخواند
کارهای دستوی کشاده گردد سورة العصر هر که بر تخم مرغ
نویسد و بخورد بچه دهد از شیر صبر کند سورة الهمزة هر که
بسیار بخواند کارهای دیو و عیبهائی او کفایت شود سورة الفیل
هر که چهل و هشت بار بخواند بر نیت فرزند البته فرزند شود

شود سورة القریش هر که نود و پنج بار بخواند در ماه رمضان
المبارک روزه او قبول شود سورة الماعون هر که چهل بار
بخواند از شب کوری ایمن شود سورة الکوثر هر که در وقت
خفتن سه بار بخواند چنان بود که همه قرآن را ختم کرده
باشد سورة الکافرون هر که ده بار بخواند از وسوسه
شیطان ایمن شود سورة النصر هر که سی بار بخواند حضرت
و ظفر یابد بر دشمن سورة تبت هر که نود و سه بار بخواند
وضع حمل آسان شود سورة الاخلاص هر که صد و سه بار بخواند
بجهت خلاص محبوس البته خلاصی یابد و اگر بجهت حصول
مطالب و مقاصد صد بار بخواند روا گردد هر که سورة
معوذتین را سیصد بار بخواند هر سحری که در حق او کرده
باشند باطل شود و عدد آیتها و سورها و حرفها و کلمهها
قرآن اما سورهای قرآن صد و چهارده است و آیتهاش شش
هزار و ششصد و شش آیه است و کلمهها هفتاد هزار و هفتصد
و یک کلمه است و عدد حرفها سیصد هزار و ششصد و نود
حرف است والله اعلم در وقت دیدن هر ماه این دعا بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم

ایها الخلق المطیع الدائب السریع المتردد فی منازل
التقدیر المتصرف فی فلک التدبیر آمنت بمن نوّر بک
الظلم واوضح بک البهم وجعلک آیة من آیات ملکه
وعلامة من علامات سلطانه وامتهنک بالزیادة
والنقصان والطلوع والافول والانارة والکسوف
فی کل ذلک انت له مطیع والی ارادته سریع سبحانه ما
اعجب ما دبّر فی امرک والطف ما صنع فی شأنک جعلک
مفتاح شهر حادث فاسئل الله ربی وربک وخالقی
وخالقک ومقدری ومقدرک ومصوری و
مصورک ان یصلی علی محمد وآله وان یجعلک هلال
برکة لا تمحقها الایام وطهارة لا تدنسها الآثام
هلال امن من الآفات وسلامة من السیئات هلال
سعد لا نحس فیه ویمن لا نکد معه ویسر لا یمازجه
عسر وخیر لا یشوبه شر هلال امن وایمان ونعمة واحسان
وسلامة واسلام اللهم صل علی محمد وآله واجعلنا
من ارضی من طلع علیه وازکی من نظر الیه واسعد
من تعبد لک فیه ووفقنا فیه للتوبة واعصمنا فیه من

من الحوبة واحفظنا من مباشرة معصیتک واوزعنا
فیه شکر نعمتک والبسنا فیه جنن العافیة واتمم
علینا باستکمال طاعتک فیه المنة انک المنان
الحمید وصلی الله علی محمد وآله اجمعین اسناد
اوراد سبعه روایتست از امیر المؤمنین و امام المتقین
اسد الله الغالب علی بن ابی طالب رضی الله عنه که حضرت
رسالت علیه افضل الصلوة واکمل التحیات فرمود که هر که
این دعاها هر روز بترتیب بخواند و بران مواظبت
کند عمرش دراز بود و روزگار در صحت و عافیت و سلامت
گذراند و در اداء وظایف عبادت و طاعت الله سبحانه
وتعالی حریص و راغب باشد و کارهای آن شبانروز
تمام او را روزی شود و روی بیاید و هیچ دشمن بروی دست
نیابد و بر حاسدان مظفر و منصور باشد و بهر مهم که روی
آرد باسانی برآید و هیچ درد و رنج نه بیند و از همه بلاها در
امان باشد و از معاصی دور باشد و از امام زین العابدین
صح روایت چنین است که هر که این دعاها بترتیب در
اوقات خلوات و اعقاب صلوة خواند روز قیامت چون

از کور برخیزد جبرئیل ع را ببیند با براقی از نور واو
را با اعزاز تمام واکرام هرچه تمامتر برنشاند و به منازل جنان
در بهشت آورد و هر بنده که در عمر خویش یکبار این دعاء
بخواند دیو و پری بروی دست نیابد و بهر خصمان
مظفر و منصور باشد و بهر مهم که روی آرد باسانی بر آید ه

الدعاء فی بسم الله الرحمن الرحیم یوم الجمعه

الله اکبر اهل الکبریاء والعظمة ومنتهی الجبروت
والعزة وولی الغیث والرحمة ومنزل القطر و
البرکة مالک الدنیا والآخرة رب الارباب و
مسبب الاسباب وسید السادات اله الآلهة و
جبار الجبابرة مالک الملوک مبدئ الخفیات مطلع
السرائر عظیم الملکوت شدید الجبروت لطیف لما یشاء
الله اکبر اول کل شیء واخره لا اله الا هو خشعت له
الاصوات وحارت دونه الابصار وفاضت الیه
القلوب لا یقضی فی الامور الا هو ولا یدبر مقادیرها
غیره ولا یتم شیء دونه القادر الحکیم اللطیف الجلیل
سبحانه جل وعلا ما اعظم شانه واعلی مکانه

یسبح له الخلق کلهم ویتضرعون الیه ویشفقون منه
احاط بکل شیء علما واحصی کل شیء عددا وصلی
الله علی محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین

الدعاء فی والحمد لله رب العالمین یوم السبت
یعنی روز شنبه

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم لا اله الا انت رب السموات السبع ورب
الارضین السبع ورب العرش العظیم اول کل شیء و
اخره خالق الخلق ورازقه فاطر السموات والارض
جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث و
رباع وانت علی کل شیء قدیر اللهم صل علی محمد
عبدک ورسولک امام الدین قائد الخیر ونبی
الرحمة اللهم انی اعوذ بک من الفقر وتشتت
الامر وعذاب القبر ومن شر ما یحدث فی اللیل
والنهار وان حدث قبل ولم یصب بعد فاصرفه
عنی واجعلنی من طلقائک من النار برحمتک یا ارحم
الراحمین والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی

الدعاء فی محمد وآله اجمعین یوم الاحد
یعنی روز یکشنبه

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحانک اللهم وبحمدک تجل ثناؤک وتبارکت
اسماؤک وحسن بلاؤک وعظم شانک ووضح
برهانک ولا اله غیرک لک الحمد قدر عظمتک
وسعت حلمک ومنتهی علمک ورضی نفسک انت
اهل الحمد واحق بالمجد واولی به لیس للحمد
دونک منتهی ولا الی غیرک مشتهی لک الحمد علی نعما
ئک کلها ما مضی منها وما بقی وما یحیی منها وما
خفی وما ذکر وما نسی وما شکر منها وما کفی لک الحمد
فی الآخرة والاولی سبحان الذی فی السماء عرشه
سبحان الذی فی الارض موطئه سبحان الذی فی البحر
سبیله سبحان الذی فی النار سلطانه سبحان الذی
فی الجنة رحمته سبحان الذی فی القبور قضاؤه
سبحان الذی فی الهواء روحه سبحان الذی رفع السماء
سبحان الذی وضع الارض سبحان الذی لا ملجا ولا
منجا منه الا الیه اللهم لا تشمت بی اعدائی ولا
تمکنهم منی واقبض ایدیهم عنی واحفظ علی

علی دینی اللهم انی ظلمت کثیرا فعوضهم من
مظالمهم برضاهم عنی ثم ارحمنی واغفر لی
انک انت الغفور الرحیم یا ارحم الراحمین ویا
اکرم الاکرمین وصلی الله علی محمد وآله وسلم

الدعاء فی بسم الله الرحمن الرحیم یوم الاثنین
یعنی روز دوشنبه

الحمد لله الذی افتخر بعلوه وعلا بفخره واعتز
بعزته وقهر عباده بالموت واکتفی فی ملکه وانار
الظلمة بنوره وعلم السر والعلانیة بحفظه ربنا
لک الحمد والنعماء والعزة والعلاء والکبریاء بدیع
السموات والارض ذو البطش الشدید والقوة المتین
القاصم الدائم الباعث الوارث المنعم المفضل الرافع
النافع المانع الرؤف الرحیم احاط بکل شیء علما و
احصی کل شیء عددا رب الارباب ومسبب الاسباب
وسید السادات ومجیب الدعوات وجبار الجبابرة
ومالک الملوک لا اله الا هو الخالق البارئ
المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات
والارض وهو العزیز الحکیم اللهم اقبض عنی ایدی

لخونة ومكر الماكرين وكيد الكائدين وجود الجبا
برين فاني اصبحت ومحترزا بك لا املك يا ارجوا
ويا مجيب دعوة المضطرين يا لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الظالمين لا تعذبني بكثرة ذنوبي واعف
عني عما تعلم مني ذنوبا كثيرا فان تعذبني فبذنوبي
وان تغفر لي فانك انت الغفور الرحيم برحمتك
الدعاء في يا ارحم الراحمين يوم الثلثا سه شنبه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين حمدا كثيرا طيبا مباركا
كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله الذي لا تصفه
الالسن ولا تهتدي الى كنه العقول لكنه عظمته
ولا يبلغ الاعمال لشكره الذي خلق الخلائق بعلمه
وقدر الامور بقدرته واستعبد الارباب بعزته
وساد العظماء بجوده وعلا السادة بمجده وظطفى
الكبرياء والجلال والنور والضياء والجود والمجد
والكرم لنفسه الحمد لله الذي كلت الالسن لمجده
وخشعت الاصوات لهيبته وعنت الوجوه لجلاله

لجلاله ووجلت القلوب من مخافته الحمد لله الذي وهم الا
نفس ووسواس الخناس الصدور اللهم انك اذنت لي في الدعاء
ووعدتني الاجابة فنجني من كل كرب انت غياث كل مكروب
اكشف عني الضر وفرج عني الحزن فهذه وسعت كل شيء رحمة وعلما
الدعاء في يوم الاربعاء چهارشنبه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي اصطنع عندنا ان نحمده وان نشكره وان
نعبده حمدا دائما واصعا متتابعا ناميا ثابتا اسا
عدد الا ينقطع منه شيئا ابدا اسرمدا الى يوم القيمة كما
هو اهله اللهم استر عوراتي في العورات واصرف عني
المكروهات وفرج عني الكربات واجعلني من التوابين
للمتطهرين ووفقني لمرضاتك وطاعتك وجنبني عما تكره
وتسخط واجرني يا مجير برحمتك من النار وادخلني الجنة
الدعاء في بفضلك يا عزيز يا غفار يوم الخميس پنجشنبه

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم ربنا لك الحمد ولك الشكر كله ولك الفضل
كله ولك الملك ولك الخلق كله وبيدك الخير كله
علانيته وسره واليك يرجع الامر كله انت على كل

شيء قدير سبحان ذي الملك والملكوت سبحان ذي العزة
والجبروت سبحان الحي الذي لا يموت سبحان الحي الحليم
سبحان الباعث الوارث سبحان العظيم الاعظم سبحان
الكريم الاكرم تبارك الله احسن الخالقين اللهم اني
اعوذ بك من الكسل والجهل وسوء القول والعمل واعوذ بك
من فقر يذلني ومن مسكنة تشيني ومن فاقة يفقرني
ومن غني يطغيني ومن حرص يفوتني ومن هوى يرديني ومن
سقم يذهبني ومن حيرة يتعبني اللهم اني اعوذ بك
من الكفر بعد الايمان ومن ضلالة بعد الهدى
ومن الهوان بعد الكرامة ومن الذل بعد العز ومن
الخلاف بعد الالفة اللهم انك انت الاول فلا شيء
قبلك وانت الاخر فلا شيء بعدك وانت الظاهر
فلا شيء فوقك وانت الباطن فلا شيء دونك وانت
القاهر فوق عبادك والباقي بعد فناء خلقك اسئلك
خير الدعاء وخير الصباح وخير المساء وخير النجاة و
خير العمل وخير الثواب وخير المحيا وخير الممات وخير
الدنيا وخير الاخرة اللهم صل على محمد وال محمد

محمد وارحمنا واكفنا ما اهمنا من امر ديننا ودنيانا واجر
بنا واجعلنا من الصالحين الاخيار المتقين الابرار يا
ارحم الراحمين وصلى الله على محمد واله اجمعين الطا
هرين والحمد لله رب العالمين اسناد دعاء عالی روایت
میکند از امام حسن ع که رسول صلی الله علیه واله وسلم
گفت که انشب که مرا معراج بردند از حجابها بگذرانیدند تا
از هفتاد حجاب بگذشتم از حجابی تا حجابی از مشرق تا مغرب بود تا
یک حجاب بماند ان حجاب را فرو هشته اند نگاه کردم بر ان حجاب
خطی دیدم از نور نوشته جبرئیل ع گفت یا محمد ص حق تعالی مرا حکم
کرد تا ترا این دعا بیاموزم این نامیست از نامهای خدای تعالی
یا محمد این دعا را بجمیع مؤمنان بیاموز که بدان خدای که ترا
براستی بخلق فرستاده که هر بنده که از امتان تو باشد واین دعا
بخواند حق تعالی درهای اسمان بروی گشاده گرداند ونظر رحمت برو
بکند و گفت یا محمد ص بدان خدای که ترا بخلق فرستاده که هر که این
دعا را بخواند حق تعالی همه غمهای او ازو بردارد و درویشی از او دور
کند و گناهانش عفو کرده اند و علامت اجابت بر وی پدید اید
و ثواب پیغمبران و اولیاء و نیک مردان او را روزی کرداند و در بهشت

بهمسایکی حضرت پیغمبر ص کرده بودند او رفتند و هر روز سیصد و شصت نظر رحمت
در کار او کند و چون از دعا فارغ شوند فرشته از آسمان او را آواز دهد
که ای بنده کار از سر گیر و بطاعت کوش که خدای تعالی همه گناه ترا عفو کرد
و از برای تو و پدر و مادر تو ثواب ده هزار ساله کرامت کرده
و فرمود که در دیوان اعمال تو نوشتند و این دعا هفتاد درد بیماری را
شفا دهد و هر که را درد و علتی باشد این دعا را غسل دهد و زعفران بنوشد
بر کاسه و آب بشوید و بخورد حق تعالی شفا دهد و اگر با خود دارد ایمن
میشود و هیچ ستم کار بر وی نیابد و از آفت دیو و پری ایمن باشد و هر که
این دعا را در خانه داشته باشد حق تعالی روزی بر وی و بر اهل آن خانه فراخ
کرداند و هر که این دعا را با خود دارد هیچ گزنده او را مضرت نتوانند
رسانید و اگر در سفر باشد از شر دزدان ایمن باشد و در راه اماند و شود
و هر مهمی و حاجتی که بخواند حق تعالی حاجت او را روا کرداند ببرکت این
دعا و اگر بکردن کودک خورد بندند از آفت دیو و پری ایمن باشد و از
شر شیطان و هر که این دعا بنویسد و در آب بشوید و آن بخورد حافظ
کردد و هر که هر بامداد بخواند از زمره رهبانان خدای تعالی باشد و روز قیامت
از جمله فرشتگان باشد جبرئیل ع گفت یا محمد الصفا اینکه تو را براستی بخلق فرستاده که اگر همه فرشتگان و آدمیان کرد آیند ثواب این دعا نتوانند شمرد

نوشته و هر که این دعا را نتواند خواندن بر کاغذ نویسد و در زیر سجاده نهد
و دو رکعت نماز کند چون از نماز فارغ شود بگوید بحق آنکس که دعا را بکو
فرستادی و آن محمد مصطفی است که حاجت من روا کن و هر زمانی که حاجتی
بر خاسته باشد که خدای تعالی حاجت او را بر آورد ببرکت این دعا و شرح این دعا
بزرگوار بسیار است مختصر کردیم هذا دعاء شب معراج

بسم الله الرحمن الرحیم
فقال النبی صلی الله علیه و آله و سلم اللهم انی اسئلک
یا من اقر له بالعبودیة کل معبود یا من یحمده کل محمود
یا من یطلب عنده کل مفقود یا من سائله غیر مردود
یا من بابه عن سؤاله غیر مسدود یا من هو غیر موصوف
و لا محدود یا من عطاؤه غیر ممنوع و لا مکنود یا من لیس
ببعید و هو نعم مقصود یا من رجاء عباده بحبله مشدود
یا من شبهه و مثله غیر موجود یا من لیس بوالد و لا مولود
یا من کرمه و فضله لیس بمعدود یا من حوضه مورد للانام
مورود یا من لا یوصف بمنام و لا قعود یا من لا یجری علیه حرکة
و لا جمود یا الله یا رحمن یا رحیم یا ودود یا راحم الشیخ الکبیر
یعقوب یا غافر ذنب داود یا من لا یخلف الوعد و یعقوب

عن الموعود یا من رزقه و ستره للعاصین ممدود یا من هو
ملجأ کل مقضی مطرود یا من دان له جمیع خلقه بالسجود یا من
لیس عن نیله و جوده احد مصدود یا من لا یحیف فی حکمه و یحلم
عن الظالم العنود ارحم عبید اخاطئا لم یوف بالمعهود انک
فعال لما یرید یا بار یا ودود صل علی محمد خیر مبعوث دعا
الی خیر معبود و علی آله الطیبین الطاهرین اهل الکرم و
الجود و افعل بنا ما انت اهله بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم یا حبیب الابرار و یا صفی الاخیار
و یا من یسبح له الاشجار و یا من خلق الجنة و النار
یا احد القدیم القهار یا غیاث المستغیثین و یا اله العا
لمین سبحان الابدی الابد سبحان الله رافع السموات
بغیر عمد سبحان الله الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له
کفوا احد و صلی الله علی محمد و آله اجمعین برحمتک
یا ارحم الراحمین نقلست از امام معصوم امام حسین ع از قول
حضرت امیر المؤمنین ع که آنحضرت فرمود که این دعاء هر بنده که بخواند
و با خود دارد البته دعا او مستجاب کردد دعا اینست هذا دعاء
بسم الله الرحمن الرحیم

در حاشیه: دعای ایمان اورده باتفاق / و بعضی بزرگان از جهود مسلمان شدند / دعا اینست

اللهم انی احمدک علی کل نعمة و استغفرک من کل ذنب
و اسئلک من کل خیر و استعیذ بک من کل بلاء و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم شرح دعاء روز جنگ اینست
روایتست که هر کس که این دعا را روز جنگ بخواند یا با خود دارد از تیر
و تیغ و نیزه و تمام اشیا محفوظ دارد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یا لطیف اللطف یا لطف الخفی یا حی یا علی یا ولی یا قوی یا قوی
یا غنی یا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
یا رب بحرمة اسمائک الحسنی کلها و بحرمة خلقک محمد صلی
الله علیه و آله و سلم البس درع الحصینة بقدرتک
دعائی که شیخ بهاء الدین محمد بنواب جنت مکانی شاه عباس
داده بود جهة دفع لشکر اعدا و دفع زخم شمشیر و تفنگ اینست
بسم الله الرحمن الرحیم
یا هو یا هو یا من لیس هو الا هو صلی الله علی محمد و آل
محمد و اجعل لی من کل هم و غم و الم و خوف فرجا و مخرجا
برحمتک یا ارحم الراحمین شرح دعاء نام اینست
بدانکه از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم
نقلست که هر کس که این دعا بنویسد و در نام باری تعالی را بخواند یا با خود دارد

از مخاویف سماوی و ارضی ایمن کرده و خدای تعالی بفضل خود او را ده راست
دارد و چهارده چیز کرامت کند اندر دنیا و اندر آخرت اول او را فرج دهد
از غم دوم ایمنی دهد از وهم سیم رهایش دهد از اسیری چهارم
آزادی دهد از بندگی پنجم بخانه خود برساند از غربت ششم جمعیت دهد
از تنهائی هفتم بازیافتن چیزی که گم شده هشتم شفا از بیماری یافتن
نهم فراخی روزی یافتن دهم توانگری یافتن از درویشی یازدهم
رهایش یافتن از حبس دوازدهم رستن از غضب پادشاهان سیزدهم
توبه نصوح یافتن چهاردهم رستگاری در آخرت و درجات بهشت یافتن
نود و نه نام بسم الله الرحمن الرحیم باری تعالی عز اسمه اینست
اللهم انت الملک الحق الذی لا اله الا انت یا الله
یا رحمن یا رحیم یا ملک یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن
یا عزیز یا جبار یا متکبر یا خالق یا بارئ یا مصور یا
غفار یا قهار یا وهاب یا رزاق یا فتاح یا علیم یا قابض
یا باسط یا خافض یا رافع یا معز یا مذل یا سمیع یا بصیر
یا حکم یا عدل یا لطیف یا خبیر یا حلیم یا عظیم یا غفور
یا شکور یا علی یا کبیر یا حفیظ یا مقیت یا حسیب یا جلیل
یا کریم یا رقیب یا مجیب یا واسع یا حکیم یا ودود یا مجید

یا باعث یا شهید یا حق یا وکیل یا قوی یا متین یا ولی یا
حمید یا محصی یا مبدئ یا معید یا محیی یا ممیت یا حی
یا قیوم یا واجد یا ماجد یا واحد یا احد یا صمد یا قادر
یا مقتدر یا مقدم یا مؤخر یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا
باطن یا والی یا متعالی یا بر یا تواب یا منعم یا منتقم یا
عفو یا رؤف یا مالک الملک یا ذا الجلال و الاکرام یا رب
یا مقسط یا جامع یا غنی یا مغنی یا معطی یا مانع یا ضار یا
نافع یا نور یا هادی یا بدیع یا باقی یا وارث یا رشید
یا صبور یا صادق یا ستار و صلی الله علی محمد و آل محمد
واقض لی حوائجی فی الدنیا و الآخرة برحمتک یا ارحم الراحمین
شرح پنج گنج چنین آورده اند که بر امیر المؤمنین علی علیه
السلام حمایل تعویذ بود در میان آن دعای پنج گنج بود هیچ وقت
از خود جدا نکردی هر جا که رفتی ببرکات این دعای پنج گنج با فتح و ظفر
باز آمدی و این دعا جبرئیل ع روز دوشنبه بوقت نماز پیشین
در دست هزار فرشته بطومار باریک بخط سبز نوشته بحضرت
محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم آورد و فضائل این دعا چندین
تقریر کرد که هفت طبقه آسمان و هفت طبقه زمین نگنجد پیغمبر ع این

دعا را پیوسته بخواندی و بر خود داشتی و هیچ کس را ننمودی هر که از امت
این دعا پیوسته بخواند و با خود دارد هیچ وقتی از دشمن هزیمت نیابد
و هیچ ظالمی دست نیابد و هر جا که باشد در امان خدای تعالی باشد و روز
قیامت روی خوانندۀ این دعا چون ماه شب چهاردهم باشد چنانکه
پیغمبران از خوبی روی وی عجب مانند و نامۀ اعمال وی بدست راست
دهند با آنکه مثل نیاورد که در حال کافر گردد نعوذ بالله منها استنا
بسیار است مختصر کرده آمد تا هر حاجتمندی که باشد بمقصود رسد
بمشغول گشتن این دعای بزرگوار دعا اینست گنج اول
بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله اتوکل علی الله و افوض امری الی الله و استفتح
بالله ما شاء الله و لا قوة الا بالله و ما النصر الا من عند الله
لا اله الا الله شهد الله قل هو الله اللهم احرسنا بعینک
التی لا تنام و برکنک الذی لا یرام و ارحمنا بقدرتک علینا
و لا تهلکنا گنج دوم بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
من ارادنا بسوء فارده و من کادنا بکید فکده و من
بغی علینا فاهلکه رب تقبل توبتی و اغسل حوبتی اجب
دعوتی یا امان الخائفین یا الله برحمتک یا ارحم الراحمین

گنج سیم بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم اهدنا من عندک و افض علینا من فضلک و انشر علینا
من رحمتک و انزل علینا من برکاتک و اعوذ بک عز جارک
و جل ثناؤک و لا اله غیرک یا قادر گنج چهارم
بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم احفظنا من بین ایدینا و عن ایماننا و عن شمائلنا
و اجعل الوارث منا و اجعل ثارنا علی من ظلمنا و انصرنا علی من
عادانا و لا تخذلنا و انت تحیینا و مولینا یا کثیر
گنج پنجم بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم یا شاهدا غیر غائب یا قریبا غیر بعید یا غالبا
غیر مغلوب و یا خالقا غیر مخلوق و یا رازقا غیر مرزوق
و یا معبودا غیر عابد اسئلک ان تصلی علی محمد و علی
آل محمد و ارزقنا نعم الدنیا برحمتک یا ارحم الراحمین
و اگر کسی را بیم کشتن بود یا در بند زندان گرفتار باشد بنویسد
و با خود دارد هم در آن هفته کار وی بصلاح آید دعا اینست
و اذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین عادیتم منهم
مودة و رحمة و الله قدیر و الله غفور رحیم و القیت علیک

مَحَبَّةً مِنّي وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ
رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ يَا أَهِيًّا شَرَا
هِيًّا آذونای الشدای اصباوت ایلوهیم بوه دوه قدوش مالح
ملح هملوحیم **لوجع الریح** لحادة والبادة لمن علق علیه یکن باذ
ن الله دعاء اینست بسم الله الرحمن الرحیم اسکن
أَيُّهَا الرِّيحُ بِمَا سَكَنَ اللّٰهُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ اُسْكُنْ بِالْقَلَمِ
وَلَوْحِ الْمَحْفُوظِ اُسْكُنْ بِطٰهٰ اُسْكُنْ بِالْعَرْشِ وَمَنْ عَلَوْ عَلَيْهِ
وَبِالْكُرْسِيِّ وَمَنْ عَلَوْ عَلَيْهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَشَفَاعَتِهِ وَبِمُوسَى وَ
كَلِمَتِهِ وَبِعِيسَى وَنَجْوَتِهِ عَزَمْتُ بِهَا كُلِّ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَا
ئك الْمُرْسَلِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ **شرح**
دعاء عهد نامه روایت میکند عبد الله عباس از
حضرت رسول صلعم که هر که یکبار این عهد نامه را بخواند در عمر
خود یا با خود دارد با ایمان برود و من که خداوندم شرط که اورا
بهشت برم و اورا رستگار کردانم دیکر نقلست از جابر بن عبد الله
که از حضرت رسول الله شنیدم که در تن ادمی سه هزار مرض است
مبیماری و از ان سه هزار دیکر هزار طبیبان میدانند و دو هزار
دیکر نمیدانند الغصة علاج از این عهد نامه است بخواند یا با خود دا

دارد خدای تعالی اورا از افت سحر و جادوی نکاه دارد و چشم زخم بروی
کار نکند و ابا بکر علیه اللعنه میکوید که من از حضرت رسول صلعم
شنیدم که هر که این عهد نامه را در عمر خود یکبار بخواند از افت
کزندکان و جن و انس ایمن کردد و از زبان بدکویان و غمازان ایمن
بود و بروی او بسته کردد و اکر کسی بیمار باشد و یا مرضی داشته باشد
این عهد نامه را مشک و زعفران و کلاب بر کاسه چینی بنویسد
و بشوید و بان خورد شفا یابد و هر که از قول حضرت رسول صلی الله علیه
کافر کردد نعوذ بالله من غضب الله دیکر روایت از ابی فاطمه
رضی الله عنه که من از حضرت رسول صلعم شنیدم که هر که از حق تعالی
جل جلاله و عم نواله حاجتی بخواهد باید که این دعاء عهد نامه را
شفیع او در حاجتش روا شود و اکر دردی اندوه در دل خود مشکلی اورده باشد
دیکر حضرت علی بن ابی طالب ع کوید که من از حضرت رسول صلعم
شنیدم که اکر کسی را مردی بسته باشد و علاج پذیر نباشد این دعا
عهد نامه را بر کاسه چینی بنویسد و بشوید و بخورد و بخواند چون
از خواب بیدار شود بفرمان الله تعالی شفا یابد و اکر کسی این دعاء عهد
نامه را در خانه یا در دکان نکاه دارد هرکز هیچ افت بدان خانه و دکان
نرسد و اکر جادوی کرده باشند باطل کردد مقاتل میفرماید که مؤاد

حضرت رسول صلعم شنیدم که هر که این دعاء عهد نامه را بمشک و زعفران
بنویسد و باب باران بشوید و بخورد بسد بامداد الله تعالی تمام علم و حکمت برو
کشف کرده اند و هر که این دعاء عهد نامه را بشوید و بخورد هرچه بشنود یاد کیرد
و هرکز فراموش نکند و دیکر صحابه حضرت رسول میکویند که ما از حضرت
رسول شنیدیم که هر که این دعاء عهد نامه را بخواند خدای تعالی ثواب صد مردان
اهل اسلام را باو بخشد دیکر هر که این دعاء عهد نامه را بخواند ثواب سعید
پیغمبر بیابد عثمان بن عفان علیه اللعنة والعذاب کوید که من از حضرت
رسول شنیدم که هر که این عهد نامه را با میت دفن کنند چون منکر و نکیر
بیایند منکر کوید که مَنْ رَبُّكَ خدای تو کیست نکیر کوید اسئلك
عَبْدُهُ أَوْ عَبْدُ مَعَهُ یعنی مکن سؤال از این بنده که عهد نامه با خود
اورده است منکر و نکیر خشنود و خوشحال کردند و باز کردند و خدا
ی تعالی صورتی بیافریند زیبا و خوش روی چنانکه هیچکس ندیده باشد و در
کور مونس او باشند و روی بان صورت نکاه میکنند تا روز قیامت و بدست
راست حله کیرد کرفته و بدست چپ عنان مرکبی کوید که بیا و حله بپوش
و تاج کرامت بر سر نه و بر مرکب سوار شو و رضوان باستقبال اید و برو سلام
کنند و کویند که نامه بشارت اورده ایم از خدای تعالی و در نامه نوشته
باشد که ای مؤمن تورا با من عهد است انا عند ... یعنی من از تو

تو خشنودم مترس که با عهد وفا کردی مارا او حاجت نیست اکنون خلعت
در پوش و تاج کرامت بر سر نه و بهشت رو و هر که را بخواهی تو بخش حضرت این
بخوانند لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا انا دار
منی یعنی بنده را شفاعت میکنم و میرود با روی تابان همچون ماه شب چهاردهم
درخشان خلق عرصات کویند که این نور و صفا است رضوان بهشت کوید که
این امتی از امتان محمد مصطفی که این عهد نامه با خود اورده است
زاهدان عرصات فریاد بر اورند و کویند ما چند ساله در دنیا بودیم و عقل
این دعاء عهد نامه را ندانستیم و از این غافل بودیم چندین هزار کس چشم
حسرت بروی نکرند و علاج نباشد کویند تو این شرف یافتی غنیمت دان
و در این ساعت عنوان و با خود دار تا برادر دنیا و عقبی ... و مشرف
شوی ان شاء الله تعالی حضرت مرتضی علی کرم الله وجهه فرمود که چون مرده را
در کور نهند در طاق بلند در پیش روی ان مرده را عذاب نباشد و روضه
از روضات بهشت در کور وی کشاده شود و از صد و شصت هزار کور که بر
کرد وی باشد عذاب برداشته چهل هزار از جنوب و چهل هزار از شمال و چهل
هزار از مشرق و چهل هزار از مغرب و از نور این دعاء عهد نامه صورتی بیا
فریند تا در کور مونس او باشد و شرح این دعاء عهد نامه بسیار است ما
مختصر کردیم تا خواننده و نویسنده را ملال نکیرد و الله اعلم ۵

هذا دعا بسم الله الرحمن الرحیم عهد نامه

اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة انت
الرحمن الرحیم اللهم انی اعهد الیک فی هذه الحیوة الدنیا
بانی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک واشهد
ان محمدا عبدک ورسولک واشهد ان علیا ولیک ووریث
رسولک فلا تکلنی الی نفسی طرفة عین فانک ان تکلنی الی نفسی تقربنی
من الشر وتباعدنی من الخیر وانی لا اثق الا برحمتک فاجعله
لی عهدا عندک توفینه یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد
برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله
اجمعین

مناجات حضرت محمد مصطفی صلعم اسنادش الجنت

روایت که پیغمبر صلعم فرمود که هر کس که این دعا را مداومت نماید
هر حاجت ومرادی که از خدای تعالی بخواهد روا گردد وعبد الله عباس گفت
یا ابا القاسم این مناجات را بهر حاجتی که خواندم حاجت مرا خدای تعالی
روا کرد اینک اول بار بنیت عمر خواندم عمر مرا وفرزندان مرا دراز کرد بار
دوم برای فراخی روزی خواندم روزی مرا فراخ کرد اینک سیم بار بنیت
کارهای بسته خواندم کارهای بسته مرا گشاده کرد اینک چهارم بار بنیت
لعنت خواندم گشاده شد پنجم بار بنیت دفع دشمنان خواندم همه مردند و

وفا چیز شدند عباس گفت یا ابا القاسم از مکه بمدینه میرفتم با من
همیان زری بود ناگاه یهودان همراه من شدند وقصد من کردند ومیخواستند
مرا هلاک کنند من این مناجات را بخواندم وبر خود بدمیدم حجابی در میان
من وایشان پیدا شد چنانکه ایشان در پهلوی من میرفتند ومرا نمیدیدند
ومن آواز ایشان میشنیدم وهمی گفتند عبد الله را بگیریم وبکشیم وزر او را
ببریم هم چنان در میان من وایشان حجاب بود تا بمکه رسیدیم ایشان
تعجب کردند باز میخواستند که قصد من کنند من این مناجات را میخواندم وبر خود
میدمیدم چون ایشان قصد کردند همه نابینا شدند ومن یاد برآوردند
که ما عبد الله ما همه کور شدیم وجزع وزاری کردند ومسلمان شدند ودین محمد
درآمدند وبر حق ایشان این مناجات را بخواندم همه بینا شدند واین
حکایت در شهر مکه مشهور شد وبه پیش خلیفه مکه رسید خلیفه ایشان را
طلب کرد وقصه باز پرسید ایشان این قصه را باز گفتند واگر کسی این مناجات
هفت شب بخواند هر شب یکبار حضرت رسالت پناه را در خواب بیند
واگر کسی را چشم دردی شده باشد آدینه این مناجات را بخواند وبر دو انگشت بدمد
وبچشم فرو دارد خدای تعالی چشم او را روشن کرده اند واگر کسی بیمار باشد
که جمله اطبا از علاج او عاجز شده باشند این مناجات را شب آدینه بر
شیرینی خواند وبر شربت کند وبخورد شفا یابد اگر کسی شب کور باشد شب

جمعه این مناجات را بر سرمه خواند وبر چشم کشد بینا شود واگر کسی این مناجات را
بر گلاب خواند باز ایستد عبد الله گفت یا ابا القاسم من از مکه بمدینه میرفتم
ناگاه سیلی عظیم پیدا شد من این مناجات را تمام برخواندم ودست برداشتم و روی
سوی آسمان کردم واین مناجات را شفیع آوردم این سیل سبکتر میشد وزمین از نم
خشک شد وناپدید شد بفرمان الله تعالی واگر کسی هر روز این مناجات را بخواند و
بر خود دمد در چشم مخلوقات عزیز ومکرم باشد وبا آب روی باشد واگر
گناه عظیم کرده باشد یا از پادشاه یا از بزرگی ترسد این مناجات را سه بار
بر گلاب خواند واز آن گلاب بر روی خود مالد وپادشاه را نگاه کند هر که او را ببیند دوست
دارد وبا صلابت باشد واین مناجات را عزیز ومکرم دارد وبدست ناشایسته
وناکس ندهد واز برای حرام عمل ننماید وهر که این مناجات را از خود جدا نکند
در میان خلق عزیز باشد وفضل وشرح این مناجات بسیار است اما بدین
قدر اختصار کردیم تا خوانندگان ونویسنده را ملال نگیرد والله اعلم

هذا مناجات بسم الله الرحمن الرحیم حضرت محمد

الهی بحرمة سر محمد وسر محمد الهی بحرمة روی محمد وخوی
محمد الهی بحرمة موی محمد وگیسوی محمد الهی بحرمة نام محمد
وکام محمد الهی بحرمة دم محمد وقدم محمد الهی بحرمة
دل محمد وگل محمد الهی بحرمة وجود محمد وسجود محمد

محمد الهی بحرمة فرق وفرقان محمد الهی بحرمة شهادت
محمد ومشاهدت محمد الهی بحرمة داد محمد ونهاد محمد
الهی بحرمة خلق محمد وخلقان محمد الهی بحرمة جمال محمد
وکمال محمد الهی بحرمة سنت محمد وحکمت محمد الهی بحرمة
صدق محمد وعشق محمد الهی بحرمة صفای محمد وثنای محمد
الهی بحرمة رضای محمد ولقای محمد الهی بحرمة نیاز محمد
وراز محمد الهی بحرمة ناز محمد ونیاز محمد الهی بحرمة
روز محمد وسوز محمد الهی بحرمة داشت محمد وگذاشت
محمد الهی بحرمة خواست محمد وعذرخواست محمد الهی
بحرمة ملاحت محمد وسماحت محمد الهی بحرمة صباحت محمد
وفصاحت محمد الهی بحرمة فتح محمد وفتوح محمد
الهی بحرمة روح محمد وارواح محمد الهی بحرمة ورد
محمد وکرد محمد الهی بحرمة ذوق محمد وشوق محمد
الهی بحرمة سکوت محمد وصوت محمد الهی بحرمة
شریعت محمد وحقیقت محمد الهی بحرمة کشش محمد
وکوشش محمد الهی بحرمة آرایش محمد وآسایش محمد
الهی بحرمة جنبش محمد وخروش محمد الهی بحرمة اخلاق

محمد و اختصاص محمد الهی بحرمة رکوع محمد و خضوع محمد
الهی بحرمة تشهد محمد و تهجد محمد الهی بحرمة سلام
محمد و کلام محمد الهی بحرمة تاج محمد و معراج
محمد الهی بحرمة منبر محمد و محراب محمد الهی
بحرمة صبر محمد و شکر محمد الهی بحرمة حرکت محمد
و برکت محمد الهی بحرمة شرف محمد و طرف محمد
الهی بحرمة سفر محمد و حضر محمد الهی بحرمة نهادت
محمد و طهارت محمد الهی بحرمة حیاء محمد و وفاء
محمد الهی بحرمة فراغت محمد و قناعت محمد الهی
بحرمة شفاعت محمد و تجارت محمد الهی بحرمة بسط
محمد و قبض محمد الهی بحرمة محمد و آل محمد الهی
بحرمة محمد و اصحاب محمد صلی الله علیه علی محمد
و آله و ازواجه اجمعین **شرح دعاء حرب منطق** خبر
صحیح چنین آورده اند که امیر المؤمنین علی بن ابی طالب سه
تیغ داشته است یکی صمصام و یکی قمقام و یکی ذو الفقار و شاخ
بوده است و از امیر المؤمنین علی پرسیدند که یا علی بدین تیغها چند
کافر کشته گفت از این دو تیغ ندانم و الا ذو الفقار صد و بیست و چهار

هزار کافر کشته ام سوال کردند که یا علی بر کشتن کافران بچه ظفر یافتی گفت بیاری حق تعالی
و از برکت این دعا بزرگوار گفتند بچه دانستی که بر تیغ ذو الفقار چند کافر کشته گفت
بعدد هر پیغمبری کافری کشته ام و این دعا از خزانه غیب خدای تعالی بمن داده است
و امیر المؤمنین علی کمری داشته است از پوست شیر هفت بدست و این حرز بدان نوشته
بود که گاهی بجنگ رفتی در میان بستی اگر صد هزار سوار جادوی هم بسته شدی
و ضرب و جراحت و هیچ زخم بروی دامن وی کار نکردی و هر کس این حرز را با خود
دارد سحر و جادو بر او کار نکند و از دد و دام و کژدم و دزد و ان همه خوفها ایمن باشد
و در پیش پادشاهان و حاکمان و جمله خلایق عزیز باشد و هیچ تیر و شمشیر و نیزه
بروی کار نکند و هرگز بهیچ رنج و غم در نماند از برکت این دعا ان شاء الله تعالی
هذا دعاء حرب منطق بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلك شانة الكافية وسرادق الرعاية يا من ليس للغاية
ولا نهاية ولم نجد ملجاء ولا منجا منك الا اليك ومن ابجالك وعن
استوبت اسلم احدث افرادة من ارادني او شرا او شعبا او مسادة
احدث نقمتهم وانصارهم جزء وحصنى وستر من كل طعن وضرب ورمي
عن يميني وعن يساري بسم الله الرحمن الرحيم وعن ظهري مثل ذلك و
ختمت هذه كلها بالله الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفوا احد بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء ولا

انات ولا عين ولا نظرة ولا سديد فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على خير خلقه محمد وآله
اجمعين **شرح دعاء حضرت وهاب وندكان** روایت باسناد صحیح که هر که این دعا را
بخواند با خود دارد در حفظ و امان حق سبحانه و تعالی باشد و در همه اوقات
خرم و خوشدل بود و همه روزه تن درست و صحیح المزاج باشد و هیچ فریب باوی
دشمنی نتواند کرد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم خیرك بین عینیك
وخيرك بين قدميك وبالله نستعين الكل ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم اللهم اني اعوذ بك ان اذل او ازل او اظلم او اظلم او اجهل
او يجهل علي وصلى الله على محمد وآله اجمعين **هذا دعای سرخ باد**
در خبر است از وهب بن منبه و از مقاتل ابن سلیمان و کعب الاحبار از رسول روایت
که سلیمان بن داود صلوات الله و سلامه علیه بر تخت مملکت نشسته بود و اندیشه
میکرد که آیا هیچ چیز هست که در مملکت من نیست در نفس این تعالی و تقدس
در پیش تخت وی صورتی پیدا کرد بغایت مهیب و سهمناك با هیبت بنا به
فنکی چنانکه سلیمان بغایت بترسید و گفت ای شکل خدای تو کیستی و از کجا
آمده که من هرگز صورتی چنین سهمناك ندیده ام گفت ای پیغمبر خدا من بلای ام
از بلاها سلیمان گفت نام تو چیست گفت سرخ باد سلیمان گفت که جای
تو کجاست و آفت تو چیست گفت یا نبی الله جایگاه من هفت اندام آدمی است

آدمی است و در سیصد و شصت رگ آدمی چون خون میروم و مقررم من
آنست که چون در سر شوم درد سر پیدا کنم و چون در شقیقه ایم بیم صرع و ضعف
در بدن اندازم و موی سر را ببرم و اگر در چشم ایم آب سیاه فرود آورم و بینائی
چشم ببرم و اگر در مغز سر ایم مغز را نقصان کنم و عقل را خیره کنم و فکرت را
زیاده کنم و دیوانه سازم و چون در بینی ایم سوزش و درد بسیار پیدا کنم تا بکشم
و اگر در شکم ایم درد سپرز پیدا کنم و راه جگر بربندم تا آب بجگر نرسد و جگر
خشک گردانم تا آب در پوست کشد و آن وقت آفتم آماس کند و اگر در جگر ایم
شکم را بزرگ گردانم و حلاوت نان و آب ببرم و اگر در گرده ایم اشتهار شهوت
بستانم و ضعف پیدا کنم تا از مراد باز ماند و اگر در مثانه ایم ادرار بول پیدا کنم
و ریگ و سنگ پیدا کنم و همه راحتها از وی بستانم تا غایتی که مردی از وی
برود و اگر در ازار بند ایم درد پشت و کمرگاه پیدا کنم و اگر در زهار
ایم فوق لخ بر انگیزم و اگر در پای ایم نقرس پیدا کنم و انگشتها برمانم و اگر
در سر ایم آماس پیدا کنم و اگر در روی ایم لقوه پیدا کنم و گوش را درد ببرم و اگر
در پوست ایم آبله و دنبل پیدا کنم و دهان بکند ایم و دندان برمانم و کرم
بن دندان بپوسانم و اگر در پستان ایم گوش کر مانم و اگر در مقعده ایم ناسور و بواسیر
پیدا کنم چون سلیمان این بشنید گفت نعوذ بالله من آفة الدنیا و عذاب
الآخرة مرا طاقت این شنیدن نیست سلیمان بفرمود که آب را بکیر بدف

هلاک کنند گفت یا نبی الله نتوانند گفت چه توانند گفت آتش بمن درنگیرد و سلمان آن
درماند در حال جبرئیل علیه السلام آمد گفت خدای تعالی ترا سلام میرساند و میگوید که دست
از عمر بدار که ما حکم چنان کرده ایم که باشد و ترا با حکم ما کار نیست تو بنام ما او را
از خود دفع کن تا بروزگار پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم روزی عمرو در پیش رسول
آمد و بخود دو تا شد گفت یا رسول الله سخت بیخودم مرا درمان کن و رسول درماند
و ساعتی در فکر رفت که این چه مرض است جبرئیل علیه السلام آمد گفت یا محمد خدای تعالی ترا سلام
میرساند و میگوید عمر را سرخ باد است گفت یا جبرئیل این درد را چه درمان باشد
حق تعالی این دعا را فرستاد که این دعا درمان این درد است و دردهای دیگر
امتان ترا تا قیامت رسول صلعم بخواند و باد بر عمرو دمید بفرمان خدای تعالی
شفا یافت و بهتر شد پس هر که این دعا را با اعتقاد درست بخواند یا با خود
دارد از سرخ باد و جمله آفتها و بلاها ایمن گردد ان شاء الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله وبالله والله اکبر یا رب الملائکة والروح ورب العرش
العظیم ورب الانبیاء والمرسلین ورب الملائکة المقربین ایها الموکلا
علی قضاء الله اشهدوا انی عند ربی وربکما وخالقی وخالقکما واکتبا
بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده
ورسوله واشهد ملائکتک وحملة عرشک وجمیع خلقک انت الله

انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک وان محمدا عبدک و
رسولک الله اکبر ابد الآبدین اللهم یا مبدئ یا مبدی یا قهار یا
قهار یا مقتهر یا مقتدر یا اصلح یا رفیع یا مرتفع یا فاعل یا فعال یا مفتعل
یا مانع یا منیع یا ممتنع یا نصیر یا منتصر یا اکبر یا کبیر یا متکبر یا اعظم یا عظیم
یا متعظم یا سامع یا سمیع یا مستمع یا جبار یا مجتبر یا مقدم یا موخر یا غفور یا شکور
یا حکیم یا صبور یا منان یا نافع یا قاهر یا باسط یا علیم یا علام یا باعث یا خالق
یا وارث یا ناشر یا منتقم یا منزل یا مقسط یا حی یا قیوم یا الله یا رحمن یا رحیم
یا احد یا صمد یا فرد یا وتر یا حنان یا منان یا ملک یا مالک یا ملیک یا عظیم
یا رؤوف یا داعی یا مدعو یا راضی یا مرتضی یا رب یا رب یا رباه یا سیداه
و یا مولاه یا غایة رغبتاه یا مسخر الفلک یا مجری الفلک یا محنی المحل
یا منعم یا مکرم یا مفضل یا جلیل یا جمیل یا کفیل یا وکیل یا حسیب یا
رقیب یا مجیب یا حفیظ یا قسیم یا عاصم یا جبار یا قاهر الفراعنة یا قائما با
لقسط یا قائما علی کل نفس بما کسبت یا مسخر الشمس والقمر یا مثبت النجم والشجر
یا رجاء المؤمنین یا غوث المستغیثین یا حبیب التوابین یا رازق المقلین
یا ولی المؤمنین یا راحم المساکین اللهم انی اعوذ بکلماتک التامات
کلها وبهذه الاسماء الحمیدة الجمیلة المبارکة من شر جمیع الآفات والعلل
والجنون والافجاع والامراض ومن شر ریح الحمراء فی الانفس والبدن

والرأس والاذن والخد والانف والفم واللسان والاسنان والذقن و
العنق والید والرجل والفخذ والابدان والظهر والبطن والظهر والصدر
والقلب واللحم والشحم والدم والعرق والعصب والعظم والشعر والجلد
بحق هذه الاسماء بعظمتها وحرمتها وبرکتها سبحانه تسبیحا یملأ اقطار
السموات والارض سبحانه تسبیحا لا یحصی ولا یعد ولا یفنی ولا یبلی
سبحانه تسبیحا یبقی بعد فناء الخلق تسبیحا لا یعلم عدده الا هو سبحانه
اذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون سبحان الله عدد خلقه ورضا
نفسه وزنة عرشه سبحان الله رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین
اللهم انی اسئلک لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام ان
تستجیب دعوتی وتعطی رغبتی وتکشف عن بلیتی وتغفر لی وترحمنی
وتتوب علی انک انت التواب الرحیم وصلی الله علی محمد وآله اجمعین
برحمتک یا ارحم الراحمین روایتست که پیغمبر
فرمود که روزی در مسجد نشسته بودم جبرئیل علیه السلام آمد و گفت یا رسول الله
حق تعالی سلام میرساند که از جهت تو هدیه فرستاده ام که به هیچ پیغمبری نفرستاده ام
یا رسول الله هیچ بنده نباشد که این دعا را بخواند اگر او را چندان گناه باشد که
کوهها و هفت آسمان و هفت زمین و عرش و کرسی خدای تعالی بروی عفو
کند و اگر کسی را بیماری باشد این دعا را بمشک و زعفران بر جام بلور یا آبگینه نویسد

تعالی
نویسد و از آن آب بخورد خدای تعالی او را صحت دهد و اگر بر کفن میت نویسد خدای
هول منکر و نکیر بروی آسان کرداند و دری از درهای بهشت بروی
بگشاید یا محمد هر که از امتان تو بکاری درمانده باشد این دعا را بخواند یا با خود
دارد در اول ماه رمضان یا در میان ماه رمضان یا در آخر ماه رمضان المبارک
بخواند خدای تعالی هشتاد هزار فرشته بیافریند زیر عرش و هشتاد هزار بمکه
و هشتاد هزار به بیت المقدس و هشتاد هزار بمشرق و هشتاد هزار بمغرب هر فرشته
تسبیحی کنند آن فرشته را دو زبان بود و هر تسبیح خدای تعالی کنند و هر ثواب
آن بنده را باشد که این دعا را بخواند من در میان این کس هیچ حجاب نماند و هر حاجت
که دارد روا شود و فضیلت این دعا بسیار است اما این در قلم آمد تا خوانندگان
و نویسنده را ملال نگیرد والله اعلم بالصواب دعای بند کوار جهر عکاشه است

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله خیر الاسماء بسم الله الرحمن الرحیم رب الارض والسماء بسم الله
الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم
بسم الله افتتحت وعلیه توکلت بسم الله علی نفسی بسم الله الرحمن الرحیم
علی دینی بسم الله علی اهلی بسم الله علی مالی وولدی بسم الله ما اعطانی
ربی بسم الله المعافی بسم الله الکافی الله الله ربی لا اشرک به شیئا
الله اکبر الله اکبر اجل واعز مما اخاف جمیعا واحذر عز جارک وجل

تنادوك ولا الدعتراك اللهم اني اعوذ بك من كل شيطان مريد ومن شر
كل جبار عنيد ومن شر قضاء سوء ومن شر كل دابة انت آخذ بنا
صيتها انك على صراط مستقيم وانت على كل شيء حفيظ ان ربي الله الذي
نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين قل هو الله احد الله الصمد لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا احد بسم الله الرحمن الرحيم وجعلنا من بين
ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون ه ه ه ه ه
شرح امير المؤمنين حسن وحسين آورده اند که جبرئیل بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
این دعا را آورد وهمچنین از عبد الله عباس رحمة الله علیه که حق تعالی
این دعا را بهیچ پیغمبر مرسل نداد مگر با براهیم خلیل و بحضرت اسمعیل واسحاق
ودیگر بحضرت محمد دهم او کو که هر که این تعویذ را بنویسد ودر موم گیرد
ودر آب اندازد و هفت شبانروز از آن آب بخورد یکی کرد اعضاء او باشد
از درد دست واستغراقها وعصب همه علتی وآلام از درد ... واگر زنی نازاینده شود
از این آب بخورد ... باشد الا آن آب بخورد کشاده کردد وهر کی
درد سر و درد معده ... دارد بخورد ... خوش کند ...
وکر نم وکرمی امین باشد و بوقت رحلت جانش بشهادت برآید ... دعا
بنویسد که کافر کردد دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بکلمات الله
التامات کلها من شر ما خلق ومن شر کل شیطان هامة ومن شر عین

لامة ومن شر السامة والهامة وان يكاد الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم
لما سمعوا الذكر ويقولون انه لمجنون وما هو الا ذكر للعالمين فالله
خير حافظا وهو ارحم الراحمين بحق كهيعص وبحق حمعسق اهيا شراهيا
بسم الله الشافي بسم الله الكافي بسم الله المعافي بسم الله الذي لا يضر مع اسمه
شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم برحمتك يا ارحم الراحمين •
(۱۱۱۱ ۲۳۱۱ م) اینست بیان نام خلائق اکبر شرح دعاء محبت نقلست
از حضرت رسول که هر که این بنام مومن که این چهارده آیه را حمیل ویکبار بخواند و بر خود
دمد در چشم مردم وخلایق عزیز و مکرم باشد واگر بر باب سلطان بخواند و روی خود
بیان بخوید هر کس که او را بیند دوست ومهربان او گردد واگر بر سیب ... شیرینی
بخواند مثل قند ونبات وشکر ومویز ومنقا وکشمش وانجیر واقسام شیرینیها
بخواند و بخورد او بدهد یا سیب را ببوید بی آنکس قرار وآرام نداشته باشد واگر بر
بخواند بنام هر که خواهد وبخورد او دهد یا لحظه ... وآرام نگیرد واگر
بنویسد وبا خود دارد در نظر حکام وسلاطین و پادشاه عزیز وگرامی گردد واگر
کسی این چهارده آیه را هر روز هفت بار بخواند و بر خود دمد در نظر همه خلایق از
ترک وتاجیک وعرب وعجم وبیگانه وآشنا و ... عزیز و مقبول گردد و
زنان همه بد گویان در حق او بسته گردد آورده اند که روزی عایشه این چهارده آیه را
بسبب خواند و خواست که بخود حضرت رسول دهد که این سبب اندست

عائشه بر زمین افتاد وان سبب ... که حضرت رسول ... این سبب را خورد چنان
محبت عائشه در دل او کار کرد که یک لحظه از رخسار او ... پیغمبر فت
بی اندیشه کن که در دل او چه اثر خواهد کرد وآیات اینست آیه اول ومن الناس
من يتخذ من دون الله اندادا يحبونهم كحب الله والذين آمنوا اشد حبا
لله ولو يرى الذين ظلموا اذ يرون العذاب ان القوة لله جميعا وان الله
شديد العذاب آیه دوم زين للناس حب الشهوات من النساء والبنين و
القناطير المقنطرة من الذهب والفضة والخيل المسومة والانعام والحرث
ذلك متاع الحيوة الدنيا والله عنده حسن المآب آیه سیم قل ان كنتم
تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور رحيم آیه
چهارم يحبهم ويحبونه اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين آیه پنجم هو الذي
ايدك الله بنصره وبالمؤمنين آیه ششم والف بين قلوبهم لو انفقت
ما في الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز
حكيم آیه هفتم يوسف اعرض عن هذا واستغفري لذنبك انك كنت من
الخاطئين آیه هشتم وقال نسوة في المدينة امرأة العزيز تراود فتاها عن
نفسه قد شغفها حبا انا لنراها في ضلال مبين آیه نهم والقيت عليك محبة
مني ولتصنع على عيني اذ تمشي اختك فتقول هل ادلكم على من يكفله فرجعناك
الى امك كي تقر عينها ولا تحزن وقتلت نفسا فنجيناك من الغم وفتناك فتونا

آیه دهم فقال اني احببت حب الخير عن ذكر ربي حتى توارت بالحجاب ردوها
علي فطفق مسحا بالسوق والاعناق آیه یازدهم قل لا اسألكم عليه اجرا الا المودة
في القربى ومن يقترف حسنة نزد له فيها حسنا ان الله غفور شكور آیه
دوازدهم عسى الله ان يجعل بينكم وبين الذين عاديتم منهم مودة والله
قدير والله غفور رحيم آیه سیزدهم واخرى تحبونها نصر من الله وفتح
قريب وبشر المؤمنين يا محمد يا خير البشر آیه چهاردهم وانه لحب
الخير لشديد برحمتك يا ارحم الراحمين منقولست از حضرت امیر المؤمنین علی بن
ابی طالب که حضرت رسول ... روایت کرده اند که هر کس که این دعا را باعتقاد درست
بخواند یا با خود دارد بهشت خالص ... واین دعا را خواص ...
دعا اینست بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اني اسألك بانك سبوح قدوس سبح لك سواد الليل وضوء النهار و
شعاع الشمس ونور القمر ودوي الماء وحفيف الشجر ونجوم السماء ...
وصخور الجبال وامواج البحار ودواب البر والبحر واسألك بانك فرد
انت الذي في السماء عرشك وفي الارض قضاؤك وعلى العرش جلالك وفي
الجنة رحمتك وفي جهنم عذابك والملائكة جنودك ويسبحونك ...
الليل والنهار لا يفترون لا اله الا انت الحنان المنان بديع السموات
والارض ذو الجلال والاكرام واسألك باسمائك الحسنى واثارك العليا

وَرَبُّنَا الْمَلِكُ الْعَظِيمُ وَكَلِمَاتُكَ التَّامَّةُ أَنْ تَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ مَا أَجِدُ مِنَ الْأَذَى وَشَرَّ
مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ سُبْحَانَ مَنْ فِي السَّمَاءِ عَرْشُهُ سُبْحَانَ مَنْ فِي الْأَرْضِ حُكْمُهُ سُبْحَانَ
مَنْ فِي الْقُبُورِ قَضَاؤُهُ سُبْحَانَ مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سَبِيلُهُ سُبْحَانَ مَنْ فِي الْقَبْرِ عَذَابُهُ
سُبْحَانَ مَنْ فِي النَّارِ سُلْطَانُهُ سُبْحَانَ فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ سُبْحَانَ رَافِعِ السَّمَاءِ سُبْحَانَ
بَاسِطِ الْأَرْضِ سُبْحَانَ الَّذِي لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ
مَنْ تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَالْبَقَاءِ وَقَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَنَّانُ
يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا دَائِمًا بِلَا فَنَاءٍ
وَيَا بَاقِيًا بِلَا زَوَالٍ وَيَا مُدَبِّرًا بِلَا وَزِيرٍ وَيَا صَانِعًا بِلَا مُشِيرٍ حَسْبِي عِلْمُكَ بِمَا
شِئْتَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ سُبْحَانَ مَنْ لَا تُحْصِيهِ الْأَلْسِنَةُ سُبْحَانَ مَنْ لَا
تُحِيطُ بِهِ الْأَمْكِنَةُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تُبْلِيهِ الْأَوْقَاتُ وَلَا تُغَيِّرُهُ سُبْحَانَكَ يَا مَلِكَ الْأَيَّامِ
سُبْحَانَكَ يَا جَبَّارُ لَا تَظْلِمُ سُبْحَانَكَ يَا مَنْ لَا تَأْخُذُهُ النَّوْمُ لَا تَنَامُ سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ
الْإِكْرَامِ سُبْحَانَ مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْفَخْرُ سُبْحَانَ مَنْ لَهُ الْغَلَبَةُ وَالْقَهْرُ سُبْحَانَ
مَنْ لَهُ الْقَضَاءُ وَالْقَدَرُ فَتَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
منقولست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم جهت فتح مهمات وگشایش کارها
وعزیز شدن در نظر ملوک وسلاطین وداردن این دعا دائم بدولت ونعمت باشند وهر که
این دعا را بنویسد ودر موم گیرد ودر آب اندازد ودر روغن جوز [illegible] بشوید همه خلقان
مطیع وی شوند واورا دوست دارند وزبان خصمان بروی بسته شود از برکت این دعا

وشرح

بسم الله الرحمن الرحیم **دعاء فتح مهمات**
وشرح این دعا بسیار است اما مختصر کردیم
اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَنَا أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ وَالسَّعَادَةِ وَالْفُتُوحِ وَالْكَسْبِ وَاحْفَظْنَا مِنْ كُلِّ
عِلَّةٍ وَبَلِيَّةٍ وَمَخَافَةٍ وَحَاسِدٍ وَظَالِمٍ وَشِدَّةٍ وَمَرَضٍ وَوَبَاءٍ وَبَلَاءٍ وَزَلْزَلَةٍ وَ
كُلِّ عِلَّةٍ يَا قُدُّوسُ يَا رَبَّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ كهيعص حمعسق يس طسم طس طه
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **اسناد دعاء قدح اینست** نقلست از انس بن مالک روایت
میکند از رسول صلعم که روزی جمله صحابه حاضر بودند رسول صلعم فرمود که بشارت باد
دهم گفتند بلی یا رسول الله فرمود که آن شب که وحی آمد از حضرت عزت علیه جبرئیل
پیش من آمد وگفت قدم برکاب نه وهفت آسمانرا بر رو ومشرف گردان وحق
تعالی جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل وبسیار ملائکه باستقبال حضرت عزت استاد
وخلعت نور در من پوشانیدند وچون از هفتاد هزار حجاب بگذشتم قدحی سبز
دیدم در هوا معلق استاده وخطی نور گرد آن قدح نوشته ونور آن قدح جمله [illegible]
[illegible] بود از هر چه دیدم ودر نهم [illegible] از آن قدح نمیدیدم چنانکه عاشق آن شدم
چون نزدیک رفتم وبحضرت عزت رسیدم کلام الله بی واسطه شنیدم ودیدار بیچون رب
حکیم حق تعالی مشاهده کردم چنانکه میبایست چون از مناجات فارغ شدم از حضرت
عزت ندا آمد که یا محمد از عجایبها که دیدی ترا کدام خوشتر آمد گفتم الهی قدح نور
که از همه چیزها آن قدح خوشتر نمود حق تعالی فرمود که فضل وقدر آن بسیار است
وآن دعا [illegible] نوشته ام یا محمد اگر قدر آن قدح [illegible] ماهیان دریا [illegible]

یاد گشتم از حضرت [illegible] جبرئیل علیه السلام گفت که یا محمد آن قدح از نور پاک خداست
وتعبیر از خدای تعالی اول وآخر آن قدح که نداند خدای تعالی [illegible] است که هر
سی هزار سال [illegible] من سی هزار بار دیدم آن کران ستاره بر آسمان است واگر
سی هزار بار دیگر بینم همچنین قصه آن قدح نگفته باشم یا حبیب خدا تو بسیار کن ملکه
از حضرت دستوری خواهم وبیایم وشرح آن قدح با تو بگویم رسول فرمود که بیامدم ومنتظر
بودم تا روز جبرئیل عم بیامد وگفت یا محمد بشارت باد که دعاء قدح آورده ام [illegible]
آسمان وزمین [illegible] پیغمبر ونبی وولی دیگر نیاورده ام اگر جمله جن وانس ووحش وطیور ومخلوقات
تسبیح کنند شرح این دعاء قدح از هزار یکی نتوانند نوشت وهر که باین دعا
شک آورد کافر گردد یا محمد اگر این دعا بر آهن خوانند موم شود واگر بر آب خوانند
بجوش آید واگر بر آتش خوانند سرد شود واگر بر بیمار خوانند بعزت دعاء قدح شفا
یابد واگر بر پاره خاک بخوانند چون مرده را در قبر نهند آن خاک را بر وی افشانند
خدای تعالی ملائکه فرمان دهد که او را بشارت نیکو بخوانند وتا قیامت عذاب وی
نباشد قبر وی گور روشن پر نور باشد رسول صلعم فرمود که هر که خواند این دعا چون
از گور بیرون آید دوازده هزار فرشته بر سر گور استاده باشند وهر فرشته را
طبقی از نور وحله از کافور وجامی از شراب طهور ودر دست جام [illegible]
دهند تا بیاشامد ونور نثار کنند وحله در وی پوشانند [illegible] هر کجا [illegible]
فرمود که یا محمد این قدح در میان آسمان معلق بود از زمانی که [illegible] شود آدم

در بهشت

در بهشت بیرون آمد ودویست سال گرد عالم میگشت ومیگریست وربنا ظلمنا
میگفت هیچ سودی نداشت از حضرت عزت بجبرئیل ندا آمد که با آدم بگوی که اگر
دویست سال دیگر ربنا ظلمنا گوئی هیچ فایده ندهد تا دعاء قدح بما شفیع آوری
آدم گفت الهی بحرمت نور ودعاء قدح توبه من قبول کن هنوز تمام نگفته
بود که توبه آدم قبول شد ونوح نبی دعاء قدح شفیع آورد از طوفان خلاص شد
وآتش بر ابراهیم گل وریحان شد ببرکت این دعاء قدح یعقوب را ببرکت این
نور چشم عطا شد ویوسف ببرکت این دعا از چاه بیرون آمد وابراهیم خلیل
الله را آتش بعینه گلستان شد ببرکت دعاء قدح یا محمد هیچ یک از ایشان بزرگوار
تر نه حق تعالی دعاء قدح بتو [illegible] که زنهار که [illegible] وکاهل نباشی
تا مومنان [illegible] آگاه کنند ورسول صلعم فرمود که هر کس که این دعا [illegible]
زعفران وگلاب ونبات کوفته بر کاسه چینی بنویسد ودر وی شوید ودر شیشه کند وسر
بر بندد تا هر که را درد سر ودرد شقیقه بود [illegible] از آن آب بر آنجا مالد شفا یابد بفضل رب
خدای تعالی واگر در گوش چکانند شنوا گردد واگر پادشاه [illegible]
[illegible] واگر صورت [illegible] بر کاغذ بنویسد وبشوید
ودرد شکم [illegible] شفا یابد واگر کسی را فرزند نشود این دعا را بنویسد
خود دهد وگوید خدایا بحرمت این دعا مرا فرزندی صالح کرامت فرما حق تعالی
او را فرزند صالح بدهد واگر زمین [illegible] این دعا [illegible] خاک

پاک خواند و بر آن زمین افشانند آفت بگردد و اگر چهار پایان را آفتی رسیده باشد
این دعا را بر آب خوانند و بر ایشان افشانند آفت زائل شود و اگر کسی را نعوذ بالله
بیم کشتن باشد این دعا بخواند و اگر نتواند خواند پیش خود نهد و بگوید که خدایا
بحرمت این دعاء قدح که مرا خلاص ده اما بی وضو نشاید که این دعا با خود دارد
که بیم آن بود که آتش بگیرد و گناه عظیم باشد و اگر از شهر و ولایت و ملک [illegible]
ترسد این دعا بخواند و با خود دارد هیچ زیان بوی نتوان رسانید و اگر زن و
شوهر را خصومت باشد این دعا بخواند و با خود دارد میانشان سازگاری پدید آید و اگر
در شهری یا در ولایتی بلای عظیم روی نماید و خلق درمانده باشند این دعا به حضرت
عزت شفیع آورد و بگوید که الهی بحرمت این دعاء قدح که این آفت از امت محمد
دور کن البته بلا و آفت مبدل گردد با محمد هر که این دعاء قدح بحرمت و عنایت نهد
و حضرت عزت دارد این دعا و فرمایند این دعا را خواننده و نویسنده این اعتقاد
کند و هر که این دعاء قدح را ورد خود سازد و با اعتقاد پاک خواند کار دنیا و آخرت
با صلاح آید ان شاء الله تعالی بحق العرش **دعاء قدح بزرگوار اینست** بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله المبتدی رب الآخرة والأولى لا غاية له ولا منتهى له في الأرض
ولا في السموات العلى الرحمن على العرش استوى له ما في السموات وما في
الأرض وما بينهما وما تحت الثرى وان تجهر بالقول فانه يعلم السر وأخفى
الله لا إله إلا هو له الأسماء الحسنى وهل أتاك حديث موسى الكليم
العظيم

العظيم الدائم النعماء القاهر على الأعداء الرحمن عالطف على خلقه برزقه
معروف بلطفه عادل في حكمه عالم بملكه الرحمن الرحيم الرحماء عليم العلماء
بصير البصراء غفور الغفراء حكيم الحكماء صاحب الأنبياء سبحانه الذي هو على
ما يشاء سبحان الله الملك القديم الحميد ذو العرش المجيد فعال لما يريد رب
الأرباب ومسبب الأسباب وسابق الأسباق ورازق الأرزاق وخالق الأخلاق
وقادر المقدور وقاهر المقهور وعادل يوم الواقعة والنشور جامع الناس ليوم لا ريب فيه
القيمة رحيم غفور حليم شكور والحمد لله رب العالمين الملك القديم الرحيم الأول
خالق العرش العظيم والسموات والأرضين وهو السميع العليم قابل التوب
شكور حليم والحمد لله العظيم هو الأول والآخر والظاهر والباطن وهو بكل
شيء عليم الفاتح التام الرازق البهائم صاحب العطايا ومانع البلايا ودافع النقم
ويغفر الخاطئين ويعفوا عن الهاربين ويحب الصالحين ويبرئ النادمين
ويبشر المذنبين ويؤمن الخائفين ويهلك الظالمين سبحانك لا إله إلا
أنت الكريم المعبود غافر الخطايا وستار العيوب شكور عليم عالم في الحدود و
سبب الزروع والأشجار ومدبر الليل والنهار فالق الحبوب غني عن الخلق
قسيم الأرزاق علام الغيوب مذهب الهموم إلهي أنت الذي يحمد لك السماء
والأرض والبر والبحر ومن فيهن إلهي أنت الذي ليس كمثله شيء وأنت على كل
شيء قدير وأنت على ذلك مشهور إلهي أنت الذي يعلم السر والعلانية وما

في القلوب إلهي أنت الذي كل شيء خلقته يتضرع إليك بالذنوب إلى يوم النشور
إلهي اغفر لي خطيئتي يا رب واقض حاجتي كما قلت ادعوني أستجب لكم وأنت
بوعدك الصادق مصدق نجني من الكرب والغم والهم أنت غياث كل
مكروب ومظلوم ومكروب إلهي أنت الذي قلت لا تقنطوا من رحمتي وأنت
بقولك صادق لست بمكذوب احفظني يا مولاي من آفات الدنيا والآخرة
ولا تفضحني يا سيدي على رؤوس الخلائق خاصة في يوم الموعود الله أكبر الله
أكبر الله أكبر لا ضد له ولا ند له ولا شبه له ولا كفو له ولا حد له ولا أحد
له ولا مثل له ولا شريك له في الملك ولا وزير له فأسئلك يا عزيز يا عزيز يا
عزيز يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم أن تبلغني
في منامي ما رجوت منك وأكرمني بغفران خطيئتي إنك على كل شيء قدير
وارزقني حفظ العلم والقرآن وتخالطنا بدمي ولحمي ولا تكلني إلى نفسي طرفة
عين إنك على ما تشاء قدير ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم اللهم
يا حنان يا منان يا ذا الجلال والإكرام أشهد أن كل معبود من دون عرشك
إلى منتهى قرار الأرضين السابعة باطل غير وجهك الكريم آمنت بك لا إله
إلا أنت ورضيت بك ربا يا غياث المستغيثين أغثني وفرج عني كل هم
ومكروه في الدنيا والآخرة واصرف عني شر جميع خلقك وارزقني ووسع
علي رزقي وأغنني لا إله إلا أنت اللهم أغنني بحلالك عن حرامك و
بطاعتك

بطاعتك عن معصيتك وبفضلك عمن سواك اللهم خلقتني ولم أك شيئا
وظلمت نفسي وارتكبت المعاصي وأنا معترف لك بذنوبي يا رب إن غفرتني
فلا ينقص من ملكك شيء وإن عذبتني فلا يزيد في سلطانك شيء يا رب
إنك تجد من تعذبه غيري وأنا لا أجد من يغفر ذنوبي ولا يغفر الذنوب إلا أنت
يا غفور يا غفور يا غفور يا رحيم يا ذا الجلال والإكرام ويا أرحم الراحمين و
صلى الله على خير خلقه محمد وآله أجمعين الطيبين الطاهرين وسلم تسليما
كثيرا كثيرا برحمتك يا أرحم الراحمين **شرح بازوبند حضرت امام حسن و امام حسین**
از حضرت محمد مصطفی ص روایت میکنند که روزی در مسجد نشسته بود که حضرت
امیر المؤمنین علی ع آمد و مکدر بود حضرت پیغمبر پرسید شما را چیست یا ابو الحسن
فرمود که امام حسن و امام حسین را تب گرفته است حضرت رسول ص فرمود که
بنویس این دعا را و بر بازوی ایشان بند حضرت علی این دعا را نوشت و
بر بازوی ایشان بست تب از ایشان دور شد شاه مردان نزد پیغمبر آمد
و گفت یا رسول الله از شما معجزی دیدم که هرگز ندیده بودم گفت که چه دیدی
گفت که بعد این دعا را بر بازوی ایشان بستم شخصی را دیدم غایب زشت
و مرا گفت یا علی مرا بدین دعا چرا یاد کنی گفتم تو کیستی گفت مرا ام ملدم نام است هر کجا
این دعا باشد من آنجا نتوانم بودن این بگفت و ناپدید شد حضرت رسول فرمود
که یا علی اگر ثواب این دعا را گویم چنانکه حضرت جبرئیل ع بمن گفت نتوانم

که خلق از نماز و روزه دست باز دارند و روی بدین دعا آورند و اگر نگویم خاردار شده
باشیم باری شمه بگویم یا علی استماع کن هر که این دعا را با خود دارد اول چشم بد بر وی
کار نکند و بلای چشم و غیره از وی دفع شود حضرت رسول صلی الله علیه و آله
وسلم فرمود که عزیز نام کافری بود چشم بد داشت چنانکه هر کجا که چشم انداختی
انجا آتش کافتی و اگر بر کوه نظر کردی لرزه بر کوه افتادی و هر چیز که چشم
انداختی هلاک کردی روزی کافران مکه در پیش وی آمدند و گفتند که اگر تو
محمد را بچشم رسانی که او هلاک شود ترا هزار من زر سرخ بدهیم یا هفصد من را
بیامد یا هفصد من را موقوف کردند که او هلاک شود بدین سخنان لعین بیامد
و حضرت در مسجد نشسته بود که آن دور آمد و گفت یا محمد در چشم من نگر
که بغایت خوب روی نمائی در حال پیغمبر را تب گرفت و لرزه بر اندام مبارکش
افتاد و چون تب غالب شد هیچ چاره نیافت در پناه حق تعالی گریخت در حال
جبرئیل علیه السلام بیامد و گفت یا محمد حق تعالی سلام میرساند و میگوید از شر
این لعین خلاص شدی حق تعالی عنایت فرمود این دعا را بخط سبز نوشته
بیاورد حضرت پیغمبر این دعا را تعلیق آورد در حال هر دو چشمش بیرون افتاد
و نابینا شد بفرمان خدای عز و جل پیغمبر فرمود هر که این دعا را با خود دارد
از زبان دشمنان و عوانان و ظالمان و حاکمان و حاسدان و بدخواهان
ایمن گردد زبان بدگویان بسته شود و بهیچ دردی گرفتار نشود

هر که این دعا را با خود دارد از شر دیوان و پریان ایمن باشد و در چشم خلق شیرین باشد و گر
دشمنی باشد دوست گردد یا علی اگر کسی را فرزند نشود این دعا را با خود دارد خدای تعالی
فرزند صالح و مقبول روزی او کند و اگر زحمتی داشته باشد یا درد سر یا درد دندان یا
درد دهان یا درد شکم یا درد ناف یا درد پستان یا درد پهلو یا درد زانو یا درد پای
یا باد سرخ یا باد زرد یا باد سفید یا باد کبود یا باد خام هر بادی و زحمتی که باشد این دعا را
سه روز در آب اندازد تا هفت روز از آن آب بخورد از هر بلا ایمن گردد یا علی
این دعا را ده هزار خاصیت است هر مهمی که افتد این دعا را تعلیق آورند از آن مهم
کفایت شود و اگر اسپ را بیماری باشد این دعا را بدست و پای آن اسب
بندند شفا یابد و اگر در سفر و حضر با خود دارد از زخم شمشیر و کارد و تیر و باران در امان
حق تعالی باشد یا علی این دعا را هر کس ببیند که قدر این دعا اندانستند یا علی هر که
این دعا را با خود دارد هر چند گناه عظیم داشته باشد خدای تعالی گناه او را
بیامرزد روی او چون ماه شب چهارده باشد و خلق عرصات گویند که این کدام
پیغمبر است رضوان گوید که پیغمبر نیست امتی از امتان محمد است که این دعا را
با خود داشته است و اگر جمله دریاها مداد کرده و درختان عالم قلم شود و همه
آدمیان و پریان نویسندگی کنند ثواب این دعا را نتوانند نوشت یا علی اگر ضعیفه را
حمل دشوار باشد این دعا را بر شکم او بندند خلاص یابد و خاصیت این دعا
بسیار است اما مختصر کردیم تا خوانندگان و نویسندگان را ملال نگیرد والله اعلم

دعای چشم زخم بسم الله الرحمن الرحیم انا حسن وانا حسین
اللهم یا ذا العرش الکریم والملک القدیم والعطاء العمیم والفضل العظیم والصراط
المستقیم یا مرسل الریاح ویا فالق الاصباح ویا باعث الارواح ویا ذا الجود
والسماح یا الله یا رحمن یا رحیم یا احد یا صمد یا فرد یا وتر یا دائم یا قائم یا حی
یا قیوم یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام رب ارحم ذلی وفقری
وفاقتی وانفرادی وخضوعی بین یدیک واعتمادی علیک وتضرعی الیک
رب سهل علی کل عسیر وامنع عنی شر کل ظالم وحاسد وآفة وعاهة ومرض
وسقم وشدة وبلاء ... وکل علیه ... یا سبوح یا قدوس یا رب الملائکة
والروح یا عزیز یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین دعای درد سر و
درد چشم و گوش و گردن و ترس و بیم باید با خود داشت دعا این است بسم الله الرحمن
الرحیم لا اله الا هو الحی القیوم بسم الله وبالله وان شاء الله وننزل
من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا
شرح دعای کلاه نقلست که این کلاه را بر سر نابینا نهادند در حال بینا شد و بر سر
لنگ نهادند پایش درست شد و بر سر کر نهادند در حال گویا شد و بر سر بیمار
نهادند شفا یافت پس رسول فرمود تا نامه نوشتند نزد پادشاه یمن چون نامه
بپادشاه یمن رسید در حال نامه را بوسید و آن کلاه را در حقه نهاد و مهر کرد
و جواب نامه به پیش رسول فرستاد که یا رسول الله خدای تعالی این کلاه را چهار هزار

سال است که میراث بمن رسیده است از آبا و اجداد و این کلاه علما را در امانت
و خلق را از این کلاه بسیار فائده است پس رسول فرمود تا همه کوران و کران و
مفلوکان ... را حاضر کردند و آن کلاه را بر سر ایشان نهادند در حال شفا یافتند
بفرمان حضرت عزت پس پیغمبر خدای فرمود تا آن کلاه را شکافتند در میان آن کلاه
این دعا را یافتند که ذکر کرده شد رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که خدای
کرم را از آسمان بخلقان فرستاده است که هر که این دعا را بنیت پاک بر این خواند
... شود و اگر گرسنه خواند طعام یابد و اگر تشنه خواند آب یابد و هر حاجتی که
که خواند حاجت او روا شود و اگر گمراه خواند راه یابد و در نزد این دعا از پادشاهان
و امرا و خلایق روی نهان عزیز و مکرم و شیرین باشد و هر چه بگوید مقبول افتد و اگر
از برای دشمن خواند مقبول گردد و در جنگ تیر و شمشیر بروی کار نکند والله اعلم
دعای مبارک بسم الله الرحمن الرحیم کلاه این است
بسم الله الملک الحق المبین شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا
العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم الله نور وحکمة وحول وقوة و
سلطان وهیبة وبرهان وقدرة یا من لا ینام ولا یموت لا اله الا الله آدم
صفی الله لا اله الا الله نوح نجی الله لا اله الا الله ابراهیم خلیل الله لا اله
الا الله عیسی روح الله لا اله الا الله موسی کلیم الله لا اله الا الله محمد رسول
الله لا اله الا الله علی ولی الله اسکن یا ساکن ما فی الارض وهو العلیم العظیم

اسکن سکنات الریح فیظللن رواکد علی ظهره ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکور
سبحان الواحد الاحد الصمد الذی رفع السموات بغیر عمد منفرد عن صاحبة
ولا ولد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد ایاک نعبد وایاک نستعین
لا یاتی بالخیر الا الله سبحان کل نعمة من الله سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم سبحان لا خالق
غیر الله سبحان لا رازق الا الله ولا یغفر الذنوب الا الله ولا قاضی الحاجات
الا الله وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین شرح دعاء باز و بند

روایت کند از حضرت رسالت پناه که وصیت کرد امیر المؤمنین علی علیه الصلوة
والسلام گفت یا علی میباید که پیوسته این دعا را بخوانی و با خود داری تا ایمن باشی
از جمله بلاها یا علی اگر کسی بجنگ لشکری رود و با پیش خصمی رود یا عزم سفری کند
چون این دعا بخواند و با خود دارد ایمن باشد از زخم تیر و سنان و گرز و شمشیر
و خطا شدن از اسب و آتش و غرق و صاعقه یا علی اگر جمله عالم دشمن شوند با
دارنده این دعا هیچ بدی نتوانند کرد و از غرق شدن در آب و دزدان و مار و کژدم ایمن باشد
کار نکند یا علی اگر زن را فرزند نباشد این دعا را در موم کیرد اول ماه روز پنجشنبه
مرد و زن هر هفت این روزه دارند و این دعا را در طشت آب بشویند و روزه گشایند
البته فرزند شود یا علی اگر کسی را بخت بسته باشد این دعا بخواند و با خود دارد
کار و بخت او گشاده گردد یا علی اگر این را بنام دشمن با خود دارد آن دشمن بیمار

ابنده

اینده غالب نیابد و اگر این دعا را در میان بازوبند نهند تا از بلا و آفات بمنزل رسد و اگر بر صرع
بندند به شود یا علی اگر این دعا را بر رخش بندند کری باز بود باز رود و اگر بر سر علی
بندند در آن لشکر که باشد مظفر باشد یا علی این دعا را هفتاد و دو خاصیت
است و دارنده این دعا را هفتاد و دو بلا بگردد از شر شیطان و شر سلطان
خوانند و ملایکه و زمین و آسمان و دیوان و پریان و جادوان و ساحران و جنیان و کبید
و بلای ناگهان و از شر دیوان و پریان و جادوان و ساحران و غمازان و کبید
کا بلاد و سحر ساحران و مکر مکاران و از بیماریها و از سرخ باد و چشم زخم و درد خم
مار و کژدم و از شیر و پلنگ و گرگ و سگ دیوانه و از جمله علتها و دردهای صعب
چون قولنج و درد قوه و یرقان و عبا سپر و از درد سر و چشم و گوش و حلقوم و سینه
و درد هفت اندام در امان باشد یا علی اگر اسپ را علتی بود چون این دعا را
بنویسد و بر و بندند به شود یا علی اگر کسی را کاری عظیم پیش آید درشب آدینه
دو رکعت نماز بگزارد و این دعا را در پیش بخواند گاه هند نکوید بحرمت این که
حاجت این بنده را بر آور بیشک مرادش بر آید و هر کس در بن دعا شک آورد کافر
گردد و شرح این دعا بسیار است اما مختصر کردیم دعاء باز و بند امیر المؤمنین

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم یا صانع کل مصنوع ویا جابر کل مکسور ویا حاضر کل خلایق
ویا مودنس کل فقیر ویا صاحب کل غریب ویا شافی کل مریض ویا رازق
کل مرزوق ویا خالق کل خلایق ویا حافظ کل محفوظ ویا فاتح کل مفتوح



ويا قادر كل مقدور ويا مالك كل مملوك ويا شاهد كل مشهود ويا كاشف
كل كربة اجعل لي من امري فرجا ومخرجا واقذف في قلبي ان لا ارجو احدا
سواك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم يا دائم الابد الابد المحصى بلا عدد
القوي بلا مدد العزيز بلا ولد المنجز بما وعد وهو السيد السند الواحد
الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد اللهم احفظ صاحب
هذا الدعاء من جميع البلاء والعلل والمرض والغرض ومن شر الجن و
الانس ومن شر العين اللامة ومن شر ريح الحمراء والسوداء ومن شر
الاعداء ومن شر ما خلق بين الارض والسماء بحق هذه الاسماء المعظم
وبحق خاتم سليمان بن داود عليهما السلام وبحق يا مخنشا يا تمخنشا
يا موسطيشا يا كهيج يا كهكهيج يا رباه يا سيداه يا سنداه يا مولاه يا غاية
رغبتاه يا الله يا الله يا الله يا غياث المستغيثين يا دليل المتحيرين يا
امان الخائفين يا مجيب الدعوات يا قاضي الحاجات استجب دعائي
بحق آدم صفي الله وبحق نوح نجي الله وبحق ابراهيم خليل الله وبحق
موسى كليم الله وبحق عيسى روح الله وبحق محمد رسول الله وبحق
جبرئيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل وحملة العرش والكروبين
والروحانين وبحق السفرة والبررة وكرام الكاتبين وبحق التورية و
الانجيل والزبور والفرقان وبحق انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن
الرحيم

الرحيم الا تعلوا علي وأتوني مسلمين اجيبوني يا الله اطيعوني يا رحمن يا رحيم يا
كريم اللهم يا ولي الولاء ويا كاشف الضر والبلاء والقضاء ما لا نزول له
وانو يا دائر برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على سيدنا ونبينا محمد وآله
اجمعين **شرح هفت آيه قرآن مجيد** روايت ميكند با اسناد درست از پيغمبر كه فرمود
كه در قرآن مجيد هفت آيه است كه اگر هر روز كسي يك بار بخواند و با خود دارد
اگر خلايق هفت آسمان و زمين با وي دشمن شوند هيچ مضرت بوي نتوانند
رسانيد از غفلت اين هفت آيه وحق سبحانه وتعالى او را محفوظ ماردار از جميع
بلاها از بركت اين آيات كريمه **هفت آيه است** بسم الله الرحمن الرحيم
ومن يعتصم بالله فقد هدي الى صراط مستقيم قل لن يصيبنا الا ما
كتب الله لنا هو مولنا وعلى الله فليتوكل المؤمنون وان يمسسك
الله بضر فلا كاشف له الا هو وان يردك بخير فلا راد لفضله
يصيب به من يشاء من عباده وهو الغفور الرحيم وما من دابة في الارض
الا على الله رزقها ويعلم مستقرها ومستودعها كل في كتاب مبين اني
توكلت على الله ربي وربكم ما من دابة الا هو آخذ بناصيتها ان ربي
على صراط مستقيم وكاين من دابة لا تحمل رزقها الله يرزقها واياكم و
هو السميع العليم ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك
فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم ولئن سألتهم من خلق السموات

هن

والارض ليقولن الله قل افرايتم ما تدعون من دون الله ان ارادني الله بضر هل
هن كاشفات ضره او ارادني برحمة هل هن ممسكات رحمته قل حسبي الله عليه يتوكل
المتوكلون این دعا را باید خواند از برای فتح و نصرت و گشایش کارها و افزونی
مال که بسیار جمع شود و بسیار آزموده است دعا اینست بسم الله الرحمن الرحيم
قل ان الفضل بيد الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم فاستبشروا
ببيعكم الذي بايعتم به وذلك هو الفوز العظيم يا ربنا يا الهنا كل يعو...
خاضعا رغبة ورهبة يا الله يا الله يا الله ولقد مكناكم في الارض وجعلنا
لكم فيها معايش قليلا ما تشكرون ومن لستم له برازقين برحمتك يا ارحم
الراحمين **نماز مهمت** وان دو رکعت است در رکعت اول بعد از فاتحه
آیة الکرسی یک نوبت بخواند و در رکعت دویم بعد از فاتحه انا انزلناه ده نوبت بخواند
و چون سلام دهد بگوید که اللهم صل على محمد وآل محمد وابعث ثواب
هاتين الركعتين الى قبر فلان یعنی نام میت ببرد و این تسبیح را در رکوع و سجود
در نماز مهمت بگوید که سبحان من تعزز بالعزة والقدرة والبهاء
سبحان من قهر عباده بالموت والفناء دعائی که بعد از هر نمازی باید خواند
که ثواب عظیمی دارد دعا اینست الهی قلبي محجوب ونفسي معيوب وعقلي
مغلوب وهوائي غالب وطاعتي قليل ومعصيتي كثير ولساني مقر بالذنوب
فكيف حيلتي يا ستار العيوب يا غفار الذنوب اغفر لي ذنوبي كلها جميعا

يا غفار

يا غفار يا غفار يا غفار برحمتك يا ارحم الراحمين روایت کرده محمد بن یعقوب
کلینی در کتاب کافی از علی بن موسی الرضا علیه السلام که هر که این دعا را در وقت خواب بخواند
ایمن باشد از فرود آمدن خانه و دیوار بر سر او و دعا اینست ان الله يمسك
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده
انه كان حليما غفورا و نیز روایت میکند از صادق علیه السلام که هر که در وقت فراش
این دعا بخواند ایمن باشد از احتلام دعا اینست اللهم اني اعوذ بك من
الاحتلام ومن ان يتلاعب بي الشيطان في اليقظة والمنام **دعا [illegible] چشم است**
بسم الله الرحمن الرحيم فكشفنا عنك غطاءك فبصرك
اليوم حديد يا شافي يا كافي يا معافي وننزل من القرآن ما هو شفاء و
رحمة للمؤمنين والحمد لله رب العالمين برحمتك يا ارحم الراحمين
آیة الکرسی بزرگوار بسم الله الرحمن الرحيم
الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في
السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين
ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه
السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم لا اكراه في الدين
قد تبين الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك
بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم الله ولي الذين آمنوا يخرجهم

من الظلمات الى النور والذين كفروا اولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور الى
الظلمات اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون دعاء حجب عزت انس ابت
بسم الله الرحمن الرحيم لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص
عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت
وهو رب العرش العظيم ناد علی ابنت بسم الله الرحمن الرحيم
ناد عليا مظهر العجائب تجده عونا لك في النوائب كل هم وغم سينجلي
بولايتك يا علي يا علي يا علي شرح دعاء سوسن محبت روايت كه خليفه بغداد را
جميل يك كنيزك بود ودر ميان ايشان كنيزى بود سوسن نام داشت ودر غايت
كراهت اما پادشاه چنيدان مايل جمال او بود كه اكر يك ساعت اورا نديدى بيم
جان داشتى بود غايت سوسن ازو نادر كذشت چون اورا بغسال خانه بردند
غسال بيامد كه رخت اورا بيرون كند اين دعا در سوسن بود اورا برداشت خود
بست اما پادشاه تاب مهاجرت سوسن نبود بر در غسال خانه امد كه سوسن را
يك بار ديكر ببيند چون چشمش بر غسال افتاد يك دل نه صد دل عاشق جمال او شد
اورا بخانه برد وان بركت اين دعا بود و شرح وخواص اين دعاء سوسن بسيار است اما
مختصر كرديم دعا اينست بسم الله الرحمن الرحيم
زين للناس حب الشهوات من النساء والبنين والقناطير المقنطرة من
الذهب والفضة والخيل المسومة والانعام والحرث ذلك متاع الحيوة الدنيا
والله

والله عنده حسن المآب حجبه زبان بند اعدا بر پوست آهو بنويسد كه مجرب است
بسم الله الرحمن الرحيم يا ودود يا ودود يا ودود يا ذا العرش المجيد فعال لما يريد
بنور وجهك الذي ملأ اركان عرشك وبقدرتك التي وسعت كل شيء هو
في علمك يا معين يا الله يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم
يا رحيم بفضلك يا حي يا قيوم يا حنان يا منان يا برهان يا سبحان يا سلطان
يا احد يا صمد يا فرد من عندك ملاذ من جانب بحق محمد واله اجمعين برحمتك
يا ارحم الراحمين واكر بر دكان نابرد بسيار او زود خير وبركت بسيار بظهور ايد
وابواب رزق برو كشاده كردد واكر كسى معطل باشد ازرا با خود دارد اورا كار
پيدا شود واكر خواستكارى زنى كند وازرا با خود دارد مطلوب باسانى ميسر شود
اين ايتست قوله تعالى افغير دين الله يبغون وله اسلم من في السموات و
الارض طوعا وكرها واليه يرجعون قل امنا بالله وما انزل علينا وما انزل
على ابراهيم واسمعيل واسحاق ويعقوب والاسباط وما اوتي موسى وعيسى
والنبيون من ربهم لا نفرق بين احد منهم ونحن له مسلمون ومن يبتغ
غير الاسلام دينا فلن يقبل منه وهو في الاخرة من الخاسرين خاصيت اين ايه
انست كه كسى كه اسباب داشته باشد وفروختن نتواند اين ايه بنويسد ودر ميان
متاع كذارد كه حق تعالى خريدارى ازغيب ميسر سازد كه ان اسباب را بخرد ببركت اين دعا
فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به وذلك هو الفوز العظيم سهل بفضلك

یا عمر بن دعاء زبان بند خلقان بسم الله الرحمن الرحیم هذا یوم لا ینطقون
ولا یؤذن لهم فیعتذرون صم بکم عمی فهم لا یرجعون صم بکم عمی
فهم لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یعقلون صم بکم عمی فهم لا یتکلمون
الا من اذن له الرحمن وقال صوابا عقدت اللسان صاحب الهیکل
بحق کهیعص حمعسق برحمتک یا ارحم الراحمین دعاء دفع طاعون و وبا این است
بسم الله الرحمن الرحیم سبحان من تعالی فی علوه و هو دان سبحان من علی
کل شیء سلطانه وقهر کل شیء جبروته سبحان لا اله غیره ولا عز لاحد
سواه سبحان الله عدد ما خلق و هو خالق سبحان من لم یتخذ صاحبة
ولا ولدا الهی اعصنا و سمائنا ادفع عنا شر اعدائنا و شر الطاعون
والوباء و شر ما نکره و نخلصه برحمتک یا ارحم الراحمین روایت است از حضرت
رسول صلعم که فرمود که هر کسی را دشمن باشد یا از سبب مرض در مانده باشد این دعا را
صد بار آهسته بخواند بر وی خصم مدبر وی غالب شود و اگر بتواند چون
بنویسد بر بازوی راست بندد بر وی غالب آید دعا این است وتمت کلمة ربک
صدقا وعدلا لا مبدل لکلماته وهو السمیع العلیم خاصیت این آیه آن است که
اگر کسی ساعت این را بنویسد یعنی در ساعت خوب و آن آیه را در بازو بندد
و بهترش آن است روده دود تیر انداختن که با او برابری و مقاومت نکنند و نتوانند کرد
و آیه این است وما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی ولیبلی المؤمنین منه

بلاء حسنا

او را

بلاء حسنا شرح دعاء فتح دولت اگر کسی خواهد که حضرت حق سبحانه و تعالی
از غیب دولتی و جمعیتی کرامت فرماید این دعا را در وجود رسانند و ملازمت
نماید که جمعیت بسیار بهم رسانند و اگر خواهد که در کار بسته او کشایش پیدا شود
این دعا را بنویسد و در اندرون خانه بیاویزد که دولت بسیار روی نماید و اگر
با خود دارد جمعیت بسیار بهم رسد و اگر کسی بر نیت جمعیت حاجت و در نصف شب
دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی بعد الحمد پنجاه بار نصر من الله و فتح
قریب و بشر المؤمنین یا محمد یا علی خیر البشر بخواند انگاه سر بسجود نهد و
این دعا را بشفیع او رود حضرت حق سبحانه و تعالی او را جمعیت بسیار کرامت
فرماید و اگر کسی این دعا را بنویسد و در آب بشوید و در حمام رود و در بنا آب
کرم این آب را بطن خود ریزد که جمعیت بی اندازه بهم رسانند و شرح این دعا بسیار
است ما بقدر اختصار کردیم دعاء فتح مهمات بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسألک یا رب الفتح والفرج یا رب الفتح والفرج سهل
الفتح والفرج یا مفتاح الفتح والفرج یا مفتاح الفتح والفرج یا فاتح
الفتح والفرج یا فاتح الفتح والفرج یا صانع الفتح والفرج یا صمد الفتح
والفرج یا غافر الفتح والفرج یا خالق الفتح والفرج یا صابر الفتح والفرج
برحمتک یا ارحم الراحمین فصل رابع عشر جهة فتح مهمات و کشایش کار ها
باید که این دعا را بنویسد و در میان نقره کذارد و اگر نقره نباشد در کاغذ روی بنویسد



ودر موم کرده و با خود دارد سر هفته بر بالد که خدای تعالی او را توانگر گرداند و فتح نداند

کر برکت از کتابی الله و چندان برکت و جمعیت روی دهد که حصر عدد آن نداند عا

ابتدا بسم الله الرحمن الرحیم یا الله الرئوف الرئوف الرحمن الرحیم

یا الله الحی القیوم یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب افتح علی صاحب

کتابی هذا العبد ابواب فضلک و ابواب رحمتک و ابواب رزقک و

ابواب کرامتک و ابواب نعمتک و ابواب سعادتک و ابواب سلامتک و

ابواب عظمتک و ابواب رفعتک و ابواب برکاتک و ابواب منتک و

ابواب احسانک و ابواب قناعتک و ابواب الغناء و ابواب الجنة اللهم

تکفل [illegible] من کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و ما

افضل من اعطی وما خیر من ادعی اللهم انی اسئلک بمحمد و آله و بجمیع

المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات برحمتک یا ارحم الراحمین

منقول از حضرت امیر المؤمنین علیه که هر که این هفت آیه را در روز نوروز بر کا
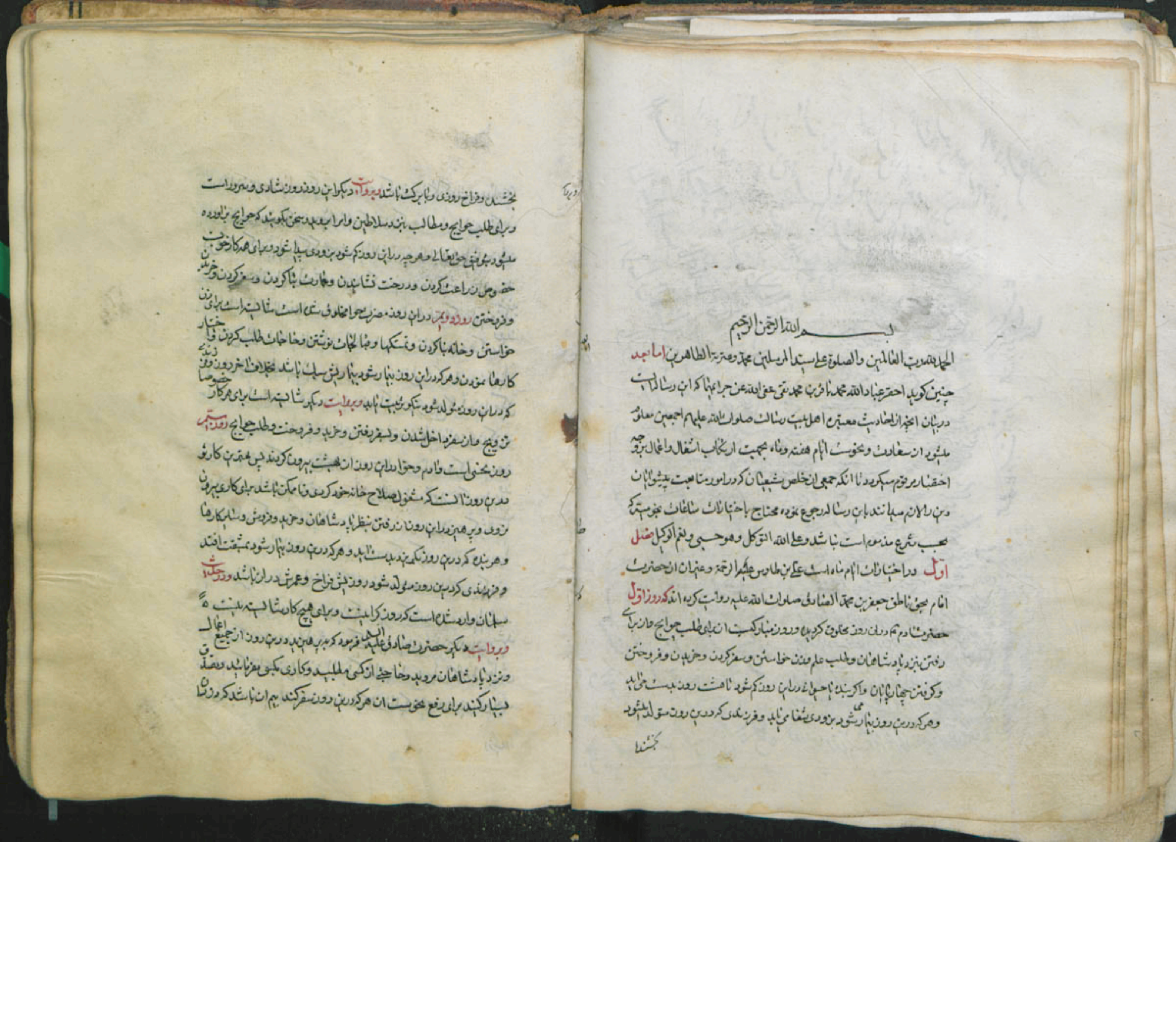
چینی بمشک و زعفران بنویسد و بگلاب بشوید هر که آن آب بخورد تا سال دیگر

هیچ المی و دردی بوی نرسد [illegible] الم و عیب و کاری نکند بعزت حق تعالی

و هو هذه الآیات بسم الله الرحمن الرحیم سلام علی نوح فی العالمین سلام قولا من رب

رحیم سلام علی ابراهیم سلام علی موسی و هرون سلام علی الیاسین سلام

علیکم طبتم فادخلوها خالدین سلام هی حتی مطلع الفجر



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی سید المرسلین محمد وعترته الطاهرین اما بعد
چنین گوید احقر عباد الله محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما که این رساله ایست
در بیان اخبار احادیث معتبره اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم اجمعین معلوم
میشود از سعادت و نحوست ایام هفته و ماه بجهت ارتکاب اشغال و اعمال بر وجه
اختصار مرقوم میگردد تا آنکه جمعی از خلص شیعیان که در امور متابعت پیشوایان
دین را لازم میدانند باین رساله رجوع نموده محتاج باختیارات ساعات نجومیه که
بحسب شرع مذموم است نباشد و علی الله التوکل وهو حسبی ونعم الوکیل فصل
اول در اختیارات ایام ماه است علی بن طاوس علیه الرحمة و غیره از حضرت
امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق صلوات الله علیه روایت کرده اند که روز اول
حضرت آدم هم در این روز مخلوق گردید و روزیست مبارک از برای طلب حوائج
رفتن بنزد پادشاهان و طلب علم و زن خواستن و سفر کردن و خریدن و فروختن
و کرفتن چهارپایان و اگر بنده ای احوال در این روز گم شود تا هشت روز بدست می آید
و هر که در این روز بیمار شود بزودی شفا می یابد و فرزندی که در این روز متولد شود

بخشد

بخشد و فراخ روزی و با برکت باشد و بروایتی دیگر این روز روز شادی و سرور است
و برای طلب حوائج و مطالب بنزد سلاطین و امرا [illegible] بگویند که حوائج برآورده
میشود بتوفیق حق تعالی و هرچه در این روز گم شود بزودی پیدا شود و برای همه کار خوب
خصوص زراعت کردن و درخت نشانیدن و عمارت بنا کردن و سفر کردن و خریدن
و فروختن روز دوم در این روز حضرت حوا مخلوق شده است شایسته است برای زن
خواستن و خانه بنا کردن و نسخه ها و قبالجات نوشتن و حاجات طلب کردن و اختیار
کارها نمودن و هر که در این روز بیمار شود بیماریش سبک باشد بخلاف آخر روز و فرزندی
که در این روز متولد شود نیکو تربیت یابد و بروایتی دیگر شایسته است برای هر کار خصوصا
تزویج و از سفر داخل شدن و بسفر رفتن و خرید و فروخت و طلب حوائج روز سیم
روز نحسی است و آدم و حوا در این روز از بهشت بیرون کردند پس بهترین کار تو
در این روز آنست که مشغول اصلاح خانه خود گردی و تا ممکن باشد برای کاری بیرون
نروی و بپرهیز در این روز از رفتن بنظر پادشاهان و خرید و فروش و سایر کارها
و هر بنده که در این روز بگریزد بدست آید و هر که در این روز بیمار شود بمشقت افتد
و فرزندی که در این روز متولد شود روزیش فراخ و عمرش دراز باشد و در حدیث
سلمان وارد شده است که روز کراهیت و برای هیچ کار شایسته نیست
و بروایت دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که بپرهیز در این روز از جمیع اعمال
و نزد پادشاهان مروید و حاجتی از کسی مطلبید و کاری مکنید [illegible] و صدقه
بسیار کنید برای دفع نحوست آن هر که در این روز سفر کند بیم آن باشد که [illegible]

ماه ازین بند روز چهارم نیک است برای زراعت کردن و شکار کردن و درو یا زن
خواستن و عمارت بنا کردن و چهارپایان گرفتن و مکروه است دران سفر کردن
پس هر که سفر کند بیم است که کشته شود یا مالش ببرند یا بلایی او را عارض شود
و درین روز هابیل متولد شد و فرزندی که درین روز متولد شود شایسته
و مبارک نباشد نازنده است و مردم او را دوست دارند و هر که دراین روز بگریزد
یافتنش دشوار باشد و پناه بجایی برد که او را بدست نتوان آورد و هر که درین روز
بیمار شود بزودی عافیت یابد روز پنجم روز نحس است که دران روز قابیل
ملعون متولد شد و درهمین روز برادر خود را کشت پس هیچ کار اختیار مکن
و از خانه بیرون مرو و نزد پادشاهان مرو و از شتر و درندگان و آهن حذر کن و
هر که درین روز سوگند دروغ بخورد زود جزای خود بیابد و هر که درین روز
متولد شود حالش نیکو باشد و در حدیث سلمان فارسی است که دراین روز
اختیار کاری مکن و بنظر پادشاه مرو روز ششم روز نیک است که شایسته است
برای برآوردن حاجات و زن خواستن و هر که سفر کند درین روز در دریا
یا در صحرا برگردد بسوی اهلش با آنچه خواهد و دوست دارد و نیک است
از برای خریدن چهارپایان و هر حیوانی که درین روز گم شود بزودی پیدا شود
و هر طفلی که درین روز متولد شود به نیکی تربیت یابد و از آفتها سلامت باشد
و بروایت دیگر از آنحضرت منقول است که شایسته است برای شکار و طلب معاش
و هر حاجتی و بروایت سلمان فارسی است که هر خوابی که درین روز دیده شود بعد

از یک

یک روز یا دو روز تعبیرش ظاهر شود روز هفتم برای هر کار شایسته است و هر که درین روز
شروع بمشق و کتابت نماید بکمال رساند و هر که ابتدا کند درین روز بعمارت یا بو
عاقبتش نیکو باشد و هر طفلی که درین روز متولد شود تربیتش نیکو باشد و روزیش
فراخ باشد و در حدیث دیگر چنان است که شایسته است برای شکار و طلب روزی
و درخت کشتن و زراعت کردن و تخم افکندن و نزد پادشاهان رفتن و سفر کردن
روز هشتم شایسته است برای هر حاجتی از خریدن و فروختن و شکار کردن و هر که
درین روز بیمار شود بزودی عافیت یابد و سلمان رضی الله عنه روایت کرده است که
برای هر کاری شایسته است روز نهم روز سبکست و از اول تا آخر روز
مبارک است و نیک است برای هر امری که اراده نمایی پس ابتدای کارها دران بکن
و زراعت بکن و قرض بکن و درخت بنشان و هر که درین روز با دشمن جنگ کند
غالب آید و هر که سفر کند مال یابد و خیر ببیند و هر که درین روز از دشمن بگریزد
نجات یابد و هر که بیمار شود بیماریش سنگین شود و هر که گم شود بزودی یافته شود
و هر فرزندی که متولد شود شایسته باشد و در هر حال توفیق یابد و در حدیث دیگر
آن فرزند فراخ روزی باشد و بروایت دیگر کسی که بیمار شود عافیت یابد و بروایت
سلمان خوابی که درین روز دیده شود اثرش دران روز ظاهر گردد روز دهم حضرت
نوح علیه السلام درین روز متولد شده است و هر طفلی که درین روز متولد شود بسیار
پیر و معمر شود و فراخ روزی باشد و نیک است برای خرید و فروش و سفر کردن
و گم شده دران روز یافت شود و گریخته زود بدست آید و بیمار افتد و هر که درین روز

بیمار شود سزاوار آنست که وصیت کند و در حدیث دیگر برای تخم کردن و زراعت نمودن
و سلف خریدن نیکوست و بروایت دیگر برای همه کارها بغیر رفتن بنظر پادشاهان و
هر که بیمار شود عافیت یابد و بروایت سلمان هر خوابی که در این روز دیده شود تا لیبت روز
بظهور آید روز یازدهم حضرت شیث علیه السلام در این روز متولد شده است و شایسته است
برای ابتدای کارها و خرید و فروش و سفر کردن باید که احتیاط نماید از رفتن بنزد پادشاهان
و هر که در این روز بگریزد بزودی باز گردد از روی اطاعت و هر که بیمار شود امید هست
که شفا یابد و هر طفلی که متولد شود برنگی زندگانی نماید و لیکن بهتر تا آنکه پریشان
شود و از پادشاه بگریزد و بروایت دیگر هر که پریشان نشود و بروایت سلمان خوابی
که بیند تا بیست روز اثرش ظاهر شود روز دوازدهم شایسته است برای زن
خواستن و دکان گشودن و شریک شدن و باید با سفر کردن و در این روز واسطه
شان دو کس باید شدن و بیمار امید شفا در وهست و فرزندی که متولد شود
با سامان تربیت یابد و بروایت دیگر گریخته بدست آید و فرزند بسیار عمر یابد و
پریشان نشود و بروایت دیگر همه حاجت خوبست و در اول روز بنظر پادشاهان
بروند و در آخر روز نروند روز سیزدهم روز نحس است بپرهیزد در آن روز از همه
کارها خصوصا منازعت کردن و بنظر پادشاهان و امرا رفتن و روغن بر سر
مالیدن و سر تراشیدن و هر کاری و هر که بگریزد بر دست نیابند و هر که بیمار
شود بتعب افتد و فرزندی که متولد شود چندان زندگانی نکند و بروایت سلمان
خوابی که بیند تا نه روز تعبیر آید روز چهاردهم نیکست برای هر کاری و هر فرزند

که متولد شود ظالم باشد و نیکست برای طلب علم و خرید و فروش و سفر کردن و قرض
گرفتن و بدرها داشتن و گریخته بدست آید و بیمار صحت یابد ان شاء الله و بروایت
دیگر فرزندی که متولد شود عمرش دراز شود و بطلب علم راغب باشد و در آخر
عمرش مالش زیاد گردد و بروایت دیگر پسندیده است در این روز دیدن اشراف و علما
و طلب حوایج و بروایت سلمان نیکست برای هر امر خیری و برای دیدن پادشاهان
و فرزندی که بهم رسد خوش خو و دانا باشد و خوابی که دیده شود بعد از بیست و شش
روز تعبیر آید روز پانزدهم نیکست برای همه امور مگر قرض دادن و قرض گرفتن و گمشده
گردد این روز بیمار شود بزودی صحت یابد و کسی که بگریزد بزودی بدست آید و فرزندی
که متولد شود لال باشد یا در زبانش عیبی باشد و بروایت دیگر شایسته است
برای هر عمل و هر حاجت روز شانزدهم روز نحس است و برای هیچ کار خوب نیست
مگر عمارت بنا کردن و پی گذاشتن و هر که سفر کند در این روز هلاک شود و هر که
بزودی بر گردد و هر که راه گم کند سالم ماند و هر که بیمار شود بزودی شفا یابد و فرزندی
که متولد شود پیش از زوال دیوانه باشد و اگر بعد از زوال متولد شود حالش نیکو
باشد و بروایت دیگر بسیار نحس و مذموم است پس هیچ حاجت در آن مطلبید و سفر
مکنید و تصدق بسیار کنید و فرزندی که متولد شود در آن دیوانه شود و هر که در آن
بیمار شود تلف گردد و تا نتواند متوجه کاری نشوید و بروایت دیگر خواب بعد از سه روز
اثرش ظاهر شود روز هفدهم روز میانه است بپرهیزد در آن از سفر کردن و قرض دادن
پس هر که قرض بدهد باز ندهند و هر فرزندی که متولد شود حالش نیکو باشد

وبعضی دیگر روز کراهیت و دران حاجتی طلب مکن وبروایت دیگر برای هر کار شایسته است
خصوصا تزویج و خرید و فروخت و زراعت و عمارت و رفتن بنظر سلاطین
و اول نوبت وبروایت دیگر ولادت شیث است که حجامت در هفدهم ماه موجب
شفاست روز هیجدهم روز مبارکست و برای هر کار نیکست از خرید و فروخت
و زراعت و سفر و تزویج و طلب حوایج و کسی که با دشمن خصمی کند بر وی غالب آید
و اگر مالی بقرض بدهد با وی برگردد و بیمار شفا یابد و فرزند حالش نیکو باشد روز
نوزدهم روز مبارکست و دران حضرت اسحاق متولد شده است و شایسته است
برای سفر و طلب روزی و سعی در کارها و آموختن علم و بلاست برای بنا و چهارپا
خریدن و گریخته تعلیم یابد پانزده روز باز آید و فرزندی که متولد شود در این روز
توفیق خیرات یابد و بابرکت باشد وبروایت دیگر اگر با کسی خصمی کند بر وی ظفر یابد
بقدرت حق تعالی و برای هر کار شایسته است روز بیستم میانه است و نیکوست
برای سفر کردن و برآوردن حاجتها و بنا کردن بناها و داربست کردن درختان
و گرفتن چهارپایان و کسی که بگریزد در وی باز آید و دست یافتن و کسی که راه گم کند
خوف هلاک بر وی هست و کسی که بیمار شود بیماریش صعب گردد و فرزندی که
متولد شود با مشقت زندگانی کند وبروایت دیگر روز نیکست خصوصا سفر و طلب
حوایج و عمارت و تزویج و درخت کشتن و بنزد پادشاهان رفتن روز بیست و یکم
روز نحس بسیار بدست و روز ریختن خونهاست پس دران حاجتی طلب
مکن و با کسی منازعه مکن و بپرهیز دران روز از پادشاهان و کسی که سفر کند
خوف

خوف هلاک دران هست و فرزندی که بهم رسد فقیر و پریشان باشد و بد روزگار بود
دیگر روز نحس است و جهت برای کشتن حیوانات خوبست روز بیست و دوم شایسته است
برای برآوردن حاجتها و بیع و شری و رفتن بنزد پادشاهان و تصدق دادن نکو
روز معتدلست و ثواب مضاعف است و بیمار بزودی شفا یابد و مسافر بعافیت
برگردد وبروایت دیگر روز نیکیست و برای همه کار خوبست وبروایت دیگر هر
فرزندی که در این روز متولد شود مبارک و محبوب باشد و هر که نزد پادشاه
رود بمطلب رسد و محبوب باشد و هر که نزد پادشاه رود بمطلب رسد و
خوشنود برگردد روز بیست و سیم در این روز حضرت یوسف علیه السلام متولد
شده است و نیکست برای هر کار خصوصا طلب حوایج و تجارت و زن خواستن
و نزد سلاطین رفتن و کسی که سفر کند غنیمت یابد و خیر بسیار بیند و فرزندی
که متولد شود نیکونیت باشد و مبارک و شایسته باشد روز بیست و چهارم
روز نحس بسیار بدست و نحس است فرعون در این روز متولد شده است پس
هیچ کاری در این روز اراده مکن و فرزندی که متولد شود روزگار بسختی و
بی توفیق خیرات یابد و در آخر عمر ناکشته شود یا غرق شود و هر که در این روز
بیمار شود بیماریش بطول انجامد وبروایت دیگر هر که سفر کند دران سفر بمیرد
روز بیست و پنجم روز نحسیست پس خود را درین روز در حفظ کن و بی کاری
مرو که در این روز حق تعالی اهل مصر را با فرعون علیه اللعنة با آفات عذاب خود
مبتلا کرده است و بیمار حالش بد میباشد و هر که درین روز سفر کند خطر یابد

و فرزند مبارک و فراخ روزی و نیکوکار می‌باشد اما ببلای سختی مبتلا میگردد
و آخر نجات می‌یابد و بروایت دیگر هر که درین روز بیمار شود تا آخر روز بهوش نیاید
و بروایت سلمان از شر این روز پناه بخدا برید و بدعا و ثنا و اعمال خیر
روز بیست و ششم روز شایسته است برای سفر و هر امری که اراده کنی مگر
زن خواستن که درین روز تزویج نماید میان آن زن و جفتش جدائی افتد
زیرا که درین روز دریا شکافته شد برای حضرت موسی علیه السلام و اگر کسی سفر کند
درین روز بخانه خود داخل نشود و بیمار درین روز حالش بد باشد و فرزندی که
درین روز بوجود آید حریص و بدحال باشد و بروایت دیگر هر که مسافر شود درین روز
سودی نه بیند و شاید برنگردد و تصدق بسیار بکند و درین روز ذکر فواید
بسیار است روز بیست و هفتم برای همه کار نیکست و فرزندی که متولد
شود خوش خوی و خوش رو و طویل العمر و با خیر فراوان و محبوب دلهای مردمان
باشد و بروایت دیگر برای سفر نیکست و بروایت دیگر برای زراعت و عمارت
و خرید و رفتن مجلس پادشاهان و سعی در حوایج نیکست روز بیست و هشتم
نیکست برای هر کاری خصوصا سفر کردن درین روز حضرت یعقوب علیه السلام
متولد شده است پس هر فرزندی که درین روز متولد شود روزی فراوان یابد
و محبوب مردم باشد و احسان کند بسوی اهل خود باشد و لیکن غمهای عظیم
باو برسد و در آخر عمر بمرضی یا ضعف چشم مبتلا گردد و بروایت سلمان خواب در
روز اثرش ظاهر گردد روز بیست و نهم برای جمیع کارها خوبست و فرزندی که درین

روز

روز بوجود آید بردبار باشد و هر که سفر کند مال بسیار یابد و هر که بیمار شود
زود صحت یابد و درین روز وصیت نامه بنویسد و بروایت دیگر برای هر کس
خوبست مگر کاتبان که متوجه کاری نشوند خصوصا سفر و [illegible] روند
زود بدست آید و بروایت دیگر شایسته است برای همه کار خصوصا ملاقات
پادشاهان و دیدن برادران و دوستان و بروایت سلمان خوابی که دیده شود
درین روز در همین روز اثرش ظاهر گردد روز سی ام نیکست برای خرید و
فروختن و بیع کردن و فرزندی که درین روز بوجود آید بردبار و مبارک
و راستگو و وفادار و عالیشان و جلیل القدر باشد و هر که [illegible] یافت
آید و هر که چیزی کم کند بیابد و هر که مالی قرض کند زود باز دهد و بروایت
دیگر روزیست که حضرت اسمعیل پسر ابرهیم علیه السلام متولد شده است و برای
هر کار نیکست خصوصا درخت نشاندن و زراعت و عمارت و از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که ترک مکن حجامت را در هفدهم حزیران رومی
و اگر نکنی در چهاردهم البته بکن فصل دوم در اختیارات ایام هفته است
روز جمعه مبارک ترین روزها و بهترین عیدهاست و سنت است در آن
بحمام رفتن و سر تراشیدن و ناخن و شارب و پیش از نماز جمعه سفر
کردن خوب نیست و بعد از نماز سفر کردن مبارک است و حجامت کردن
در بعضی احادیث واقع شده است که نباید کرد زیرا که در آن ساعتی هست که اگر
در آن ساعت حجامت واقع شود هلاک میشود و در روایتی نهی واقع شده است

از حجامت در وقت زوال و در چند حدیث دیگر واقع شده است که هیچ روز ندارد مطلقا
و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که هر گاه در شب یا روز زیادتی
خون در خود بیابی آیة الکرسی بخوان و حجامت بکن و در حدیث است که حضرت رسول صلعم
چون هوا سرد میشد و از بیرون با اندرون خانه نقل سفر بود در روز جمعه میکردند
و در حدیث دیگر آنکه در وقتی که هوا گرم میشد باز در روز جمعه نقل سفر بودند و در بعضی روایات
وارد شده است که نوره کشیدن در روز جمعه مورث پیسی است و در چند روایت تجویز
واقع شده است بلکه بعضی از روایات دلالت بر استحباب میکند و در روایت معتبر وارد
شده است که روز جمعه روز خواستگاری و نکاح کردنست و مستحب است موی سر
و ریش را شانه کردن و بوی خوش کردن و جامه نو و جامههای پاکیزه پوشیدن و میوه نان زن
باندرون بردن و سر را بسدر و خطمی شستن و برای بنا و کارها مبارک است
روز شنبه روز مبارکیست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خدا مبارک
کرده است برای امت من در بامداد روز شنبه و پنجشنبه و برای جمیع کارها
خوبست خصوصا سفر کردن که در حدیث معتبر وارد شده است که اگر سنگی از کوهی
دور کرده در روز شنبه البته حق تعالی او را بجای خود برمیگرداند و ناخن گرفتن و شارب
گرفتن نیز خوبست و در حدیث وارد شده است که هر که ناخن و شارب در روز
شنبه و پنجشنبه بگیرد از درد دندان و درد چشم عافیت بیابد و در روایت وارد شده
است که حجامت کردن در روز شنبه مورث ضعف است روز یکشنبه مناسبست
برای اکثر کارها و موافق حدیث معتبر حجامت کردن در طرف عصر روز یکشنبه

بهر

بسیار نافع است و در حدیث دیگر وارد شده است که برای عمارت بنا کردن خوبست و روز
دوشنبه نحس ترین روزهاست و در ایام سال روز عاشورا از همه روزها نحس تر است و در ایام
هفته روز دوشنبه و این روز منسوبست به بنی امیه علیهم اللعنه که ایشان عید کردند
در آنها بسبب شهادت حضرت امام حسین عم و در این روز حضرت رسول صلعم
از دنیا مفارقت نمود و برای هیچ کار مبارک نیست و در بعضی روایات وارد شده است
که در طرف عصر حجامت کردن خوبست و در بعضی روایات مطلق وارد شده است
که خوبست و در احادیث بسیار نهی واقع شده است از سفر کردن در این روز بجهتی
و حاجتی و در حدیث معتبر از حضرت امام علی النقی علیه السلام منقول است که هر که خواهد که او را
صح — از شر روز دوشنبه نگاه دارد در رکعت اول نماز صبح روز دوشنبه سوره هل اتی علی
الانسان بخواند روز سه شنبه مناسبست برای اکثر کارها و در حدیث وارد شده است
که سفر کن در روز سه شنبه که در این روز خداوند عالمیان آهن را برای حضرت داود
نرم کرد و در روایتی از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که در روز سه شنبه چهاردهم
یا هفدهم یا بیست و یکم ماه حجامت کند شفا یابد از دردهای سال و در حدیث
دیگر وارد شده است که در روز سه شنبه ساعتی هست که اگر در آن ساعت حجامت
اتفاق افتد خون بند نشود تا او را هلاک کند و در حدیث دیگر وارد است که
هر که حاجتی بر او دشوار شود او را طلب نماید در روز سه شنبه و در حدیث دیگر
وارد شده است که خون را بگیرید در روز سه شنبه و در روایت دیگر وارد است که
روز نحس است و خون گرفتن روز چهارشنبه روز نحسی است و برای اکثر کارها

شاید است و نهی واقع شده است از حجامت کردن و نوره کشیدن و سفر کردن
در آن روز و در بعضی روایات تجویز حجامت و سفر واقع شده است و اگر ضرور باشد
بهتر آنست که در آخر روز واقع سازند چنانچه در بعضی احادیث وارد شده است
و در حدیث نهی واقع شده است از حجامت در روز چهارشنبه هرگاه ماه در عقرب
باشد و در روایت معتبری وارد شده است که حمام برود در روز چهارشنبه
و در حدیث دیگر وارد است که روز خوردن مسهل و دوا است روز پنجشنبه روز
مبارکیست و برای جمیع کارها خوبست خصوصا حجامت کردن موافق احادیث
بسیار و بهتر آنست که پیش از زوال واقع سازند و برای ناخن گرفتن خوبست و بهتر
آنست که یک ناخن برای جمعه بگذارند و در روایتی وارد شده است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله چون هرگاه میشد بیرون نقل سفر مینمودند و در روز پنجشنبه
سفر میکردند و در حدیث دیگر وارد است که هر که در پنجشنبه آخر ماه اول روز
حجامت کند دردها از بدن بیرون میکند وساعات دیگر وارد شده است که روز پنجشنبه
روز داخل شدن بر امرا و بر آوردن حاجتها و با آنکه سفر کردن و تزویج کردن
در قمر در عقرب کراهتی دارد و در روزهائی که در ماه مذکور شد که نحوست
دارد اگر در ماه فرس قدیم هم اینها را رعایت نمایند بهتر است زیرا که ظاهر بعضی
احادیث بر آن دلالت دارد و اگر روزهای ماه و در روزهای هفته در سعادت و
نحوست با یکدیگر متعارض شوند و ضرور باشد احتیاط کردن نیکو و رعایت ایام هفته
اولیست زیرا که احادیث اینها معتبر است والله اعلم فصل ششم در بیان امری
چند

چند که موجب رفع نحوست ایام و ساعات میشود بدانکه توکل و تفویض و اعتماد
بر جناب مقدس الهی نمودن در جمیع امور و استمداد از حضرت ائمه معصومین
علیهم السلام نمودن دهر نحوست را بسعادت مبدل میگرداند و توسل بآیات کریمه
قرآن و دعا و تصدق و مثال آن اینها میکند چنانچه در حدیث معتبر وارد شده
است که آیة الکرسی بخوان و هر روز که خواهی حجامت بکن و تصدق بکن و هرگاه که
خواهی سفر بکن و در احادیث بسیار وارد شده است که تصدق و دعا رد میکند
بلاهای مبرم را و در حدیث معتبر منقول است از سهل بن یعقوب که بخدمت
حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام رفتم و در باب اختیارات بآنحضرت عرض کردم
و تصحیح نمودم پس گفتم که در اکثر روزها چیزی چند هست که مانع رفتن بطلب
حوایج است و بسیار است که ما را ضرور میشود در این روزها حرکت کردن
و متوجه مطالب شدن حضرت فرمود که یا سهل ولایت و محبت ما اهل بیت
نگاه دارنده و حافظ شیعیان ماست از جمیع بلاها اگر با ولایت ما بلجه دریاها
یا صحراها و بیابانها در میان حیوانات درنده یا دشمنان جن و انس بیفتند
ایمنند از شر ایشان به برکت ولایت ما پس اعتماد کن بر خدا و خالص گردان ولایت
خود را از برای ما و هر جانب که خواهی متوجه شو و چون صبح کنی سه مرتبه این دعا
اصبحت اللهم معتصماً بذمامک المنیع الذی لا یطاول و لا یحاول من کل
طارق و غاشم من سائر من خلقت و ما خلقت من خلقک الصامت و
الناطق فی جنة من کل مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بیت نبیک محتجزاً

من كل قاصد لي الى اذية بجدار حصين الاخلاص في الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم
جميعا موقنا ان الحق لهم ومعهم وفيهم وبهم اوالي من والوا واجانب من جانبوا
فاعذني اللهم بهم من شر كل ما اتقيه يا عظيم حجزت الاعادي ببديع السموات
والارض وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون
و در شام سه مرتبه باید دعا بخواند پس هر زمان خواهی بعد از هر چه از آن میترسی و اگر
در روز بحتی خواهی که از ان بدعا پیش از متوجه شدن سوره حمد و قل اعوذ برب الناس
و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی و انا انزلناه فی لیلة القدر و این آیات از سوره
آل عمران بخوان ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار لآيات
لاولي الالباب الذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون
في خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب
النار ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته وما للظالمين من انصار
ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا
ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على
رسلك ولا تخزنا يوم القيامة انك لا تخلف الميعاد پس باید دعا بخوان اللهم
بك يصول الصائل وبقدرتك يطول الطائل ولا حول لكل ذي حول الا
بك ولا قوة يمتارها بصفوتك من خلقك وخيرتك من بريتك محمد نبيك
وعترته وسلالته عليه وعليهم السلام وصل عليهم واكفني شر هذا اليوم وضره
وارزقني خيره ويمنه واقض لي في متصرفاتي بحسن العافية وبلوغ المحبة والظفر

بالأئمة

بالأئمة وكفاية الطاغية الغوية وكل ذي قدرة لي على اذية حتى اكون في جنة
وعصمة من كل بلاء ونقمة وابدلني من المخاوف فيها امنا ومن العوائق فيها يسرا
حتى لا يصدني صاد عن المراد ولا يحل بي طارق من اذى العباد انك على كل شيء
قدير والامور اليك تصير يا من ليس كمثله شيء وهو السميع البصير و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون ماه نو در آید در روز اول دو رکعت نماز
بکنی در رکعت اول بعد از حمد سی نوبت سوره انا انزلناه فی لیلة القدر و در رکعت
دویم بعد از حمد سی نوبت قل هو الله احد بخوان پس تصدق بکنی و سلامتی ماه از خداوند
خود بخری خاتمه در ترجمه حدیث شریف است که مشتمل است بر احکام خسوف و کسوف
و حوادث هر سال شیخ بزرگوار قطب الدین راوندی در کتاب قصص الانبیا
روایت کرده است بسند خود از شیخ صدوق محمد بن بابویه قمی و بسند متصل
گردانیده بحضرت مبین الحقایق امام جعفر الصادق صلوات الله علیه که آنحضرت
فرمود که در کتاب حضرت دانیال پیغمبر نوشته است که هر گاه اول محرم روز
شنبه باشد زمستان بسیار سرد باشد و باد و باران بسیار باشد و یخ فراوان باشد
و گندم گران باشد و طاعون و مرگ کودکان بسیار باشد و عسل کم باشد و در بلاد
بسیار باشد و زراعتها از آفت سلامت ماند و بعضی از درختان میوه و انگور
آفت برسد و امراض باشد و در روم طاعون باشد و عرب با ایشان جنگ کنند
و اسیر و غنیمت بسیار بدست عرب آید و پادشاه را در جمیع مواضع غلبه باشد
[illegible] و بروایت دیگر ملوک در میان ایشان جهاد بهم رسد و اسبان را قولنج عارض

شود و در میان مردم درد گلو و زکام و ورمها و دردها بسیار باشد خصوصا در عراق و
بغداد و اطراف آن و در روم مرگ بسیار باشد و میان عرب و روم کارزار افتد و عرب
بر روم غالب آید و نعمت و امنیت در بابل بوده باشد و در بحرین و نواحی آن اختلاف
بسیار و در میان مردم بلا بیاید و قحط و غلا در ایشان هم رسد و از عرب ترسان باشند
و عمال ایشان بر ایشان تعدی کنند و گیاه در مراعی عرب فراوان باشد و در آخر سال
و بر پادشاه جمعی خروج کنند و بر ایشان غالب آید و دران ملتها و ابله و کرمی بسیار
باشد و مرغان بسیار باشد و از روغن و گوشت و عسل و پنیر و کتان گران باشد
و خرما و در درخت فاسد گردد و انگور و میوه در بلاد همدان و فارس نیکو باشد و بلاد ختان
بلاد روم و بصره و اطراف آن آفت برسد و میوه در اکثر بلاد گران باشد و گنجد
بسیار باشد و در زمستان باران بسیار بارد و زراعت بسیار باشد و ظرف
مس و اشباه آن گران باشد و دیبم و موی گران باشد و مرغ خانگی کم باشد و مرغان
شکاری بسیار بمیرند و در بلاد یمن اختلاف عظیم ظاهر گردد و شاید که نهب
و غارت منتهی شود و شاید که یکی از آفتاب و ماه منخسف گردد و سهب
بسیار باشد و در یک ماه از خون بسیار در بخیه شود و گویند که چنین سال بحرانیست
و قبیل ها بیل را در چنین سال کشت و آخر این نکته مهر ما سال که اول محرم روز
یکشنبه باشد زمستان نیکو گردد و باران بسیار بارد و بعضی از درختان و
زراعتها آفت برسد و دردهای مختلف و مرگهای صعب شایع گردد و عسل کم
بعمل آید و در هوا از طاعون و وبا هم رسد و در آخر سال اندک گرانی در خوردنیها

حادث

حادث شود و در آخر سال پادشاه را غلبه رود و هلد ربیعات دیگر درین سال زمستان سرد
و تابستان معتدل گذرد و میوه و حبوب و زراعات در اکثر بلاد عراق نیکو باشد
و آفتی بمیوهها بحرین و لحسا و قطیف و حوالی آنها هم رسد و در بلاد مشرق و بلاد جبل
ارزانی باشد و گوسفند و شتر بسیار باشد و گیاه در صحراها بسیار باشد و در شهران
دیوانگی و مستی هم رسد و علت برای کودکان بسیار باشد و زاییدن زنان دشوار باشد
و در گاوها مرگی هم رسد و در یک ماه از آن درد بسیار مردم را عارض شود و در آخر سال
گرانی هم رسد بسبب اختلاف سلاطین و در غیر بلاد یمن و در بلاد هند اطفال بسیار
بمیرند و جو و روغن بسیار باشد و اختلاف و جنگها میان پادشاهان بشود و
دروغ و اختلاف میان عامه ناس و خواص ایشان فتنها حادث گردد و در شام حرب
و فتنها پدید آید و حاکم بعضی از اهل فساد را بقتل رساند و در زمین جبل که همدان
و نواحی آن باشد کشتن بسیار شود و مردی جلیل القدر از ایشان کشته شود و
پادشاه بابل بر مردم مستولی گردد و در بعضی ولایات ملوک اختلاف ظاهر شود و پادشاه
بشود و دیگر چند با کشته شود و گروهی بر پادشاه طغیان کنند و مغلوب گردند
و کوکبی در آسمان نشان گردد و از ناحیه مشرق کرد و دنبالها داشته باشد و آن
سبب حدوث قتل و غارت و گرانی گردد و ربا و علامت فساد بسیار شود و مرد
صاحب شان کشته شود و آن ستارها علامت وزیدن بادهای سخت و وفور
امراض و بیماریها در زمان در صحراها پیدا گردد و عسل گران شود و حاجیان از اغلات
کنند و تمام ماه یا بعضی منخسف گردد و مهر ماه سال که اول محرم روز دوشنبه باشد

زمستان نیکو گذرد و تابستانش بسیار گرم و باران بوقتش بسیار بیارد و گوسفند بسیار
بود و عسل بسیار باشد و نرخ خوردنیها در بلاد جبل یعنی همدان و شهرها که در بلاد
آذربایجان و عراق عرب و خوزستان و فارس است و بعضی گویند یعنی همدان و حوالی آن
نازل باشد و میوه بسیار باشد و زنان بسیار میرند و در آخر سال کسی بر پادشاه خروج
کند و در نواحی مشرق و بعضی از فارس غم و لشکری برسد و زکام در بلاد جبل بسیار باشد
و بروایت و نیکو در آن سال آب فراوان باشد و بیشتر حیوانات بسیار باشد خصوصا
عدس و باقلا و نرخها ارزان و عسل فراوان باشد خصوصا در فارس و همدان و ارزن
و ذرت در هند و فربهی بسیار شود و سبب هذا لو و شاه صوفیا و در بلاد فارس
و مصر و شام بنگ بعمل آید و خربزه و خیار در ولایت مشرق و عمان نیکو باشد
و در آن سال خرما و میوه‌ها و گوشت و روغن فراوان باشد و لیکن زر در میان
مردم کم باشد و در بلاد مشرق و اطراف هند و اسکندریه مرگ بسیار باشد
و مرض سودا و وبا انکه بسیار باشد و در زمستان زکام و تب و سرفه بسیار
واقع شود و دریاها بسیار طغیان کند و بعضی بلاد را غرق کند و آب فرات و نیل
کم باشد و باین سبب در مملکت روم و در مصر قحط عظیم پدید آید و مواشی و
چهارپایان در صحرا هلاک باشد و اسب و شتر و گاو در همه ناحیه فزون باشد
و زکام در بلاد جبل و اطراف بسیار باشد و حبوب و میوه‌ها در مکه معظم
بسیار و ارزان باشد و لیکن دشواری از بلاد حبشه بهم رسد و در میان مشایخ
عرب فتنه حادث شود و خارجی از نواحی مشرق بیرون آید و در بلاد فارس

بیم و هراس عظیم از بعضی بلاد یمن حادث شود و قلعه در اطراف مشرق یا جنوب
از تصرف اصحابش بیرون رود و محتمل است که یکی از آفتاب و ماه منخسف
گردد و در روم اضطراب پدید آید و بر پادشاه مشرق کسی خروج کند و حاجیان
سلامت و در شب دزدی با ایشان و از سببی ارزان نیابند و هر سال که اول
محرم روز سه شنبه باشد زمستان بسیار سرد باشد و برف و یخ بسیار
باشد و در بلاد جبل و در ناحیه مشرق گوسفند و عسل بسیار باشد و
بعضی از درختان میوه و انگور آفت برسد و در ناحیه مغرب و شام خاری در آسمان
ظاهر شود که از آن خلق بسیار بمیرند و بر پادشاه صاحب خروج قومی خروج کنند
و پادشاه بر او غالب آید و در زمین فارس بعضی از غله‌ها آفت یابد و در آخر
سال نرخها گران شود و بروایت دیگر زراعت بسیار بعمل آید و باران بسیار
بیارد و فصل پاییز نیکو گذرد و میوه‌ها در بلاد جبل و هندوستان و سند
بسیار باشد و گندم و جو و عدس فراوان باشد و در بصره لوبیا و ماش و باقلا
فراوان باشد و خرما کم بعمل آید و در ارزن آفتی بهم رسد و در بلاد هند کتان
بلاد روم و شام آفتی برسد بزراعت و میوه در این سال کم باشد و گردکان و
بادام و مویز بسیار باشد و نرخها اول سال در جمیع بلاد ارزان باشد و عسل
فراوان باشد و بخربزه و خیار آفتی برسد و شکار در دریاها بسیار شود و آفتی از
تا کرمان و بعضی بلاد مغرب برسد و در بعضی از شهرها بر پادشاه خروج کنند
و در پادشاه عجم و ترک اضطراب حاصل شود و در میان عرب و عجم و ترک و اهل
عجم

عراق عنا تعالی پدید آید و شیخی از مشایخ کشته شود و در میان عربان و مواشی
ایشان در آخر سال مرگی بهم رسد و در آسمان ستاره و مداری پدید آید که علامت
جنگ و گرانی باشد یا سرخی عظیم ظاهر شود که علامت هلاک بعضی امرا
باشد و در مصر و شام و صقالبه طاعون بهم رسد دهم سال که اول محرم روز
چهارشنبه باشد زمستان وسط باشد و در بهار بارانهای نافع بیارد و غلات
و میوه ها در بلاد جبل و بلاد مشرق بسیار باشد اما مردمان بسیار بمیرند
و در آخر سال در بلاد بابل و بلاد جبل [illegible] بهم برسد و نرخهای ایشان ارزان باشد
و پادشاه بر دشمنان غالب باشد و در ولایت دیگر عسل [illegible] سال بسیار باشد
و اکثر اطفال بمیرند و ملخ [illegible] ایشان را تلف کند و در آخر سال قحطی
در میان ایشان بهم رسد و باران بسیار بیارد که بسیاری از خانها و عمارتها
منهدم کردد و درختان خرما ضایع شود و در آخر سال خرما گران و برق و رعد
عظیم کردد و بادهای تند بوزد و بیماری بسیار باشد و زنان آبستن بسیار بمیرند
و در آخر سال در ناحیه فارس مرگ بسیار باشد و وحشیان صحرا و مرغان
شکاری بسیار باشند و بز و گاو نیکو باشد و بیع و شرا و معاملات بسیار واقع
شود و در شتران گر بهم رسد و شاید مرگی در چهارپایان پدید آید و در فصل
پائیز بیماری بسیار باشد و در اطراف [illegible] جنگ عظیم روی دهد و علما و مشایخ و
بمیرند و بلاد یمن از خوف و قتل و غارت بسیار شود و بلاد معمور شود و در میان
عربان بادیه کشتن بسیار شود و پادشاه شمال بمیرند و متاعها و چیزها گران شود که نان

ارزان

ارزان باشد و ابریشم و حریر ارزان و نیکو باشد و در میان عرب و عجم جنگها روی دهد
و عجم غالب شوند و پادشاه روم بمیرد [illegible] بسیار بمیرند و در فصل تابستان
مرض و حصبه بسیار باشد و اختلاف در میان سلاطین هند بهم رسد و فتنه ها در بعضی
ولایت فارس حادث شود دهم سال که اول محرم روز پنجشنبه باشد زمستان
ملایم گذرد و در جمیع نواحی مشرق گندم و میوه و عسل بسیار باشد و در اول
آخر سال [illegible] بسیار حادث شود و در زمین بابل در آخر سال [illegible] بسیار بهم رسد
و در روم را بر مسلمانان غلبه بهم رسد پس عرب بر ایشان غالب آید در ناحیه مغرب
و در سند محاربات واقع شود و پادشاه عرب مظفر باشد و در ولایت دیگر در اول
سال باران و برف کم باشد و ابر و رعد بی باران بسیار باشد و در آخر سال باران
بسیار شود و غلات و میوه ها در همه بلاد ارزان و فراوان باشد و سفر دریا در این سال
نیکو باشد و شکار ماهی بسیار شود و روغن و نان گران شود و آب نیل کم شود
و در روم بر مسلمانان حمله آورند و مسلمانان بر ایشان غالب شوند و در بنادر جنگ
بسیار شود و شاید که یکی از مشایخ ایشان کشته شود و بعضی از شهرها که
بر پادشاه خود خروج کند منهدم کردد و کارزار در اکثر بلاد خصوصا بلاد [illegible]
بسیار شود و در [illegible] دست [illegible] و حکام بر رعایا ستم کنند و
بادهای تند بوزد که درختان را بر کند و در احسا و قطیف و نواحی آن فتنه میان
عربان و پادشاه ایشان حادث شود و پادشاه غالب کردد و در بلاد حبش و
اطراف آنها کارزار شود و در بلاد فارس در آخر سال میان [illegible] حادث شود و

دشنام بسیار و دران بلاد باین سبب ظاهر کردد و در ناحیه روم تا بین فتنها حادث شود و در
سال برف در کوه بسیار باشد و لیکن کوسفند فراوان کردد و پادشاه منخسف کردد
و هر سال که اول محرم روز جمعه باشد در زمستان سرما باشد و باران کم بیارد و آب
چشمها و رودخانها کم باشد و در بلاد جبل صدف بیخ و در صلح ... غله کم باشد و برف
در میان هم بر دمان بسیار باشد و در ناحیه مغرب کرانی باشد و بعضی اندر خشان
آفت برسد و در روم را برق بن غلبه عظیم بهم رسد و بعد از آن دیکر غلات مصر و حبشه
و شام کم حاصل آید و کرانی در بلاد مغرب و بلاد فرنک و اطراف اندلس حادث شود
و ارزانی بسیار در بلاد فارس بهم رسد و غلات بصره و عراق نیکو شود و لیکن از جهت
سلاطین و عمال ستمها با ایشان برسد و غلات جبل عامل و نواحی آن کم حاصل آید کرد
صاحب شان بلا صبره کشته شود یا کروه بسیار از اتباع آن و سهو در آن سال
سیل باشد و آب دجله بجدی طغیان کند که بغداد مشرف بغرق کردد و پادشاه
از پادشاهان هند بمیرد و از اول ماه ربیع الاول تا آخر ماه جمادی الثانی دردهاء
بسیار در میان مردم پیدا شود خصوصا درد کلو و درد پشت و دردهای حلق و امراض
شکم و کلف و وبا و جرب و دملها و بسیاری از اینان ... بنیاد زند
و بر بسیاری از ایشان بر وضع حمل میرند و امیری از شام ظاهر شود و بر ملت حضرت
رسول مستولی کردد و سلاح آن بعضی بلاد غالب کردد و اکر ... ظاهر
شود فتنهای عظیم بظهور رسد و کسی بر پادشاه روم خروج کند و کردان و عجمان
موضع کوه نند و در زمین عراق خوف و اضطراب و اختلاف بسیار شود و مردم بزرک

در شام

در شام بقتل رسد و مردی بزرکی در جبل عامل کشته شود و در بلاد خراسان فتنه عظیم حادث
شود و درد اطفال و دردها پیدا شود و فتنه بجلیان برسد و الم چشمها بسیار باشد
و اما احکام کرفتن آفتاب در ماههای دوازده کانه پس هر سال که در محرم آفتاب بکیرد
در آن سال ارزانی باشد و در آخر سال دردها و بیماریها بر مردم حادث شود و پادشا
بر دشمنان ظفر یابد و زلزله حادث شود و بعد از آن سلامت باشد و هر سال که در ماه
صفر آفتاب بکیرد در ناحیه مغرب زیره و کرسنکی مردم را رو دهد و جنک و کشش
بسیار در مغرب بظهور آید پس در ماه ربیع صلح واقع شود و پادشاه ظفر یابد و هر سال
که در ماه ربیع الاول آفتاب بکیرد در میان مردم صلح پدید آید و اختلاف کم باشد
و پادشاه مغرب ظفر یابد و کاو و کوسفند کم باشد و در آخر سال فراوانی بهم رسد
و در بادیه در میان شتر وبا بهم رسد و هر سال که در ماه ربیع الآخر آفتاب بکیرد در میان
مردم اختلاف بسیار باشد و خلق عظیم بقتل رسد و کسی بر پادشاه خروج کند و بیم
و ترس و کشش حادث شود و برف بسیار باشد و هر سال که در ماه جمادی الاول
آفتاب بکیرد و در روزی ... مردم فراخ باشد و در ناحیه مغرب و مشرق پادشاه ...
در مقام شفقت باشد و با ایشان احسان نماید و ایشان خاطر یابد و هر سال که در ماه
جمادی الآخر آفتاب بکیرد مردی عظیم در جانب مغرب بمیرد و در بلاد مصر جنکها
عظیم و کشش بسیار واقع شود و در بلاد مغرب در آخر سال کرانی بهم رسد و هر سال
که در ماه رجب آفتاب بکیرد زمین آبادان شود و در کوهستانها و ناحیه مشرق باران
بسیار بارد و در ناحیه فارس ملخ فرود آید اما ضرر با ایشان نرساند و هر سال که در ماه

شعبان آفتاب بگیرد همه مردم از شر پادشاه سالم باشند و پادشاه بر دشمنان ظفر
یابد و در بلاد جبل بر آخر سال مرگ در میان مردم بسیار باشد و جودی بر طرف شود
دهم سال که در ماه رمضان آفتاب بگیرد مردمان همه پادشاه فارس را طاعت کنند
و در روم را بر عرب غلبه عظیم هم رسد پس ایشان غالب آیند و غنیمت و اسیر بسیار
از ایشان بگیرند دهم سال که در ماه شوال آفتاب بگیرد در بلاد هند و زنج کشش
بسیار شود و گیاه زمین در شهرهای مشرق بسیار باشد دهم سال که در ماه ذوالقعده
القعده آفتاب بگیرد باران بسیار بیارد و خرابی در ناحیه فارس بظهور آید
دهم سال که در ماه ذی الحجه آفتاب بگیرد باد بسیار بود و درختان کم شود و در
شهرهای از شهرهای مغرب خرابی پدید آید و گندم و جو گران باشد و کسی بر پادشاه
خروج کند و آزار بسیار از او به پادشاه برسد و در فارس حوادث نهاکران شود و در سال
دیگر ارزان شود واما آثار گرفتن ماه پس دهم سال که در ماه محرم ماه بگیرد
در مغرب بزرگی بمیرد و میوه در بلاد جبل کم باشد و در میان مردم خارش بدن
بسیار باشد و درد چشم با بلی و درد چشم بسیار هم رسد و مرگ بسیار باشد و نرخها
گران باشد و کسی بر پادشاه خروج کند و پادشاه بر او ظفر یابد و لشکر او را بقتل
آورد دهم سال که در ماه صفر ماه بگیرد قحط و بیماری در شهرهای بابل حادث شود
بحدی که بیم هلاک باشد پس بعد از آن باران بسیار ببارد و گیاه زمین بسیار شود
و احوال مردم نیک شود و در بلاد جبل میوه بسیار باشد دهم سال که در ربیع الاول
ماه بگیرد در بلاد مغرب کشش بسیار شود و مرض یرقان در مردم هم رسد و در نرخها

ماه

شهر ماه میوه بسیار باشد و در بلاد جبل کرم در سبزیهای ایشان بیفتد و خرابی
بسیار در شهرها پدید آید دهم سال که در ماه ربیع الاخر ماه بگیرد آب در کوهها
بسیار باشد و فراوانی هم رسد و آب بسیار باشد و آن سال مبارک باشد
و پادشاه در مغرب ظفر یابد دهم سال که در ماه جمادی الاول ماه بگیرد خون بسیار در دیار بابل
ریخته شود و پادشاه شام را بلای عظیم برسد و کسی بر پادشاه خروج کند و پادشاه
ظفر یابد دهم سال که در جمادی الاخر ماه بگیرد باران کم آید و آب کم باشد در نینوی که
در حوالی کوفه است یا موصل و در آن محل جنگ عظیم و گرانی شدید حادث شود و
پادشاه بابل را بلای عظیم رسد دهم سال که در ماه رجب ماه بگیرد در ناحیه مغرب
طاعون و قحط بسیار شود و در بابل باران بسیار بیارد و در همه شهرها درد چشم
بسیار شود دهم سال که در ماه شعبان ماه بگیرد پادشاه کشته شود یا بمیرد و دیگری
پادشاه شود و تسعیرات بالا رود و قحط در میان مردم پیدا شود دهم سال که در ماه
رمضان ماه بگیرد در بلاد جبل سرما سخت شود و برف و باران بسیار باشد
و در زمین فارس درندگان بسیار هم رسد و در آن شهر ماه مرگ اطفال و زنان
بسیار باشد دهم سال که در ماه شوال ماه بگیرد پادشاه بر دشمنان غالب باشد
و در میان مردم بلا و فتنه بسیار باشد دهم سال که در ماه ذی القعده ماه بگیرد
شهرهای عظیم فتح شود و کجها در بعضی از زمینها و کوهها پیدا شود دهم سال که در
ذی الحجه ماه بگیرد مرد بزرگی در مغرب بمیرد و مرد فاجر فاسقی دعوی
پادشاهی کند والله اعلم بالصواب تمت هذا النسخه



بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اني اسئلك باسمك يا الله يا رحمن يا رحيم يا كريم يا عظيم يا مقيم يا قديم
يا عليم يا حليم يا حكيم سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار
يا رب ۱ جهت مضرت بد دشمنان يا سيد السادات يا مجيب الدعوات يا رافع الدرجات
يا ولي الحسنات يا غافر الخطيئات يا معطي المسئلات يا قابل التوبات يا سامع
الاصوات يا عالم الخفيات يا دافع البليات سبحانك ۲ جهت دوست و عزت و نصرت
يا خير الغافرين يا خير الفاتحين يا خير الناصرين يا خير الحاكمين يا خير الرازقين
يا خير الحامدين يا خير الذاكرين يا خير الذاكرين يا خير المنزلين يا خير المحسنين
سبحانك ۳ جهت قوت باصره يا من له العزة والجمال يا من له القدرة والكمال
يا من له الملك والجلال يا من هو الكبير المتعال يا من هو منشئ السحاب
الثقال يا من هو شديد المحال يا من هو سريع الحساب يا من عنده حسن
الثواب يا من هو شديد العقاب يا من عنده ام الكتاب ۵ جهت علو درجات
اللهم اني اسئلك باسمك يا حنان يا منان يا ديان يا برهان يا سلطان يا رضوان
يا غفران يا سبحان يا مستعان يا ذا المن والبيان ۶ جهت رفع بدبها يا من تواضع
كل شيء لعظمته يا من استسلم كل شيء لقدرته يا من ذل كل شيء لعزته يا من
خضع كل شيء لهيبته يا من انقاد كل شيء من خشيته يا من تشققت الجبال
من مخافته يا من قامت السموات بامره يا من استقرت الارضون باذنه يا من

يسبح الرعد بحمده يا من لا يعتدي على اهل مملكته سبحانك يا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب ٧ جهت رفع جميع بلاها يا غافر الخطايا يا كاشف
البلايا يا منتهى الرجايا يا مجزل العطايا يا واهب الهدايا يا رازق البرايا يا قاضي
المنايا يا سامع الشكايا يا باعث البرايا يا مطلق الاسارى ٨ جهت رحمت يافتن يا ذا الحمد
والثناء يا ذا الفخر والبهاء يا ذا المجد والسناء يا ذا العهد والوفاء يا ذا العفو والرضاء
يا ذا المن والعطاء يا ذا الفصل والقضاء يا ذا العز والبقاء يا ذا الجود والسخاء
يا ذا الآلاء والنعماء ٩ جهت امان يافتن اللهم اني اسئلك باسمك يا مانع يا دافع
يا رافع يا صانع يا سامع يا جامع يا شافع يا نافع يا واسع يا موسع سبحانك ١٠ جهت نکاه
ایمان ماندن يا صانع كل مصنوع يا خالق كل مخلوق يا رازق كل مرزوق يا مالك
كل مملوك يا كاشف كل مكروب يا فارج كل مهموم يا راحم كل مرحوم يا ناصر كل
مخذول يا ساتر كل معيوب يا ملجأ كل مطرود سبحانك ١١ كشايش بخت يا عدتي
عند شدتي يا رجائي عند مصيبتي يا مونسي عند وحشتي يا صاحبي عند
غربتي يا وليي عند نعمتي يا غياثي عند افتقاري يا ملجائي عند اضطراري
يا معيني عند مفزعي ١٢ جاه بلند شدن دولت يا علام الغيوب يا غفار الذنوب
يا ستار العيوب يا كاشف الكروب يا مقلب القلوب يا طبيب القلوب يا منور
القلوب يا انيس القلوب يا مفرج الهموم يا منفس الغموم ١٣ خوشنودی خدا اللهم
اني اسئلك باسمك يا جليل يا جميل يا وكيل يا كفيل يا دليل يا قبيل يا مديل

يا منيل

يا منيل يا مقيل يا محيل ١٤ جهت كشودن خوشنودی خدا يا دليل المتحيرين يا غياث
المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا جار المستجيرين يا امان الخائفين
يا عون المؤمنين يا راحم المساكين يا ملجأ العاصين يا غافر المذنبين
يا مجيب دعوة المضطرين سبحانك ١٥ جهت دفع هول منكر و نكير يا ذا الجود والاحسان
يا ذا الفضل والامتنان يا ذا الامن والامان يا ذا القدس والسبحان يا ذا
الحكمة والبيان يا ذا الرحمة والرضوان يا ذا الحجة والبرهان يا ذا العظمة و
السلطان يا ذا الرأفة والمستعان يا ذا العفو والغفران ١٦ بركت يافتن
يا من هو رب كل شيء يا من هو اله كل شيء يا من هو خالق كل شيء
يا من هو صانع كل شيء يا من هو قبل كل شيء يا من هو بعد كل شيء يا من
هو فوق كل شيء يا من هو قادر على كل شيء يا من هو يبقى و يفنى كل شيء
سبحانك ١٧ التماس بامید حاجت اللهم اني اسئلك باسمك يا مؤمن يا مهيمن
يا مكون يا ملقن يا مبين يا مهون يا ممكن يا مزين يا معلن يا مقسم ١٨ ابراى
آسان كارها يا من هو في ملكه مقيم يا من هو في سلطانه قديم يا من هو
في جلاله عظيم يا من هو على عباده رحيم يا من هو بكل شيء عليم يا من هو
بمن عصاه حليم يا من هو بمن رجاه كريم يا من هو في صنعه حكيم يا من
هو في حكمته لطيف يا من هو في لطفه قديم سبحانك ١٩ جهت حفظ ايمان
يا من لا يرجى الا فضله يا من لا يسئل الا عفوه يا من لا ينظر الا بره

يا من لا يخاف الا عدله يا من لا يدوم الا ملكه يا من لا سلطان الا سلطانه يا من
وسعت كل شيء رحمته يا من سبقت رحمته غضبه يا من احاط بكل شيء علمه يا من
ليس احد مثله سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب
۲ جهت دفع هم وغم يا فارج الهم ويا كاشف الغم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا
خالق الخلق يا صادق الوعد يا موفي العهد يا عالم السر يا فالق الحب يا رازق
الانام ۲۱ روشنائی کارها اللهم اني اسئلك باسمك يا علي يا وفي يا غني يا ملي
يا حفي يا رضي يا زكي يا بدي يا قوي يا ولي سبحانك ۲۲ نیکوئی احوالات يا من
اظهر الجميل يا من ستر القبيح يا من لا يؤاخذ بالجريرة يا من لا يهتك الستر
يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب
كل نجوى يا منتهى كل شكوى ۲۳ فراخی روزی يا ذا النعمة السابغة يا ذا الرحمة
الواسعة يا ذا المنة السابقة يا ذا الحكمة البالغة يا ذا القدرة الكاملة يا ذا
الحجة القاطعة يا ذا العزة الدائمة يا ذا القوة المتينة يا ذا العظمة المنيعة
سبحانك ۲۴ اطاعت حضرت يا بديع السموات يا جاعل الظلمات يا راحم العبرات
يا مقيل العثرات يا ساتر العورات يا محيي الاموات يا منزل الآيات يا مضعف
الحسنات يا ماحي السيئات يا شديد النقمات ۲۵ در جلب فتح اللهم اني اسئلك
باسمك يا مصور يا مقدر يا مدبر يا مطهر يا منور يا ميسر يا مبشر يا منذر يا
مقدم يا مؤخر ۲۶ جهة زيارت يا رب البيت الحرام يا رب الشهر الحرام يا رب

البلد

البلد الحرام يا رب الركن والمقام يا رب المشعر الحرام يا رب المسجد الحرام يا رب الحل
والحرام يا رب النور والظلام يا رب التحية والسلام يا رب القدرة في الانام سبحانك
۲۷ جهت کار گشادن يا احكم الحاكمين يا اعدل العادلين يا اصدق الصادقين يا اطهر
الطاهرين يا احسن الخالقين يا اسرع الحاسبين يا اسمع السامعين يا ابصر
الناظرين يا اشفع الشافعين يا اكرم الاكرمين ۲۸ گذشتن از جوی آب يا عماد من لا
عماد له يا سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا حرز له يا
غياث من لا غياث له يا فخر من لا فخر له يا عز من لا عز له يا معين من لا
معين له يا انيس من لا انيس له يا امان من لا امان له سبحانك ۲۹ جهت کار گشادن
اللهم اني اسئلك باسمك يا عاصم يا قائم يا دائم يا راحم يا سالم يا حاكم يا عالم
يا قاسم يا قابض يا باسط ۳۰ جهت پیاده رفتن يا عاصم من استعصمه يا راحم من استرحمه
يا غافر من استغفره يا ناصر من استنصره يا حافظ من استحفظه يا مكرم
من استكرمه يا مرشد من استرشده يا صريخ من استصرخه يا معين من
استعانه يا مغيث من استغاثه ۳۱ تعویذ درد چشم يا عزيزا لا يضام يا لطيفا
لا يرام يا قيوما لا ينام يا دائما لا يفوت يا حيا لا يموت يا ملكا لا يزول
يا باقيا لا يفنى يا عالما لا يجهل يا صمدا لا يطعم يا قويا لا يضعف سبحانك
۳۲ دفع دشمنان اللهم اني اسئلك باسمك يا احد يا واحد يا شاهد
يا ماجد يا حامد يا راشد يا باعث يا وارث يا ضار يا نافع سبحانك



۳۰ بیش پادشاهان رفتن یا اعظم من کل عظیم یا اکرم من کل کریم یا ارحم من کل رحیم یا اعلم
من کل علیم یا اقدم من کل قدیم یا احکم من کل حکیم یا اکبر من کل کبیر یا الطف
من کل لطیف یا اجل من کل جلیل یا اعز من کل عزیز ۳۰ کذشتن انزدها یا کریم
الصفح یا عظیم المن یا کثیر الخیر یا قدیم الفضل یا دائم اللطف یا لطیف الصنع
یا منفس الکرب یا کاشف الضر یا مالک الملک یا قاضی الحق ۱۰ راهنما خدا بون یا من
هو فی عهده وفی یا من هو فی وفائه قوی یا من هو فی قوته علی یا من هو فی علوه
قریب یا من هو فی قربه لطیف یا من هو فی لطفه شریف یا من هو فی شرفه رفیع
عزیز یا من هو فی عزه عظیم یا من هو فی عظمته مجید یا من هو فی مجده حمید سبحانک
ع۳۰ شفا یافتن اللهم انی اسئلک باسمک یا کافی یا وافی یا شافی یا معافی یا
هادی یا داعی یا قاضی یا راضی یا عالی یا باقی ۷۰ ظفر یافتن یا من کل شیء خاضع
له یا من کل شیء خاشع له یا من کل شیء کائن له یا من کل شیء موجود به
یا من کل شیء منیب الیه یا من هو کل شیء خائف منه یا من کل شیء قائم به یا من
کل شیء صائر الیه یا من کل شیء یسبح بحمده یا من کل شیء هالک الا وجهه ۳۱ ظفر یافتن
از آفات یا من لا مفر الا الیه یا من لا مفزع الا الیه یا من لا مقصد الا الیه یا من
لا منجی منه الا الیه یا من لا یرغب منه الا الیه یا من لا حول ولا قوة الا به یا من لا
یستعان الا به یا من لا یتوکل الا علیه یا من لا یرجی الا هو یا من لا یعبد الا
هو ۳۰ امان یافتن یا خیر المرهوبین یا خیر المرغوبین یا خیر المطلوبین یا خیر

المسؤلین

المسؤلین یا خیر المقصودین یا خیر المذکورین یا خیر المشکورین یا خیر المحبوبین
یا خیر المدعوین یا خیر المستانسین ۳۰ ایمنی از ترس وبلا اللهم انی اسئلک
باسمک یا غافر یا ساتر یا قادر یا قاهر یا فاطر یا کاسر یا جابر یا ذاکر یا ناظر
یا ناصر سبحانک ۱م دفع باد سموم یا من خلق فسوی یا من قدر فهدی یا من
یکشف البلوی یا من یسمع النجوی یا من ینقذ الغرقی یا من ینجی الهلکی یا من
یشفی المرضی یا من اضحک وابکی یا من امات واحیی یا من خلق الزوجین
الذکر والانثی ۳۲ سلامت بودن در سفر یا من فی البر والبحر سبیله یا من فی الآفاق
آیاته یا من فی الآیات برهانه یا من فی الممات قدرته یا من فی القبور عبرته
یا من فی القیامة ملکه یا من فی الحساب هیبته یا من فی المیزان قضاؤه
یا من فی الجنة ثوابه یا من فی النار عقابه ۳۳ ترسیدن در شب یا من الیه یهرب
الخائفون یا من الیه یفزع المذنبون یا من الیه یقصد المنیبون یا من
الیه یرغب الزاهدون یا من الیه یلجأ المتحیرون یا من به یستانس المریدون
یا من به یفتخر المحبون یا من فی عفوه یطمع الخاطئون یا من الیه یسکن الموقنون
یا من علیه یتوکل المتوکلون ۴۰ مهر و محبت اللهم انی اسئلک باسمک
یا حبیب یا طبیب یا قریب یا رقیب یا حسیب یا مهیب یا مثیب یا مجیب یا خبیر یا بصیر
۴۰ تقرب پادشاهان یا اقرب من کل قریب یا احب من کل حبیب یا ابصر من کل
بصیر یا اخبر من کل خبیر یا اشرف من کل شریف یا ارفع من کل رفیع یا اقوی من

كل قوي يا اغنى من كل غني يا اجود من كل جواد يا ارأف من كل رؤوف سبحانك
يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب ۴۶ م دفع ام الصبيان
يا غالبا غير مغلوب يا صانعا غير مصنوع يا خالقا غير مخلوق يا مالكا
غير مملوك يا قاهرا غير مقهور يا رافعا غير مرفوع يا حافظا غير محفوظ يا ناصرا
غير منصور يا شاهدا غير غائب يا قريبا غير بعيد ۴۷ م روشنائی الچشم يا نور النور
يا منور النور يا خالق النور يا مدبر النور يا مقدر النور يا نور كل نور يا نورا قبل
كل نور يا نورا بعد كل نور يا نورا فوق كل نور يا نورا ليس كمثله نور سبحانك
۴۸ م دفع پیش امرا و سلاطین يا من عطاؤه شريف يا من فعله لطيف يا من لطفه
مقيم يا من احسانه قديم يا من قوله حق يا من وعده صدق يا من عفوه فضل
يا من عذابه عدل يا من ذكره حلو يا من فضله عميم ۴۹ دفع قولنج اللهم اني
اسئلك باسمك يا مسهل يا مفصل يا مبدل يا مذلل يا منزل يا منول يا
مفضل يا مجزل يا مهمل يا مجمل ۵۰ دفع خفقان يا من يرى ولا يرى يا من يخلق
ولا يخلق يا من يهدي ولا يهدى يا من يحيي ولا يحيى يا من يسئل ولا يسئل
يا من يطعم ولا يطعم يا من يجير ولا يجار عليه يا من يقضي ولا يقضى عليه يا من يحكم
ولا يحكم عليه يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد ۵۱ دفع درد سر
يا نعم الحسيب يا نعم الطبيب يا نعم الرقيب يا نعم القريب يا نعم المجيب
يا نعم الحبيب يا نعم الكفيل يا نعم الوكيل يا نعم المولى يا نعم النصير ۵۲ دفع زبان بند

يا سرور العارفين يا منى المحبين يا انيس المريدين يا حبيب التوابين يا رازق
المقلين يا رجاء المذنبين يا قرة عين العابدين يا منفسا عن المكروبين يا
مفرجا عن المغمومين يا اله الاولين والآخرين ۵۳ فتح و نصرت اللهم
اني اسئلك باسمك يا ربنا يا الهنا يا سيدنا يا مولنا يا ناصرنا يا حافظنا
يا دليلنا يا معيننا يا حبيبنا يا طبيبنا ۵۴ دفع امراض يا رب النبيين والابرار
يا رب الصديقين والاخيار يا رب الجنة والنار يا رب الصغار والكبار
يا رب الحبوب والثمار يا رب الانهار والاشجار يا رب الصحاري والقفار
يا رب البراري والبحار يا رب الليل والنهار يا رب الاعلان والاسرار
۵۵ فضل نجات بخير يا من نفذ في كل شيء امره يا من لحق بكل شيء علمه
يا من بلغت الى كل شيء قدرته يا من لا تحصي العباد نعمه يا من لا تبلغ الخلائق
شكره يا من لا تدرك الافهام جلاله يا من لا تنال الاوهام كنهه يا من
العظمة والكبرياء رداؤه يا من لا ترد العباد قضاءه يا من لا ملك الا ملكه
يا من لا عطاء الا عطاؤه ۵۶ دفع باد استخوان يا من له المثل الاعلى يا من
له الصفات العليا يا من له الآخرة والاولى يا من له الجنة المأوى يا من له
الآيات الكبرى يا من له الاسماء الحسنى يا من له الحكم والقضاء يا من له
الهواء والفضاء يا من له العرش والثرى يا من له السموات العلى سبحانك
۵۷ دفع الماس اللهم اني اسئلك باسمك يا غفور يا عفو يا صبور يا شكور

يا رؤوف يا عطوف يا مسؤول يا ودود يا سبوح يا قدوس ٣٨ درد شکم يا من في
السماء عظمته يا من في الارض آياته يا من في كل شيء دلائله يا من في البحار
عجائبه يا من في الجبال خزائنه يا من يبدؤ الخلق ثم يعيده يا من اليه يرجع الامر
كله يا من اظهر في كل شيء لطفه يا من احسن كل شيء خلقه يا من تصرف في
الخلائق قدرته ٣٩ دوستی خلایق يا حبيب من لا حبيب له يا طبيب من لا طبيب
له يا مجيب من لا مجيب له يا شفيق من لا شفيق له يا رفيق من لا رفيق له يا مغيث
لم يا دليل من لا دليل له يا انيس من لا انيس له يا راحم من لا راحم له يا صاحب
من لا صاحب له ٤٠ کفایت معاش يا كافي من استكفاه يا هادي من استهداه
يا كالي من استكلاه يا راعي من استرعاه يا شافي من استشفاه يا قاضي من
استقضاه يا مغني من استغناه يا موفي من استوفاه يا مقوي من استقواه
يا ولي من استولاه ٤١ دفع درد پشت اللهم اني اسألك باسمك يا خالق
يا رازق يا ناطق يا صادق يا فالق يا فارق يا فاتق يا راتق يا سابق يا سامي
٤٢ جهت درد قفا يا من يقلب الليل والنهار يا من جعل الظلمات و
الانوار يا من خلق الظل والحرور يا من سخر الشمس والقمر يا من قدر الخير
والشر يا من خلق الموت والحياة يا من له الخلق والامر يا من لم يتخذ صاحبة
ولا ولدا يا من ليس له شريك في الملك يا من لم يكن له ولي من الذل سبحانك
٤٣ جهت تجارت کردن يا من يعلم مراد المريدين يا من يعلم ضمير الصامتين يا من يسمع

انين

انين الواهنين يا من يرى بكاء الخائفين يا من يملك حوائج السائلين يا من
يقبل عذر التائبين يا من لا يصلح عمل المفسدين يا من لا يضيع اجر المحسنين
يا من لا يبعد عن قلوب العارفين يا اجود الاجودين ٤٤ استجابت دعوات يا دائم
البقاء يا سامع الدعاء يا واسع العطاء يا غافر الخطاء يا رافع السماء يا حسن البلاء
يا جميل الثناء يا قديم السناء يا كثير الوفاء يا شريف الجزاء ٤٥ جهت زخم خلایق
اللهم اني اسألك باسمك يا غفار يا ستار يا قهار يا جبار يا صبار يا بار
يا مختار يا فتاح يا نفاح يا مرتاح ٤٦ طلب فرزند کردن يا من خلقني وسواني يا من
رزقني ورباني يا من اطعمني وسقاني يا من قربني وادناني يا من عصمني وكفاني
يا من حفظني وكلاني يا من اعزني واغناني يا من وفقني وهداني يا من
آنسني وآواني يا من اماتني واحياني ٤٧ جهت دفع تقاضا يا من يحق الحق بكلماته
يا من يقبل التوبة عن عباده يا من يحول بين المرء وقلبه يا من لا تنفع الشفاعة
الا باذنه يا من هو اعلم بمن ضل عن سبيله يا من لا معقب لحكمه يا من لا راد
لقضائه يا من انقاد كل شيء لامره يا من السماوات مطويات بيمينه يا من يرسل
الرياح بشرا بين يدي رحمته ٤٨ جهت دفع گرسنگی يا من جعل الارض مهادا يا من
جعل الجبال اوتادا يا من جعل الشمس سراجا يا من جعل القمر نورا يا من
جعل الليل لباسا يا من جعل النهار معاشا يا من جعل النوم سباتا يا من جعل
السماء بناء يا من جعل الاشياء ازواجا يا من جعل النار مرصادا ٤٩ جهت



دفع شب کوری اللهم اني اسئلك باسمك يا شفيع يا رفيع يا سميع يا منيع يا سريع يا بديع
يا كبير يا قدير يا خبير يا مجير ۷۰ جهت درازی عمر يا حيا قبل كل حي يا حيا بعد
كل حي يا حي الذي ليس كمثله حي يا حي الذي لا يشاركه حي يا حي الذي لا
يحتاج الى حي يا حي الذي يميت كل حي يا حي الذي يرزق كل حي يا حيا
لم يرث الحيوة من حي يا حي الذي يحيي الموتى يا حي يا قيوم لا تأخذه سنة ولا
نوم ۷۱ دفع درد سر يا من له ذكر لا ينسى يا من له نور لا يطفى يا من له نعم لا
تعد يا من له ملك لا يزول يا من له ثناء لا يحصى يا من له جلال لا يكيف
يا من له كمال لا يدرك يا من له قضاء لا يرد يا من له صفات لا تبدل يا من
له نعوت لا تغير ۷۲ دفع باد سرخ يا رب العالمين يا مالك يوم الدين يا غاية
الطالبين يا ظهر اللاجين يا مدرك الهاربين يا من يحب الصابرين يا من يحب
التوابين يا من يحب المتطهرين يا من يحب المحسنين يا من هو اعلم بالمهتدين
۷۳ جهت تحصیل امور اخرت اللهم اني اسئلك باسمك يا شفيق يا رفيق يا حفيظ يا
محيط يا مقيت يا مغيث يا معز يا مذل يا مبدئ يا معيد ۷۴ درد گوش يا من
هو احد بلا ضد يا من هو قاض بلا حيف يا من هو فرد بلا ند يا من هو صمد
بلا عيب يا من هو وتر بلا كيف يا من هو رب بلا وزير يا من هو عزيز بلا ذل
يا من هو غني بلا فقر يا من هو ملك بلا عزل يا من هو موصوف بلا شبيه
۷۵ جهت درد حلق يا من ذكره شرف للذاكرين يا من شكره فوز للشاكرين

لبين
يا من حمده عز للحامدين يا من طاعته نجاة للمطيعين يا من بابه مفتوح للطالبين
يا من سبيله واضح للمنيبين يا من آياته برهان للناظرين يا من كتابه تذكرة
للمتقين يا من رزقه عموم للطائعين والعاصين يا من رحمته قريب من المحسنين
۷۶ [illegible] يا من تبارك اسمه يا من تعالى جده يا من لا اله غيره يا من
جل ثناؤه يا من تقدست اسماؤه يا من يدوم بقاؤه يا من العظمة بهاؤه
يا من الكبرياء رداؤه يا من لا تحصى آلاؤه يا من لا تعد نعماؤه فصل هفتاد
هفتم اللهم اني اسئلك باسمك يا معين يا امين يا مبين يا متين يا مكين يا
رشيد يا حميد يا مجيد يا شديد يا شهيد هفتاد و هشتم يا ذا العرش المجيد
يا ذا القوة الشديد يا ذا القول السديد يا ذا الفعل الرشيد يا ذا البطش
الشديد يا ذا الوعد والوعيد يا من هو الولي الحميد يا من هو فعال لما يريد
يا من هو قريب غير بعيد يا من هو على كل شيء شهيد يا من هو ليس بظلام
للعبيد ۷۹ دفع درد دل يا من لا شريك له ولا وزير يا من لا شبيه له ولا نظير
يا خالق الشمس والقمر المنير يا مغني البائس الفقير يا رازق الطفل الصغير
يا راحم الشيخ الكبير يا عصمة الخائف المستجير يا جابر العظم الكسير
يا من هو بعباده خبير بصير يا من هو على كل شيء قدير ۸۰ دفع درد سر يا ذا
الجود والنعم يا ذا الفضل والكرم يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذر و
النسم يا ذا البأس والنقم يا ملهم العرب والعجم يا كاشف الضر والالم

يا عالم السر والهمم يا رب البيت والحرم يا من خلق الاشياء من العدم سبحانك

٨١ دفع ذات الجنب اللهم اني اسئلك باسمك يا فاعل يا جاعل يا قابل
يا كامل يا فاصل يا واصل يا عادل يا غالب يا طالب يا واهب سبحانك

٨٢ دفع مفاصل يا من انعم بطوله يا من اكرم بجوده يا من جاد بلطفه يا من تعزز
بقدرته يا من قدر بحكمته يا من حكم بتدبيره يا من دبر بعلمه يا من تجاوز
بحلمه يا من دنا في علوه يا من علا في دنوه

٨٣ درد سينه گشادن يا من يخلق
ما يشاء يا من يفعل ما يشاء يا من يهدي من يشاء يا من يضل من يشاء
يا من يعذب من يشاء يا من يغفر لمن يشاء يا من يعز من يشاء يا من
يذل من يشاء يا من يصور في الارحام ما يشاء يا من يختص برحمته من
يشاء

٨٤ درد پهلو يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من جعل لكل شيء
قدرا يا من لا يشرك في حكمه احدا يا من جعل الملائكة رسلا يا من جعل
في السماء بروجا يا من جعل الارض قرارا يا من خلق من الماء بشرا يا من
جعل لكل شيء امدا يا من احاط بكل شيء علما يا من احصى كل شيء عددا

٨٥ دفع درد كمر اللهم اني اسئلك باسمك يا اول يا اخر يا ظاهر يا باطن
يا بر يا حق يا فرد يا وتر يا صمد يا سرمد سبحانك

٨٦ [illegible] يا خير
معروف عرف يا افضل معبود عبد يا اجل مشكور شكر يا اعز مذكور ذكر
يا اعلى محمود حمد يا اقدم موجود طلب يا ارفع موصوف وصف يا اكبر

مقصود

مقصود قصد يا اكرم مسئول سئل يا اشرف محبوب علم

٨٧ عقد اللسان يا حبيب
الباكين يا سيد المتوكلين يا هادي المضلين يا ولي المؤمنين يا انيس
الذاكرين يا مفزع الملهوفين يا منجي الصادقين يا اقدر القادرين
يا اعلم العالمين يا اله الخلق اجمعين
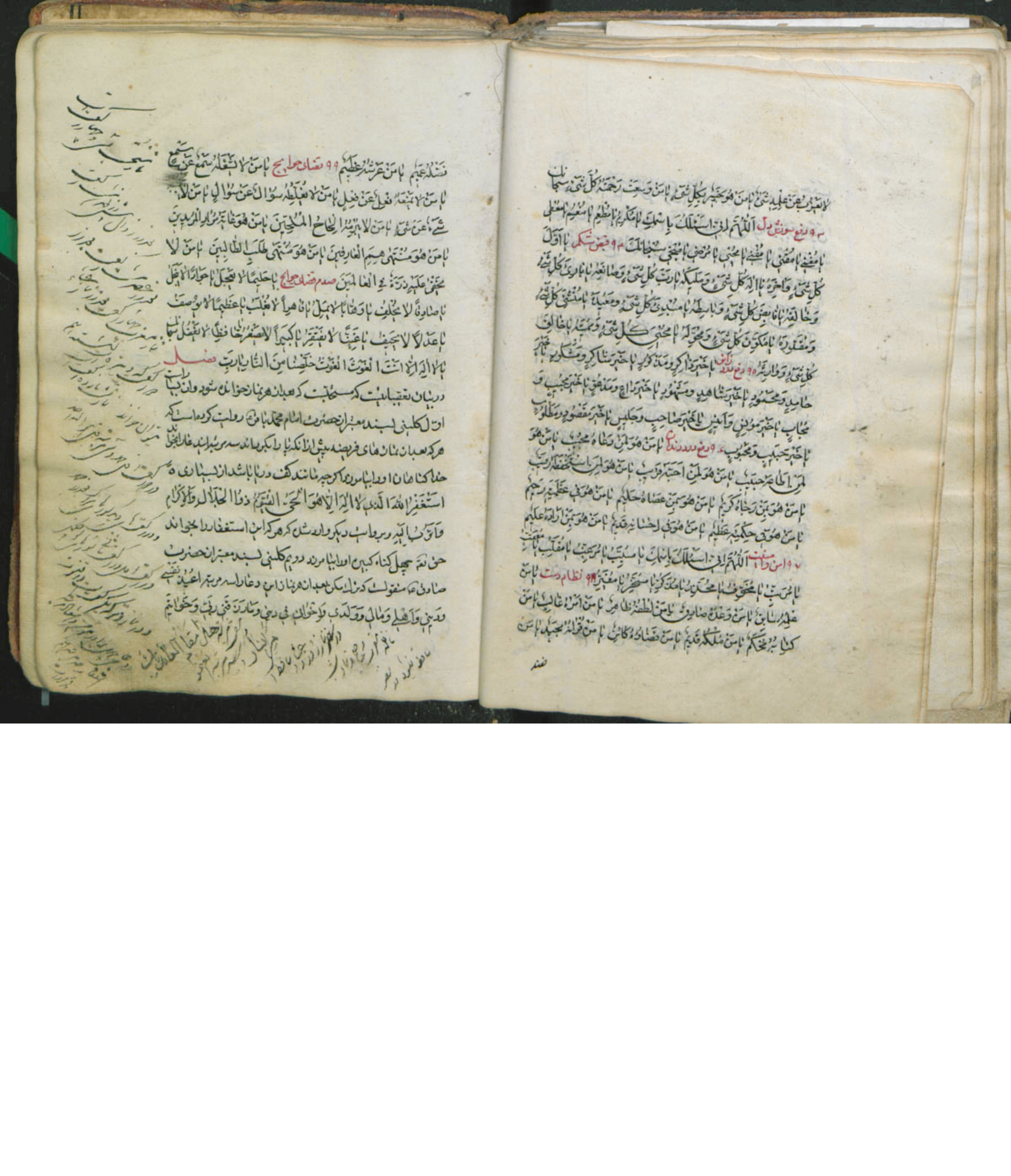
٨٨ دفع خفقان يا من علا فقهر يا
من ملك فقدر يا من بطن فخبر يا من عبد فشكر يا من عصي فغفر يا من
لا تحويه الفكر يا من لا يدركه بصر يا من لا يخفى عليه اثر يا رازق البشر
يا مقدر كل قدر

٨٩ دفع سلس البول اللهم اني اسئلك باسمك يا حافظ يا بارئ
يا ذارئ يا باذخ يا فارج يا فاتح يا كاشف يا ضامن يا امر يا ناهي سبحانك

٩٠ جهت درد ناف يا من لا يعلم الغيب الا هو يا من لا يصرف السوء الا
هو يا من لا يخلق الخلق الا هو يا من لا يغفر الذنب الا هو يا من لا
يتم النعمة الا هو يا من لا يقلب القلوب الا هو يا من لا يدبر الامر الا
هو يا من لا ينزل الغيث الا هو يا من لا يبسط الرزق الا هو يا من لا
يحيي الموتى الا هو

٩١ دفع بواسير يا معين الضعفاء يا صاحب الغرباء يا ناصر
الاولياء يا قاهر الاعداء يا رافع السماء يا انيس الاصفياء يا حبيب الاتقياء
يا كنز الفقراء يا اله الاغنياء يا اكرم الكرماء
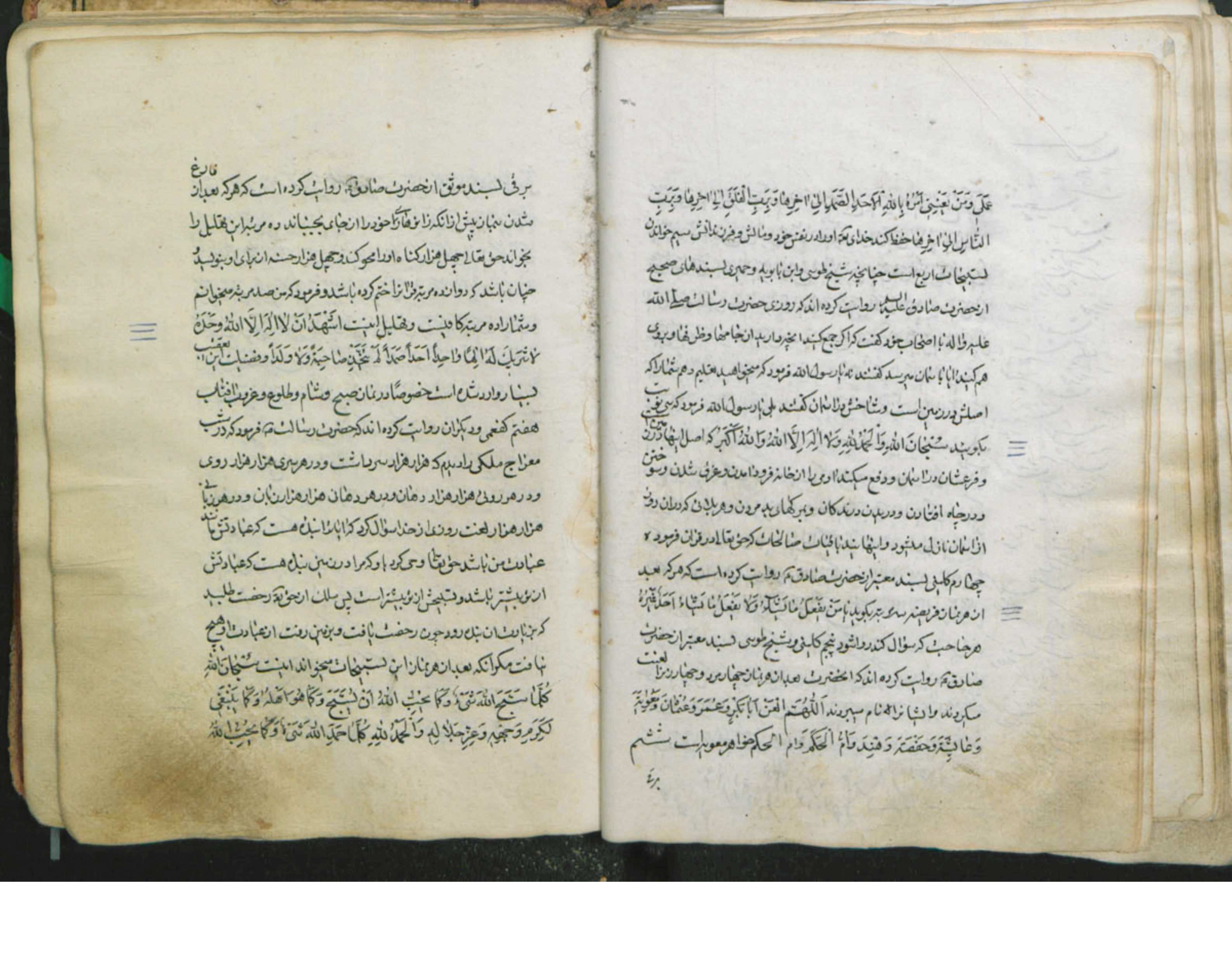
٩٢ علت اصول يا كافي من
كل شيء يا قائم على كل شيء يا من لا يشبهه شيء يا من لا يزيد في ملكه شيء يا من
لا يخفى عليه شيء يا من لا ينقص من خزائنه شيء يا من ليس كمثله شيء يا من



لا یعزب عن علمه شیء یا من هو خبیر بکل شیء یا من وسعت رحمته کل شیء سبحانک
۹۲ دفع سوزش دل اللهم انی اسئلک باسمک یا مکرم یا مطعم یا منعم یا معطی
یا مغنی یا مقنی یا مفنی یا محیی یا مرضی یا منجی سبحانک ۹۳ قبض شکم یا اول
کل شیء و آخره یا اله کل شیء و ملیکه یا رب کل شیء و صانعه یا باری کل شیء
و خالقه یا قابض کل شیء و باسطه یا مبدی کل شیء و معیده یا منشئ کل شیء
و مقدره یا مکون کل شیء و محوله یا محیی کل شیء و ممیته یا خالق
کل شیء و وارثه ۹۴ دفع درد زانو یا خیر ذاکر و مذکور یا خیر شاکر و مشکور یا خیر
حامد و محمود یا خیر شاهد و مشهود یا خیر داع و مدعو یا خیر مجیب و
مجاب یا خیر مونس و انیس یا خیر صاحب و جلیس یا خیر مقصود و مطلوب
یا خیر حبیب و محبوب ۹۵ دفع درد دندان یا من هو لمن دعاه مجیب یا من هو
لمن احبه حبیب یا من هو لمن اراده قریب یا من هو لمن استحفظه رقیب
یا من هو لمن رجاه کریم یا من هو بمن عصاه حلیم یا من هو فی عظمته رحیم
یا من هو فی حکمته عظیم یا من هو فی احسانه قدیم یا من هو بمن اراده علیم
۹۶ امن و امنیت اللهم انی اسئلک باسمک یا مسبب یا مرغب یا مقلب یا معقب
یا مرتب یا مخوف یا محذر یا مذکر یا مسخر یا مغیر ۹۷ نظام دست یا من
علمه سابق یا من وعده صادق یا من لطفه ظاهر یا من امره غالب یا من
کتابه محکم یا من قضاؤه کائن یا من قرآنه مجید یا من ملکه قدیم یا من

فضله

فضله عمیم یا من عرشه عظیم ۹۸ قضای حوایج یا من لا یشغله سمع عن سمع
یا من لا یمنعه فعل عن فعل یا من لا یغلطه سؤال عن سؤال یا من لا
یلهیه شیء عن شیء یا من لا یبرمه الحاح الملحین یا من هو غایة مراد المریدین
یا من هو منتهی همم العارفین یا من هو منتهی طلب الطالبین یا من لا
یخفی علیه ذرة فی العالمین ۱۰۰ قضای حوایج یا حلیما لا یعجل یا جوادا لا یبخل
یا صادقا لا یخلف یا وهابا لا یمل یا قاهرا لا یغلب یا عظیما لا یوصف
یا عدلا لا یحیف یا غنیا لا یفتقر یا کبیرا لا یصغر یا حافظا لا یغفل سبحانک
یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب فصل
در بیان تعقیبات که مستحب است که بعد از هر نماز خوانده شود و آن چند است
اول کلینی بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که
هر که بعد از نمازهای فریضه پیش از آنکه پا را بکشد سه مرتبه بگوید
خدا گناهان او را بیامرزد اگر چه مانند کف دریا باشد از بسیاری
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام
و اتوب الیه و بروایت دیگر وارد شده که هر که این استغفار را بخواند
حق تعالی چهل گناه کبیره او را بیامرزد دوم کلینی بسند معتبر از حضرت
صادق ع منقول است که ترک مکن بعد از هر نماز این دعا را سه مرتبه اعیذ نفسی
و دینی و اهلی و مالی و ولدی و اخوانی فی دینی و ما رزقنی ربی و خواتیم



عملی و من تعقیبی آمنت بالله الاحد الصمد الی آخرها و برب الفلق الی آخرها و برب
الناس الی آخرها حفظ کند خدای تعالی او را از نفس خود و مالش و فرزندانش سیم خواندن
تسبیحات اربع است چنانچه شیخ طوسی و ابن بابویه و جمعی بسندهای صحیح
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که روزی حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله با اصحاب خود گفت که اگر جمع کنید آنچه دارید از جامه‌ها و ظرفها و بروی
هم کنید آیا باسمان میرسد گفتند نه یا رسول الله فرمود که میخواهید تعلیم دهم شما را که
اصلش در زمین است و شاخش در آسمان گفتند بلی یا رسول الله فرمود که بعد فریضه
بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر که اصل اینها در زمین است
و فرعشان در آسمان و دفع میکند آدمی را از خانه فرود آمدن و غرق شدن و سوختن
و در چاه افتادن و در بیابان درندگان و بمرگهای بد مردن و هر بلائی که در آن روز
از آسمان نازل میشود و اینها باقیات صالحات که حق تعالی در قرآن فرموده
چهارم کلینی بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد
از هر نماز فریضه سی مرتبه بگوید یا من یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء احد غیره
هر حاجت که سؤال کند روا شود پنجم کلینی و شیخ طوسی بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده اند که آنحضرت بعد از هر نماز چهار مرد و چهار زن را لعنت
میکردند و ایشان را بنام میبردند اللهم العن ابا بکر و عمر و عثمان و معویة
و عایشة و حفصة و هند و ام الحکم خواهر معویه است ششم

برقی

برقی بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از فارغ
شدن نماز پیش از آنکه زانوهای خود را از جای بجنباند ده مرتبه این تهلیل را
بخواند حق تعالی چهل هزار گناه او را محو کند و چهل هزار حسنه از برای او بنویسد
چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و فرمود که من صد مرتبه میخوانم
و شما را ده مرتبه کافیست و تهلیل اینست اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و فضیلت این تعقیب
بسیار وارد شده است خصوصا در زمان صبح و شام و طلوع و غروب آفتاب
هفتم کفعمی و دیگران روایت کرده اند که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که در شب
معراج ملکی را دیدم که هزار هزار سر داشت و در هر سری هزار هزار روی
و در هر روی هزار هزار دهان و در هر دهانی هزار هزار زبان و در هر زبانی
هزار هزار لغت روزی از خدا سؤال کرد که آیا از من بنده‌ای هست که عبادتش مانند
عبادت من باشد حق تعالی وحی کرد باو که مرا در زمین بنده‌ای هست که عبادتش
از تو بیشتر باشد و تسبیحش از تو بیشتر است پس ملک از حق تعالی رخصت طلبید
که زیارت آن بنده رود چون رخصت یافت و بزمین رفت از عبادت او هیچ
نیافت مگر آنکه بعد از هر نماز این تسبیحات میخواند اینست سبحان الله
کلما سبح الله شیء و کما یحب الله ان یسبح و کما هو اهله و کما ینبغی
لکرم وجهه و عز جلاله و الحمد لله کلما حمد الله شیء و کما یحب الله

ان نحمد وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله ولا اله الا الله كلما هلل
الله شيء وكما يحب الله ان يهلل وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله
والله اكبر كلما كبر الله شيء وكما يحب الله ان يكبر وكما هو اهله وكما ينبغي
لكرم وجهه وعز جلاله وسبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اكبر على كل نعمة انعم بها علي وعلى كل احد من خلقه ممن كان او يكون الى يوم
القيامة اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد واسئلك من خير ما
ارجو وخير ما لا ارجو واعوذ بك من شر ما احذر ومن شر ما لا احذر وان دعا
اگرچه در سند شرح ضعفی دارد اما در کتب مذکور است هشتم سید بن طاوس رضی
الله عنه بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده است که هر که تسبیح فاطمه زهرا
صلوات الله علیها را بخواند و بعد از آن این دعا بخواند حق تعالی جمیع گناهان او را
بیامرزد و آن ساعتی که این دعا را میخواند تا یک سال عافیت یابد از پریشانی و تنگدستی
و در هوا نگاهی و حزن و پیری و هر کجای بد برون و آن بلائی که نازل شود از آسمان بزمین و
نوشته شود برای او بسبب این دعا شهادة و اخلاص با ثواب تا روز قیامت و ثواب
سال
این هشت است البته راوی گفت که این ثواب برای او خواهد بود هر گاه در عرض
ثواب
هر روز بخواند این دعا بخواند حضرت فرمود که بلکه اگر در سالی یک مرتبه بخواند این
برای او خواهد بود و دعا اینست لا اله الا الله ان الله وملائكته يصلون
على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما لبيك ربنا وسعديك

اللهم

اللهم صل على محمد وال محمد وعلى اهل بيت محمد وال محمد وعلى ذرية
محمد السلام عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته واشهد ان التسليم
لهم والائتمام بهم والتصديق لهم ربنا امنا وصدقنا واتبعنا الرسول
وال الرسول فاكتبنا مع الشاهدين اللهم علينا صبا صبا بلا غما للاخرة
والدنيا من غير كد ولا نكد ولا من من احد من خلقك الا سعة من رزقك
وطيبا من وسعك من يدك الملأى عفافا لا من احد لئام خلقك انك
على كل شيء قدير اللهم اجعل النور في بصري والبصيرة في ديني واليقين
في قلبي والاخلاص في عملي والسعة في رزقي وذكرك بالليل والنهار
على لساني والشكر لك ابدا ما ابقيتني اللهم لا تجذ لي حبث لهيبتي
وبارك لي فيما اعطيتني وارحمني اذا توفيتني انك على كل شيء قدير
نهم شیخ مفید علیه الرحمه در کتاب مجالس از محمد بن الحنفیه رضی الله
عنه روایت کرده است که روزی حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در کعبه
طواف میکردند ناگاه مردی را دیدند که چنگ بر پردهای کعبه زده و این دعا
میخواند حضرت فرمودند که این دعای تو گفت بلی مگر شنیدی فرمود
بلی شنیدم و گفت پس بخوان از اعرابی ان هم ثنا که بخدا سوگند که هر مؤمنی که
چند
این دعا را بخواند بعد از نمازهای لیتر حق تعالی میآمرزد گناهان او را هر
بعدد ستارگان آسمانها و قطرهای باران و ریگ زمین و ذرهای خاک

آن باشد پس حضرت امیر المؤمنین فرمود که من سبب ایمن را و حق تعالی واسع العطا و کریم است
ایمن و گفت راست گفتی یا امیر المؤمنین و بالای هر دانائی دانائی هست و کفعمی
در کتاب بلد الامین روایت کرده است یا من لا یشغله سمع عن سمع یا من لا
یغلطه السائلون و یا من لا یبرمه الحاح الملحین اذقنی برد عفوک و
مغفرتک و حلاوة رحمتک دهم در کتاب عتیق بسندهای معتبر از حضرت
صاحب الامر علیه السلام روایت کرده است که حضرت امام زین العابدین ع بعد
از هر نماز این دعا میخواندند اللهم انی اسئلک باسمک الذی تقوم السماء
و الارض و باسمک الذی به تجمع المتفرق و به تفرق المجتمع و باسمک
الذی تفرق به بین الحق و الباطل و باسمک الذی تعلم به کیل البحار و عدد
الرمال و وزن الجبال پس حاجات خود را طلب نماید یازدهم شیخ طوسی
روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از نمازهای فریضه
این دعا میخواندند اللهم انی اعوذ بک من نفس لا تشبع و من قلب لا
یخشع و من علم لا ینفع و من صلوة لا ترفع و من دعاء لا یسمع اللهم
انی اسئلک الیسر بعد العسر و الفرج بعد الکرب و الرخاء بعد
الشدة اللهم ما بنا من نعمة فمنک وحدک لا اله الا انت استغفرک
و اتوب الیک فصل دوم در تعقیب فریضه ظهر و آن بسیار است اول سید بن طاوس
رحمه الله بسند معتبر از حضرت امام علی نقی ع روایت کرده است که
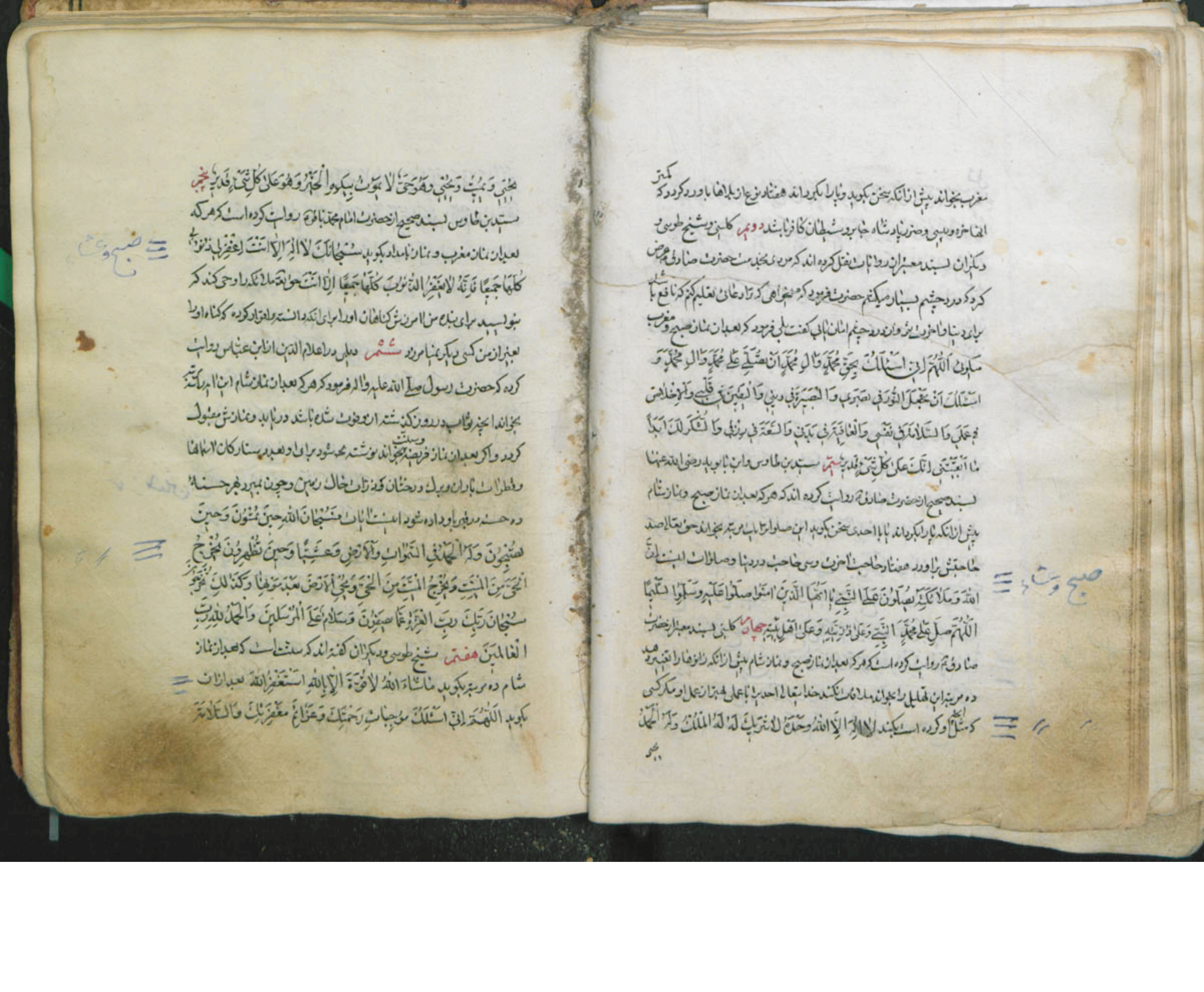
از دعای

از دعای حضرت رسول ص که بعد از نماز ظهر میخواندند این دعا بود لا اله الا الله
العظیم الحلیم لا اله الا الله رب العرش الکریم و الحمد لله رب العالمین
اللهم انی اسئلک موجبات رحمتک و عزائم مغفرتک و الغنیمة
من کل بر و السلامة من کل اثم اللهم لا تدع لی ذنبا الا غفرته و لا هما الا فرجته
و لا کربا الا کشفته و لا سقما الا شفیته و لا عیبا الا سترته و لا رزقا الا
بسطته و لا دینا الا قضیته و لا خوفا الا امنته و لا سوءا الا صرفته و لا حاجة
هی لک رضا و لی فیها صلاح الا قضیتها یا ارحم الراحمین دویم سید بن
طاووس رضی الله عنه بسند معتبر از خادم امام جعفر صادق ع روایت کرده
که آنحضرت بعد از هر نماز از دعاها بسیار تلاوت مینمودند پس گفتم ای
مولای من مرا بعضی از دعاها که میخوانی تعلیم نما فرمود که چون نماز ظهر را
بجای آوری ده مرتبه بگوی بالله اعتصمت و بالله اثق و علی الله اتوکل
پس بگو اللهم ان عظمت ذنوبی فانت اعظم و ان کبر تفریطی فانت
اکبر و ان دام بخلی فانت اجود اللهم اغفر لی عظیم ذنوبی بعظیم عفوک
و کثیر تفریطی بظاهر کرمک و اقمع بخلی بفضل جودک اللهم
ما بنا من نعمة فمنک لا اله الا انت استغفرک و اتوب الیک فصل سیم
در تعقیبات نماز عصر و آن بسیار است اول شیخ طوسی رحمه الله و غیر او در تعقیب
عصر این دعا را آورده اند [illegible] فلک الحمد و عظم

حلمك فعفوت فلك الحمد وبسطت يدك فاعطيت فلك الحمد وجهك اكرم
الوجوه وجاهك خير الجاه وعطيتك اعظم العطايا لا يجانب بالآلك احد
ولا يبلغ مدحتك قول قائل بعد از آن بگو اللهم صل على اثبته العافية واجعلني
في زمرة النبي صلى الله عليه وآله [illegible] وبلغني الغاية وسرور
هني العافيات [illegible] وافعل لي بالحسنى في اموري كلها واعزم لي بالرشاد
ولا تكلني الى نفسي ابدا يا ذا الجلال والاكرام اللهم صل لي في النعمة والدعة
وحببني ما حرمته علي ووجهني الي بالعافية والسلامة والبركة ولا تشمت
بي الاعداء وفرج عني الكرب وادم علي نعمتك واصلح لي الحرث في الهداة
لامر دنياي وآخرتي واجعلني سالما من كل سوء معافا من الشرور وفي منتهي
الشكر والعافية وصلى الله على محمد وآله وسلم شيخ و ديگران اين دعا را
در تعقيب عصر آورده اند اللهم اني اعوذ بك من نفس لا تقنع ومن بطن
لا تشبع ومن قلب لا يخشع ومن علم لا ينفع ومن صلوة لا ترفع ومن دعاء
لا يسمع اللهم اني اسئلك اليسر بعد العسر والفرج بعد الكرب والرخاء
بعد الشدة اللهم ما بنا من نعمة فمنك وحدك لا اله الا انت اتوب
اليك واز حضرت پيغمبر منقولست كه هر كه استغفار كند بعد از نماز عصر
هر روز باين استغفار امر كند حق تعالى دو ملك را كه بسوزانند صحيفه گناهان
او را و استغفار اينست استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم

ذا الجلال

ذا الجلال والاكرام ان تصلي على محمد وآل محمد وان تتوب علي توبة عبد ذليل
خاضع فقير بائس مسكين مستكين مستجير لا يملك لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا
ولا حيوة ولا نشورا منقولست از حضرت رسول كه هر كه بعد از نماز عصر هفتاد
هفت مرتبه استغفار كند تا گناهان هفتاد هفت ساله او آمرزيده شود و فرمود
كه من هفتاد هفت بار باين استغفار مداومت نمودم در برابر دو مادر و خويشان
خود قرار داده و ابن بابويه بسند معتبر از آنحضرت روايت كرده كه هر كه بعد از نماز
عصر هفتاد مرتبه استغفار كند حق تعالى از هفتصد گناه او را و پدر و مادر
و برادر و خواهر او و خويشان او مي آمرزند و بروايت ديگر هر كه بعد از نماز عصر
هفتاد مرتبه استغفار كند گناه هشتاد ساله او آمرزيده شود و جمله احاديث در
فضيلت استغفار بعد از نماز عصر بسيار است و بايد كه هفتاد هفت مرتبه
بگويد استغفر الله ربي واتوب اليه واستغفر الله تنها نيز كافيست فصل
چهارم در تعقيب مخصوص فريضه مغرب و بعضي مشتركست ميان نماز مغرب و
نماز صبح و آن انواع بسيار است اول باسناد صحيح از حضرت صادق منقولست
كه هر كه بعد از نماز صبح و نماز مغرب پيش از آنكه پا را بگرداند و سخن بگويد هفت مرتبه
بگويد بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم حق تعالى
دفع كند از او هفتاد نوع از بلا را كه آسانتر آنها خوره و پيسي باشد و باسناد معتبر
از حضرت امام رضا منقولست كه هر كه اين ذكر را هفت مرتبه بعد از نماز صبح و نماز



مغرب بخواند پیش از آنکه سخن بگوید و پا را بگرداند هفتاد نوع از بلاها را دور گرداند که کمتر
آنها خوره و پیسی و ضرر پادشاه جابر و شیطان کافر باشد دوم کلینی و شیخ طوسی و
دیگران بسند معتبر از روایات نقل کرده اند که مردی خدمت حضرت صادق ع عرض
کرد که درد چشم بسیار میکشم حضرت فرمود که میخواهی که ترا دعائی تعلیم کنم که نافع باشد
برای دنیا و آخرت تو و از درد چشم امان یابی گفت بلی فرمود که تعقیب نماز صبح و مغرب
میگوئی اللهم انی اسألك بحق محمد وآل محمد ان تصلی علی محمد وآل محمد و
اسألك ان تجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص
فی عملی والسلامة فی نفسی والعافیة فی بدنی والسعة فی رزقی والشکر لك ابدا
ما ابقیتنی انك علی کل شیء قدیر سیم سید بن طاوس و ابن بابویه رضی الله عنهما
بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که تعقیب نماز صبح و نماز شام
پیش از آنکه پا را بگرداند یا با احدی سخن بگوید این صلوات را صد مرتبه بخواند حق تعالی صد
حاجتش را بر آورد هفتاد حاجت آخرت و سی حاجت دنیا و صلوات این است ان
الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما
اللهم صل علی محمد النبی وعلی ذریته وعلی اهل بیته چهارم کلینی بسند معتبر از حضرت
صادق ع روایت کرده است که هر که تعقیب نماز صبح و نماز شام پیش از آنکه زانوها را تغییر دهد
ده مرتبه این تهلیل را بخواند ملاقات نکند خدا تعالی احدی با عملی بهتر از عمل او مگر کسی
که مثل آن عمل کرده است بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد
یحیی

یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر پنجم
سید بن طاوس بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که هر که
تعقیب نماز مغرب و نماز بامداد بگوید سبحانك لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی
کلها جمیعا فانه لا یغفر الذنوب کلها جمیعا الا انت حق تعالی ملائکه را وحی کند که
بنویسید برای بنده من آمرزش گناهان او را برای آنکه دانسته و اقرار کرده که گناه او را
نمی آمرزد کسی بغیر از من ششم دیلمی در اعلام الدین از ابن عباس روایت
کرده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که تعقیب نماز شام این آیه را تا تمام
بخواند اجر و ثواب دو روز گذشته از او فوت شده باشد دریابد و نمازش مقبول
گردد و اگر تعقیب نماز فریضه وسنت بخواند نوشته میشود برای او بعدد ستارگان آسمانها
و قطرات باران و برگ درختان و ذرات خاک زمین و چون بمیرد بهر حسنه
ده حسنه در قبر باو داده شود آیات این است فسبحان الله حین تمسون وحین
تصبحون وله الحمد فی السموات والارض وعشیا وحین تظهرون یخرج
الحی من المیت ویخرج المیت من الحی ویحیی الارض بعد موتها وکذلك تخرجون
سبحان ربك رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب
العالمین هفتم شیخ طوسی و دیگران گفته اند که سنت است که بعد از نماز
شام ده مرتبه بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله بعد از آن
بگوید اللهم انی اسألك موجبات رحمتك وعزائم مغفرتك والسلامة



من کل اثم والغنیمة من کل بر والنجاة من النار ومن کل بلیة والفوز بالجنة
والرضوان فی دار السلام وجوار نبیک محمد علیه وآله السلام اللهم ما بنا من نعمة
فمنک لا اله الا انت استغفرک واتوب الیک و باید که بخوابد و بعد از آن در نماز
تا لعن کند بنی امیه را اللهم العن بنی امیة **فصل پنجم** در تعقیبات مخصوص
نماز خفتن است و آن بسیار است **اوّل** سید بن طاووس رضی الله عنه
از عبید بن زراره روایت کرده که مردی بخدمت حضرت صادق ع آمد و از تنگی
شکایت کرد و گفت هر چند در طلب روزی در شهرها سیر می‌کنم تنگدستی من زیاده می‌شود
حضرت فرمودند که چون از نماز خفتن فارغ شوی بتأنی این دعا را بخوان راوی
گفت بعد از نماز این دعا را خواند و اندک روزی که شد حالش نیکو شد و مال بسیار
جمع آمد و دعا اینست اللهم انه لیس لی علم بموضع رزقی وانما انا اطلبه
بخطرات تخطر علی قلبی فاجول فی طلبه البلدان وانا فیما انا طالب کالحیران لا ادری
افی سهل هو ام فی جبل ام فی ارض ام فی سماء ام فی بر ام فی بحر وعلی یدی من ومن
قبل من وقد علمت ان علمه عندک واسبابه بیدک وانت الذی تقسمه بلطفک
وتسببه برحمتک اللهم فصل علی محمد وآله واجعل یا رب رزقک لی واسعا
ومطلبه سهلا ومأخذه قریبا ولا تعننی بطلب ما لم تقدر لی فیه رزقا فانک
غنی عن عذابی وانا فقیر الی رحمتک فصل علی محمد وآل محمد وجد علی عبدک
بفضلک انک ذو فضل عظیم **دوم** در کتاب طب الائمه از حضرت امام محمد
باقر

باقر ع روایت کرده است که هر که بعد از نماز خفتن این دعا را بخواند در آن روز
و شب از ضرر دزد ایمن گردد اعوذ بعزة الله واعوذ بمغفرة الله واعوذ
برحمة الله واعوذ بسلطان الله الذی هو علی کل شیء قدیر واعوذ بکرم
الله واعوذ بجمع الله من شر کل جبار عنید وشیطان مرید وکل مغتال
وسارق وعارض ومن شر السامة والهامة والعامة ومن شر کل دابة صغیرة
او کبیرة بلیل او نهار ومن شر فساق العرب والعجم وفجارهم ومن شر فسقة
الجن والانس ومن شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط
مستقیم **سوم** سید بن طاوس رضی الله عنه بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی ع
روایت کرده است که هر که بعد از نماز خفتن هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند
در آن شب در ضمان حق تعالی باشد از بلاها **چهارم** شیخ طوسی و کفعمی و دیگران
ذکر کرده اند که سنت است که بعد از نماز خفتن هفت مرتبه [illegible] انا انزلناه و
بعد از آن این دعا بخوانند اللهم رب السماوات السبع وما اظلت ورب
الارضین السبع وما اقلت ورب الشیاطین وما اضلت ورب الریاح
وما ذرت اللهم رب کل شیء وخالق کل شیء وملیک کل شیء انت
الله المقتدر علی کل شیء انت الاول فلا شیء قبلک وانت الآخر فلا شیء
بعدک وانت الظاهر فلا شیء فوقک وانت الباطن فلا شیء دونک
ورب جبرئیل ومیکائیل واسرافیل واله ابراهیم واسحاق ویعقوب والاسباط



اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تولّانی برحمتک و لا تسلّط علی احداً من خلقک
ممن لا طاقة لی به اللهم انی اتحبّب الیک فحبّبنی و فی الناس فعزّزنی و من شر
شیاطین الجن و الانس فسلّمنی یا رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله
دعائی که خواهی بکن **پنجم** شیخ طوسی و دیگران گفته اند که مستحب است که بعد از نماز
عشا ده بار سوره فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس را ده مرتبه بخواند و ده نوبت بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله
الا الله و الله اکبر و ده نوبت بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و سنت
است که بعد از عشا بخواند اللهم افتح لی ابواب رحمتک و اسبغ علیّ من حلال
رزقک و متّعنی بالعافیة ما ابقیتنی فی سمعی و بصری و جمیع جوارح بدنی
اللهم ما بنا من نعمة فمنک لا اله الا انت استغفرک و اتوب الیک یا ارحم
الراحمین **ششم** در کتاب طب الائمه علیهم السلام از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که محافظت نماید زنان خود را و فرزندان خود را و مال خود را بخواند بعد
از نماز عشا این دعا را اعیذ نفسی و دینی و اهل بیتی و مالی
بکلمات الله التامات من کل شیطان و هامة و من کل عین لامة **هفتم**
جعفر بن محمد قمی در کتاب مسلسلات از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که آیة الکرسی را بمن عطا کرده اند از گنجی در زیر عرش
و بهیچ پیغمبری پیش از من نداده اند پس حضرت امیر علیه السلام فرمود که هر شب سه مرتبه
ابن بابویه

ابن بابویه شریفه را بخوان از اول بعد از نماز خفتن و بهر دو وتیره و در هنگام خوابیدن سیم پیش از نماز
وتیره و در سحر پس حضرت فرمود که تا این حدیث را از حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنیده ام هیچ شب
در این سه وقت این آیه کریمه را ترک نکرده ام **فصل ششم** در بیان تعقیبات مخصوص نماز
صبح است و ان زیاده از سایر صلوات است و احادیث در فضیلت خصوص این تعقیب
بسیار است چنانچه در روایات بسیار وارد شده است که ما بین طلوع صبح تا طلوع
آفتاب روزی فرزندان آدم را قسمت میکند و هر که در آن وقت مشغول عبادت
و دعا و تلاوت باشد روزیش فراخ میشود و هر که در این وقت بخواب برود یا نماز نه
روزی محروم میشود و خواب این وقت شومست و رو را زرد میکند و رنگ را
زرد میکند و رو را قبیح میکند و بفضاد که حذر کنید از این خواب و بسند
معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر روزی که ابلیس ندا در وارد میشود
خطاب میکند با او که من روزی تازه ام و بر تو گواهم پس در من کار نیکو بکن که دیگر بعد
از این مرا نخواهی دید و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که ذکر خدا بعد
از نماز صبح تا طلوع آفتاب کاملتر است در تحصیل روزی از سفر کردن
در زمین و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که از طلوع صبح تا طلوع آفتاب
در مصلای خود قرار گیرد و بتعقیب مشغول باشد خدا او را از آتش جهنم مستور
گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیطان لشکر روز را از
طلوع صبح تا طلوع آفتاب پهن میکند و لشکر شب را از غروب تا ذهاب حمره

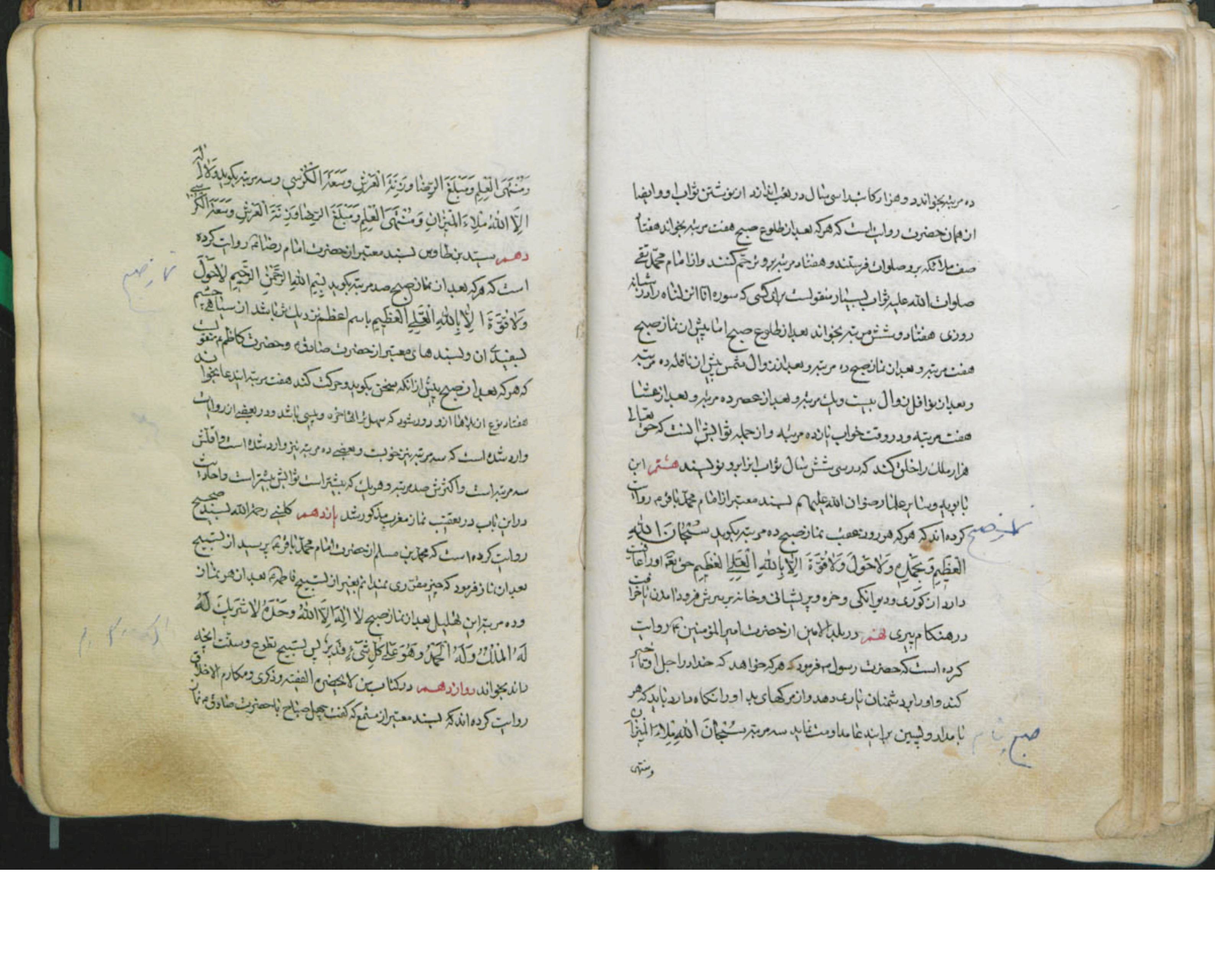
مغربی که نزدیک شامست پس خدا را در این دو ساعت یاد کنید که در این دو ساعت
شیطان آدمی را از عبادت غافل میسازد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که از طلوع صبح تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب باشد ثواب حج برای او نوشته شود
و در حدیث قدسی وارد شده است که حق تعالی میفرماید که ای فرزند آدم یاد کن مرا
بعد از صبح یک ساعت و بعد از عصر یک ساعت تا کفایت کنم مهمات ترا
اما تعقیبات اول ابن بابویه بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده که
هر که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ
حق تعالی او را بیامرزد هرچند آن روز هفتاد هزار گناه بکند و بروایتی دیگر هفتصد گناه
بکند دوم ایضا از ابن بابویه بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع
روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح یازده مرتبه سوره قل هو الله بخواند
در آن روز گناهی برای او نوشته نشود برغم انف شیطان سیم در بلد
الامین از حضرت رسول روایت کرده است که هر که سوره قل هو الله احد را
ده مرتبه بخواند در هر روز در آن روز هرچند شیطان سعی کند گناهی بر او نوشته
نشود چهارم شیخ طوسی رحمه الله در کتاب مجالس روایت کرده است که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون از نماز فارغ میشدند میگفتند
اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِيَ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِي عِصْمَةً پس سه مرتبه میگفتند اللَّهُمَّ
أَصْلِحْ لِي آخِرَتِيَ الَّتِي جَعَلْتَ إِلَيْهَا مَرْجِعِي پس سه مرتبه میگفتند اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ

بک

نماز صبح

بِكَ ... لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ پنجم کلینی
بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه
بگوید مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ در آن روز مکروهی
نبیند ششم در بلد الامین روایت کرده است که مردی بدردی مبتلا شده بود که
اطبا از معالجه آن عاجز شدند روزی کتابی از کتب علما را گشود در اول
صفحه اولش برین حدیث افتاد که حضرت صادق ع فرموده که هر که علتی داشته
باشد بعد از نماز صبح چهل مرتبه این دعا بخواند شفا یابد چون چهل روز آن
شخص که آزار داشت این دعا را ورد کرد شفا یافت و بعد از آن تجربه بسیار
از این دعا نقل کرده اند و ابن ادریس رحمه الله علیه در کتاب سرائر از حضرت
صادق ع روایت کرده است که هر که هر روز سی مرتبه این دعا را بخواند حق تعالی
فقر و بلا از او دفع کند [illegible] که کمتر الفاظ و بیشی باشد شیخ طوسی رحمه الله
گفته است که در تعقیب صبح سی مرتبه این دعا باید خواند و دعا اینست بِسْمِ اللهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ تَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و بروایت کفعمی بعد از الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ بخواند و هر دو
خوبست هفتم کفعمی و غیر او از امام محمد باقر ع روایت کرده است که هر که
سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را بعد از نماز صبح بخواند تا شام در ... شمس

نماز صبح



ده مرتبه بخواند و هزار کاتب سی سال در عقب او اند از نوشتن ثواب او وایضا
از همان حضرت روایت است که هرکه بعد از طلوع صبح هفت مرتبه بخواند هفتاد
صف ملائکه بر او صلوات فرستند و هفتاد مرتبه بر او ترحم کنند و از امام محمد تقی
صلوات الله علیه ثواب بسیار منقولست برای کسی که سوره انا انزلناه را در شبانه
روزی هفتاد و شش مرتبه بخواند بعد از طلوع صبح اما پیش از نماز صبح
هفت مرتبه و بعد از نماز صبح ده مرتبه و بعد از زوال شمس پیش از نافله ده مرتبه
و بعد از نوافل زوال بیست و یک مرتبه و بعد از عصر ده مرتبه و بعد از عشا
هفت مرتبه و در وقت خواب یازده مرتبه و از جمله ثوابش آنست که حق تعالی
هزار ملک را خلق کند که در سی و شش سال ثواب از برای او نویسند **هشتم** ابن
بابویه و سایر علما رضوان الله علیهم بسند معتبر از امام محمد باقر ع روایت
کرده اند که هرکه هر روز بعقب نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله
العظیم و بحمده ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم حق تعالی او را عافیت
دارد از کوری و دیوانگی و خوره و پریشانی و خانه بر سرش فرود آمدن و از خرافت
در هنگام پیری **نهم** در بلد الامین از حضرت امیر المؤمنین ع روایت
کرده است که حضرت رسول ص فرمود که هرکه خواهد که خدا در اجل او تأخیر
کند و او را بر دشمنان یاری دهد و از مرگهای بد او را نگاه دارد باید که هر
بامداد و پسین بر این دعا مداومت نماید سه مرتبه سبحان الله ملاء المیزان

ومنتهی

نماز صبح

صبح و شام

ومنتهی العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش وسعة الکرسی و سه مرتبه بگوید و لا اله
الا الله ملاء المیزان ومنتهی العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش وسعة الکرسی
دهم سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت امام رضا ع روایت کرده
است که هرکه بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم باسم اعظم نزدیکتر باشد از سیاهی چشم
بسفیدی آن و بسندهای معتبر از حضرت صادق ع و حضرت کاظم ع منقولست
که هرکه بعد از نماز صبح پیش از آنکه سخن بگوید و حرکت کند هفت مرتبه این دعا بخواند
هفتاد نوع از بلاها ازو دور شود که سهلتر آنها خوره و پیسی باشد و در بعضی از روایات
وارد شده است که سه مرتبه نیز خوبست و بعضی ده مرتبه نیز وارد شده است و اقلش
سه مرتبه است و اکثرش صد مرتبه و هرچه که بیشتر است ثوابش بیشتر است و احادیث
در این باب در تعقیب نماز مغرب مذکور شد **یازدهم** کلینی رحمه الله بسند صحیح
روایت کرده است که محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر ع پرسید از تسبیح
بعد از نماز فرمود که چیزی مقرری نمیدانم بغیر از تسبیح فاطمه ع بعد از هر نماز
و ده مرتبه این تهلیل بعد از نماز صبح لا اله الا الله وحده لا شریک له
له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر پس تسبیح تطوع و سنت آنچه
داند بخواند **دوازدهم** در کتاب من لا یحضره الفقیه و ذکری و مکارم الاخلاق
روایت کرده اند که بسند معتبر از سماعه که گفت چهل صباح با حضرت صادق ع نماز



کردم چون از نماز فارغ میشد دست مبارک بسوی آسمان بلند میکردند و میگفتند
اصبحنا و اصبح الملک لله اللهم انا عبدک و ابناء عبیدک اللهم احفظنا
من حیث نحتفظ و من حیث لا نحتفظ اللهم احرسنا من حیث نحترس و من حیث لا نحترس اللهم
استرنا من حیث نستتر و من حیث لا نستتر اللهم استرنا بالغنی و العافیة
اللهم ارزقنا العافیة و دوام العافیة و ارزقنا الشکر علی العافیة **سیزدهم**
کلینی و دیگران روایت کرده اند که مردی بخدمت حضرت امام موسی ع آمد که کار
بر من دشوار شده و هر جائی که متوجه میشوم سودی نمی یابم و هر حاجت که رو میکنم
بر آورده نمیشود حضرت فرمود که بعد از نماز ده نوبت بگو سبحان الله العظیم
و بحمده استغفر الله و اسئله من فضله راوی گفت که باندک زمانی که بر این
دعا مداومت کردم جمعی از بادیه آمدند و مرا خبر دادند که مردی از قوم تو مرده
و غیر از تو وارثی ندارد پس مال بسیار بدست من آمد و الحال بی نیازم و در
مکارم روایت کرده که آنحضرت این دعا را تعلیم کردند بهر کس و حال انسان
نیکو شد و قطب راوندی رحمه الله روایت کرده که حضرت رسول صلعم چون از نماز
فارغ میشدند این دعا میخواندند اللهم متعنی بسمعی و بصری و اجعلهما الوارثین
منی و ارنی ثاری فی عدوی **چهاردهم** در کتاب طب الائمه روایت کرده است
که مردی بخدمت حضرت امام محمد باقر شکایت کرد که هر چند ادای دین را
بجا آوردم دستم نرسید و مرا فرزندی نمیشود و عمرم بشصت سال رسیده حضرت

فرمودند

فرمودند که در روز بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه سبحان الله و هفتاد مرتبه
استغفر الله بگو پس این دعا بخوان استغفروا ربکم انه کان غفارا
یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات
و یجعل لکم انهارا **پانزدهم** در عدة الداعی از حضرت صادق ع روایت
کرده است که هر که بعد از نماز صبح بگوید رب صل علی محمد و علی اهل بیته
حق تعالی روی او را از تاب آتش جهنم نگاه دارد و ابن بابویه در ثواب الاعمال
بسند معتبر روایت کرده است که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید اللهم صل
علی محمد و آل محمد تا حق تعالی روی او را از حرارت آتش جهنم نگاه دارد و بروایت
دیگر صد مرتبه پیش از سخن گفتن بگوید رب صل علی محمد و آل محمد و عجل فرج
آل محمد و اعتق رقبتی من النار **شانزدهم** عیاشی از عبدالله سنان روایت
کرده است که گفت بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع رفتم که میخواهی تا دعا
تعلیم کنم که چون بخوانی قرض ادا شود و حالت نیکو شود گفتم که یا امام چه
بسیار محتاجم بچنین دعا فرمود که بعد از نماز صبح بگو توکلت علی الحی
الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک
و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اعوذ بک من البؤس و
الفقر و من غلبة الدین و السقم و اسئلک ان تعیننی علی اداء حقک
الیک و الی الناس و بروایت شیخ طوسی و دیگران چنین است و من غلبة



اللهم صل على محمد وآله واعني على أداء حقك إليك وإلى الناس هفدهم
شیخ و دیگران گفته‌اند که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید استغفر الله و
أتوب إليه و صد مرتبه بگوید اسأل الله العافية و صد مرتبه بگوید استجير بالله
من النار وأسأله الجنة و صد مرتبه بگوید اسأل الله الحور العين و صد
مرتبه بگوید لا إله إلا الله الملك الحق المبين و صد مرتبه بگوید صلى الله
على محمد وآل محمد و صد مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله
والله أكبر و صد مرتبه بگوید ما شاء الله لا قوة إلا بالله العلي العظيم
و صد مرتبه بگوید اللهم قد رضيت بقضائك وسلمت لأمرك اللهم اقض
لي بالحسنى واكفني ما أهمني و صد مرتبه بگوید اللهم أوسع لي في رزقي وامدد
لي في عمري واغفر لي ذنبي واجعلني ممن تنتصر به لدينك هیجدهم کفعمی رحمه الله
روایت کرده است که مردی بخدمت حضرت رسول شکایت کرد که یا محمد از
تنگدستی و پریشانی و بیماری چه سازم حضرت فرمودند که هر صبح و شام ده مرتبه
این دعا بخوان اما سه روز بر این دعا مداومت کرد حال او بصحت و توانگری
و رفاهیت برگشت و شیخ طوسی و دیگران در تعقیب نماز صبح ذکر کرده‌اند
و دعا اینست لا حول ولا قوة إلا بالله توكلت على الحي الذي لا يموت
والحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن
له ولي من الذل وكبره تكبيرا نوزدهم شیخ طوسی و دیگران گفته‌اند
که بعد از

که بعد از نماز صبح ده مرتبه این دعا را بخوانند اللهم اقذف في قلوب العباد محبتي ومن
السموات والأرض رزقي وألق الرعب في قلوب أعدائك مني وانشر رحمتك لي
وأتمم نعمتك علي واجعلها موصولة بكرامتك إياي وأوزعني شكرك وأوجب
لي المزيد من لدنك ولا تنسني ذكرك ولا تجعلني من الغافلين و ده مرتبه بگوید
اللهم لنا ما نخاف عسرته وسهل لنا ما نخاف حزونته ونفس عنا ما نخاف
كربته واكشف عنا ما نخاف غمه واصرف عنا ما نخاف بليته يا أرحم الراحمين
و ده مرتبه بگوید اللهم لا تنزع مني صالحا أعطيتنيه أبدا ولا تردني في سوء استنقذتني
منه أبدا ولا تشمت بي عدوا ولا حاسدا أبدا ولا تكلني إلى نفسي طرفة عين
أبدا و ده مرتبه بگوید اللهم بارك لي فيما رزقتني وزدني من فضلك واجعل لي
المزيد من كرامتك و ده مرتبه بگوید أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك
له إلها واحدا أحدا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا و ده مرتبه بگوید لا إله
إلا الله وحده لا شريك له أحدا صمدا لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا أحد
لم يتخذ صاحبة ولا ولدا و ده مرتبه بگوید اللهم ما أصبحت بي من نعمة أو عافية
في ديني أو دنياي فمنك وحدك لا شريك لك لك الحمد ولك الشكر بها علي
يا رب حتى ترضى وبعد الرضا و ده مرتبه بگوید لا إله إلا الله وحده لا شريك
له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على
كل شيء قدير بیستم شیخ طوسی و دیگران گفته‌اند که بعد از نماز صبح این دعا بخوانند

اللهم مقلب القلوب والابصار ثبت قلبي على دينك ولا تزغ قلبي بعد
اذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب اجرني من النار
برحمتك اللهم امدد لي في عمري واوسع علي في رزقي وانشر علي رحمتك
وان كنت عندك في ام الكتاب شقيا فاجعلني سعيدا فانك تمحو ما تشاء
وتثبت وعندك ام الكتاب **بیست و یکم** گفته اند که بگو احطت على نفسي
واهلي ومالي وولدي من شاهد وغائب بالله الذي لا اله الا هو عالم
الغيب والشهادة الرحمن الرحيم الحي القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم له
ما في السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين
ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه
السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم **بیست و دوم**
شیخ طوسی و کفعمی و دیگران گفته اند که حضرت رسول صلعم با اصحاب خود گفت
که آیا عاجزید از آنکه هر صبح و شام نزد خداوند عالمیان عهدی بگیرید گفتند چگونه
عهدی بگیریم فرمود که این دعا بخوانید که هر که این دعا بخواند مهری بران میزنند و در زیر
عرش الهی میگذارند چون روز قیامت میشود منادی ندا میکند که کجایند آنان که نزد
خداوند رحمن عهدی دارند و آن عهد را بایشان دهند و بان عهد داخل بهشت
شوند و شیخ طوسی رحمه الله این دعا را در تعقیب صبح یاد کرده و دعا اینست
اللهم فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم اني اعهد

الیک

اليك في هذه الدنيا انك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك
وان محمدا صلى الله عليه وآله عبدك ورسولك اللهم فصل على محمد وآله
ولا تكلني الى نفسي طرفة عين ابدا ولا الى احد من خلقك فانك ان تكلني
اليها تباعدني من الخير وتقربني من الشر اي رب لا اثق الا برحمتك
فصل على محمد وآل محمد الطيبين واجعل لي عندك عهدا تؤديه الي يوم القيمة
انك لا تخلف الميعاد **بیست و سوم** کلینی و ابن بابویه بسند معتبر از امام محمد تقی
روایت کرده است که هر که این دعا بخواند بعد از نماز صبح هر حاجت که طلب
نماید میسر شود و مهمات او کفایت کند خدا تعالی بسم الله وبالله وصلى الله
على محمد وآله وافوض امري الى الله ان الله بصير بالعباد فوقيه الله سيئات
ما مكروا لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له
ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين حسبنا الله ونعم الوكيل فانقلبوا
بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله وان كره
الناس حسبي الرب من المربوبين حسبي الخالق من المخلوقين حسبي الرازق
من المرزوقين حسبي الذي لم يزل حسبي حسبي من كان مذ كنت حسبي
لم يزل حسبي حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
بیست و چهارم کلینی بسند معتبر روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح این دعا

بخواند اللهم لک الحمد حمداً لا جزاء لقائله الا رضاک اللهم لک الحمد والیک
المشتکی وانت المستعان اللهم لک الحمد کما انت اهله الحمد لله بمحامده کلها
علی نعمائه کلها حتی ینتهی الحمد الی حیث ما یحب ربی ویرضی وایضا بعد از
نماز صبح پیش از آنکه سخن بگوید چهار مرتبه این دعا بخواند الحمد لله ملاء المیزان
ومنتهی الرضا وزنة العرش سبحان الله ملاء المیزان ومنتهی الرضا و
زنة العرش والله اکبر ملاء المیزان ومنتهی الرضا وزنة العرش پس بگو
اسئلک مسئلة العبد الذلیل ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر
لنا ذنوبنا وتقضی لنا حوائجنا فی الدنیا والآخرة فی یسر منک وعافیة

باب پنجم سید بن باقی از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده است که
گفت بر حمایل شمشیر حضرت امیر المؤمنین ع نوشته دیدم که یا امیر المؤمنین این نقش
چیست فرمود یازده کلمه است که حضرت رسول ص مرا تعلیم کرده است میخواهی
ترا تعلیم کنم که بسبب آن در سفر و حضر و شب و روز جان و مال و فرزندان تو
از بلاها محفوظ باشد گفتم بلی فرمود که چون از نماز صبح فارغ شوی این دعا
بخوان اللهم انی اسئلک یا عالماً بکل خفیة یا من السماء بقدرته
مبنیة یا من الارض بقدرته مدحیة یا من الشمس والقمر بنور جلاله
مضیئة یا من البحار بقدرته مجریة یا منجی یوسف من رق العبودیة
یا من یصرف کل نقمة وبلیة یا من حوائج السائلین عنده مقضیة یا من

لیس

سفری

لیس له حاجب یغشی ولا وزیر یرشی صل علی محمد وآل محمد واحفظنی فی
وحضری ولیلی ونهاری ویقظتی ومنامی ونفسی واهلی ومالی وولدی
والحمد لله وحده **باب ششم** ابن بابویه بسند معتبر روایت کرده که
حضرت رسول صلی الله علیه وآله بعد از نماز صبح این دعا میخواندند اللهم
انی اعوذ بک من الهم والحزن والعجز والکسل والبخل والجبن وضلع
الدین وغلبة الرجال وبوار الایم والغفلة والذلة والقسوة والعیلة
والمسکنة واعوذ بک من نفس لا تشبع ومن قلب لا یخشع ومن عین
لا تدمع ومن دعاء لا یسمع ومن صلوة لا تنفع واعوذ بک من امرأة
تشیبنی قبل اوان مشیبی واعوذ بک من ولد یکون علی ربا واعوذ
بک من مال یکون علی عذابا واعوذ بک من صاحب خدیعة ان رای حسنة
دفنها وان رای سیئة افشاها اللهم لا تجعل لفاجر علی یدا ولا منة

فصل در صبح و شام باید خواند **اول** ابن بابویه بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین
روایت کرده است که هر که پیش از طلوع آفتاب یازده مرتبه قل هو الله و انا انزلناه
و آیة الکرسی بخواند خدا منع کند مال او را از ضرر رسد و فرمود که هر که قل هو الله
و انا انزلناه را پیش از طلوع آفتاب بخواند در آن روز گناهی بر او نوشته نشود
هر چند شیطان سعی کند **دوم** کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی و دیگران گفته اند
بسندهای معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده اند که فریضه که واجب بر هر مسلمانی

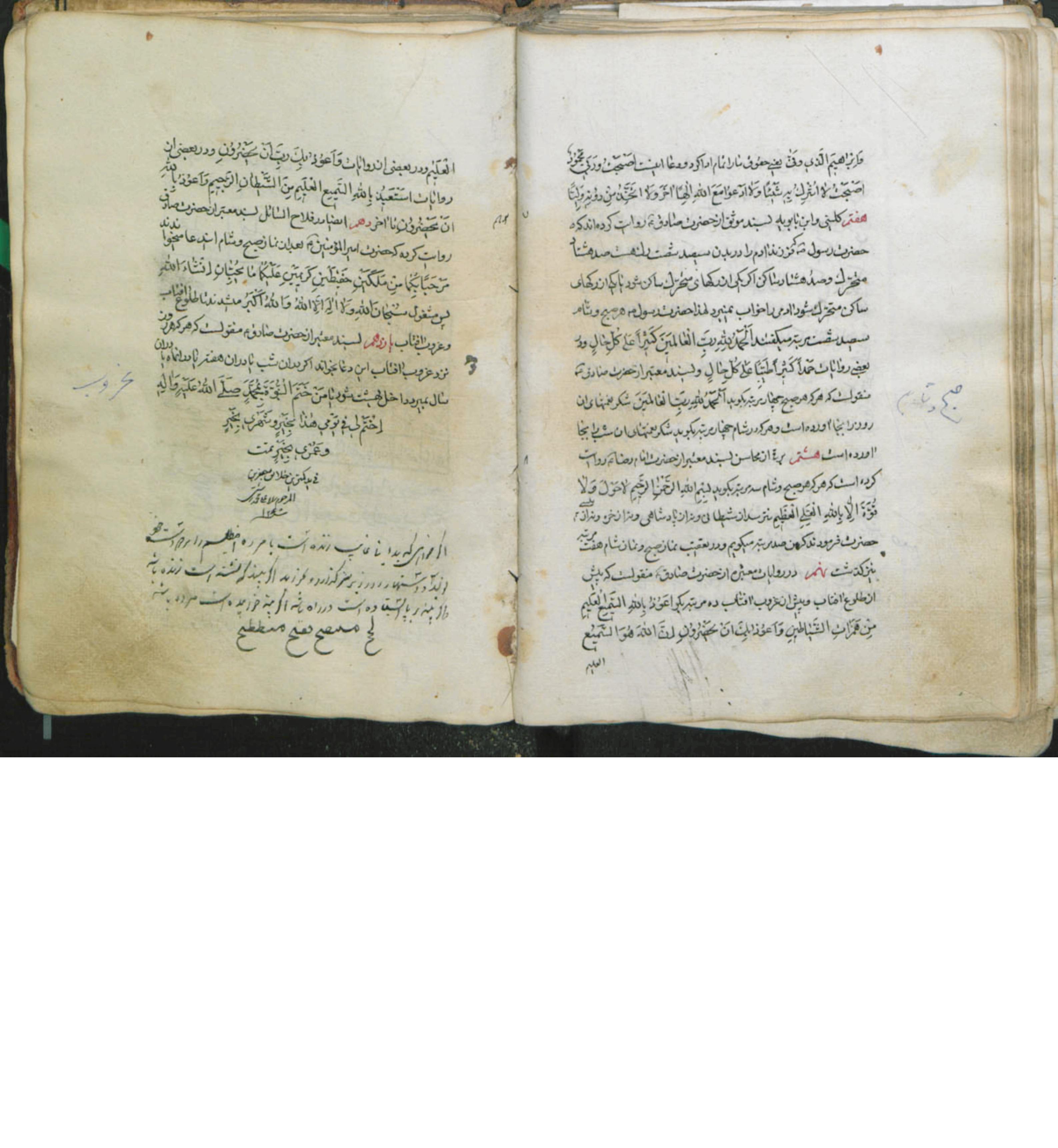
صبح و شام

که بعد از آن دعا بخواند و باید که ده مرتبه پیش از طلوع و ده مرتبه پیش از غروب این دعا
بخواند لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت
وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير و در بعضی روایات چنین
است یحیی ویمیت ویمیت ویحیی و در چندین روایت وهو حی لا یموت
بیده الخیر نیست و در بعضی هست و ظاهر اینجا خوب است و اگر هر دو قسم را بگوید
بهتر است و در بعضی روایات وارد شده است که اگر ترک شود قضا لازم است
و در بعضی روایات کفارهٔ گناهانست در آن روز سوم ابن بابویه و دیگران
بسندهای معتبر از حضرت امام زین العابدین و حضرت صادق علیهما السلام روایت
روایت کرده است که هر که هر شام صد مرتبه الله اکبر بگوید چنان باشد که صد
بنده آزاد کرده باشد و بسند صحیح از امام محمد باقر منقولست که هر که صد مرتبه
پیش از طلوع آفتاب و صد مرتبه پیش از غروب الله اکبر بگوید خداوند کریم برای
او ثواب مثل صد بنده آزاد کردن بنویسد و هر که صد مرتبه بگوید سبحان الله
وبحمده خدای تعالی صد حسنه برای او بنویسد و هر که زیاده بگوید زیاده نوشته
شود چهارم ایضا ابن بابویه بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است
که حضرت رسول فرمود که در بهشت غرفه چند هست که از اندرون آنها
بیرون نمایانست و از بیرون آنها اندرون نمایانست و از امت من کسی
که در آنها ساکن میشود آن کسی است که سخن نیکو گوید و طعام بمردم خوراند

و هر که

و هر که برسد سلام کند و در شب نماز کند در هنگامی که مردم خواب باشند
پس گفت کلام نیک آنست که در صبح و شام ده مرتبه بگوید سبحان الله و
الحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر و در محاسن برقی بسندهای معتبر
از امام محمد باقر روایتست که حضرت رسول ص بمردی رسید که باغی برای
خود غرس میکرد در آنجا ایستاد و فرمود که میخواهی ترا دلالت کنم بر باغی که
اصلش از این باغ ثابت تر باشد و میوه اش زودرس تر باشد و نیکوتر و باقی تر
باشد گفت بلی یا رسول الله فرمود که در صبح و شام بگو سبحان الله و
الحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر که بعدد هر تسبیحی در بهشت ده درخت
برای تو غرس مینمایند از انواع میوه ها و اینهاست باقیات صالحات که در قرآن
خدا تعالی فرموده است پنجم ابن بابویه بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع
روایت کرده است که هر که در عقب شام سه مرتبه این دعا بخواند در آن شب
چیزی از او فوت نشود و جمیع بدیهای او دور کرده و همچنین اگر در صبح
سه مرتبه بخواند در آن روز چیزی از او فوت نشود و جمیع شر از او دور کرده و دعا
اینست فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد في السموات
والأرض وعشيا وحين تظهرون ششم کلینی و ابن بابویه بسند صحیح از امام
محمد باقر و امام جعفر صادق ع روایت کرده است که حضرت ابراهیم ع هر صباح
و شام این دعا میخواندند برای همین خدا تعالی او را در قرآن ثنا گفت که

صبح و شام



و ابراهیم الذی وفّی یعنی حقوق ما را تمام ادا کرد و دعا این است اصبحت و ربی محمود
اصبحت لا اشرک بالله شیئا و لا ادعو مع الله الها آخر و لا اتخذ من دونه ولیا
هفتم کلینی و ابن بابویه بسند موثق از حضرت صادق ع روایت کرده اند که
حضرت رسول ص فرمودند آدم را در بدن سیصد و شصت رگ است صد و هشتاد
متحرک و صد و هشتاد ساکن اگر یکی از رگهای متحرک ساکن شود یا یکی از رگهای
ساکن متحرک شود آدمی را خواب نمی برد لهذا حضرت رسول ص هر صبح و شام
سیصد و شصت مرتبه میگفتند الحمد لله رب العالمین کثیرا علی کل حال و در
بعضی روایات حمدا کثیرا طیبا علی کل حال و بسند معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که هر که هر صبح چهار مرتبه بگوید الحمد لله رب العالمین شکر نعمتهای آن
روز را بجا آورده است و هر که در شام چهار مرتبه بگوید شکر نعمتهای آن شب را بجا
آورده است هشتم برقی در محاسن بسند معتبر از حضرت امام رضا ع روایت
کرده است که هر که هر صبح و شام سه مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم نترسد از شیطان و نه از پادشاهی و نه از خوره و نه از [illegible]
حضرت فرمودند که من صد مرتبه میگویم و در تعقیب نماز صبح و نماز شام هفت مرتبه
نیز گذشت نهم در روایات معتبر از حضرت صادق ع منقولست که پیش
از طلوع آفتاب و پیش از غروب آفتاب ده مرتبه بگو اعوذ بالله السمیع العلیم
من همزات الشیاطین و اعوذ بک ان یحضرون ان الله هو السمیع
العلیم

العلیم و در بعضی از روایات و اعوذ بک رب ان یحضرون و در بعضی از
روایات استعیذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم و اعوذ بالله
ان یحضرون تا آخر دهم ایضا در فلاح السائل بسند معتبر از حضرت صادق
روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین ع بعد از نماز صبح و شام این دعا میخواندند
مرحبا بکما من ملکین حفیظین کریمین املیا علی ما تحبان ان شاء الله
پس مشغول سبحان الله و لا اله الا الله و الله اکبر میشدند تا طلوع آفتاب
و غروب آفتاب یازدهم بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که در روز
نزد غروب آفتاب این دعا بخواند اگر در آن شب یا در آن هفته یا در آن ماه یا در آن
سال بمیرد داخل بهشت شود یا من ختم النبوة بمحمد صلی الله علیه و آله
اختم لی فی یومی هذا بخیر و شهری بخیر
و عمری بخیر تمت

فی ید کمترین خلایق [illegible]
[illegible]
[illegible]

اگر مراد این که بداند غایب زنده است یا مرده [illegible]
[illegible] کشته است زنده باشد
[illegible] در راه باشد اگر [illegible]
لح مصح دمح مصطح

روایت است از امام زین العابدین ع که هر روز باین شکل که نگاه کند محتاج نگردد و آتش جهنم بروی کار نکند

روایت است از امام زین العابدین ع که هر کس هر روز باین شکل نگاه کند محتاج و پریشان نشود

هلحح	هلحح
هلحح	هلحح

نوعی دیگر هر روز باین شکل نگاه کند

یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله

طعحح طعحح طعحح طعحح طعحح طعحح طعحح

اول هر که این دعا را بر پوست شیر یا بر پوست کرک بنویسد و بر بازوی خود ببندد هیچ وقت از خود جدا نکند و همیشه با طهارت باشد همه خلق از وی بترسند و در میان مردمان عزیز باشد و خلایق از وی دوست باشند و مطیع او شوند و سخن او را بشنوند و باید پوست پاکیزه و مطهر باشد

۴۳

دوم اگر کسی این دعای فریشا را بر کلاب خواند و در روی خود راه بشوید رختان نکند هر که را و برابر بیند دوست دارد و حرمت دارد سیم اگر کسی بر پاره کاغذ بخط باریک بنویسد و در زیر زبان گیرد یا جای پنهان کند تا چشم کس بر او افتد و پیش پادشاه و در همه کارهای وی بمراد رسد چهارم اگر کسی خواهد که دشمن خود را هلاک کند باید که غسل کند در میان دو کور بنشیند و یا در بیابان و هفت خط بکشد و در میان خطها بنشیند و بیست و چهار بار این دعای فریشا را بخواند فی الحال دشمن او بیمار شود و برنخیزد پنجم اگر کسی در شهری لشکری از بیگانه رسیده باشد این دعا را نود بار بر هفتاد و هفت فلفل خواند آنگاه بر برجی یا بر جائی بر آید و هزیمت شود بفرمان حق تعالی ششم اگر کسی خواهد لشکر را هزیمت کند مشت خاک از زیر سم اسب ایشان برگیرد و هفتاد بار این دعای فریشا بر آن دمد و آن خاک را بجانب لشکر بیگانه افشاند در حال لشکر بگریزد بعون الله تعالی هفتم اگر کسی خواهد که یکی را از درد عشق خود مبتلا کند باید آنجای دور برود و هفت بار دعای فریشا بر نیت آنکس بر زعفران عنبر خواند و در آتش کند اگر صد فرسنگ

باشد بیاید هشتم اگر کسی خواهد که در سفر بسته نشود بر جامهٔ
کرباس بمشک و زعفران بنویسد و بر اندام خود مالد و آن کرباس را
تعویذ کند و با خود دارد هرگز بسته نشود نهم اگر کسی در زندان
دشمنان در بسته شود و بیرون نتواند آمد هفت بار این دعا را
بخواند و بجانب راست بدمد و هفت بار بجانب چپ و هفت بار پیش
خود بدمد کسی او را نه بیند بقدرة الله تعالی دهم اگر کسی خواهد
که در روزگار دمبراد و اقبال و دولت رفیق او شود و از محنت خلاص
یابد که چهل روز دائم هر روز دوازده بار این دعا را بخواند خدای
تعالی دولتی کرامت فرماید و حاجتهای دینی و دنیائی وی بر آورد
یازدهم اگر کسی بر آب باران یا بر آب جاری بخواند آن آب را هر که
بخورد جملهٔ آدمیان و پریان و دیوان و چرندگان و پرندگان
بترسند و در شهر بیابانها برکت این دعای بزرگوار نگاه دارد
و این نامها فرشتگان مغربیست باید که بوی طهارت بخواند اگر بی طهارت
بخواند در عقوبت افتد دوازدهم اگر کسی هر روز سه بار
بخواند با طهارت و با دبر دستهای خود بدمد و بر روی خود
فروماند و آنچه از بیرون آید هر نیتی که کند بمقصود برسد

س ش ص ض ط ظ ع غ ف ا

قلم کتاب مصحف کنمی

ق ك ل م ن و ه لا ی

چهار... باین قلم نوشته است

ا ب ت ث ج ح خ د ذ

ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق

قلم ... معروف است بقلم الطبری و کتاب طلسمات باین قلم نوشته شده است

ك ل م ن و ه لا ی

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز

س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل



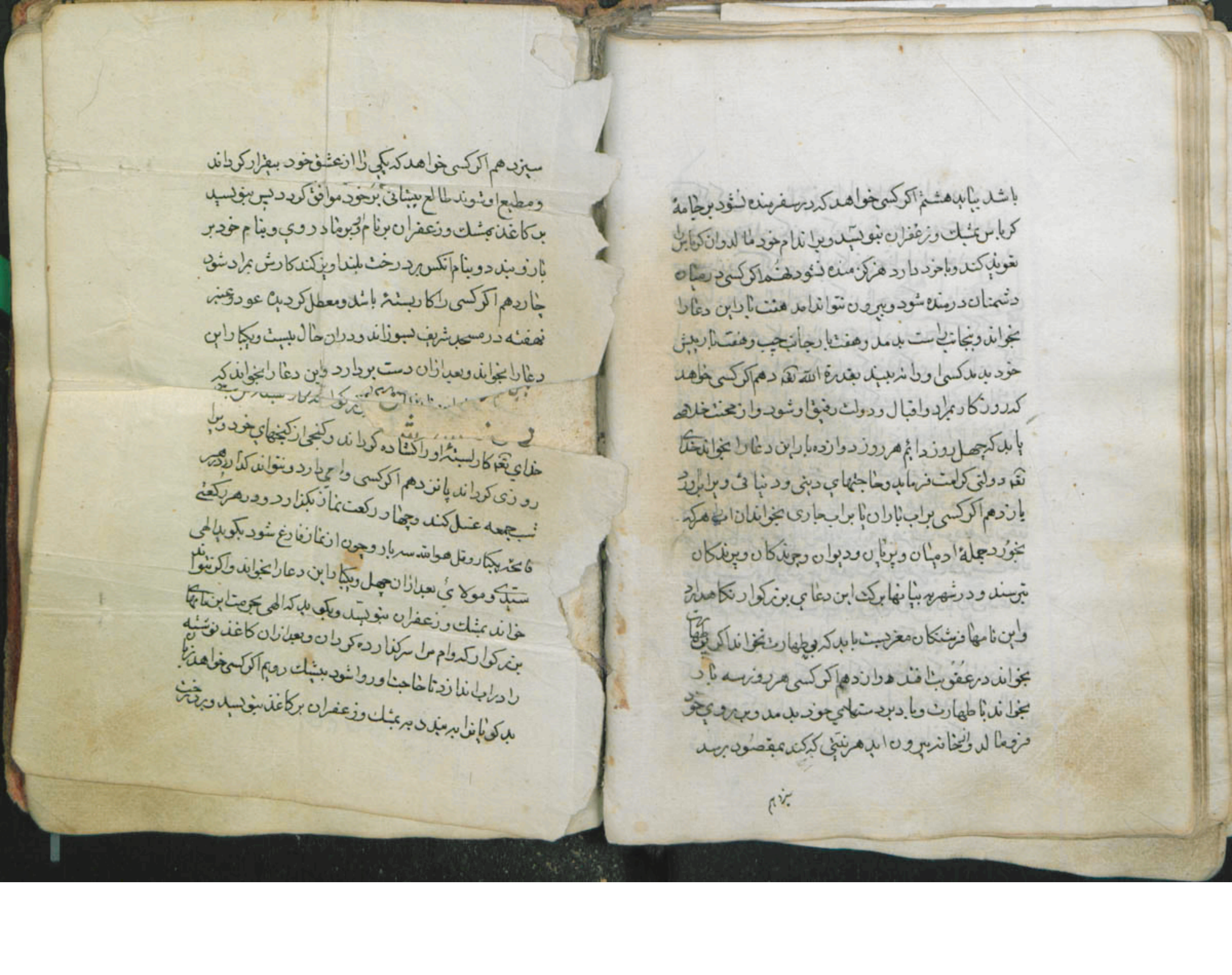
باشد بیاید هشتم اگر کسی خواهد که در سفر منده نشود بر جامهٔ
کرباس بمشک و زعفران بنویسد و بر اندام خود مالد و آن کرباس را
تعویذ کند و با خود دارد هرگز منده نشود نهم اگر کسی در زندان
دشمنان درمنده شود و بیرون نتواند آمد هفت بار این دعا را
بخواند و بجانب راست بدمد و هفت بار بجانب چپ و هفت بار پیش
خود بدمد کسی او را نه بیند بقدرة الله تعالی دهم اگر کسی خواهد
که در روزگار دیر بماند و اقبال و دولت رفیق او شود و از محنت خلاص
یابد که چهل روز دایم هر روز دوازده بار این دعا را بخواند خدای
تعالی دولتی کرامت فرماید و حاجتهای دینی و دنیائی وی برآورد
یازدهم اگر کسی بر آب باران یا بر آب جاری بخواند آن آب هر که
بخورد جملهٔ آدمیان و پریان و دیوان و چرندگان و پرندگان
بترسند و در شهر بپا نهاد برکت این دعای بزرگوار نگاه دارد
و این نامها فرشتگان معزز است باید که بی طهارت نخواند اگر بی طهارت
بخواند در عقوبت افتد دوازدهم اگر کسی هر روز سه بار
بخواند با طهارت و باد بر دستهای خود بدمد و بر روی خود
فرو مالد و از خانه بیرون آید هر نیتی که کند بمقصود برسد

سیزدهم

یازه

تا تو بایند در زبان خصمان بسته شود بیست سیم اگر خواهی که
مردی را بر بندی بیاور نری که گوسفند و هفت سوزن فولادین
هر یکی یکبار این دعا را بخوان و سوزن در نری فرو برو و در زیر
سنگ گران نهد تا خشک شود آن کس بسته شود بیست چهارم اگر
کسی خواهد که همان مرد را که بسته بگشاید سوزنها را بکشاید
و هفت بار این دعای فرشتا را بخواند و بر نری دمد گشاده شود
بیست پنجم اگر خواهد میان دو کس جدائی افکنی بنویس بر کاغذ
و بشوی و بده تا بخورد [illegible]
اگر بر نمک خواند و در دیگ طعام انداز تا پخته شود آن طعام
بدشمنان دهد تا بخورد همه دوست شوند بیست و هفتم اگر
دعای فرشتا را بر سرمه خواند و چشم کشد بر هر که نظر کند
تابع او شود بیست و هشتم بنام غایبی بر کبوتر بندی خوانی
و کبوتر را بیرون کنی و آن غایبی را قرار نباشد و زود بیاید
بیست و نهم اگر زنیک بون خوانی و بدرود دیش زحمت هفت
اندام برود سی ام اگر در خانه کسی این دعای فرشتا باشد
هیچ دیو و پری و ساحر و کژدم و مار مفاجات در نیاید اهل
آن خانه را ایمن باشند سی و یکم اگر کسی در دنیا گناه بسیار کرده

باشد



باشد بیاید هشتم اکر کسی خواهد که در سفر بسته نشود بر جامهٔ
کرباس بمشک و زعفران بنویسد و بر اندام خود مالد و آن کرباس
تعویذ کند و با خود دارد هرکز بسته نشود نهم اکر کسی در زندان
دشمنان در مانده شود و بیرون نتواند آمد هفت بار این دعا را
بخواند و بجانب راست بدمد و هفت بار بجانب چپ و هفت بار پیش
خود بدمد کسی او را نبیند بقدرة الله تعالی دهم اکر کسی خواهد
که روزکار دمبدم در دولت و اقبال رفیق او شود و از محنت خلاص
یابد که چهل روز دائم هر روز دوازده بار این دعا را بخواند خدای
تعالی دولتی کرامت فرماید و حاجتهای دینی و دنیائی وی بر آورد
یازدهم اکر کسی بر آب باران یا بر آب جاری بخواند آن آب هر که
بخورد جملهٔ آدمیان و پریان و دیوان و چرندکان و پرندکان
بترسند و در شهر بیابانها برکت این دعای بزرکوار نکاهدارد
و این نامها فرشتکان معزز است باید که با طهارت بخواند اکر بی طهارت
بخواند در عقوبت افتد دوازدهم اکر کسی هر روز سه بار
بخواند با طهارت و بر دستهای خود بدمد و بر روی خود
فرو مالد و از خانه بیرون آید هر نیتی که کند بمقصود برسد

سیزدهم

سیزدهم اکر کسی خواهد که یکی را از عشق خود بیقرار کرداند
و مطیع او شوند طالع پیشانی بر خود موافق کرده پس بنویسد
بر کاغذ بمشک و زعفران بر نام آن کس بنام داود روی و بنام خود بر
بازو بندد و بنام آنکس بر درخت بلند آویزد که کارش براد شود
چاردهم اکر کسی را کار بسته باشد و معطل کرده عود و عنبر
نیمه شب در مسجد شریف بسوزاند و در آن حال بنشیند و یکبار این
دعا را بخواند و بعد از آن دست بردارد و این دعا را بخواند که
[illegible]
خدای تعالی کار بستهٔ او را کشاده کرداند و کنجی از کنجهای خود وی را
روزی کرداند پانزدهم اکر کسی واجبی دارد و نتواند که ادا کند هر
شب جمعه غسل کند و چهار رکعت نماز بکزارد و در هر رکعتی
فاتحه یکبار و قل هو الله سه بار و چون از نماز فارغ شود بکوید الهی
سبحانک و مولای بعد از آن چهل و یکبار این دعا را بخواند و اکر نتواند
خواند بمشک و زعفران بنویسد و بکوید که الهی بحرمت این نامها
بزرکوار که وام مرا سر کذارده کردان و بعد از آن کاغذ نوشته
را در آب اندازد تا حاجت او روا شود بمشیت شانزدهم اکر کسی خواهد تا
[illegible] بمشک و زعفران بر کاغذ بنویسد و بر درخت



باشد بیاید هشتم اگر کسی خواهد که در سفر بسته نشود بر جامهٔ
کرباس بنبشت و زعفران بنویسید و بر اندام خود مالد و آن کرباس را
تعویذ کند و با خود دارد هرگز بسته نشود نهم اگر کسی در زندان
دشمنان در بسته شود و بیرون نتواند آمد هفت بار این دعا را
بخواند و بجانب راست بدمد و هفت بار بجانب چپ و هفت بار پیش
خود بدمد کسی او را نبیند بقدرة الله تعالی دهم اگر کسی خواهد
که در روزگار ادبار و اقبال و دولت رفیق او شود و از محنت خلاص
یابد که چهل روز دایم هر روز دوازده بار این دعا را بخواند خدای
تعالی دولتی کرامت فرماید و حاجتهای دینی و دنیاوی وی را بر آورد
یازدهم اگر کسی بر آب باران یا بر آب جاری بخواند آن آب را هر که
بخورد جملهٔ آدمیان و پریان و دیوان و چرندگان و پرندگان
بترسند و در شهرها و بیابانها برکت این دعای بزرگوار نگاه دارد
و این نامها فرشتگان معرب است باید که با طهارت بخواند اگر بی طهارت
بخواند در عقوبت افتد دوازدهم اگر کسی هر روز سه بار
بخواند با طهارت و باید بر دستهای خود بدمد و بر روی خود
فرو مالد و از خانه بیرون آید هر نیتی که کند بمقصود برسد

برزخم

در تحفة الزائر از حضرت صادق علیه السلام منقول است
هرگاه ترا حاجتی بسوی خدای تعالی باشد و بسیار مضطر شده
باشی دو رکعت نماز بجا آور و چون سلام بگویی سه مرتبه الله
اکبر بگو و تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها بخوان و بسجده برو
و صد مرتبه بگوید یا مولاتی یا فاطمة اغیثینی پس جانب راست رو را
بر زمین بگذارد و صد مرتبه همین ذکر را بگوید و جانب چپ رو را بر زمین
بگذارد و صد مرتبه بگوید و باز پیشانی را بر زمین بگذارد و صد
مرتبه بگوید و حاجت خود را یاد کن که برآورده میشود و حاجی
حافظه بعد از هر نماز بخوانند سبحان من لا یعتدی
علی اهل مملکته سبحان من لا یأخذ اهل الارض بالوان العذاب
سبحان الرؤف الرحیم اللهم اجعل لی فی قلبی نورا و بصرا
و فهما و علما و حکمة انک علی کل شیء قدیر هرگاه وقت چیدن ناخن
و شارب بگوید بسم الله و بالله و علی سنة محمد و آل محمد بعد هر حرف
موی و ناخن که از او بریده شود ثواب آزاد کردن یک بنده
در نامهٔ اعمال او ثبت خواهند نمود

م ن و ه لا ی

طریق دیگر قلم یونانی است و آن دو قسم است قلم اول بطریق ابجد

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر

ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف

ق ك ل م ن و ه لا ی ا

قلم دویم

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س

ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م

ن و ه لا ی

قلم عبرانی شش قسم است بطریق ابجد قلم اول

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز

س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك

ل م ن و ه لا ی

قلم دویم

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز

س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل

م ن و ه لا ی

قلم سیم

ا ب ت ث ج ح خ

د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق

قلم چهارم

ك ل م ن و ه لا ی ا ب ت ث

ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ

قلم پنجم

ع غ ف ق ك ل م ن و ه لا ی

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش

ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن

و ه لا ی — قلم ششم ابو المعشر کتاب سر [illegible] را بدین

قلم کتابت نموده است — ا ب ت ث

ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض

ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه

لا ی — قلم سریانی دو قلم است قلم اول

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش

ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه

لا ی — قلم [illegible] — ا ب ت ث ج ح خ

د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق

قلم [illegible] از عبرانی

ك ل م ن و ه لا ی [illegible]

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س

ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن

قلم [illegible] است و قلم [illegible] آن رومی است

و ه لا ی

[illegible] بطریق [illegible] قلم [illegible]

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س

ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م

قلم [illegible]

ن و ه لا ی

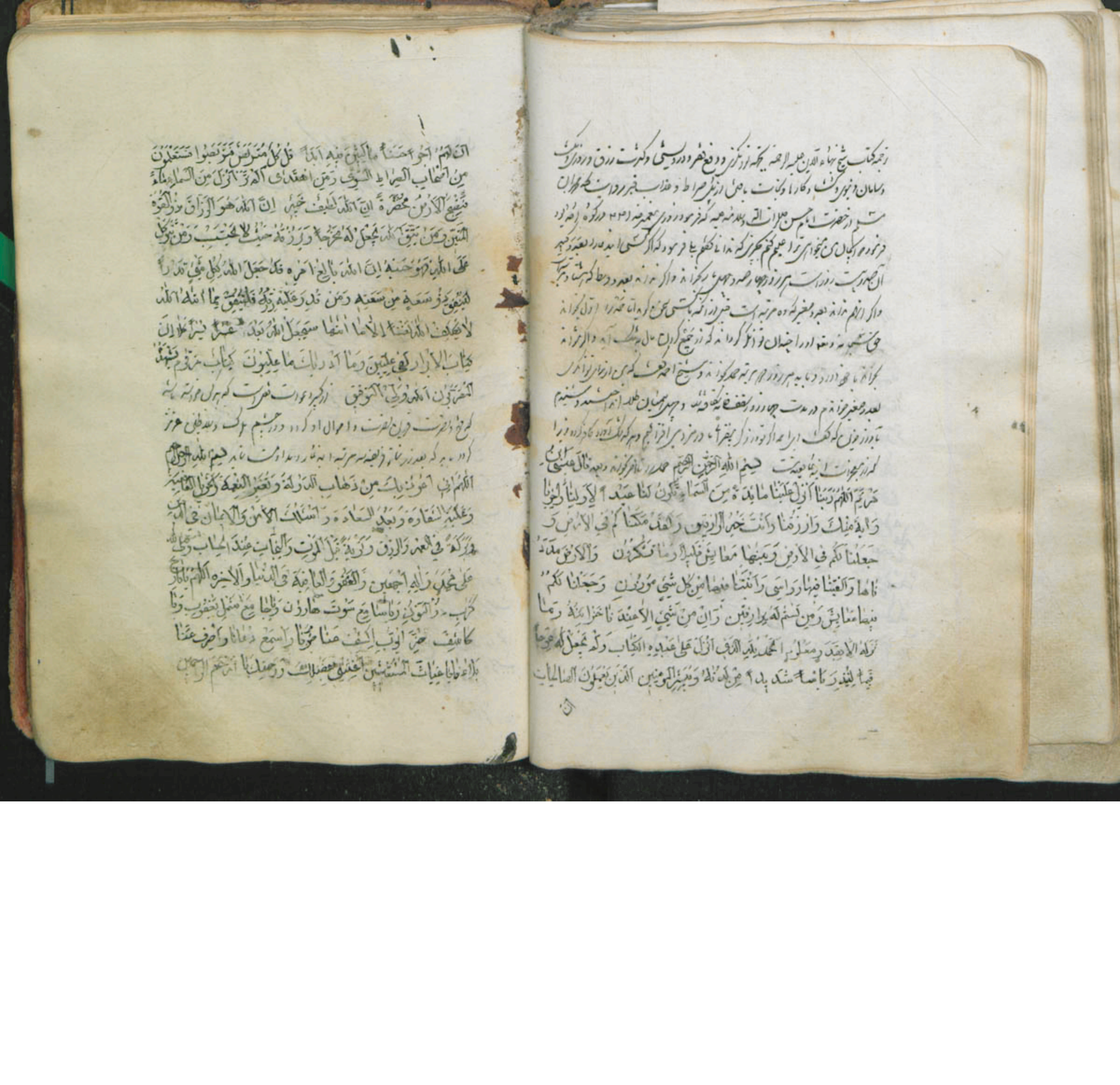
[illegible] از حضرت رسول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

وسه روز [illegible] در صحبت او بود که زیاده از [illegible] حضور [illegible] و بعد از آن کلمات [illegible]
عبادت [illegible] مرا جمعیت [illegible] که خدا [illegible] زیارت
آن بنده [illegible] روز در صحبت آن بنده [illegible] بعد از آن تسبیح [illegible]
[illegible] از جناب حضرت عزت خطاب [illegible]
[illegible] که عزت [illegible] کلمات [illegible] عزت [illegible]
عظیم [illegible] التسبیح [illegible] کلمات

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله كما يحب الله شيء وكما يحب الله أن يحمد وكما هو أهله
وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والحمد لله كلما حمد الله شيء
وكما يحب الله أن يحمد وكما هو أهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز
جلاله ولا إله إلا الله كلما هلل الله شيء وكما يحب الله أن يهلل
وكما هو أهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والله أكبر كلما كبر الله
شيء وكما يحب الله أن يكبر وكما هو أهله وكما ينبغي لكرم وجهه
وعز جلاله وسبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر على عدد كل
نعمة أنعم بها علي وعلى كل أحد من خلقه ممن كان أو يكون إلى يوم
القيامة اللهم إني أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأسألك خير ما أرجو
وأعوذ بك من شر ما أحذر ومن شر ما لا أحذر ولا حول
ولا قوة إلا بالله العلي العظيم مفتاح سبحان [illegible]
شبهای جمعه [illegible] جمعه دیگر [illegible]
رحمه الله

بسم الله الرحمن الرحيم سبحان الدائم الذي ليس له زوال سبحان القائم الذي
لا يغفل سبحان الجواد الذي لا يبخل سبحان الذي لا يعجل سبحانك
ما أعظم جلالك والحمد لله الأول والآخر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
روایت است که [illegible] این دعا [illegible]
هرکه در عمر خود یک بار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لا إله إلا الله عدد
حسابت حسنه او را [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم لا إله إلا الله
عدد ما أحصى علمه ومثل ما أحصى علمه وملء ما أحصى
علمه وأضعاف ما أحصى علمه والله أكبر عدد ما أحصى علمه
ومثل ما أحصى علمه وملء ما أحصى علمه وأضعاف ما أحصى علمه
والحمد لله ما أحصى علمه ومثل ما أحصى علمه وملء ما أحصى علمه
وأضعاف ما أحصى علمه وسبحان الله عدد ما أحصى علمه ومثل ما أحصى علمه
وملء ما أحصى علمه هر که این را [illegible]
[illegible]



بجهت دفع اعدا در هر نماز بخواند ... و روزی او فراخ گردد و مقبول القول
و محبوب القلوب گردد و این مجرب و آزموده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی احمدک علی کل نعمة و استغفرک من کل ذنب
و اسألک من کل خیر و استعیذک من کل بلاء و عناء و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم شیخ صدوق ابن بابویه رحمه الله علیه بسند معتبر
روایت نموده که یکی از اصحاب ... چند روز منقطع ...
و هر روز ... بعد از نماز صبح ... چهل ... سخن گوید ...
الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس ...
... بسم الله الرحمن الرحیم یا مالک الرقاب
و یا هادم الاحزاب و یا مسبب الاسباب سبب لنا سببا لا نستطیع
له طلبا بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علیا ولی الله و بعد از آن
تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام و سایر تعقیبات نماز و چون این حال را ...
ارشاد ... عرض کردم ... مطلب
... روایت نموده که روزی ...
که ... چون او ...
...
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ...
... تعلیم ...
ان ازن

این از شر اعدا ... محفوظ باشم و ... در نظرها ...
و عزیز و محترم باشم ... که ...
... تعلیم ... عمر و عزت و حشمت ...
...
...
...
... حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ...
...
... عمر و ... عزت ... حفظ ...
...
...
...
...
... تعلیم نمودم ...
...
... مقبول القول و محبوب القلوب ...
... شیخ ...
تمام ... شیخ ... تجربه کردم ...

هر کس [illegible] در کیسه نهد [illegible] کرم الهی [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم الله اکبر الله اکبر الله اکبر والحمد لله الذی

خلقنی وصورنی ورزقنی وکذلک فهدانی وجعلنی آیة للعالمین

الله الله الله الله الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله اکبر کبیرا والحمد لله رب العالمین

از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که حاجت داشته باشد که [illegible]

[illegible] اگر حاجت داشته باشد [illegible]

[illegible] بر طرف شود [illegible] مکتوب شود در [illegible]

این دعا را بخواند بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله کما ینبغی لله والحمد لله کما ینبغی لله

ولا اله الا الله کما ینبغی لله الله اکبر کما ینبغی لله ولا حول ولا قوة الا بالله

وصلی الله علی محمد وآله وعلی جمیع المرسلین حتی یرضی الله از حضرت امیر المؤمنین

و امام المتقین علی ابن ابی طالب علیه السلام منقول است که فرمود یا الله العظیم از حضرت [illegible]

که فرمود یا الله العظیم از حضرت جبرئیل شنیدم که گفت یا الله العظیم از حضرت میکائیل شنیدم

که گفت یا الله العظیم از حضرت رب العزه شنیدم که خطاب فرمود که هر کس [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم یا حبیب

الفقراء یا انیس الغرباء یا معین الضعفاء یا عظیم الرجاء یا دلیل المتحیرین یا

غیاث المستغیثین یا حی یا قیوم یا حنان یا منان یا الله یا مسبب الاسباب

یا مفتح الابواب یا مقلب القلوب والابصار یا بدیع السموات والارض

یا ذا الجلال والاکرام [illegible]

اصحاب

اصحاب [illegible] حاجت [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم ما شاء الله

کان وما لم یشأ لم یکن لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم یا قدیم یا

یا دائم یا حی یا دائم یا قائم یا فرد یا وتر یا احد یا صمد یا حی یا قیوم

برحمتک استغیث [illegible] القوی [illegible]

[illegible] ۳ [illegible]

[illegible]

یا الله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الباسط [illegible]

[illegible] از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است [illegible]

[illegible] از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] یا منان ذا الاحسان قد عم کل الخلائق منک فضله

هر که [illegible] جمعه سوره کهف را بخواند [illegible] والم نشرح [illegible] و آیه ام عندهم

خزائن رحمة ربك العزيز الوهاب أم لهم ملك السموات والارض وما بينهما

فليرتقوا في الاسباب [illegible]

حق تعالی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سوره کهف [illegible]

[illegible]

[illegible] والشمس وضحاها [illegible] واللیل [illegible]

[illegible]

[illegible] صحیح است [illegible] روایت است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] زعفران [illegible]

[illegible] آب [illegible]

[illegible] آب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سوره کهف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در هر خانه که این اسم باشد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کهف [illegible]

[illegible]

[illegible] کهف [illegible]

[illegible] زعفران [illegible]

[illegible]

[illegible] حسینی [illegible]

کلمه‌ای را پیش گرفته در زاری مسکر در مسکرات که چون اسم اعظم را که مصطفی [illegible] گرفته گره که مرده
عیال دارم و بسیار زور است هیچ چیزی نکرده‌ام و قرض بسی از هر روز که گذشته است و کسی دیگر
نمی‌ قرض نمی‌کند و در هیچ جای نیافتم تا نرسیده است پس مرا احوال او
رحمت بسیار آمد بعد دادم و این اسم اعظم را به نیک و زعفران نوشتم و گفتم این را
کاسه‌ای بروید و چیزی را با گل و آب بشوید و آن آب را با زر و زر آن آب
وجه زر در روی چهره بدان [illegible] بنگر چند بار بنشستم که از [illegible] دیدم و نظر کردم
انگشت در دم که بر [illegible] دیدم چند در [illegible] و خرسند چنانکه [illegible]
عراق [illegible] دار شیعه دو آمد و دست و پای مرا بوسید و گفت تا وی دیگر را ادا
که آمد عیار را که بودم [illegible] اسم را دادم [illegible] خواجه [illegible] که بجا آوردم
دیر [illegible] آن مجلس دار [illegible] که در خواب دیدم که [illegible] خطاب
کرد و گفت که [illegible] با [illegible] این اسم
نوشته است این اسم [illegible] که [illegible] در آن [illegible] که در سعادت [illegible]
و هر [illegible] حضرت [illegible]
با [illegible] آب بخورد [illegible] گویند که [illegible]
در بغداد [illegible] بودم و [illegible] تا عید [illegible]
خوانده آمد و [illegible] دادم [illegible]
دیدم [illegible] چون باز کردم [illegible]
خواهی اگر [illegible] این اسم [illegible] چون [illegible]
[illegible]

قبل از این بعد گوید که عبد الله ابن زیاد قصد کشتن من کرد [illegible]
[illegible] چون [illegible]
[illegible] نا شد [illegible] آمده [illegible]
[illegible] چون [illegible] آمدم [illegible]
[illegible] تو [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible] این اسم اعظم [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] که [illegible] این اسم را [illegible]
[illegible] حساب [illegible]
[illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اگر [illegible] چون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] این اسم [illegible]
[illegible]

اسماء ... در من دارد هر چه بر مکه [illegible] ... و هر کس این را ... دارد در چشم جمیع
خلق عزیز و محترم باشد ... در چشم ... امین باشد و حاجت او ... اما ...
نافهمیده ... و السلام اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم
لا تأخذه سنة و لا نوم له ما فی السموات و ما فی الارض
من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم و ما
خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات
و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم لا اکراه فی الدین
قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله
فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انفصام لها و الله سمیع
علیم یا رحیم یا رحیم یا کریم یا کریم یا کریم یا کریم و الله
علی کل شیء قدیر یا الله یا الله یا الله یا رحیم یا نادر یا
نادر یا قادر یا شافع یا شافع یا شافع یا قدیر یا قدیر یا قدیر
یا کبیر یا کبیر یا وافی یا وافی یا کافی یا کافی یا کافی
یا شافی یا شافی یا شافی یا قادر یا قادر یا قادر یا شافع
یا شافع یا شافع یا دافع یا دافع یا دافع یا مقتدر یا مقتدر یا مقتدر

هرکه بجهه ح ... باشد ... خود دارد ... کاری که ... چشم ... و ... دارد
یا بر ... در دفتر ... این هر اسم را بخواند یا بادی یا ذکی ح ح ح ح
ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح هرکه بیت را ... خواهد باخود
دارد اگر عاشق باشد ... و ... دارد ... و کار ... باشد
... امین باشد و ... این هر اسم را بخواند یا رحیم یا امان
 س س س س س س س س س س س س س س س س س س س هرکه یک ...
ک ... همه ... امین باشد و در ... دولت ... دارد ...
همه ... و ان را در هر وقت ... است ... این هر اسم را بخواند
یا غفور یا شکور ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک
ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک
ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک
ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک
ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک
ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک ک
ک ک ک ک هرکه بجهه ... باشد ... خود دارد ... دارد ...

دوازده بندان حلالی باید و در قبض بودن کشاده گرداند و در وقت نوشتن این اسم گوید یا مالک یا مهیمن

ق ا ق ق ق ق ق ق ق ق ق ق ق ق ق هر که بیضه را بزده

برسد و در آب محبه با خود دارد در نظر پادشاهان محترم باشد و دل او در دلش گردد دعا حب او را دهم

و در وقت نوشتن این اسم در آن گوید یا سبحان یا الله ||||||||||||||||||||

||||||||||||||||||||||||||||||||||||||||

||||||||||||||||||||||||||||||||| هر که [illegible] بر زند [illegible]

دعا خود و در [illegible] به نیل بر روی کفن نهد و در همراه او این دعا [illegible] در وقت نوشتن این

اسم را گوید یا کبیر یا هادی ب ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه

دعا یا دعا است که جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله در جنگ احد ذکر [illegible] سجاد [illegible]

و این دعا را بسم الله باید خواند که حضرت امام الحسن والحسین امیر المؤمنین ع این ادعا

هر سلام در هر [illegible] کشاد [illegible] بعون الله تعالی لفصل بسم الله الرحمن الرحیم

بدو لیث بسم الله الرحمن الرحیم لسقعص بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم اللهم

صمدی من عندک مددی و الیک معتمدی و تخرج همی یا ابو الغیث

اغثنی اغثنی یا مولای یا مولای یا مولای ادرکنی ادرکنی

ادرکنی العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة یا علیا مظهر

العجائب تجده عونا لک فی النوائب لی الی الله حاجة و الیه مولای

بما امرت ما اتخذ قبل الله ولی ولی ادعوک کل هم و غم سینجلی بولایتک

یا علی یا علی یا علی ادرکنی ادرکنی ادرکنی العجل عجل عجل بلطفک الخفی الخفی

الخفی

خفی انا من اعدائک بری بری بری و بعد از آن دست بردارد حضرت

در عهد [illegible] از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که پرسیدم از حضرت رسالت ص

از تفسیر مقالید [illegible] عادات فرمود که [illegible] در صبح [illegible]

در تمام هر که [illegible] خدای [illegible] حفص [illegible] شیطان [illegible]

دست [illegible] که [illegible] روز [illegible] اگر [illegible] سنگین [illegible]

[illegible] که [illegible] کاران [illegible] را [illegible]

[illegible] در وقت خواندن [illegible] در روز قیامت [illegible]

[illegible] قرآن [illegible] کرده باشد [illegible]

[illegible] کرده باشد و اگر در آن شب در آن روز بمیرد شهید مرده باشد والله اعلم بالصواب

لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله استغفر الله لا حول و لا قوة الا بالله

هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن له الملک و له الحمد یحیی و یمیت

و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر روایت

از فوائد این اسم که در روزگار سلطان محمود سبکتگین [illegible] معاف افتاد

چون [illegible] شیر [illegible] اسیر [illegible] ملائکه [illegible]

[illegible] قبول نکرد سلطان محمود [illegible] روز [illegible] و [illegible]

[illegible] تیر [illegible]

سلطان محمود [illegible] او [illegible] حال [illegible]

[illegible] سبکتگین [illegible]

از عجایب بدان [illegible] سلطان محمود [illegible] صورت [illegible] باد

اگر همه عالم [illegible] قصد کند ضرری بدو نرسد [illegible] سلطان محمود [illegible] از خواب بیدار شد [illegible] دعا را
[illegible] خواند و سر بر آورد [illegible] دعا دید که [illegible] نوشته دعا چون زر [illegible]
[illegible] در [illegible] بس سلطان محمود [illegible] [illegible] دعا را [illegible] [illegible]
عمر [illegible] و چون وقت وفات او رسید [illegible] [illegible] دعا [illegible]
این دعا را [illegible] [illegible] [illegible] همه کس [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم انه ولي الاجابة
والقادر على ما يشاء اللهم اني اسألك بحقك يا الله يا الله يا الله
يا رحمن يا الله يا رحمن يا الله يا رحمن يا الله يا رحمن يا رحيم يا رحيم
يا رحيم يا ملك يا قدوس يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز
يا جبار يا قهار يا وهاب يا مجيد يا فعالا لما يريد رب السموات
السبع ورب العرش العظيم يا ذا المن والجود والاحسان يا واسع
العطايا يا سامع الدعا يا لطيفا لما يشاء يا مسبب الاسباب
يا مفتح الابواب يا ستار العيوب يا غفار الذنوب يا كاشف الكروب
والآلام يا علام الغيوب يا عالم السر والخفيات يا معين الضعفاء
يا دافع البلايا ويا راحم المساكين يا حبيب التوابين يا مقيل عثرات العاصين
يا خير الناصرين يا خير الفاصلين يا مالك يوم الدين يا انيس المستوحشين يا هادي
المضلين يا كافي المتوكلين يا ارحم الراحمين يا الله العالمين لا اله الا انت ولا شبيه
لك ولا شريك لك ولا مثيل لك يا خالق كل مخلوق يا رازق كل مرزوق يا
الذي لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين احرسني [illegible] يا الله الذي
لا اله

لا اله الا هو العزيز الحكيم الكبير والقرآن القديم ورب العرش العظيم يا [illegible]
[illegible] يا عزيزا لا يضام اللهم انت ربي لا اله الا انت خالقتني وانا عبدك
وانا على عهدك ووعدك [illegible] اعوذ بك من شر ما صنعت [illegible]
واغفر لي ذنوبي فانه لا يغفر الذنوب الا انت اعيذ واحرز [illegible]
كتابي هذا يا الله العظيم البرهان الشديد السلطان يا من [illegible]
يوم هو في شان واعوذ بك من مكاره الطاعون وهجوم البلاء و
شماتة الاعداء ومن شر السيف [illegible] وسلطان ظالم [illegible]
ومن [illegible] بالبصر و[illegible] يا الله جبرئيل وميكائيل واسرافيل
وعزرائيل ومن عد [illegible] [illegible] والنبيين و[illegible]
[illegible] [illegible] ومن الجن والانس والشياطين [illegible]
يا ارحم الراحمين روايت است از حضرت امير المؤمنين [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] اف كنوش اف كنوش اف كنوش
ال ششش عطسطلع عطسطفخ ششش يا منطر [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] حطوس ن مشقص
[illegible] صعوس ٥ امطوس ن حطوس لطفكس
اقطعوس اقطيعوس لطفكس ٥ انطيعوش انطعوش هذا حين
وما كنت بجانب الغربي اذ قضينا الى موسى الامر وما كنت من الشاهدين

أخرج بقدرة الله منها أيها اللعين بعزة بقوة رب العالمين أخرج منها وإلا
كنت من المرجومين أخرج منها فإنك رجيم فما يكون لك أن تتكبر فيها فاخرج إنك
من الصاغرين أخرج منها مذؤوما مدحورا ملعونا كما لعنا أصحاب السبت وكان أمر الله
مفعولا أخرج بالذي [illegible] أخرج باسوم اسوب اسور اسوم الاسم المحزون
يا مطططرون طرعون مراعون تبارك الله أحسن الخالقين يا هيا يا هيا
شراهيا حيا قيوما يا الاسم المكتوب على جبهة إسرافيل اطرد عن صاحب هذا
الكتاب كل جني وجنية وشيطان وشيطانة وتابع وتابعة وساحر وساحرة
وغول وغولة وكل متعبث وعابث يعبث بابن آدم ولا حول ولا قوة إلا
بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد وآله أجمعين الطيبين الطاهرين

حرحرحرحرحرحرم سوخند ابل رس
حلد مل [illegible] الكبريت حذر من الطويل
[illegible] دعا بسم الله الرحمن الرحيم هر که صاحب قرض باشد این دعا را نوشته در آب روان اندازد
ادای قرض او [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم
لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم بسم الله الملك الحق المبين من العبد الذليل إلى
المولى الجليل إني مسني الضر وأنت أرحم الراحمين فاكشف عني الغم ما أنا
فيه واكشف عني همي وفرج عني بحق محمد وآله وأهل بيته الطيبين الطاهرين
نعمت که هر که بعد از نماز [illegible]
[illegible] يا من لا يشغله سمع عن سمع يا من لا يغلطه
السائلون يا من لا يبرمه إلحاح الملحين أذقني برد عفوك وحلاوة رحمتك

یا ارحم

هر کس بعد از نماز عصر [illegible] بخواند [illegible] أستغفر الله الذي
لا إله إلا هو الحي القيوم الرحمن الرحيم ذو الجلال والإكرام وأسأله أن يتوب
علي توبة عبد ذليل خاضع فقير بائس مسكين مستكين مستجير لا يملك لنفسه نفعا
ولا ضرا ولا موتا ولا حياة ولا نشورا هر کس بعد از نماز عصر ده مرتبه [illegible] بخواند
[illegible] در آن روز ثواب [illegible]
[illegible] حاجات بسیار مجرب است [illegible]
[illegible] أستغفر الله وأتوب إليه [illegible]
[illegible] سبحان الله والحمد لله [illegible]
[illegible]
آمين يا قاضي حوائج السائلين [illegible]
سبحان الله العظيم وبحمده أستغفر الله وأتوب إليه وأسأله من فضله [illegible]
[illegible] از حضرت امیر المؤمنین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

والحرز بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد وآل محمد واسألك الجنة ورضوانك
والجنة واعوذ بك من شر الشر بخطيك والنار اللهم انت ثقتي في كل كرب وانت
رجائي في كل شدة وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة ورجاء فاكفني ذنوبي
كلها واكشف همي وفرج غمي واغنني بحلالك عن حرامك وبفضلك عمن سواك وعافني
في اموري كلها وعافني من خزي الدنيا وعذاب الآخرة واعوذ بك من شر نفسي ومن شر غيري
ومن شر السلطان والسلطان ومن خفقة الجن والانس وخفقة العرب والعجم وركوب الحادثين
كلها ومن نصب لاولياء الله احتجب بالله من كل سوء عليه توكلت وهو
رب العرش العظيم و سه بار هر که [illegible] و احوال [illegible]
و [illegible] اعيذ نفسي وديني واهلي ومالي وولدي واخواني
في ديني وما رزقني ربي [illegible] ومن يعنيني امره بالله الواحد الاحد الصمد
الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد وبرب الفلق من شر ما خلق ومن شر
غاسق اذا وقب ومن شر حاسد اذا حسد برب الناس ملك الناس اله الناس
من شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في صدور الناس من الجنة والناس حسبي
ربي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم ما شاء الله كان
وما لم يشأ لم يكن واعلم ان الله على كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء
علما واحصى كل شيء عددا اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي ومن شر كل دابة
انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم و [illegible]
روایت است که هر که [illegible] هر که خواندن [illegible]

که هر که [illegible] ... [illegible]
روایت است از امیر المؤمنین ع که هر که خواهد [illegible]
از کدورات [illegible] و [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] حضرت امیر المؤمنین ع [illegible]
تعلیم [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسألك باسمك المكنون المخزون الطاهر الطهر
المبارك واسألك باسمك العظيم وسلطانك القديم يا واهب العطايا ويا مطلق
الاسارى ويا فكاك الرقاب من النار ان تصلي على محمد وآل محمد وان تعتق
رقبتي من النار وتخرجني من الدنيا سالما وتدخلني الجنة آمنا وان تجعل دعائي
اوله فلاحا واوسطه نجاحا وآخره صلاحا انك انت علام الغيوب
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

در برا را دبدارد و گوید دران نظر کن و دعای ... کواند اگر کف که چیزی ... رزاد

رفع شده و دعای ... قدرت ... باکت در ... کواند ... اسمائکه باید بنویسد این است فاوق ماوق ناوق لاوق فاوق شاوق

خاوق جاوق و ... که الف ... و گفت خود ... بنویسد این است

لا مطلح ۳ ۲ ... حسه

هرکه خواهد که ... این ... را ... صح صلح و صح

طلسم ... که صد صد ... هزار ... این ... طلسم ... (۰۱۱۲)

و این دعای ... قدرت ... حفظ ... باید ... خواند ... بسم ...

گرانند و بعد ... یا مطابلیعد حمایل حسیحسن ... یا اعظم یا

حلیم یا حلیم یا ناسیم یا دائم یا حمید یا علیم یا قاهر ذا البطش الشدید

برحمتک یا ارحم الراحمین ... که ... و ... خواهی که او ...

... باید که ... سلیمان ... دران ... در ... سوال ... اول باید

... را ... و ... در ... اندازد ... آب ...

... و ... در ... کف ... را ... بسته

و ... بر ... و ... طلسم ... النهی ... (۰۱۱۲)

و بعد از آن ... هیبت ... اند ... جمع ... و ... و ...

آیند و هر چه ... باشند ... و هر چه ... باشند ... و هر چه زرد

... باشند ... باشند و هر چه ... باشند ... باشند و هر چه ...

آدمی باشد ... و هر ... خود ... قسم ...

...

... سلیمان بن داود ... و ... از ... و ...

لا عظیم ... میخوانند ... و ...

... و الله ... علیهم ... و ... عظیم ...

بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم بالذی عزمت علیکم بالذی عزمت الله ... سلیمان بن داود

و ... الجن و الانس و عزمت علیکم بالذی ... استینا ... و ... الله

... یا ... الکرام ... ان الذین ... المومنین و المومنات ثم لم یتوبوا

فلهم عذاب جهنم ... یا معشر الجن و الانس یا الله العزیز ... علیکم ... داود

ان ... یا ... بالجنیان ... اخرجوا ... النفس

الضعیف ... اجیبوا داعی الله و اطیعونی بعزة الله ... و لا حول و لا قوة

الا بالله العلی العظیم انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین و عزمت علیکم

یا معشر الجن و الانس ... یا ... المیمون ...

...

... السلام ... سلیمان ...

... الکهیعص ...

... محمد رسول الله ... العلماء ...

... المیلادة ... الحق ... الحق ...

و ... الله

یا ...
...



مقيمًا ... هذا كتابنا ينطق عليكم بالحق إنا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون ورسلنا يكتبون
ما تمكرون ... اذهب بكتابي هذا فألقه ... الا منام والى من بن عم
ان مع الله الها آخر لا اله الا هو كل شيء هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون ثم لا يبصرون
حم عسق تفرق أعداء الله وبلغت حجة الله ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي
العظيم فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم يا معشر الجن والإنس إن استطعتم أن تنفذوا
من أقطار السموات والأرض فانفذوا لا تنفذون إلا بسلطان إنه من سليمان وإنه
بسم الله الرحمن الرحيم ألا تعلوا علي وأتوني مسلمين
عزمت عليكم يا معشر الجن والإنس من المجوسية والمؤمنون والمؤمنات
بعزيمة الله تعالى عز وجل وبعزيمة سليمان ابن داود عليه السلام
وبمحمد عليه السلام والذين سخر له الجن والشياطين والإنس و
الطيور والوحوش وبكلمات الله التامات من شر ما خلق وذرأ
وبرأ وأعوذ بالله استعاذ به كل ملك مقرب والنبوة رسل
وخاتمهم عزمت عليكم بالتوراة وبكل حرف في التوراة وبكل
آية في التوراة وبكل عهد وميثاق في التوراة أخرج بإذن الله
الذي لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم عزمت
عليكم بالإنجيل وبكل حرف في الإنجيل وبكل آية في الإنجيل وبكل
وعهد ميثاق

عهد وميثاق في الإنجيل أخرج بإذن الله الذي لا تدركه الأبصار وهو
وهو اللطيف الخبير عزمت عليكم بالزبور وبكل حرف في الزبور
وبكل عهد وميثاق في الزبور وبكل اسم في الزبور أخرج بإذن الله
الذي لا إله إلا هو الرحمن الرحيم عزمت عليكم بالقرآن وبكل حرف
في القرآن وبكل اسم في القرآن وبكل عهد وميثاق في القرآن وبكل آية
في القرآن أخرج بإذن الله الذي لا إله إلا هو وجاء الحق وزهق
الباطل إن الباطل كان زهوقا وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة
للمؤمنين ولا يزيد الظالمين إلا خسارا وصلى الله على محمد وآله أجمعين برحمتك
يا أرحم الراحمين

وبه [illegible] الکتاب — بسم الله الرحمن الرحیم — جواهر خمسه — نستعین

الحمد لله الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد حمد لا نهایت و ثناء بی نهایت
مالک الملک را که حقایق کنه و اعیان ممکنات را از صور اسماء الهی بظهور آورد و به تجلیات
گوناگون مزین و منجلی گردانید آفتاب احدیتش از دریچه وحدت جهان را عالم تاب [illegible] که خبر داد
همگی بود وجود در عدم [illegible] در خلافت از اسم جامع [illegible] جمع الجمع را داشت و علم آدم الاسماء
در صفت اسماء و صفات افراشت و گفته ان الله خلق آدم علی صورة الرحمن
[illegible] و مصطفی [illegible] فنفخت فیه من روحی [illegible] و مقاله و حدیث المؤمن
مرآة المؤمن [illegible] فتبارک الله احسن الخالقین
چون نظر [illegible] جواهر خمسه [illegible] فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس
[illegible] و اللیل اذا عسعس [illegible] و الصبح اذا تنفس [illegible]
[illegible] که و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون
[illegible] الا که معرفت عرفت ربی بربی [illegible]
[illegible] و [illegible]
مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] من رآنی فقد رأی الحق [illegible]
[illegible] سبحانک لا احصی ثناء علیک [illegible]
در مقام [illegible] الصلوة [illegible]
[illegible]
[illegible] قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی
[illegible] ان الله سخر لکم
ما فی السموات و ما فی الارض و اسبغ علیکم نعمه ظاهرة و باطنة [illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لله میراث السموات و الارض [illegible]
[illegible] الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار [illegible]
[illegible]
والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا [illegible]
[illegible] سوف ترى [illegible] اولئک الذین یدعون یبتغون الی ربهم الوسیلة
ایهم اقرب [illegible]
[illegible]
[illegible] ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله [illegible]
[illegible]
ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

رسانیده اند که بعضی از مواضع این کتاب نقلی ... [illegible] التسبیح فرمایند و ترتیب ... [illegible]

تا براورده مجبان صادق و دران مختلف بعضی ... تقدیم و تاخیر ... [illegible]

عمران ... [illegible] ... باین کتاب ... [illegible]

هفتی ... [illegible] جوهر اول ... جوهر دوم ... جوهر سیم ... [illegible]

... جوهر چهارم ... جوهر پنجم ... [illegible]

و طریق آن جوهر اول در عبادت ... [illegible]

... رکعت نماز ... در هر رکعت بعد الحمد ... سورة الفجر بخوانند ... سورة الفلق بخوانند ... [illegible]

... این آیت بخوانند ... فالق الاصباح ... ولكن اكثر الناس لا يعلمون

... این تسبیح ... ارزقني البقاء بعد الفناء ... [illegible]

... بخوانند ... اول سورة انعام بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی

خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون هو الذي خلقكم

من طين ثم قضى اجلا واجل مسمى عنده ثم انتم تمترون وهو الله في السموات وفي الارض يعلم

سركم وجهركم ويعلم ما تكسبون ... فالق الاصباح وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا

حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم ... الحمد لله الذي ذهب بالليل مظلما بقدرته

وجاء بالنهار مبصرا برحمته اللهم هذا خلق جديد ... [illegible]

... [illegible] ... حسنة ... [illegible]

... وما عملت فيه من سيئة فاغفرها لي ... انك غفور رحيم اللهم اغفر لي

وارحمني واهدني واجبرني وارزقني وعافني واعف عني ... [illegible]

... [illegible] ... بعد ... سورة ... [illegible]

... سبحانك اللهم ... استغفر الله واتوب اليه

در ضرب ... فرموده که این تسبیح ... [illegible]

و الحمد ... [illegible]

جهد از فرض ... [illegible] ... لا اله الا الله

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت ... الخير

بيده الخير وهو على كل شيء قدير ... لا اله الا الله وحده وحده صدق وعده

ونصر عبده واعز جنده ... لا اله الا الله ... والحمد لله ... لا اله الا الله

ولا نعبد الا اياه مخلصين له الدين ولو كره الكافرون لا اله الا الله ... [illegible]

... [illegible] ... ولا شريك ... رسول الله ...

... لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم الحمد لله رب العالمين ... لا اله

الا الله ... لا اله الا الله ... لا اله الا الله ... [illegible]

لا اله الا الله ... لا اله الا الله ... لا اله الا الله ... [illegible]

... اللهم ... اصبحنا ... [illegible]

اصبح الملك لله والعظمة لله والقدرة لله ... [illegible]

الليل والنهار وما سكن فيهما لله الواحد القهار اصبحنا على فطرة الاسلام وكلمة الاخلاص

ودين نبينا محمد ... وملة ابينا ابراهيم حنيفا مسلما وما كان من المشركين ...

... [illegible]

... حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم ... اللهم

... [illegible]

بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض ولا في السماء وهو السميع العليم

سه بار بگوید سبحان الله وبحمده سبحان الله العلی العظیم وبحمده استغفر الله من کل ذنب واتوب الیه ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم ابدا ما [illegible] عندک واقض علینا من فضلک وانشر علینا من رحمتک وانزل علینا من برکاتک وجنبنا سخطک
[illegible] لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله استغفر الله [illegible] الاول والاخر
والظاهر والباطن له الملک وله الحمد بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر سه بار بگوید اللهم انت خلقتنی وانت تهدینی وانت تطعمنی
وانت تسقینی وانت تمیتنی وانت تحیینی وانت ربی لا رب سواک ولا اله الا انت وحدک لا شریک لک
واستغفرک واتوب الیک سه بار بگوید اللهم انت ربی لا اله الا انت خلقتنی وانا عبدک وانا علی عهدک
ووعدک ما استطعت اعوذ بک من شر ما صنعت ابوء لک بنعمتک علی وابوء بذنبی فاغفر لی انه لا یغفر
الذنوب الا انت یا غفور سه بار بگوید اللهم انی ضعیف فقو فی رضاک ضعفی وخذ الی الخیر بناصیتی [illegible]
الی [illegible] واجعل [illegible] یا ارحم الراحمین
سه بار بگوید اللهم جنبنا منکرات الاخلاق والاعمال والاهواء والادواء سه بار بگوید اللهم انی اعوذ بک
من ان اشرک بک شیئا وانا اعلم به واستغفرک لما لا اعلم سه بار بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم
سه بار بگوید رب اعوذ بک من همزات الشیاطین واعوذ بک رب ان یحضرون ده بار سوره اخلاص [illegible]
[illegible] بگوید سبحان الله [illegible] بگوید والحمد لله [illegible] بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک
له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت ابدا ذو الجلال والاکرام بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر [illegible]
[illegible] فاتحه [illegible]
[illegible] سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible] اللهم صل علی محمد عبدک ونبیک ورسولک النبی الامی وعلی
آله وبارک وسلم اللهم انی اعوذ بک باسمائک العظام وکلماتک التامة من شر السامة والهامة
واعوذ باسمائک العظام وکلماتک التامة من شر عذابک وشر عبادک واعوذ باسمائک العظام وکلماتک
التامة من شر الشیطان الرجیم واعوذ باسمائک العظام وکلماتک التامة من شر ما یجری به اللیل والنهار ان ربی الله
الذی لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم [illegible]

[illegible] اللهم فانه [illegible] من خیرک [illegible] من عفوک [illegible]
[illegible] رحمتک انک علی کل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible] دو رکعت [illegible]
[illegible] العظیم [illegible]
وانت [illegible] اللهم [illegible] ولا استطیع ان اقدم
ولا اطیق [illegible] اللهم [illegible] من القول والعمل [illegible]
ولا تکلنی الی [illegible] اللهم اجعل الخیرة [illegible]
در رکعت اول بعد فاتحه [illegible] در رکعت دوم [illegible] سبح اسم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] انت ارحم الراحمین
[illegible] ولا حول ولا قوة الا بالله
[illegible]
[illegible] یا لطیف الطف لی [illegible] فی جمیع الاحوال [illegible] یا علیم یا قدیر [illegible]
[illegible] انک علی کل شیء قدیر [illegible]
[illegible] اللهم عالم الغیب والشهادة فاطر السموات والارض رب کل شیء [illegible]

الا انت اعوذ بک من شر نفسی و من شر الشیطان الرجیم [illegible] هر که در روز یا در شب [illegible] بگوید [illegible]

[illegible] کلمات [illegible] اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و اشهد ان [illegible]

و ان عیسی عبد الله و ابن امته و کلمته القاها الی مریم و روح منه و ان الجنة حق و النار حق [illegible] تسبیح بعد از فراغ [illegible]

قرآن خوانده [illegible] نماز تسبیح [illegible] چهار رکعت [illegible]

[illegible] تسبیح بعد از تکبیر بخواند سبحانک اللهم و بحمدک تبارک اسمک و تعالی جدک و لا اله غیرک [illegible]

[illegible] سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بعد فاتحه ده کرت اخلاص [illegible]

ده مرتبه این تسبیح گوید و در رکوع [illegible] العظیم [illegible]

[illegible] خشع لک سمعی و بصری و لحمی و دمی و عصبی و عظمی و شعری و بشری [illegible]

[illegible]

[illegible]

من لم یزل کان کما هو الآن سبحان من لا یزال یکون کما کان وکما هو الآن سبحان من لم یتغیر بذاته

ولا فی صفاته ولا فی اسمائه بحدوث الاذکار سبحان الله الغالب سبحان الحی الذی لا یموت

ابدا سبحان الذی یمیت الاحیاء وهو حی لا یموت سبحان الاول المبدئ سبحان الباقی

المعید سبحان من یبقی بعد ان یفنی سبحان العلی الاعلی سبحانه وتعالی سبحانه سبحانه

فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون [illegible]

[illegible]

[illegible] لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک

لبیک ان الحمد والنعمة لک والملک لا شریک لک [illegible]

[illegible]

[illegible]

... کلدرر و دراول تعدررکه الحا فرزن و درآخر ... تعدرزان جهار رکعت ... کلدرر و دراول تعدرزکه

آیة الکرسی سه رکعت ... رکعت ... سلام ... سبحان القائم

الذی ... سبحان العلیم ... سبحان ... الذی لا یعجز ... رکعت ... سوره

... تعدرزان جهار رکعت ... ودراول الیس ... حم دخان ... تنزیل الکتاب ...

الملک ... تعدرز ... الساعة ... اول ... ثانی ... آخر ...

... قراءت ...

... القدر ... سبحان الملک القدوس ...

... آیة الکرسی ... سبحان ... سبح ...

[illegible]

اللهم اجعل ثواب هذا الی والدی رب اغفر لی وارحمهما کما ربیانی
[illegible] استغفار گوید و این دعا بخواند اللهم [illegible]
صغیرا روز پنجشنبه [illegible] ظهر و عصر رکعتین بگزارد [illegible] آیة الکرسی صد بار [illegible] اخلاص صد بار
[illegible] استغفار گوید [illegible] لا اله الا انت سبحانک انی
کنت من الظالمین [illegible] لا اله الا الله الملک الحق المبین [illegible] لا اله الا الله العزیز
الحلیم یا عزیز یا جلیل [illegible] اللهم صل علی محمد النبی الامی وعلی آله وبارک وسلم
[illegible] لا اله الا الله [illegible] لا اله الا الله خالق کل شیء وهو علی کل شیء [illegible] جمعه سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت شیخ [illegible] یا هو یا الله
[illegible] یا رحمن یا رحیم [illegible] یا احد [illegible] یا صمد [illegible] یا حی
یا قیوم [illegible] یا حنان یا منان [illegible] یا ذا الجلال والاکرام [illegible]
[illegible] لا اله الا الله محمد رسول الله [illegible]
[illegible] لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible] استغفر الله من کل
ذنب واتوب الیه [illegible] سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible] فاتحه و آیة الکرسی [illegible] اللهم مالک الملک [illegible]
[illegible] لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] یا غیاث المستغیثین

[illegible]

[illegible] کتاب [illegible]
[illegible] رحمة الله علیه [illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
اللهم [illegible]
[illegible]
[illegible] الکتاب [illegible] تبارک الذی بیده الملک
[illegible] فاتحه [illegible]
اخلاص [illegible]
[illegible] اللهم اغفر لی ولوالدی [illegible] المؤمنین والمؤمنات [illegible]
رکعتین [illegible] فاتحه الکتاب [illegible] آیة الکرسی [illegible] اخلاص [illegible]
اخلاص [illegible] استغفار [illegible] رکعتین [illegible] اخلاص [illegible]
[illegible] آیة الکرسی [illegible] استغفار [illegible]
[illegible] فاتحه آیة الکرسی [illegible]
[illegible] اللهم [illegible] سبحان الله [illegible]
[illegible] رکعتین [illegible]
[illegible] آیة الکرسی [illegible]
[illegible] آیة الکرسی [illegible]
[illegible]

إياك نعبد وإياك نستعين حسبي الله وكفى [illegible] حسبنا الله اللهم صل على محمد وآله [illegible] وسلم [illegible]

[illegible] ذکر نماز استخاره [illegible]

[illegible] اللهم إني أستخيرك

بعلمك وأستقدرك بقدرتك وأسألك من فضلك فإنك تقدر ولا أقدر وتعلم ولا أعلم

وأنت علام الغيوب اللهم إن كنت تعلم أن هذا الأمر خير لي في ديني ومعاشي وعاقبة

أمري فاقدره لي ويسره لي ثم بارك لي فيه وإن كنت تعلم أن هذا الأمر شر لي في ديني

ومعاشي وعاقبة أمري فاصرفه عني واصرفني عنه واقدر لي الخير حيث كان ثم أرضني [illegible]

ذکر نماز سفر [illegible]

[illegible]

لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين حسبنا الله ونعم الوكيل إني مسني الضر

وأنت أرحم الراحمين وأفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد [illegible]

[illegible]

و بعد الحمد شیخ ... ذکر صلوة ... دو رکعت بگذارد در هر رکعتی فاتحه و آیه شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا
العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم [illegible] بار بخواند بعد از سلام [illegible] ذکر کفارت نماز که قضا شده
باشد از شیخ شیخ الاسلام والمسلمین رئیس الاوتاد مقتدای الاقطاب الشیخ رکن الدین قدس الله سره العزیز [illegible]
قطب الدین [illegible] برهانه [illegible] آورده [illegible] از حضرت رسالت [illegible] هر کرا نماز قضا شده
که اعداد آن چند است باید که روز جمعه چهار رکعت نماز بیک سلام بگذارد در هر رکعتی بعد از فاتحه آیة الکرسی [illegible] انا اعطیناک الکوثر
[illegible] امیر المؤمنین علی علیه السلام کرم الله وجهه [illegible] شنیدم که اگر [illegible] کفاره شود [illegible]
رسول الله [illegible]
شده باشد همه قبول [illegible] در ربع رکعات [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
[illegible] یا محیی العظام [illegible] صل علی محمد وال محمد [illegible]
[illegible] علام الغیوب [illegible]
رب الملائکة والروح رب اغفر وارحم [illegible] انت العلی الاعظم [illegible] ستار العیوب [illegible] غفار الذنوب
[illegible] وصلی الله علی محمد واله اجمعین ذکر بر آمدن مهمات [illegible] حضرت شیخ جمال الدین [illegible]
هر که را کاری مشکل پیش آید [illegible] باید که [illegible] در آب روان اندازد [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بسم الله [illegible]
[illegible] وانت ارحم الراحمین [illegible] بر آمدن حاجات [illegible]
[illegible] سلام [illegible] سجده [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اللهم [illegible]
[illegible] وتوکل علیک [illegible] اللهم [illegible]
[illegible] المؤمنین [illegible] اللهم [illegible] الرازق [illegible]

[illegible] فی الدنیا والآخرة ذکر نماز جنازه چون جنازه [illegible] الله اکبر الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله [illegible]
[illegible] لا یموت [illegible] عبده ورسوله اللهم [illegible] لا اله الا الله وحده لا شریک له
له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت ابدا ابدا [illegible] بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم بارک [illegible]
[illegible] اربع تکبیرات الصلوة [illegible]
[illegible] والمؤمنین والمؤمنات [illegible] تکبیر دوم سبحانک اللهم وبحمدک وتبارک اسمک وتعالی
[illegible] رب اغفر وارحم وانت خیر الراحمین تکبیر سوم اللهم صل علی محمد وال محمد کما صلیت
وبارکت [illegible] علی ابراهیم وعلی ال ابراهیم انک حمید مجید تکبیر چهارم اللهم اغفر لحینا ومیتنا
تکبیر پنجم
[illegible] صغیرنا وکبیرنا وذکرنا وانثانا اللهم من احییته منا فاحیه علی الاسلام ومن توفیته منا فتوفه علی الایمان
[illegible] اللهم اجعله لنا فرطا واجعله لنا اجرا وذخرا واجعله لنا شافعا مشفعا
[illegible] اللهم اغفر وارحم [illegible]
[illegible] وارحم [illegible]
[illegible] من النار برحمتک یا ارحم الراحمین ذکر نماز دفع [illegible] چهار رکعت بگذارد
[illegible]
[illegible] ذکر نماز [illegible]
[illegible] ذکر نماز [illegible]
الحمد لله [illegible] بسم الله
الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله [illegible]
[illegible] لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور [illegible] چون آفتاب بر آید [illegible]
[illegible]
[illegible] لا اله الا الله [illegible]
ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible] چون آفتاب [illegible]
حسبی الله [illegible]

در رکعت اول بعد از فاتحه آیة الکرسی و در دوم آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن بعد از سلام صد بار گوید و عدد

بخواند یا اول الاولین و یا آخر الآخرین لا اله الا انت خلقت اول خلق فی هذا الیوم اعطیتنی فیه خیر ما اعطیت

فیه احدا من انبیائک و اصفیائک من ثواب البلایا و اکرمتهم و اعطیتهم فیه من الکرامة بحق محمد علیه السلام

در روز پنجشنبه شش رکعت دو رکعت سلام بگذارد و در هر رکعتی الشمس و الضحی و ادا زالت و اخلاص و معوذتین

بخواند چون فارغ شود سجده بگذارد و هفت بار تسبیح بخواند و حاجت از خدای تعالی خواهد بخواند

اللهم احفظنی من حوائج الدنیا و الآخرة و توکل علیک فاکفنی

و اقرب منک فاذهب اللهم ... فی الخیرات ... فی قرب المؤمنین

اللهم انی اسألک الامان ... من الرزق و اسألک العفو ... من البلایا و اسألک

حسن العافیة فی الدنیا و الآخرة یا ذا الجلال و الاکرام ایضا هفتاد بار ... حسبی الله و نعم الوکیل

نعم المولی و نعم النصیر ... هر که در روز عاشورا ... بخواند

سال کمتر ... سبحان الله ملء المیزان و منتهی

العلم و مبلغ الرضا و زنة العرش لا ملجأ و لا منجا من الله الا الیه سبحان الله عدد الشفع و الوتر و عدد

کلمات الله التامات کلها و اسأله السلامة برحمتک یا ارحم الراحمین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

و هو حسبی و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین ذکر نماز روز عاشورا

... اول بعد از فاتحه ... چهار رکعت بگذارد در هر رکعت ... اول بعد از فاتحه قل یا ایها

الکافرون و در دوم اخلاص و در سوم قل اعوذ برب الفلق و در چهارم قل اعوذ برب الناس ...

... بخواند بعد از سلام هفتاد بار بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول

و لا قوة الا بالله العلی العظیم و هفتاد بار ... بعد از آن هفتاد ...

... ایضا هر که ... بخواند

... اللهم صل علی محمد عبدک و نبیک و رسولک

... و آله و بارک و سلم اللهم انی اعوذ بک من شر هذا الشهر ...

... یا اول یا آخر ...

باجعلو

بامعید یا ذوالجلال و الاکرام یا ذوالحسن الجمیل انت تفعل ما ترید اللهم ... و ... دو ...

الهی ... یا کریم ... عزیز ... غفار ... کریم ... برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم

... یا عزیز ... جمیع ... یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل ...

... لا اله الا انت برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا حضرت شیخ فرید الدین گنج شکر ... که ...

... در ... رکعت ...

... بعد از ...

... اول ... تسبیح ...

... یا شدید المحال یا عزیز ذلت

... بسم الله الرحمن الرحیم یا شدید القوی و یا شدید المحال یا عزیز ذلت

لعزتک جمیع خلقک یا محسن یا مجمل یا مفضل یا منعم یا مکرم یا لا اله الا انت برحمتک یا ارحم

ایضا ... بسم الله الرحمن الرحیم سلام قولا من رب رحیم سلام علی نوح فی العالمین

انا کذلک نجزی المحسنین سلام علی ابراهیم کذلک نجزی المحسنین سلام علی موسی و هارون انا کذلک

نجزی المحسنین سلام علی آل یاسین انا کذلک نجزی المحسنین سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین سلام

هی حتی مطلع الفجر ذکر نماز ... ربیع الاول ... اول بعد از ...

... بعد از سلام صد بار ... اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و سلم و بارک

... در ... آیة الکرسی ...

برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا در سوم ... چهار رکعت ...

... بخواند ... ایضا ...

... ایضا ...

... یا عفو ... بالعصر و العصر فی عصر ... یا عفو

ذکر نماز ... ربیع الثانی ... اول ...

اسم ... یا بدوح یا بدیع ایضا ...

... یا ملک ... یا الملکوت و الملکوت

ذی الملکوت ملکوتک یا ملک ...

... ذکر نماز ... جمادی الاول

... بخواند ...

مذکور است ... [illegible] ... اگرچه مشهور نیست ... رجب ... رکعت نماز گذارد ... سلام در هر رکعتی
بعد از فاتحه ... [illegible] ... چون از نماز فارغ شود ... تسبیح ... یا عظیم تعظمت بالعظمة و العظمة
فی عظمتک یا عظیم ... [illegible] ... معراج ... [illegible]
ایضا ... [illegible] ... در هر رکعتی ... [illegible]
... [illegible] ... تسبیح ... [illegible]
... [illegible] ... استغفار ... [illegible]
... [illegible] ... در هر رکعتی بعد از فاتحه ... [illegible]
... [illegible] ... تسبیح ... [illegible]
یا شمعون ... [illegible] ... ماه رجب ... [illegible]
رکعت ... [illegible] ... در هر رکعتی بعد از فاتحه ... [illegible]
... [illegible] ... فی شهر رجب ... [illegible]
من آیات جهنم ... [illegible] ... آیة الکرسی ... [illegible]
... [illegible]

... [illegible] ... ادل ... [illegible] ... دوازده رکعت ... [illegible]
... [illegible] ... سجده ... [illegible]
... [illegible] ... اللهم انی
صلیت هذه الصلاة التی امرتها عبدک ورسولک وخیرتک من خلقک شفیع الامة ...
محمد صلی الله علیه وآله وسلم وان کنت مقصرا فی اقامتها ... [illegible]
... [illegible] ... من عبادک ان یعبدک ... [illegible]
... [illegible] ... لضعفی ... [illegible]
... [illegible] ... علی عبادک وصلی الله علی خیر خلقه محمد
وآله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... اللهم لک صلیت ... [illegible]
علیک توکلت فارحم ذلی ... وخشوعی ... وتضرعی ...
... [illegible] ... برحمتک یا ارحم الراحمین ... [illegible]
... [illegible] ... سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... آیة الکرسی ... [illegible]
... [illegible]

[illegible] ... مسجد [illegible] ... انا ذا بين يديك يا عظيم

كل عظيم [illegible] ذنبي العظيم فانه لا يغفره غيرك يا عظيم اللهم سجد وجهي الفاني لوجهك الباقي الذي لا تحرقه [illegible]

خر لك ساجدا [illegible] لا تحرقه بالنار [illegible]

[illegible] اللهم ارزقني قلبا تقيا نقيا من الشرك بريا لا كافرا ولا شقيا

[illegible] اللهم يا ذا المن ولا يمن عليك يا ذا الجلال والاكرام يا ذا الطول والانعام لا اله الا

انت يا ظهر اللاجين ويا جار المستجيرين ويا صريخ المستصرخين ويا امان الخائفين ويا دليل المتحيرين

ويا غياث المستغيثين يا ارحم الراحمين اللهم ان كنت كتبتني في ام الكتاب عندك شقيا فامح

فامح عني اسم الشقاوة واثبتني عندك سعيدا وان كنت كتبتني في ام الكتاب

عندك محروما مقترا علي رزقي فامح عني حرماني وتقتير رزقي واكتبني عندك سعيدا

غنيا موفقا [illegible] موسعا علي رزقي فانك قلت في ام الكتاب يمحو الله ما يشاء

ويثبت وعنده ام الكتاب [illegible]

شهر رمضان ادخله علينا بالامن والامان [illegible] من الغل واعنا على الصيام والقيام

وتلاوة القرآن حتى ينقضي عنا [illegible] اللهم [illegible]

[illegible]

اللهم ارفع عنا الكسل والفترة والسآمة [illegible] والجهد والاجتهاد والاجر والكف

[illegible]

[illegible] لا اله الا الله وحده لا شريك له [illegible]

ومن حي لا يموت ذو الجلال والاكرام [illegible] سبحان الله والحمد لله

ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم [illegible]

ما علم الله [illegible] سبحان الملك الجبار سبحان العزيز الغفار سبحان الواحد القهار سبحان الكريم [illegible]

[illegible]

سبحان الكبير المتعال سبحان خالق الليل والنهار سبحان الذي لم يزل ولا يزال [illegible]

سبحان ذي الملك والملكوت سبحان ذي العزة والعظمة والهيبة والقدرة والكبرياء

والجبروت سبحان الملك الحي الذي لا يموت [illegible] استغفر الله

الذي لا اله الا هو الحي القيوم غفار الذنوب ستار العيوب كشاف الكروب واتوب

اليه توبة عبد ظالم لنفسه لا يملك لنفسه ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حياة ولا نشورا

[illegible] اللهم اني اسألك رضوانك والجنة واعوذ بك من سخطك

والنار [illegible] يا ارحم الراحمين [illegible]

[illegible]

[illegible] لا اله الا الله [illegible] ولا حول ولا قوة الا بالله

العلي العظيم [illegible]

[illegible] استغفر الله [illegible]

يا ذا الجلال والاكرام يا رحمن الدنيا والآخرة يا رحيم [illegible]

[illegible]

[illegible]

اللهم صل على محمد وآل محمد [illegible] استغفر الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اني صلواتي ونسكي ومحياي ومماتي

لله رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت وانا اول المسلمين [illegible] اللهم هذه [illegible]

[illegible] نعطي [illegible] حسين عليه السلام [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم يا رب اكرمني بشهود انوار [illegible] سلطان [illegible]

في سحاب معارف [illegible] واطلعني على اسرار ذرات وجودك في معالم شهودك [illegible]

في عوالم الملك والملكوت [illegible] في معالم عوالم شواهد اللاهوت

والناسوت [illegible] لا [illegible] على [illegible]

في الموجودات واذهب [illegible] في القلوب [illegible]

[illegible] المحب والمحبوب والطالب والمطلوب يا مقلب القلوب

[illegible] انك انت [illegible] انت ربي [illegible]

[illegible] يا كاشف الكرب [illegible] المستغيثين [illegible]

[illegible] اللهم لا تجعلنا من الناس مغرورين ولا [illegible]

من الدنيا [illegible] اموال الدنيا [illegible] وصلى الله على خير خلقه محمد واله اجمعين [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم [illegible]

[illegible]

سبحان ذي الملك والملكوت سبحان ذي العزة والعظمة والهيبة والقدرة والكبرياء والجبروت [illegible]

[illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم اللهم [illegible]

[illegible] يا اسرائيل [illegible]

اللهم [illegible] يا مستطيع يا عطرائيل [illegible]

[illegible] يا جبرائيل اللهم يا مستطيع [illegible]

[illegible] اللهم [illegible]

[illegible] اللهم

[illegible]

[illegible] اللهم [illegible]

[illegible] اللهم [illegible]

[illegible] اللهم [illegible]

[illegible]

[illegible] العفو [illegible] هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم سبحانك لا اله الا انت رب كل

شيء [illegible] يا الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

لا [illegible] كل شيء [illegible]

كل يقوم خاضعاً لرهبته ورغبته يا خالق من في السموات والأرض كل إليه معاده يا رحيم
كل صريخ ومكروب وغياثه ومعاذه يا تام فلا تصف الألسن كل جلال ملكه وعزه يا
البدايع لم تبغ في إنشائها عوناً من خلقه يا علام الغيوب فلا يفوت شيء من حفظه
يا حليم ذا الأناة فلا يعادله شيء من خلقه يا معيد ما أفناه إذا برز الخلائق لدعوته
من مخافته يا حميد الفعال ذا المن على جميع خلقه بلطفه يا عزيز المنيع الغالب على جميع أمره
فلا شيء يعادله يا قاهر ذا البطش الشديد أنت الذي لا يطاق انتقامه يا قريب المتعالي فوق
كل شيء علو ارتفاعه يا مذل كل جبار عنيد بقهر عزه وسلطانه يا نور كل شيء وهداه
أنت الذي فلق الظلمات بنوره يا عالي الشامخ فوق كل شيء علو ارتفاعه يا قدوس الطاهر
من كل شيء فلا شيء يعادله من جميع خلقه بلطفه يا مبدئ البرايا ومعيدها بعد
فنائها بقدرته يا جليل المتكبر على كل شيء والعدل أمره والصادق وعده يا محمود
فلا يبلغ الأوهام كل ثنائه ومجده يا كريم العفو والعدل أنت الذي ملأ كل
شيء عدله يا عظيم ذا الثناء الفاخر والعز والمجد والكبرياء فلا يذل عزه يا قريب المجيب المتداني
دون كل شيء قربه يا عجيب الصنايع فلا ينطق الألسن بكل آلائه وثنائه ونعمائه يا
غياثي عند كل كربة ومجيبي عند كل دعوة ومعاذي عند كل شدة ويا رجائي
حين تنقطع حيلتي اللهم إني أسألك بحق هذه الأسماء الكريمة أن تصلي على محمد و
آل محمد وتمنعنا من عقوبات الدنيا والآخرة وأن تحجب
أبصار الظلمة والمريدين بي السوء وأن تصرف قلوبهم عن شر ما يضمرونه إلي
إنك على ما تشاء قدير اللهم هذا الدعاء مني ومنك الإجابة وهذا الجهد وعليك التكلان
ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم وصلى الله على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين
برحمتك يا أرحم الراحمين يا مفتح الأبواب ويا مسبب الأسباب ويا مقلب القلوب
والأبصار ويا دليل المتحيرين ويا غياث المستغيثين ويا مخرج المحزونين أغثني أغثني
أغثني توكلت عليك يا ربي فقني وضيق الأمر يا رزاق يا فتاح يا باسط صلى الله
على خير خلقه محمد وآله أجمعين [illegible]

صلى الله عليه وآله وسلم آورده گفت رسول الله [illegible] هر که [illegible] كنت
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت الرحمن الرحيم سبحانك
أنت الله لا إله إلا أنت رب العالمين سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت السلام المؤمن سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت المهيمن العزيز سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت الجبار المتكبر سبحانك أنت الله لا إله
إلا أنت المصور الحكيم سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت البصير الصادق سبحانك أنت الله لا إله
إلا أنت الحي القيوم سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت الحسيب [illegible] سبحانك أنت الله لا إله إلا
أنت الحكيم الكريم سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت [illegible] الخالق سبحانك أنت الله لا إله إلا
أنت الحامل المنان سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت العدل الملك سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت علام الغيوب سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت القديم المتعال سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت سابق الفوت سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت المطهر الكل سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت الرفيع الباقي سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت الوتر [illegible] سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت النور الهادي سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت الحي المعز سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت المفضل المنعم سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت خير الراحمين سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت خير الناصرين سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت الواسع اللطيف سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت العزيز الحكيم سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت الأول والآخر سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت الواحد الماجد سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت الظاهر المطهر سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت المتعال الحي سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت الكافي الكريم سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت الرقيب المجيب سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت الباسط القابض سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت الصمد المنعم سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت الرازق الرزاق سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت التواب سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت الغفور الغفار سبحانك أنت الله
لا إله إلا أنت المغيث الدائم سبحانك أنت الله لا إله إلا أنت لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحد
لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين ولا حول ولا
قوة إلا بالله العلي العظيم وصلى الله على خير خلقه محمد وآله أجمعين [illegible] بعد آن دعا
[illegible] از حضرت [illegible] که [illegible]
[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم [illegible] رو در هر دو رب بخواند [illegible] برو مکشوف گردد [illegible]

[illegible] الرحمن الرحيم [illegible] على العرش استوى [illegible] لا اله الا الله [illegible] يا الله يا اله [illegible]

يا مالك الملك [illegible] لمن الملك اليوم لله الواحد القهار [illegible] فتعالى الله الملك الحق [illegible] السلام

[illegible] الخالق البارئ [illegible] فتبارك الله احسن الخالقين [illegible] العزيز الجبار المتكبر [illegible] العزيز الحكيم [illegible] الرحيم

يا مصور [illegible] هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم [illegible] يا شكور [illegible]

[illegible] الغفور الودود [illegible] الاول والاخر والظاهر والباطن [illegible] يا قائم [illegible]

لا اله الا هو العزيز الحكيم [illegible] وهو القاهر فوق عباده [illegible] وهو السميع البصير [illegible]

[illegible] ان الله عليم حليم [illegible] العلي العظيم [illegible] وكان الله عزيزا حكيما [illegible]

[illegible]

حسبي الله [illegible] نعم المولى ونعم النصير [illegible] ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم برحمتك يا ارحم الراحمين [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اللهم [illegible]

[illegible] اللهم [illegible]

[illegible] اللهم [illegible]

[illegible] اللهم [illegible] والنون [illegible]

[illegible] اللهم [illegible]

[illegible]

کرده حضرت عزت رد و جواب منه ... بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل الله یا غیاثنا و عظم صلاتک ...

اللهم و فقنا لمرضاتک و ثبتنا علی اسبابک و کلامک ... الرسی ... [illegible]

آن کواند دائم ... حضرت عزت باشد و خطره ... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الدائم القائم سبحان القائم الدائم سبحان الملک الحی القیوم سبحان الله و بحمده سبحان الملک القدوس

قدوس ربنا و رب الملائکه و الروح سبحان الله العلی العظیم سبحانه و تعالی برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد

اجمعین و عترته الطاهرین ... [illegible]

کسان ... بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله الحلیم

لا اله الا الله الحی القیوم لا اله الا الله الرحیم لا اله الا الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله الرحیم الکریم لا اله الا الله الحی العلیم

... الا انت ... یا من لا یشغله شیء ... السمیع العلیم اللهم انی اسئلک باسمک العظیم

القیوم الطاهر المطهر ... برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین ... [illegible]

... بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا رحمن یا رحیم

یا علیم یا عظیم ... یا لطیف یا حلیم یا کبیر ... [illegible]

یا حبیب ... یا منان ... یا تواب ... یا حمید یا مجید یا محمود یا معبود ... [illegible]

یا طاهر یا ظاهر ... یا اول یا آخر یا حی یا قیوم ... یا ذا الجلال و الاکرام ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

یا ... [illegible]

ان ... [illegible]

... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بسم الله ... [illegible]

من العبد الذلیل الی المولی الجلیل ... رحمتک یا ارحم الراحمین ... [illegible]

اللهم ... [illegible]

... بسم الله الرحمن الرحیم اللهم ... [illegible]

برضائک و صبرنی علی بلائک و اوزعنی ان اشکر نعمائک ... [illegible]

حسبنا ... و نعم الوکیل ... برحمتک یا ارحم الراحمین ... [illegible]

... [illegible]

آیه ... بسم الله الرحمن الرحیم و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل

علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا ... [illegible]

... یا کافی ... یا رازق یا حلیم یا صادق ... [illegible]

... علیه السلام ... [illegible]

... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی محمد ... و صل علی محمد ... [illegible]

... و صل علی محمد ... [illegible]

الصلوة علیه ... علی جمیع الانبیاء و المرسلین و الملائکة المقربین ... [illegible]

یا ارحم الراحمین ... رضی الله عنه ... [illegible]

... [illegible]

... بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا

قوة الا بالله العلی العظیم یا حی یا قیوم ... الملک ... [illegible]

برحمتک ... و صلی الله علی محمد و آله اجمعین ... [illegible]

... [illegible]

... بسم الله الرحمن الرحیم ... الشمس من المغرب الی المشرق [فائده] در فضیلت آیة الکرسی

بکرم الله تعالی [illegible] ... آیة الکرسی ... [illegible]

[illegible]

لدفع عذاب القبر ... [illegible] ... قال النبی صلی الله علیه و سلم ... [illegible]

[illegible] ... بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله ...

[illegible]

[illegible] ... بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله ...

[illegible] ... بسم الله الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم ...

[illegible]

[illegible] ... بسم الله الرحمن الرحیم ... [illegible]

[illegible] ... بسم الله الرحمن الرحیم ...

اللهم انت الرب وانا العبد فمن یرحم العبد الا الرب یا رب اللهم انت الکافی وانا المکفی(؟) فمن ...

المکفی(؟) الا الکافی یا رب اللهم انت الغنی وانا الفقیر فمن یرحم الفقیر الا الغنی یا رب اللهم

القوی

انت القوی وانا الضعیف فمن یرحم الضعیف الا القوی یا رب اللهم انت القیوم وانا الدائم(؟) فمن یرحم الدائم(؟) الا القیوم یا رب

اللهم انت الغفور وانا المذنب فمن یرحم المذنب الا الغفور یا رب اللهم انت المغیث وانا المستغیث فمن یرحم المستغیث

الا المغیث یا رب اللهم انت الرحیم وانا [illegible] فمن یرحم [illegible] الا الرحیم یا رب اللهم انت المغیث وانا المستغیث فمن یرحم المستغیث الا

المغیث یا رب اللهم انت المجیب وانا الداعی فمن یرحم الداعی الا المجیب یا رب اللهم انت المجیر وانا المستجیر فمن یرحم المستجیر الا المجیر

یا رب اللهم انت العزیز وانا الذلیل فمن یرحم الذلیل الا العزیز یا رب اللهم انت المعطی وانا السائل فمن یرحم السائل الا المعطی

یا رب اللهم انت [illegible] ... یا رب اللهم انت [illegible] ...

یا رب اللهم انت [illegible] ... یا رب اللهم انت الرازق وانا المرزوق فمن یرحم المرزوق الا الرازق

یا رب اللهم انت [illegible] ... یا رب اللهم انت [illegible] ... الا الکافی یا رب

اللهم انت [illegible] ... یا رب اللهم ... برحمتک یا ارحم الراحمین

و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین [فائده] ... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم ... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم ... [illegible] ... یا ارحم الراحمین

الراحمین [فائده] ... [illegible]

[illegible] ... بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

[illegible] ... یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد ... [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم ... الله العلی العظیم ... [فائده] ... [illegible]

[illegible] ... یا الله یا الله ...

یا الله یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحمن ... [illegible]

یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا حنان یا حنان یا حنان یا حنان یا حنان یا حنان

یا منان یا منان یا منان یا منان یا منان یا منان ... یا دیان یا دیان یا دیان ... یا سبحان

یا سبحان یا سبحان یا سبحان یا سبحان [illegible] نقل برای آمدن حاجات در هر جمعه [illegible]

[illegible] حضرت سلطان [illegible]

نظام الحق والشرع والدین [illegible]

[illegible] مناجات [illegible] اللهی [illegible]

[illegible] الذنوب [illegible] یا غفار یا ستار [illegible]

یا ارحم الراحمین نقل درود معظم مکرم حضرت قطب عالم مخدوم جهان سید جلال [illegible] قدس الله سره العزیز [illegible]

[illegible] فرموده اند [illegible] مومنی که این درود را [illegible] بخواند [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]

و هر که [illegible] دنیا و آخرت [illegible] حضرت رسالت [illegible] درود معظم مکرم این است

بسم الله الرحمن الرحیم الصلوة والسلام علیکم یا محمد العربی الصلوة والسلام علیکم یا محمد القرشی الصلوة والسلام علیکم یا محمد

الصلوة والسلام علیکم یا حبیب الله الصلوة والسلام علیکم یا محمد رسول الله الصلوة والسلام علیکم یا محمد [illegible] الصلوة

علیکم یا حسن و الحسین الصلوة والسلام علیکم یا [illegible] الزهرا الصلوة والسلام علیکم یا صاحب [illegible] المعراج محمد

صلی الله علیه وآله وسلم نقل [illegible] حضرت سلطان الموحدین شیخ [illegible] الشرع والدین [illegible] روایت میکند هر که

[illegible] دعای معظم این است یا الله یا الله

[illegible] یا الله یا الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله [illegible] یا الله یا الله الحی القیوم یا الله

القائم علی کل نفس بما کسبت [illegible] یا مفتح الابواب یا مسبب الاسباب [illegible]

[illegible] غیاث المستغیثین [illegible]

[illegible] یا تواب [illegible] یا تواب [illegible] یا تواب [illegible]

[illegible] یا تواب [illegible] یا تواب [illegible]

یا تواب [illegible] یا تواب [illegible] یا تواب [illegible]

[illegible] یا تواب [illegible]

یا تواب

یا تواب [illegible] یا تواب [illegible] اللهم [illegible]

[illegible] یا مالک الملک [illegible]

[illegible]

[illegible] یا حلیم یا کریم [illegible]

[illegible] یا ارحم الراحمین [illegible]

[illegible] وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی محمد [illegible]

[illegible] اللهم صل علی محمد [illegible]

[illegible] علی محمد [illegible]

[illegible] یا ارحم الراحمین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] رب العالمین [illegible] یا ارحم الراحمین [illegible]

[illegible]

هو اول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم [illegible] يا الجلال والجلال في جلال جلالك [illegible] يا دائم المعبود [illegible] المقصود يا من لا اله الا انت

يا الحاكمين [illegible] يا لطيف يا [illegible] الطاف الطاف في الطاف [illegible] يا لطيف انا [illegible] يا ازل

من بعد [illegible] يا من [illegible] الحق والباطل [illegible] مستقيم [illegible] الرازقين [illegible] يا سميع [illegible] الدعاء [illegible]

[illegible] يا سميع السمع السميع في السميع سمعك يا سميع [illegible] يا ازل الازل

[illegible] من قبلك [illegible] الحق [illegible] اللهم يا [illegible] يا عظيم يا عظيم

والعظمة في العظمة عظمتك [illegible] لا اله الا انت استغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثواكم

[illegible] اللهم يا رحيم رحمتك يا الرحمن والرحمة في الرحمة رحمتك يا رحيم [illegible] يا حفيظ [illegible]

حفيظ يا [illegible] اللهم يا كريم [illegible] يا الكرم والكرم في الكرم [illegible] يا كريم [illegible]

السموات والارض والله بصير بما تعملون يا سريع [illegible] اللهم [illegible] يا غفور [illegible] المغفرة [illegible]

لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد [illegible] يا ارحم الراحمين دعاء [illegible] گنج [illegible]

[illegible] گنج اول بسم الله الرحمن الرحيم اللهم من اراد [illegible] فرده [illegible]

[illegible] يا ارحم الراحمين گنج دوم [illegible] لا اله الا انت [illegible]

[illegible] لا اله الا الله [illegible] من عند الله لا اله الا [illegible] لا اله الا انت [illegible]

[illegible] يا ارحم الراحمين گنج سوم اللهم [illegible]

[illegible] عليك [illegible] لا اله غيرك [illegible]

[illegible] يا ارحم الراحمين گنج چهارم اللهم [illegible]

[illegible] يا الله برحمتك يا ارحم الراحمين گنج پنجم اللهم [illegible]

[illegible] يا غير معبود [illegible] غير مرزوق [illegible] غير معبود [illegible] على محمد وآل محمد

[illegible] يا ارحم الراحمين دعا [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم اللهم يا نور [illegible] يا نور النور [illegible]

[illegible] يا جليل [illegible] يا جليل [illegible]

يا واحد [illegible] يا فرد [illegible] الفرد [illegible] والجود [illegible] جميل [illegible]

يا عظيم [illegible] العظمة والعظمة في عظمة عظمتك يا عظيم [illegible] كبريائك يا كبير يا كريم

[illegible] يا الكرم والكرم في الكرم [illegible] يا كريم يا قدير [illegible] قدرتك يا قادر

[illegible] يا جبروت والجبروت في جبروت جبروتك يا جبار [illegible] قهرك يا قهار

[illegible] الملكوت والملكوت في ملكوت ملكوتك يا مالك [illegible] القدوس [illegible]

[illegible] الربوبية والربوبية في الربوبية ربوبيتك يا رب [illegible] الرحمة والرحمة [illegible] يا رحيم

[illegible] الرأفة [illegible] والمنة في المنة منتك [illegible]

[illegible] يا حكيم الحكمة والحكمة في الحكمة حكمتك يا حكيم [illegible] المجد والمجد في المجد مجدك يا مجيد

[illegible] الحمد والحمد في الحمد حمدك يا حميد [illegible] العلم [illegible]

[illegible] يا قديم [illegible] الشهادة [illegible] يا شهيد

يا قريب [illegible] القرب والقرب في القرب قربك يا قريب [illegible] البصر والبصر في البصر بصرك يا بصير [illegible] الشكر

والشكر [illegible] الستر والستر في الستر سترك يا ستار [illegible] الخلق [illegible] يا رازق

[illegible] الرزق والرزق في الرزق رزقك يا رزاق يا فتاح [illegible] الفتح والفتح في الفتح فتحك يا فتاح [illegible] العلم [illegible]

[illegible] الرفعة والرفعة في الرفعة رفعتك يا رفيع [illegible] الحفظ والحفظ في الحفظ حفظك يا حفيظ [illegible] السلام

والسلام في السلام سلامك [illegible] الفضل والفضل في الفضل فضلك [illegible]

[illegible] العرش والعرش في العرش [illegible] يا سميع [illegible]

والسمع في السمع سمعك يا سميع [illegible] لا اله الا انت [illegible] على محمد

[illegible] الا [illegible] يا ارحم الراحمين

اگر خواهد که [illegible] حضرت مصطفى [illegible] واصحاب [illegible] جمع [illegible] بايد که [illegible] در کنار آب [illegible]

[illegible] بعد [illegible] بخواند [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم [illegible]

[illegible] والله [illegible] حضرت مصطفى [illegible]

[illegible] ۱۰

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم يا علي يا عظيم يا هادي يا [illegible] يا جليل [illegible] يا [illegible] السموات والارض

[illegible] الشمس والقمر والمريخ والعطارد

اللهم انا نستعين بك [illegible] اللهم احفظني من [illegible]

[illegible] والمشتري والزهرة [illegible] الرأس [illegible] يا الله يا [illegible]

[illegible] ولم يكن له كفواً احد [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم اللهم [illegible]

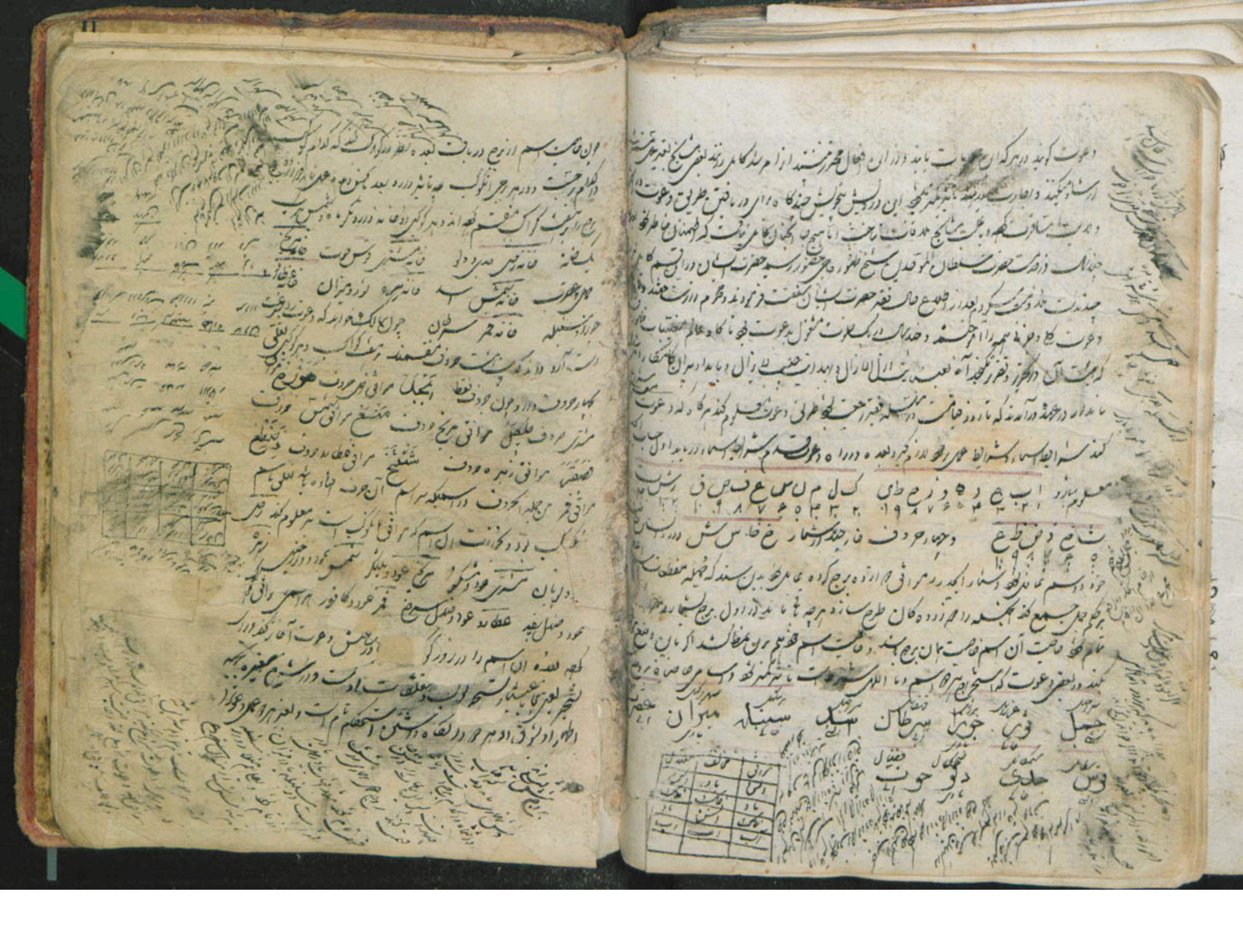
[illegible] برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله

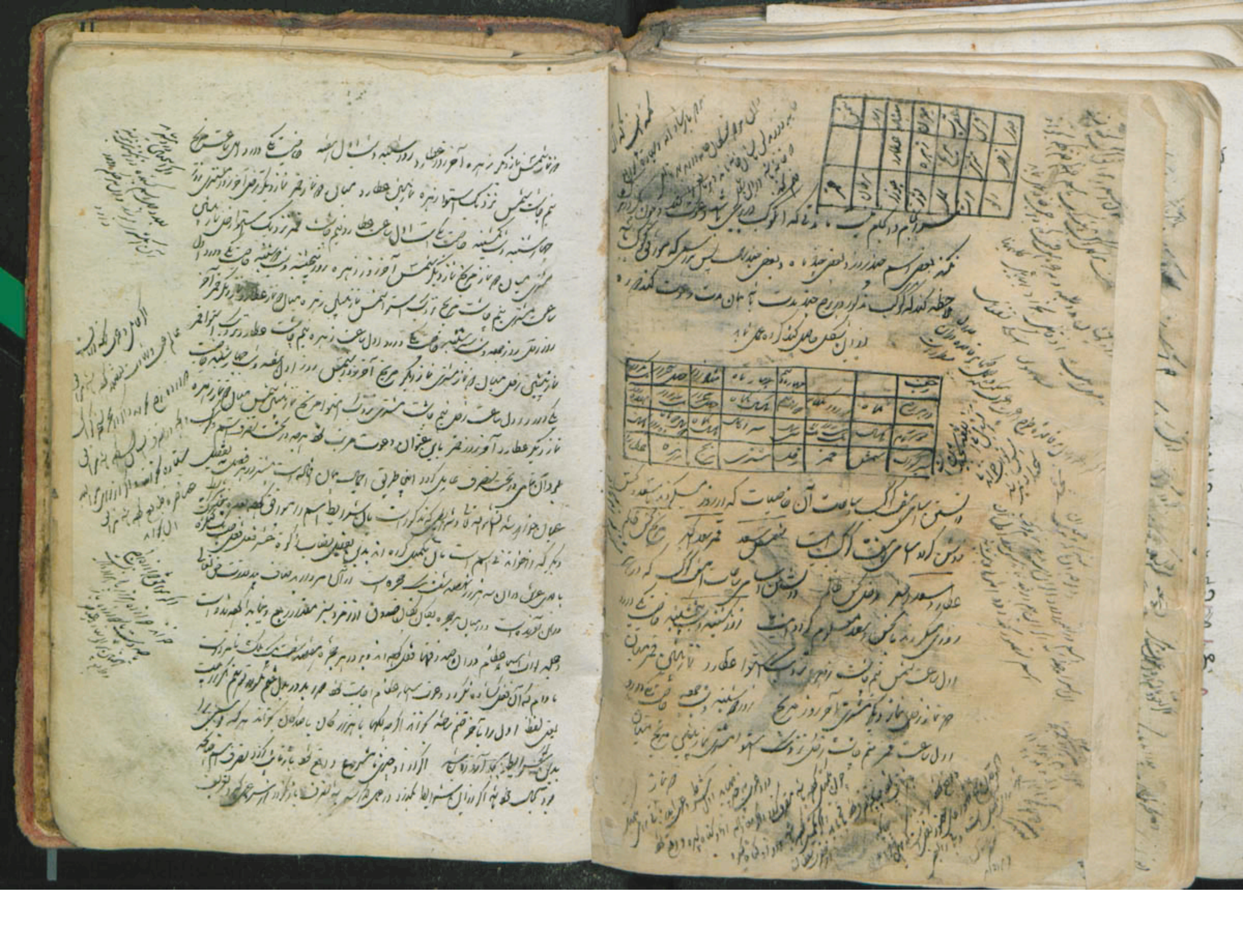
على خير خلقه محمد واله اجمعين

[illegible] در عمل دعوت اسماء عظام و شرائط آن و آن مشتمل است بر مقدمه و فصول

[illegible] اسماء الله [illegible]

[illegible]





دقت شروع دعوت بعد از روز ... مولف هر علاج که بر بعضی ذکر خواهد شد که ثمرات شرط این است

که ... دور و ... الوی ... چنانچه مشایخ ذکر ... اگر ... کند ... ضرر رسد چنانکه سالک دعوت

شروع میکند ... خیرات ... در اوقات ظاهر میشود تا آنکه صاحب دعوت ... است

بخواند ... و ... ... می‌شد و میر ... وقت ... کند در آمدن و ... این ... التکلیف ...

التکلیف ... نمی‌تواند ... عامل ... ساکن ... در این ... است [illegible] فصل در دعوت ...

... و دور موافق ... دوازده برج و یا موافق ... ستاره و یا موافق عناصر اربع و طبایع

و یا ... کشید دوازده دوازده ... هشت هشت ... چهار چهار طرح کند

... عددان ... قاعده اعداد ... آنها ... عشرات با ... و ... در ... میان

بخواند [illegible] عمل ... اکل کلال و صدق المقال و کم خوردن و کم گفتن و کم ... است

و صدق ... و ... حضور حق و صوم ... الفعال و خلوت از خلق و خلوت ... و ...

و ... پاک و طهارت تن و ... و ... و ... و کذاشتن ... بعید

... و ... تاریک ... و ... و ... نیل و خوردن ... و ... و ... تمام معانی ...

... جسم و ... از ... و ... گوشت و ... و ... و ... حیوانات ...

و مردات و ... اجرامی چون گوشت و ... و ... و ... و ...

و استعمال آب ... و ... ... و ... و کوزه و جاج و غیره

... و ... و ... و ... و ... و ... و غیره ... سیر و ...

و ... و ... و غیره ... ... و ... و ... ... و ... ...

الفصل

فصل چهارم در بیان دعوت ... از صاحب ... که ... در ... و ... در ... و ...

... باشند و از ... که ... و ... باید ... آب ... ... بعد ... در ...

... در ... الطاعت ... مجموع اسماء عظام ... که ... کوه ... و ...

زکوه ... عشر ... مجموع ... چندان ... در ... چندان مجموع اسماء الله

مذکور بخواند بذل و ... حالکه ... دعوت ... در ... و ...

که در کوه ... آید ... رسد ... در کوه ... باشد ... که ... ملوک ... شد

...کر ... اگر ... تغیر ... کند ... اول ... سبع ... یا ... تا ... در

... آن رنگ ... هفته ... و ... دعوت ...

بخواند در ... هفته ... ظاهر شود ... آخر هفته ... و ... در ... از ... صاحب دعوت ...

... خواهد صاحب عمل در دعوت مشغول باشد ... حکایت کند ... چون ...

آید ... بسیار ... ... که ... آید ... در ... هم قرار

... اسم ... و ... در ... از ... و ... در ... ... اسماء ...

... هفته ... دعوت ... کند

و ... مذکور بخواند در هر هفته ... دیگر ... در آخر هفته ... از ... آدم ... که در

... چون ... در ... که ... ... تا

... در ... دعوت ... ... زد و در ... آن ...

... مذکور بخواند در ... عجایب ... ظاهر ... سالک ...

... و هم ... در ... که ... اسماء ... و در ان ... سالک ... کند

بعد از اسم ... و هیچ شکی نیست ... در ارواح حل کرده ... حضرت ... استاد ... که ... نمود ... دور نظر

عالی ظاهر خواهد شد ... اول از حجره ... تا آسمان ... ظاهر آید ...

... و از راه ... آسمان ... در آسمان اول ... و سایر ارواح آسمان

اول ... قادر ... تمام افلاک خواهد دید و در ... ارواح ...

... که ... لا معبود الا الله ... و حضرت

... و آن را ... و بعد قوت ... که بر لوح محفوظ ... سطور ...

عالی ... اسم اگر ... لا معبود ... اسم الرب فصل سیم در بیان دعوت کلمات

و خواص ... این دعوت ... دعوت ... متفق است ... استخراج ... این دعوت

از کلمات ... اسم ... و تقسیم این دعوت جلال ... که ... هر که ...

... و ... خود ... و در ... علم ... و حاصل ... را

در هر علمی که ... آن چه ... استخراج شرایط دعوت ... که ...

... و غیر مکرر ... در ... صحیح ... که ... هر جا که ...

... حروف ... حرکات ... و نقاط و حروف ...

چنانکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در علم جفر ... شرایط ...

... دعوت ... حروف ... مکرر ... و غیر مکرر ... و ... اسم ...

و حروف کلمه اول اسم ... و جمیع اسماء اعظم ... حرکات ...

... و نقطه ... حرف و حرکت ... و نقطه ... اند

... حروف ... بعد ... دعوت حروف ... حکم ... و ... الف ... اند

و این اقوال من لم یعرف الحقیقة ... فقد کفر ... اگر ... کرد

... که ... کرد ... ذات ... الازال ... ظهور ... مقدس است ... الله

... العالمین ... که ... ذات ... منزه ... و ...

... که ... ذات ... که ... و ...

حقیقت ... ذات ... ظهور ...

که صورت ... جلال ... حضرت ...

... اکبر ... العظمة ... است

در آیینه ... حق ...

... و مجاز ... جلال ... که در آیینه ...

... محبوب ... محبت ...

... در آیینه ... اشهد الله انه لا اله الا هو ...

... ایه ...

... صفات ...

...

... نظر ...

... در این صورت ...

... الطرق الی الله بعدد انفاس الخلایق ... که ...

... در ... ذات و صفات ...

... اسم ... الاطلاق ... که ... الهی ...

در بیان مراتب تجلیات حق [illegible] معلوم در باید سرّ وما منّا الّا له مقام معلوم در بیان
مراتب ذات بحضرت سه مرتبه است اول مرتبه غیب که منقطع الاشارات است دوم مرتبه
حرف که تجلی ذات است بر ذات را سوم مرتبه ذات که ملحوظ است با صفت کمالات
ذات حاصل شود بغیر صفات و صفات [illegible] ذات تجلی کردن شود بصفت با معلومات ظهور
و آنکه ملک [illegible] ملک آید حضرت ملک ملک است الملک هو العالم عالم در علم
و علم قائم بذات است عالم العلم هو الظاهر هو الباطن جبروت مثال لاهوت ملکوت مثال جبروت
ناسوت مثال ملکوت ناسوت بصورت است [illegible] جمع و تفرقه است [illegible] تفصیل باعتبار [illegible]
آدم [illegible] شخص [illegible] صادق [illegible] عضو شخص شخص مانند شخص عضو
نه چون شخص [illegible] ملاحظه عضو [illegible] نه چون عضو [illegible] شخص [illegible] در عالم [illegible]
[illegible] چون [illegible] جهار مرتبه [illegible] ن مرتبه
[illegible] ص مرتبه [illegible]
[illegible] ع مرتبه [illegible] اوصاف [illegible] در آن [illegible] م مرتبه [illegible]
غایت ظهور [illegible]
در آن مرتبه [illegible] مظهر [illegible] تجلیات [illegible]
[illegible]
[illegible] علی صورة [illegible] الطلب [illegible] فی [illegible]
[illegible] الّا الاحد [illegible] الاخیر [illegible] چون [illegible]
[illegible] لیلة المعراج علی صورة شاب امرد قطط فوضع یده علی کتفی [illegible]
[illegible] فی [illegible] علم الاولین والآخرین [illegible] چون [illegible]
[illegible] اوصاف [illegible] ذات [illegible]
در [illegible] ه فاذا [illegible] ه چون
الصادق

این حالات [illegible] شغل [illegible] شغل دل [illegible] این است

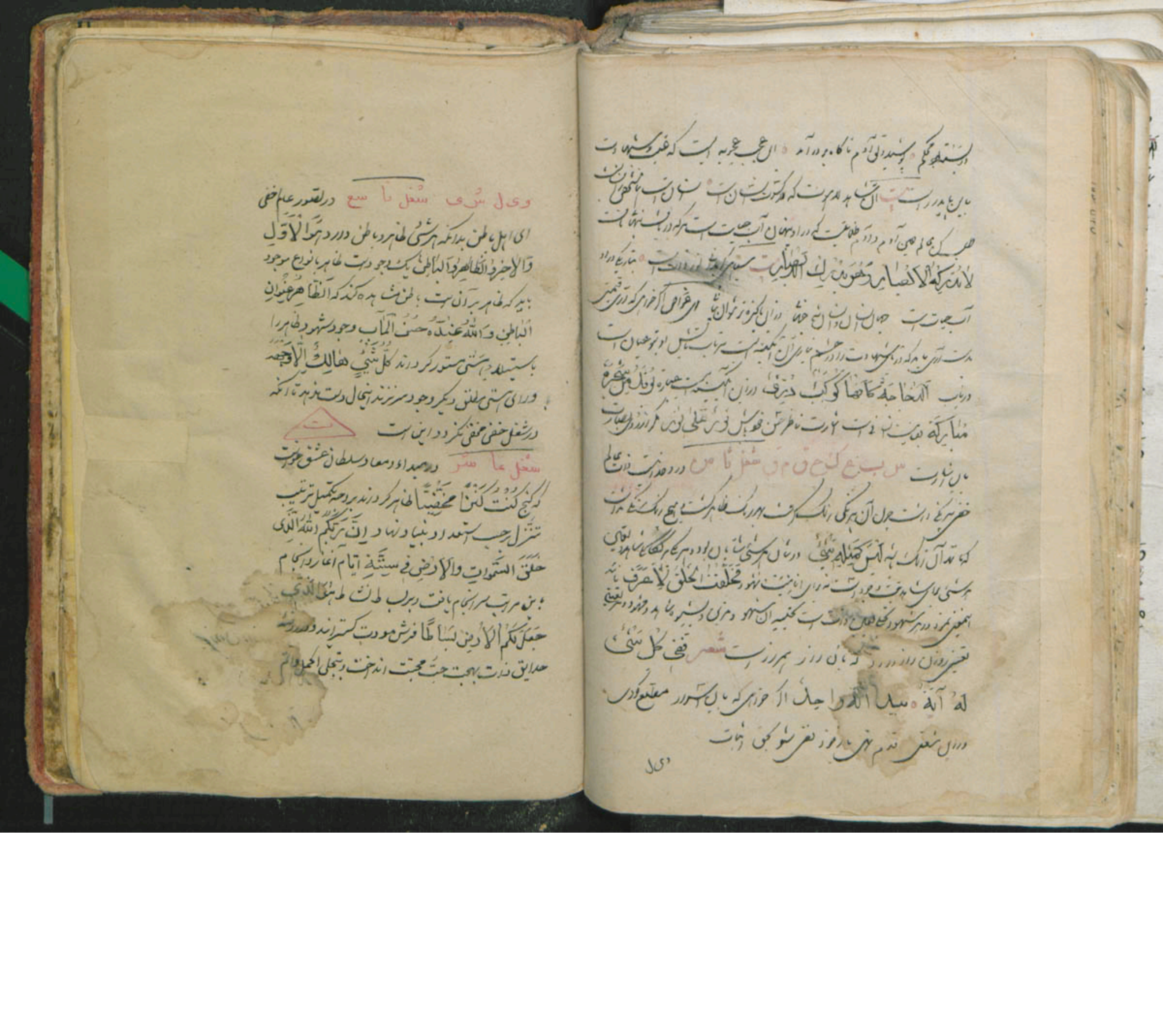
هو

شغل رابع در تصور [illegible] صفات [illegible] وجه [illegible] حالات دل [illegible]
[illegible] اصوات [illegible]
[illegible] تحقیق [illegible]
[illegible] آفتاب [illegible]
م ح [illegible]
[illegible] آن [illegible]
[illegible] کواکب [illegible]
آفتاب طالع [illegible] در نظر [illegible]
[illegible] آب [illegible] آب [illegible] آب [illegible]
[illegible] چون آب [illegible]
[illegible] آید [illegible]
اسم [illegible] چون [illegible] تصور [illegible]
[illegible] حقیقت [illegible]
[illegible] حقایق [illegible]
[illegible] اسم [illegible] ف [illegible]

مستغرق اسم را به بیند باز و هاتف بود ... و اسرار ... آتش ... در ان نجم گم گرده ورز
کمی او آن ... نیز گم کرده ... عالم علوی و سفلی را بالمرت ... بند ... سرشک جان
غائب گردد که وجود هر موجود از نظر غائب شود اسم عجمی این است اسم ام ان شغل ...
در معرفت حقائق ... عارف ... در احوال حقیقت کامل
گرده در آن حال طالب احوال ... زاغ ... که آن ... جلال و جمال اند ... معرفت ...
باز آمدند ... باز ... زاغ ... صفت باز ... باز ...
... باز ... صفت ... باز ...
که ... احوال مختلف ... وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ
وَأَلْوَانِكُمْ ... رنگ ... رنگ ... در این مقام از صفت
حق ... عشق ... محرم ... محرم ...
اگر خواهی که ... اسرار ... مشهود که ... است ... در این ...
... رنگ ... نظاره ... رنگ ...
... نظاره ... ناظر
... در نظر ... است من ... [illegible]
... شغل ... از ... و ... حدیث
... کنت کنزا مخفیا ...
... قُلْ إِنَّ ... [illegible]

کمرا

که ترا از ... آن حضرت روی ... عدم آئینه ... مطلق ورزاو ... است
عکس ... الحمد ... وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ
در ... حقیقت ... عکس ... بدیده ... دیده ... دیده ... از ...
... وجود ... ذنب ... لَا يُقَاسُ بِهِ ذَنْبٌ ...
... عشق و محبت ...
... نقطه ...
... ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً ... صیقل ...
مسقله ... مسقلة القلب ذكر الله ... آئینه صاف ... نقطه ...
... نقطه ... از
...
... اسم ... حقیقت ...
...
...
... ن ه م ت د شغل ...
...
... اعظم ...
... حضرت ...



[illegible] این عجب عجوبه است که [illegible]

[illegible]

[illegible] آب حیات [illegible]

لا تدرکه الابصار وهو یدرک الابصار [illegible]

[illegible] آب حیات [illegible]

[illegible]

[illegible] کانها کوکب دری [illegible]

مبارکه [illegible]

[illegible] شغل ثامن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فخلقت الخلق لاعرف [illegible]

[illegible]

[illegible] شعر ففی کل شیء

له آیة تدل علی انه واحد [illegible]

[illegible]

ذیل

ذیل شرح شغل تاسع در تصور عالم خفی

ای اهل باطن بدانکه هر شیء ظاهر و باطن دارد هو الاول
والاخر والظاهر والباطن یک وجود است ظاهر بانواع موجود
باید که ظاهر بر آن است باطن نشان دهد که الظاهر عنوان
الباطن والله عنده حسن المآب وجود شهود ظاهر را
باستیلاء [illegible] هستی مستور گردانند کل شیء هالک الا وجهه
ورای هستی مطلق دیگر وجود سر نزند اینحال دست دهد تا آنکه
در شغل خفی مخفی نگردد این است

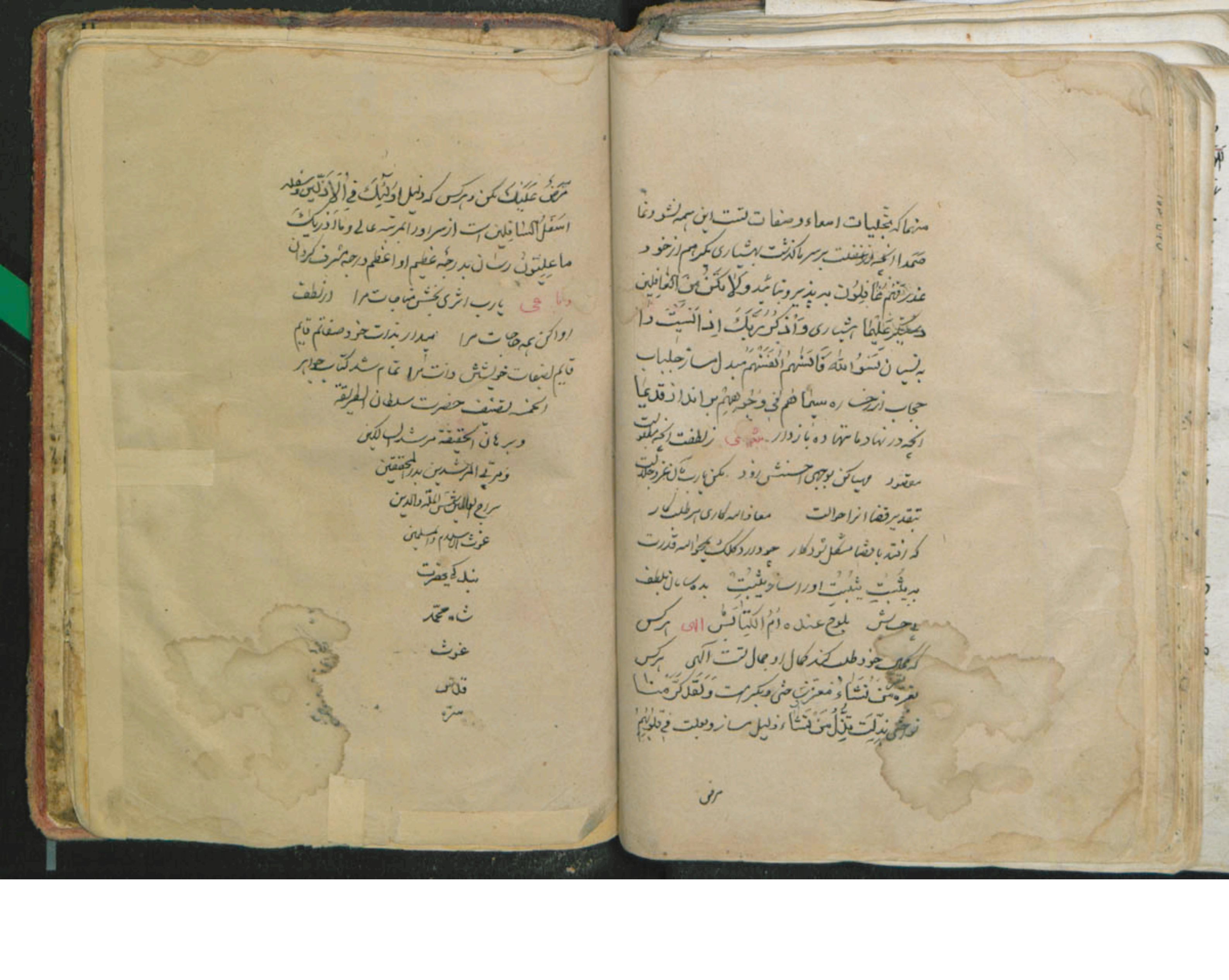
شغل عاشر در مبدا و معاد سلطان عشق حضرت
که گنج کنت کنزا مخفیا ظاهر گردانید بروجه تکمیل ترتیب
تنزل حسب استعداد و بنیاد نهاد ان ربکم الله الذی
خلق السموات والارض فی ستة ایام آغاز و انجام
[illegible] مرتبه سر انجام یافت [illegible] الذی
جعل لکم الارض بساطا فرش مودت گسترانند [illegible]
حدایق ذات بهجت حب محبت انداخت و تجلی [illegible]

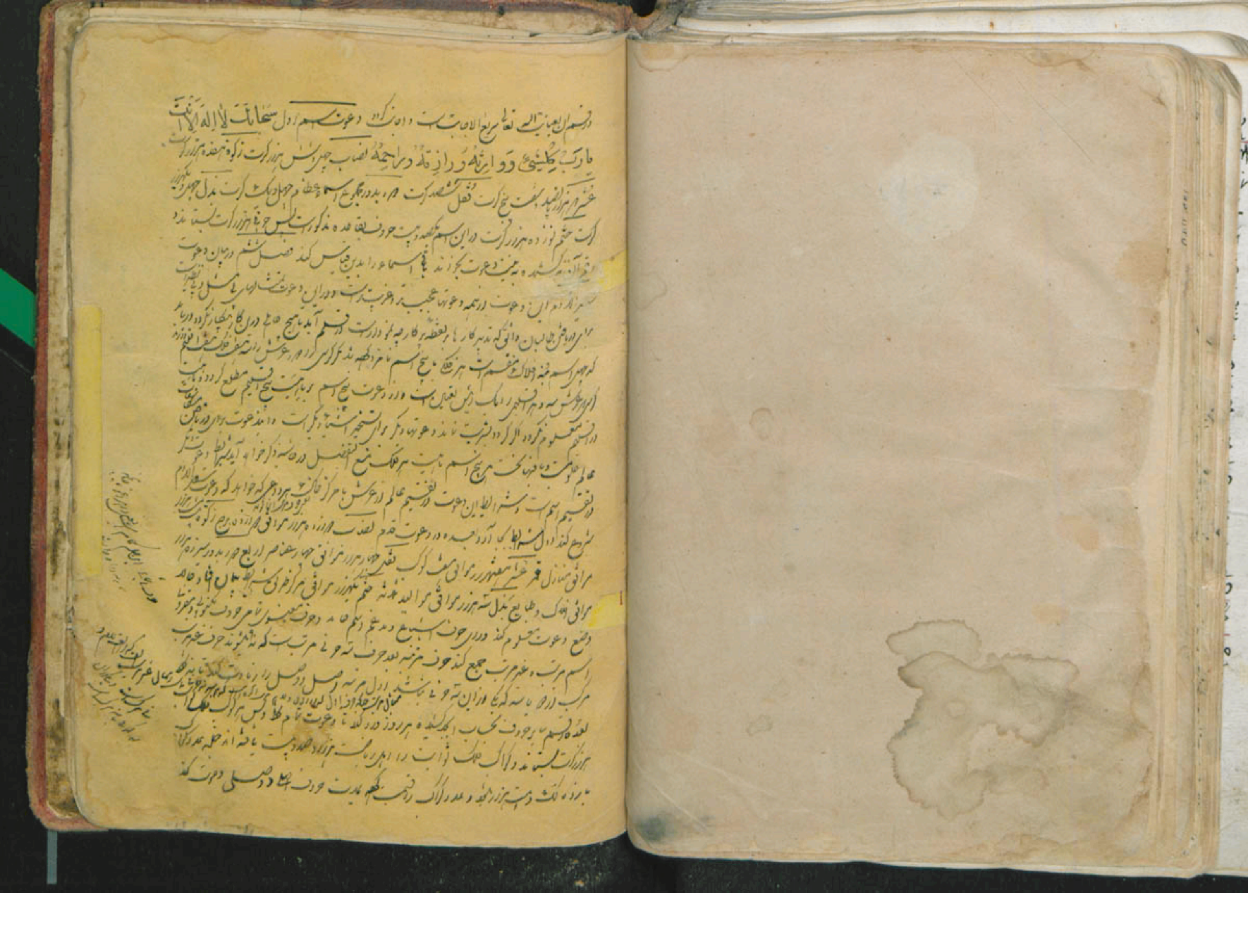


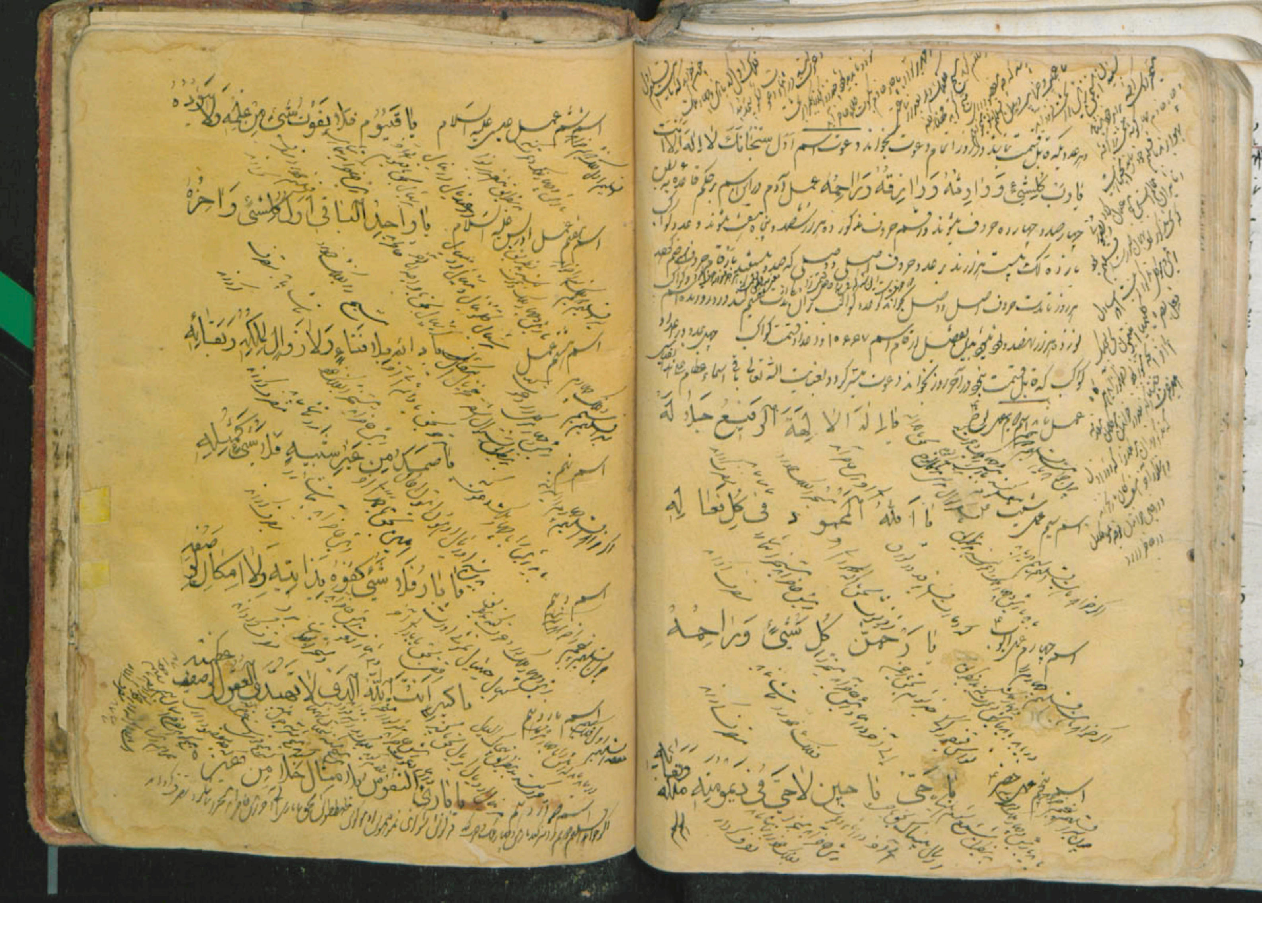
تمام ساخت چون خواهد که این مرتبه را بوجه کمال حاصل
کند در شغل مبداء و معاد مشغول نماید این است
شغل م خ ابا ن س ح ح س ن ا ب ا خ
حادی عشر درخطرات خمس حضرت غیب از حیث
نسبت و اعتبار است مبرا و منزه است وجود او عین ذات او ست
حضرت وجود دو نسبت دارد غیب و شهادت غیب باطن است
شهادت ظاهر حضرت روح القدس نسبت یگانگی بوجود صرف
داشت اما یگانگی نشناخت بیگانگی ورزید نسبت شهود گرفت
گرفتار گشت مشهود شد وجود است از وجود تا شهود مرات
نسبتی که ظاهر است تا آن نسبت آفتاب الوهیت هو الله
الذی لا اله الا هو اظهرت الشمس طالع شد کوکب
محبت ان الله یحب المحسنین لامع انوار محبوبیت
الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون
[illegible] گشت و اغواء عصی آدم ربه فغوی و ضلالت
اولئک هم الضالون آتش غیرت در جهان انداخت

جسم

جسم و جان یکی بود از سر آتیکم ما تکونوا تولی
علیکم در کار شد نسبت باطن برابر ظاهر مرتسم گشت
ظاهر خلق باطن حق نمود از شهود در هر چه باطن ذات تعین
دان که اعیان ثابت است تا تحت خلق اول اگر طالب واثق
خواهد که واقف اسرار گردد مرشد کامل تفحص کند و این رشد
از و حاصل کند این است ۱۲۲۱ ص ض ۱۲۲ ۵۱
مناجات خالقا پرورده را بکار ساز انکر ما پادشاها لا
یزالا بی نیاز ادا بیا الهی چون بارادت خود ما را از
دار القرار لذل الازال بدار الابتداء ابد الآباد آوردی
مضطرب احوال و فرمودی فماذا بعد الحق الا الضلال زاد
ذا ادهم [illegible] عطا کن برفیق اللهم الرفیق الاعلی
تا [illegible] بمحل خود بازگردیم که قرار در وطن اصلی ادی نظم
ما را چو زملک لایزالی [illegible] اند [illegible] باین حوالی [illegible] ز لطف
چو باز [illegible] ای [illegible] یارب بمقام خود رسانی [illegible] احدا
توحید صرف و ما من اله غیر الله [illegible] و ما [illegible]







یا قیوم فلا یفوت شیء من علمه ولا یؤوده

یا واحد الباقی اول کل شیء وآخره

یا دائم بلا فناء ولا زوال لملکه وبقائه

یا صمد من غیر شبه فلا شیء کمثله

یا بار فلا شیء کفوه یدانیه ولا امکان لوصفه

یا کبیر انت الله الذی لا تهتدی العقول لوصفه

یا باری النفوس بلا مثال خلا من غیره

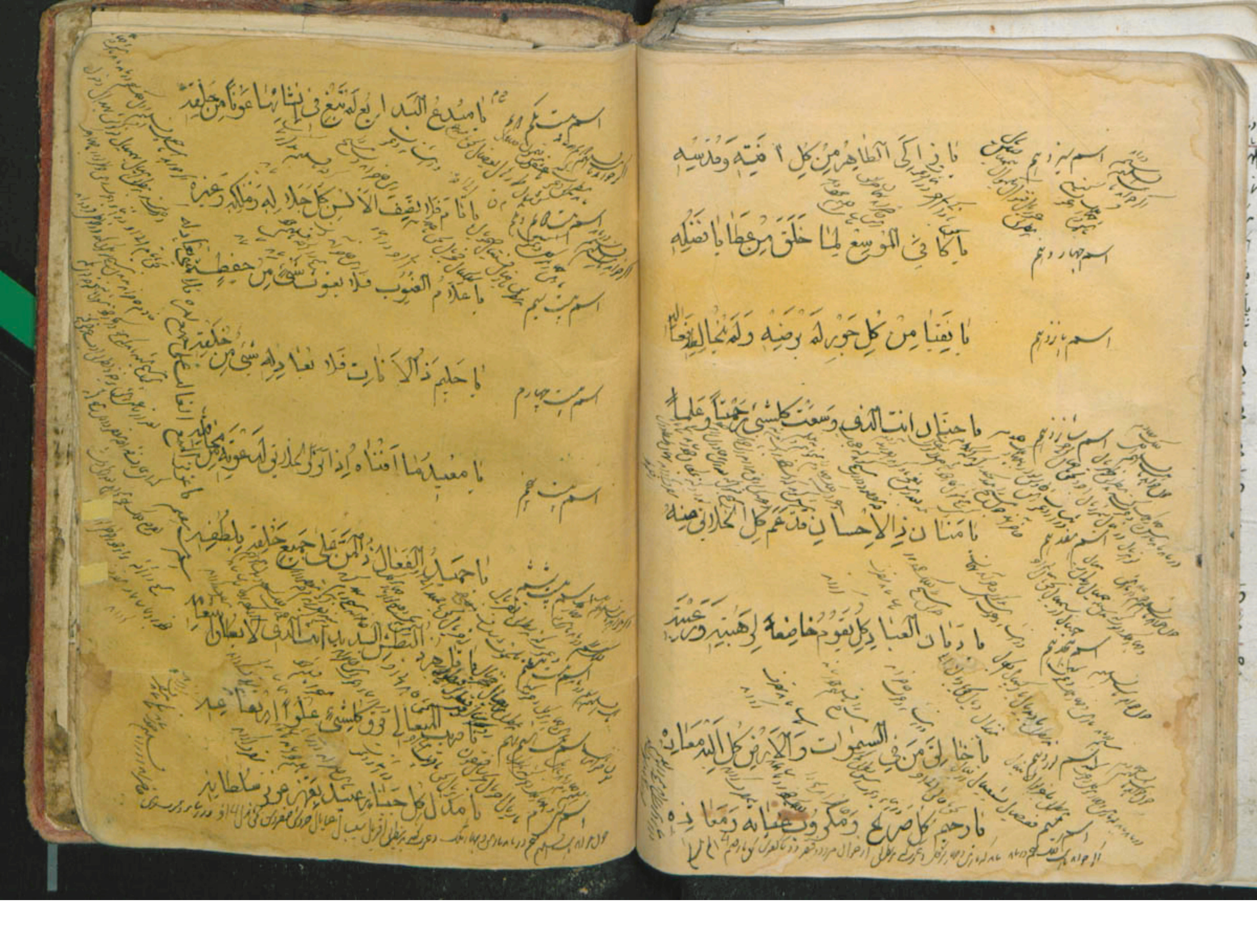
سبحانک لا اله الا انت یا رب کل شیء ووارثه ورازقه وراحمه

یا رفیع جلاله

یا الله المحمود فی کل فعاله

یا رحمن کل شیء وراحمه

یا حی حین لا حی فی دیمومة ملکه وبقائه



يا زاكي الطاهر من كل آفة بقدسه

يا كافي الموسع لما خلق من عطايا فضله

يا نقيا من كل جور لم يرضه ولم يخالطه فعاله

يا حنان انت الذي وسعت كل شيء رحمة وعلما

يا منان ذا الاحسان قد عم كل الخلائق منه

يا ديان العباد كل يقوم خاضعا لرهبته ورغبته

يا خالق من في السموات والارض كل اليه معاده

يا رحيم كل صريخ ومكروب غياثه ومعاذه

يا مبدع البدائع لم تبغ في انشائها عونا من خلقه

يا [illegible] الانس كل جلاله وملكه وعزه

يا علام الغيوب فلا يفوت شيء من حفظه

يا حليم ذا الاناة فلا يعادله شيء من خلقه

يا معيد ما افناه اذا برز الخلائق لدعوته من مخافته

يا حميد الفعال ذا المن على جميع خلقه بلطفه

يا [illegible] الذي لا يطاق انتقامه

يا [illegible] المتعالي فوق كل شيء علو ارتفاعه

يا مذل كل جبار عنيد بقهر عزيز سلطانه

[illegible]

اسم ... يا نور كل شيء وهداه انت الذي فلق الظلمات نوره

[illegible]

اسم ... يا عالي الشامخ فوق كل شيء علوّ ارتفاعه

[illegible]

اسم ... يا قدوس الطاهر من كل سوء فلا شيء يعادله من خلقه

[illegible]

اسم ... يا مبدئ البرايا ومعيدها بعد فنائها بقدرته

[illegible]

اسم ... يا جليل المتكبر على كل شيء فالعدل امره والصدق وعده

[illegible]

اسم ... يا محمود فلا تبلغ الاوهام كل شأنه ومجده

[illegible]

اسم ... يا كريم العفو ذا العدل انت الذي ملأ كل شيء عدله

[illegible]

اسم ... يا عظيم ذا الثناء الفاخر والعز والمجد والكبرياء فلا يذل عزه

[illegible]

اسم ... يا عجيب المجيب المتداني دون كل شيء قربه

[illegible]

اسم ... يا عجيب الصنائع فلا تنطق الالسن بكل آلائه وثنائه ونعمائه

[illegible]

اسم ... يا غياثي عند كل كربة ومجيبي عند كل دعوة ومعاذي عند كل شدة

ويا رجائي حين تنقطع حيلتي

دعوت ... [illegible]

وجود ... [illegible]

حال ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در ... [illegible]

ب ت ث ... ج ح خ ... د ذ ... ش ...

... ط ظ ... ع غ ... ف ق ... ک ... ل ... م ...

ن ... و ... ه ... ی ... [illegible]

اسم اعظم ... [illegible]

... [illegible]

[illegible] حکم [illegible]

[illegible]

[illegible] دعوت [illegible]

[illegible] مقدم [illegible]

بدین سند شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم سبحانک لا اله الا انت یا رب کل شیء ووارثه ورازقه وراحمه یا حی لا اله [illegible] فی دیمومیة ملکه وبقائه یا غیاثی عند کل کربة ومجیبی عند کل دعوة ومعاذی عند کل شدة ورجائی حین تنقطع حیلتی [illegible]

[illegible] اسم [illegible]

[illegible] دعوت [illegible]

[illegible] هزار [illegible] اصل [illegible]

[illegible] دعوت [illegible]

[illegible] دعوت اسم اول سبحانک لا اله الا انت یا رب کل شیء ووارثه

ورازقه وراحمه [illegible] اسم [illegible] حرف [illegible]

[illegible] هزار [illegible]

[illegible] هزار [illegible]

[illegible]

[illegible] فصل [illegible] دعوت [illegible]

[illegible] دعوت

[illegible]

[illegible] دعوت [illegible]

[illegible] اسم [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] حروف [illegible]

[illegible] الحق [illegible]

[illegible] حروف [illegible]

[illegible] حروف [illegible] دعوت [illegible]

[illegible] دعوت [illegible]

[illegible] در موضع [illegible]

[illegible]

[illegible] اسم اعظم [illegible]

[illegible] دعوت [illegible] اسم [illegible]

[illegible] حرف [illegible]

[illegible] الف [illegible]

الف میم ع لام فی یی میم ب ف
۱۱ ۹۰ ۲۰ ۷۱ ۹۰ ۲۰ ۹۰ ۲۰ ۲ ۱۰



حي يي يي ي ٨٠ خي يي يي ي ٢١٧ دال الف لام ٢١٣ دال

الف لام ٢٨٥ ري يي يي ي ٩٧ زي يي يي ي ٢٥٢ سي

يي نون يي ٤٩٦ شين يي نون ي ٢٤١ صاد الف دال ٩٥١ صاد

الف دال ٨٩ طي يي يي ي ٩٩٠ ظي يي يي ي ٢٥٥ عين يي

نون يي ١١٩٦ غين يي نون ي ٣٩٣ ١٦ كي يي يي ي ٣٩٢ قاف

الف في يي ٢٧٣ كاف الف في يي ٣١٢ لام الف ميم ٢٢٥

ميم يي ميم يي ٢١٠ نون واو نون ١٣٧ واو الف واو ١٢٧ هي يي يي ي

٩٠ ها يي يي ي هست و حروف نورانيه [illegible] شده است [illegible] اعظم را فايده

مذكور [illegible] مجموع حروف اسم [illegible] [illegible] عدد آن موافق

حديث [illegible] ١٤٣١ [illegible] [illegible] كه مجموع آن ١٥٥٢٣ [illegible]

در [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] يا [illegible]

يا [illegible] سبحانك لا اله الا انت

ما [illegible] [illegible] الا آخره [illegible]

هر كه خواهد كه [illegible] [illegible] حروف [illegible] الفاظ [illegible]

٨٧

در بيان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] الانسان [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

حقيقت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] الله نور السموات والارض [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] عالم الغيب والشهادة [illegible] [illegible]

[illegible] عالم الغيب والشهادة [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

پوشیدن و غیره اگر شرطی از این شرایط فوت شود حضرت عظیم روی نماید بلکه بیم جان دارد ان اتفاق

جمیع درویشان است قدر از شروع دعوت سه روز روزه دارد و اگر چهل یا پنج روز از شنبه اگر

در خلا باشد از شنبه و اگر میسر گردد از یکشنبه ابتدا و صوم دارد این روزها کند چون شب چهارم

در آید طعام بخورد و وضو کند در گوشه قرار گیرد و بنشیند و با استغفار مشغول گردد و هم در آن گوشه قرار گیرد

چون آخر شب شود برخیزد و وضو کند به نیت تحیة الوضو بگذارد بعد از آن دو گانه دیگر به نیت کشف الله رب بگذارد و در نیت

نیت آن است اصلی لله تعالی رکعتین صلوة کشف الارواح متوجها الی جهة الکعبة الله اکبر بعده فاتحه

در هر دو رکعت والله غالب علی امره ولکن اکثر الناس لا یعلمون بخواند بعد از سلام هزار بار

بخواند و تکرار این آیه و آیه و آیه در حین خواندن توجه حاصل کند از توجه باطن مواظب است

خواهد شد به عنایت الله تعالی بعده در روز چهارم وقت طلوع آفتاب غسل پاک کند و تحیة الوضو بگذارد

در رکعت اول بعد فاتحه سوره شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة و اولو العلم قائما بالقسط لا اله الا

هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام با کلمه شهادت در رکعت دوم بعد فاتحه قال ربکم ادعونی

استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین با کلمه تمجید بخواند بعد از سلام

این آیه هفتاد و هفت بار بخواند و اذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا

دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلهم یرشدون از خدای مطلوب خود بخواهد بعد روح حضرت رسالت

و سایر انبیا عظام و عشره مبشره و سایر اصحاب کرام و جمیع شهدا [illegible]

[illegible] دو گانه [illegible] باید [illegible] ظاهر و باطن توجه کرده [illegible]

سوره فاتحه خوانده و ثواب در روح ایشان بخشد بعد از آن [illegible]

بخواند و فاتحه [illegible] خوانده خصوص ثواب [illegible]

[illegible] مقصد [illegible] آن حکم [illegible] الکن [illegible] اسم [illegible]

[illegible] این اسم [illegible] شده [illegible] اسماء [illegible] همه را [illegible] آمده

که [illegible] توفیق الهی [illegible] آورده [illegible] بصورت [illegible] اسم [illegible]

[illegible] صورت هر اسم [illegible] در عالم و آثار [illegible]

[illegible] جهان [illegible]

[illegible] اسماء [illegible] کرده [illegible] و الیه المرجع [illegible]

[illegible] عالم [illegible] همه [illegible]

[illegible] در مقام [illegible]

[illegible] حجاب [illegible] مقام [illegible] چون [illegible]

[illegible] الانسان [illegible]

[illegible] آغاز [illegible]

[illegible] الملک الیوم [illegible]

[illegible] الملک [illegible]

[illegible] آلهیت [illegible]

[illegible] همه [illegible] چون [illegible]

[illegible] شغل [illegible] ت م ق س م م ع ع ج م خ ب م غ ف

[illegible]

[illegible] حقیقت [illegible]

[illegible] یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیلة [illegible]

[illegible]

سبع شینین ... سوره ... نکرده و فاتحه خوانده بر وجه تمام متوجه شده و بعد از فاتحه بروح حضرت

سلطان الموحدین ادا کند بعد از آن فاتحه خوانده ... هفت کرت ... حضرت رسالت ... بعده ...

... اگر حاجت ... دیگر ... اذن بروح ... بعد از آن ... و در هر ... بعد از آن

سوره اخلاص ... یک کرت بخواند بعد از آن دو رکعت نماز ... دل بحضرت حق متوجه شود ... و بعده ...

... حق سبحانه و تعالی حاجت ... طلبد بعد از آن ... کرت اسم را بخواند ... و کرت ورد گوید بعده

دعوت شروع کند مقدار که ... اسم ... بخواند تا اتمام دعوت ...

... استجابت ... شروع کرد ... یا مفتح الابواب

یا مسبب الاسباب یا مقلب القلوب والابصار و یا دلیل المتحیرین و یا غیاث المستغیثین و یا مخرج ... الهی

... توکلت علیک یا رب ... آخری ... یا باسط ... الله

... بعد از اتمام ... دعوت ... شروط دعوت ... و اگر بعد از ...

... کند ... شرائط دعوت ...

... و منفصلا در هر فصلی ذکر کرده خواهد شد ... فصل اول در بیان ... حروف ...

... حروف ... استخراج ... اسماء — فصل دوم در بیان دعوت ... — فصل سیم در بیان

فصل چهارم در بیان دعوت ... — فصل پنجم در بیان دعوت کلمات ... — فصل ششم در بیان دعوت ...

فصل هفتم در بیان دعوت صراط المستقیم — فصل هشتم در بیان دعوت حق — فصل نهم در بیان دعوت ...

فصل دهم در بیان دعوت مجموعه ... — فصل یازدهم در بیان دعوت ... — فصل دوازدهم در بیان دعوت ...

فصل سیزدهم در بیان دعوت ... — فصل چهاردهم در بیان دعوت ...

حروف ... و بیان ... کلمات ... استخراج ...

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

... دعوت حروف ... اسماء ... و ...

... کند که ... حروف ... کدام حرف ... حروف ... در باید چهار ضلع کند ... ضلع ...

... حروف ... چهار ضلع ... چهار خانه ... بخشند ...

... آب ... دعوت ... که در کدام ضلع ... اول حرف ...

دعوت کند ... دعوت ... مراتب ...

... کند ... مرتبه ... و بعد از ...

... بحروف الف ب ... حروف ... اسماء ... ذات ...

... چون ... الف ... حروف ... اسماء ... صفات

... طریق دعوت حرف ... اسماء حروف ...

کند چون خواهد که دعوت حرف ... کند ... حرف اسماء ... که هیچ ...

اسم ... حرف ... اسم ... حرف ...

... چنانچه ... الف ... اسم ... دعوت حرف ... معلوم کرد ...

حرف ... الف ... بی ...

... حرف ... چون ...

... حروف ... اسم ...

... حرف ... نقش کند ... حرف ... اسم ...

... اسم ... دعوت ... اسم ... درجه ...

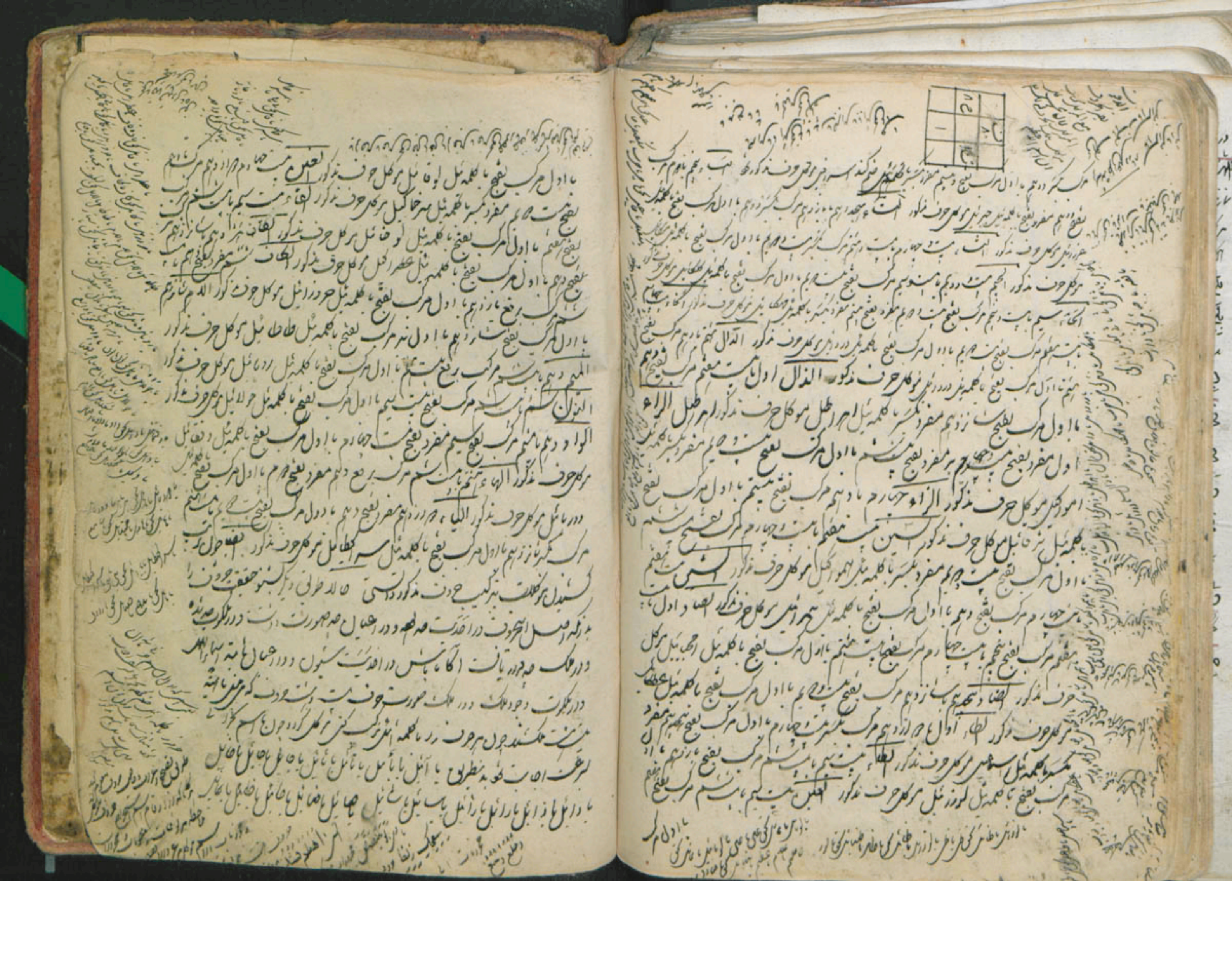
... دعوت ...

... کند ... دعوت ...

... حرف ... حروف ...

... اسم ... حرف ...

... اسم ... ترکیب ...



[illegible] ... بسم الله الرحمن الرحیم ... [illegible]

یا جلیل یا جمیل یا وکیل یا کفیل ... [illegible] ... الحمد لله رب العالمین [illegible]

مفردات هر کلمات [illegible] ... از اسماء الهی معلوم کند اول

هر اسمی از اسماء الهی [illegible] ... حرف اول هر اسم را جدا کند تا حروف [illegible]

از قلم کشیده [illegible] حرف کلمه اول اسم [illegible] ... اسماء اعظم [illegible]

حروف [illegible] ... حروف استخراج کند [illegible]

[illegible] ... از قلم [illegible] حروف [illegible]

[illegible] ... حروف [illegible]

[illegible] ... حروف [illegible]

اسم الله [illegible] ... یا هو یا اکمل و یا [illegible]

لا اله الا انت [illegible] ... دعوت [illegible]

[illegible] ... اسم [illegible]

[illegible] ... اسماء [illegible]

[illegible] ... حروف [illegible] ... اسم [illegible]

[illegible]

[illegible] ... اسم [illegible]

[illegible] ... اسم اعظم [illegible]

[illegible]

[illegible]

زحل ... مشتری ... مریخ ... شمس ... زهره ... عطارد ... قمر [illegible]

[illegible]

[illegible] معلوم کند از تمام اسم اعظم [illegible] ... اسم [illegible]

[illegible] ... دعوت [illegible] ... حروف مقطعات [illegible]

[illegible] ... اسماء اعظم [illegible]

طالبان [illegible] ... دعوت [illegible]

اسم اول [illegible] یا هو اکمل [illegible] سبحانک لا اله الا انت یا رب کل شیء [illegible]

[illegible] ... اسم [illegible]

[illegible] ... دعوت [illegible]

[illegible]

[illegible] ... اسم اعظم [illegible]

[illegible] ... اسم [illegible]

[illegible] ... حرف [illegible]

[illegible] ... اسم الله [illegible]

[illegible] ... حروف [illegible]

[illegible]

[illegible] ... اسماء [illegible]

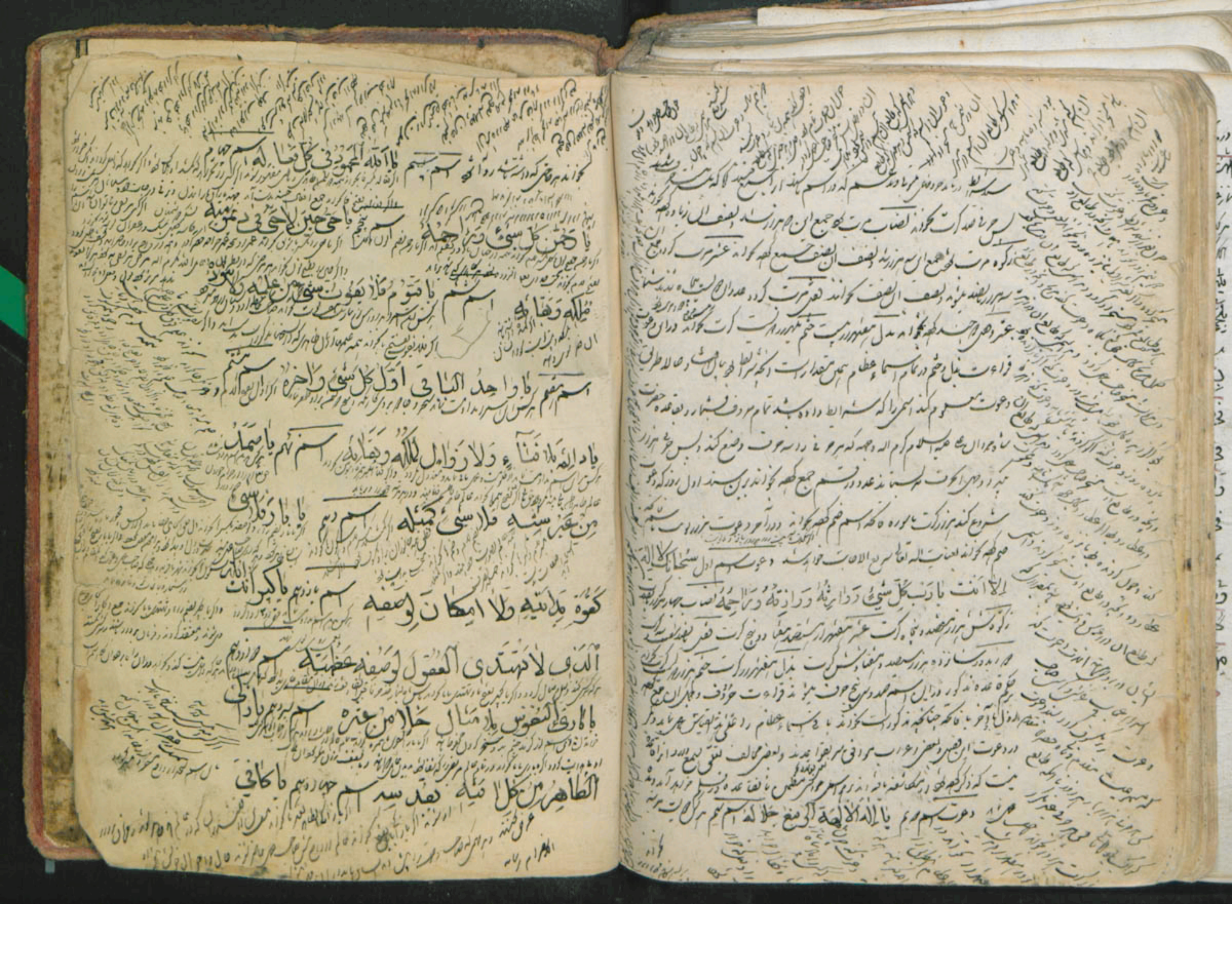
[illegible] ... دعوت [illegible]

[illegible] ... دعوت [illegible]

[illegible] ... حروف [illegible]

[illegible] ... حروف [illegible]

[illegible]



یا الله المحمود فی کل فعاله

یا رحمن کل شیء وراحمه

یا حی حین لا حی فی دیمومة ملکه وبقائه

یا قیوم فلا یفوت شیء من علمه ولا یؤوده

یا واحد الباقی اول کل شیء وآخره

یا دائم بلا فناء ولا زوال لملکه وبقائه

یا صمد من غیر شبه فلا شیء کمثله

یا بارئ فلا شیء کفوه یدانیه ولا امکان لوصفه

یا کبیر انت الذی لا تهتدی العقول لوصف عظمته

یا باری النفوس بلا مثال خلا من غیره

یا زاکی الطاهر من کل آفة بقدسه

یا کافی



الموسع كل خلق من عطائه بفضله يا نفاعا من كل
جود له برحمته ولم يخالطه له يا حنان أنت الذي
وسعت كل شيء رحمة وعلما يا منان ذا الإحسان
قد عم كل الخلائق منه يا ديان العباد كل يقوم
خاضعا لرهبته ورغبته يا خالق من في السموات
والأرض كل إليه معاده يا رحيم كل صريخ ومكروب
وغياثه ومعاذه يا تام فلا تصف الألسن كل
جلاله وملكه وعزه يا مبدع البدائع لم يبغ
في إنشائها عونا من خلقه يا علام الغيوب

فلا يفوت شيء من حفظه يا حليما ذا الأناة فلا
يعادله شيء من خلقه يا معيد ما أفناه إذا برز
الخلائق لدعوته من مخافته يا حميد الفعال
ذا المن على جميع خلقه بلطفه يا عزيز المنيع الغالب
على جميع أمره فلا شيء يعادله يا قاهر ذا البطش الشديد
أنت الذي لا يطاق انتقامه يا قريب المتعالي فوق
كل شيء علو ارتفاعه يا مذل كل جبار عنيد بقهر
عزيز سلطانه يا نور كل شيء وهداه أنت
الذي فلق الظلمات نوره يا عالي الشامخ فوق



كل شيء بعلو ارتفاعه يا قدوس الطاهر من كل آفة

فلا شيء يعادله من جميع خلقه بلطفه يا مبدئ البرايا

ومعيدها بعد فنائها بقدرته يا جليل المتكبر على

كل شيء فالعدل أمره والصدق وعده يا محمود فلا

تبلغ الأوهام كل شأنه ومجده يا كريم العفو ذا العدل

أنت الذي ملأ كل شيء عدله يا عظيم ذا الثناء الفاخر

والعز والكبرياء فلا يذل عزه يا عجيب

فلا تنطق الألسن بكل آلائه وثنائه يا غياثي عند كل كربة ومجيبي

عند كل دعوة ومعاذي عند كل شدة ويا رجائي حين تنقطع حيلتي





